تصویر ابو عبد الرحمن الكردي

Basket سبد

Apple سیب

+۶
سال

اولین

فرهنگ لغت من

نویسنده: سوزان میلر

مترجم: مریم عزیزی

A

Kitten
بچه گربه

R

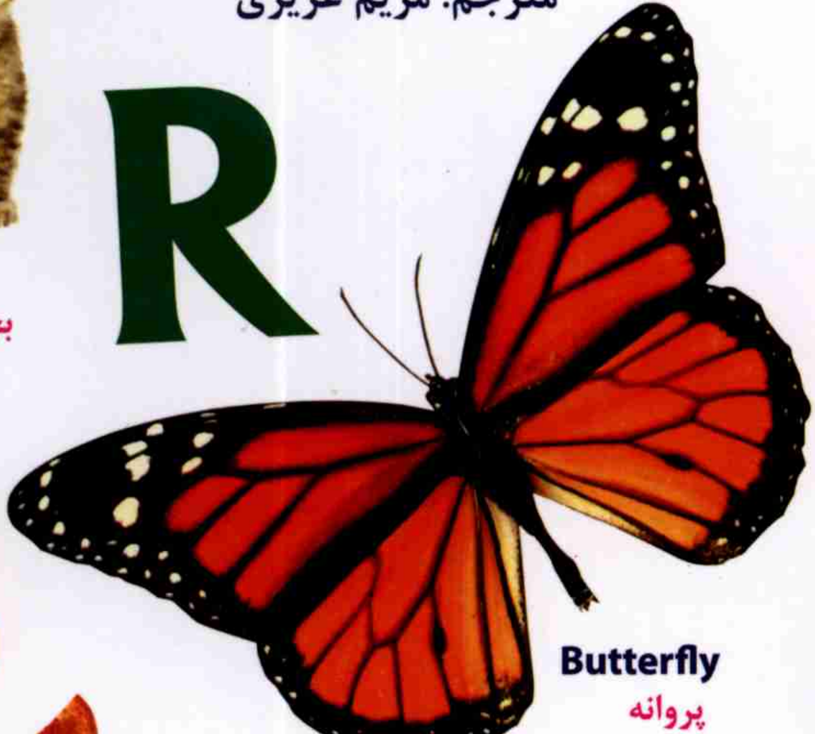

Gift
هدیه

B

Butterfly
پروانه

مهارت های خواندن
شناخت حروف
ساختار لغت
یادگیری لغات
همگام با تصاویر
به ترتیب حروف الفبا

+۶
سال

Jelly ژله

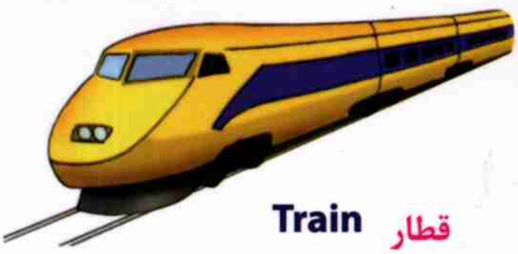

Train قطار

منتدي اقرأ الثقافي
www.iqra.ahlamontada.com

نشر سایه گستر

نام کتاب: اولین فرهنگ لغت من

- نویسنده: سوزان اندرسن میلر
- مترجم: مریم عزیزی
- گرافیست: مرجان کاظمی
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸
- شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
- قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال
- لیتوگرافی: سیب
- چاپ: شفق
- شابک: ۸-۲۵۷-۵۰۲-۹۶۴-۹۷۸

- آدرس: قزوین- چهارراه نادری
- تلفن: ۲۲۳۸۰۳۳-۲۲۳۵۳۰۵-۰۲۸۱
- Email: SayeGostar@yahoo.com

عنوان و پدیدآور	: میلر، سوزان اندرسن -۱۹۴۱م : Miller, susanA.
عنوان و پدیدآور	: اولین فرهنگ لغت من/ نویسنده سوزان میلر، مترجم: مریم عزیزی، گرافیست: مرجان کاظمی
مشخصات نشر	: قزوین: سایه گستر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ص.: مصور (رنگی).
شابک	: ۸-۲۵۷-۵۰۲-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: نوان اصلی، My first dictionaryT c۲۰۰۳
موضوع	: زبان انگلیسی- واژه های جوانان- فارسی.
موضوع	: زبان انگلیسی- - واژه نامه ها- - فارسی.
شناسه افزوده	: عزیزی، مریم، -۱۳۴۹ ، مترجم.
شناسه افزوده	: کاظمی، مرجان، گرافیست.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ ۹۶ م ۲ ف/۱۶۴۵ PE
رده بندی دیویی	: فا ۴۲۳[ج]
شماره کتابخانه ملی	: ۱۱۳۰۹۸۵

چگونه از این فرهنگ لغت استفاده کنیم

چرا این فرهنگ لغت برای کودکان مفید است

این کتاب برای کودکانی نوشته شده است که به نحوه استفاده از کلمات و حروف علاقه نشان می‌دهند، همچنین برای کودکانی که تازه شروع به خواندن کرده‌اند و می‌خواهند مهارت‌های نوشتاری و هجی کلمات را در خود را تقویت نمایند. بچه‌ها ممکن است در ابتدا، با کمک تصاویر کتاب معانی را پیدا کنند. همان‌طور که مهارت‌های خواندن پدیدار می‌شوند، از بکار بردن فرهنگ لغت، هجی کلمات و جستجوی واژه‌ها لذت خواهند برد. این کتاب به نحوی برای کودکانی طراحی شده است که به تنهایی یا با کمک بزرگترها از آن استفاده کنند.

فرهنگ لغت چیست؟

فرهنگ لغت کتاب بسیار خاصی است. مانند کتاب‌هایی که اکثر بچه‌ها عادت به خواندنشان دادن دارند، داستان‌گو نیست. بلکه مملو از همه نوع اطلاعات درباره واژه‌هایی است که به بچه‌ها کمک می‌کند بخوانند، بنویسند یا خودشان داستان بگویند. کلمات این فرهنگ از منابع متفاوتی برگزیده شده است. بعضی از آن‌ها هر روزه استفاده می‌شوند، در حالی که سایر لغت‌ها ممکن است در تلویزیون شنیده یا دیده شوند. کلماتی درباره چیزهایی که بچه‌ها به آن‌ها علاقه دارند (نظیر حیوانات یا اسباب‌بازی‌ها) و کلماتی که معلم‌ها فکر می‌کنند بچه‌ها باید بدانند، در این کتاب وجود دارند.

کلمات در فرهنگ لغت متفاوت با کتاب‌های دیگر مرتب می‌شوند. کلمات در فهرستی عمودی و نه در عرض صفحه و در قالب جملات و پاراگراف‌ها قرار می‌گیرند. هنگامی که بدانید فرهنگ لغت چگونه طراحی شده،استفاده از آن آسان است. بیایید تا نگاهی به جزئیات این کتاب بیاندازیم.

چگونه کلمات را پیدا کنیم؟

از آنجایی که لغات بسیاری در فرهنگ لغت وجود دارند ممکن است، خوانندگان نوجوان هنگام یافتن کلمه خاصی به راحتی سردرگم شوند. خوشبختانه، همه کلمات به ترتیب حروف الفبا مرتب شده‌اند. درست مانند الفبا حرف A ابتدا می‌آید و کلماتی که با حرف B شروع می‌شوند در مکان بعدی هستند. کلماتی که با Z شروع می‌شوند در انتهای لغت نامه جای می‌گیرند.

در بالای هر صفحه این لغت نامه، دو امکان وجود دارد. ممکن است به طور مثال حرف D نوشته شده باشد، به این معنی که فهرست همه کلماتی که با حرف D شروع می‌شوند از این صفحه آغاز می‌شود.

یا ممکن است در بالای صفحه دو کلمه راهنما مثل ask-ax داشته باشیم. این مثال نشان می‌دهد که کلمه ask در ابتدای صفحه و ax در انتهای صفحه وجود دارد. این کلمات همچنین ترتیب الفبایی لغات را مشخص می‌کنند. آن‌ها به خوانندگان کمک می‌کنند تا هنگامی که در جستجوی لغت خاصی هستند توجه خود را محدود به بخش خاصی نمایند.

در کنار هر صفحه، الفبای انگلیسی به ترتیب از اول تا آخر نوشته شده است. این موضوع به بچه‌ها کمک کند تا زمان جستجوی لغات ترتیب حروف الفبا را بدانند. هنگام شروع حرفی جدید، پیکانی در کنار آن حرف در قسمت ستون الفبایی کنار صفحه قرار دارد. بدین صورت مشخص می‌شود که صفحه با چه حرفی آغاز شده است. بچه‌ها می‌توانند به دنبال لغت خاصی که می‌خواهند بیشتر درباره آن بدانند باشند. آن‌ها می‌توانند به فهرست کلماتی که درشت و پر رنگ چاپ شده‌اند نگاه کنند. این کلمات مدخل نامیده می‌شوند و به خواننده املای صحیح کلمه‌ای را که می‌خواهند استفاده کنند نشان می‌دهند.

بچه‌ها مطمئناً برای یافتن مدخل‌ها باید از ترتیب حروف الفبا استفاده کنند. ابتدا، باید به حرفی که کلمه با آن شروع می‌شود توجه نمایند. به طور مثال، leaf با حرف L شروع می‌شود. ابتدا خواننده باید به دنبال قسمت L بگردد و سپس به حرف بعدی کلمه نگاه کند وآنگاه به دنبال حروف بعدی کلمه بگردد.

بنابراین حروف le را پیدا خواهد کرد. بعد باید به کلماتی که با le شروع می‌شوند توجه کند تا leaf را بیابد. بعضی اوقات، ممکن است ناچار شوند به حرف سوم کلمه به طور مثال lea رجوع نمایند.

استفاده از معانی کلمات

معمولاً معنی لغات دریکی، دو جمله، حاوی اطلاعاتی درباره آن کلمه ارایه شده است. بعضی از کلمات بیش از یک معنی دارند و می‌توانند به شیوه‌های متفاوتی استفاده شوند. معانی مختلف کلمه جداگانه بیان و شماره‌گذاری شده‌اند.

اغلب پس از تعریف جملها مثال قرار دارد. بدین صورت خواننده می‌تواند کاربرد کلمه را در جمله هم مشاهده کند. غالباً برای توضیحات بیشترتصویری درباره چگونگی استفاده از کلمه نیز وجود دارد.

چگونگی بکار بردن کلمات

بعضی اوقات لغات بسته به چگونگی استفاده، دارای املای متفاوتی هستند.

به طور مثال، rests و resting از کلمه rest می آیند ولی به طور متفاوتی نوشته می‌شوند زیرا استفاده آن‌ها در جمله فرق دارد. کلماتی که به بیش از یک اشاره چیز دارند، جمع نامیده می‌شوند. اکثر کلمات با افزودن s جمع بسته می‌شوند (doll, dolls)، اما لغاتی نیز وجود دارند که صورت جمع خاصی دارند، به طور مثال، جمع کلمه mouse ، mice است. کلمات دیگر با اضافه کردن es به کلمه جمع بسته می‌شوند (church, churches). در تعدادی از کلمات، y آخر کلمه هنگام جمع بستن تبدیل به ies می‌شود (story, stories). در این کتاب با جمع بستن کلمات آشنا خواهید شد. بعضی اوقات درست در زیر کلمه مدخل، جمع کلمه در داخل پرانتز() نوشته شده‌است. البته کلماتی که با اضافه کردن s جمع بسته می‌شوند ذکر نمی شوند بلکه تنها کلماتی که جمع آن‌ها به طریق دیگری است، در میان پرانتزها ذکر می‌شوند. کلمات دیگر زمان افعال را شرح می‌دهند. بسته به چگونگی استفاده از افعال، املای آن‌ها نیز تغییر می کند. گاهی وقتی که کسی درباره چیزی که در گذشته یا حال اتفاق افتاده صحبت می‌نماید، بعضی اوقات املای لغت تغییر پیدا می‌کند. به طور مثال، looks, looked, looking, goes, went, gone, going, look, go. در این فرهنگ، زمان هر کلمه در میان پرانتز نوشته شده‌است که چگونگی استفاده‌از فعل را در زمان گذشته، حال و یا در حال انجام نشان می‌دهد.

به طور مثال فعل say همراه با (says ، said ، saying) می‌آید.

املای بعضی از کلماتی که برای مقایسه به کار می‌روند نیز تغییر می‌کند. بسیاری از اوقات برای مقایسه کلمات با اضافه کردن er و est به کلمه، به ترتیب صفت برتر و برترین می‌سازیم (نظیر، fast, faster, fastest). کلمات مقایسه‌ای دیگری نیز وجود دارند که املای آن‌ها کلًا تغییر پیدا می‌کند (نظیر، good, better, best). کلمات داخل پرانتز نشان می‌دهند که کلمه در حالت برتر و برترین املای متفاوتی دارد.

و بالاخره، خوانندگان متوجه خواهند شد که اکثر کلمات با حروف کوچک شروع می‌شوند و بعضی از کلمات با حروف بزرگ آغاز می‌گردند. کلماتی برای اشاره به تعطیلات، نظیر Thanksgiving، روزها، مانند Monday و ماه‌ها نظیر ، November با حروف بزرگ شروع می‌شوند.

همه چیز آماده استفاده

این فرهنگ لغت وسیله جالبی برای کمک به بچه‌ها جهت کسب اطلاعات بیشتر حین استفاده از کلمات، خواندن، نوشتن، هجی کردن و گوش فرادادن به سخنان دیگران است. به خاطر داشته باشید بچه‌ها هنگامی که از طرف بزرگترها و معلم خود کمک می‌گیرند به بهترین نحوی مطالب را می‌آموزند. بنابراین زمان که نیاز به کمک دارند باید آن‌ها را کمک کرد.

A

a یک چیز. نامعین

They rode to school on a bus.

آنها با اتوبوس به مدرسه رفتند.

about تقریباً

Four cookies are about a handful.

چهارعدد شیرینی حدوداً یک مشت شیرینی می‌شود.

- بعضی اوقات about به معنای اطراف می‌باشد.

The children are playing about.

بچه‌ها در این اطراف مشغول بازی هستند.

above

بالاتر از چیزی- بالای

The pear is above the lemon.

گلابی در بالای لیمو قرار دارد.

acorn بلوط

بلوط، نوعی میوه مغزدار است که بر روی درخت بلوط رشد می‌کند.

Squirrels like to eat acorns.

سنجاب‌ها دوست دارند بلوط بخورند.

across

گذشتن از سویی به سوی دیگر- آن سوی

The boy walked across the road.

پسر به آن سوی جاده رفت.

act

(act ، acted ، acting)

هنگامی که مردم در نمایشی شرکت می‌کنند در آن بازی می‌کنند.

The boys were acting like knights in the play.

پسرها در نمایش نقش شوالیه را بازی می‌کردند.

action کار ،عمل یا انجام چیزی است.

Running is a very fast action.

دویدن عمل بسیار سریعی است.

add جمع کردن

(adds ، added ، adding)

If you add things, you put them together.

اگر چیزی را جمع کنید، آنها را کنار هم قرار می‌دهید.

You add one block on top of another to build a tower.

برای ساخت برج آجری را بر روی آجر دیگر اضافه می‌کنید.

address نشانی

(addresses)

An **address** tells people where you live.

نشانی می‌گوید که کجا زندگی می‌کنید.

You write an address on a letter before you mail it.

قبل از پست کردن نامه، نشانی را بر روی آن می‌نویسید.

adult بزرگسال

An adult is a grown up person such as your teacher.

بزرگسال شخص بالغی مانند معلم شما است.

afraid
ترسیده

If you are **afraid,** you think something is bad or scary.

هنگامی که می‌ترسید که فکر می‌کنید چیزی بد یا ترسناک باشد.

after
بعد از ، بعداً

Most people eat breakfast **after** they wake up in the morning.

اکثر مردم هنگام صبح بعد از بیدار شدن صبحانه می‌خورند.

afternoon
بعد از ظهر. بعد از ساعت ۱۲ ظهر.

The **afternoon** is the part of the day that happens after the morning.

بعدازظهر بخشی از روز است که بعد از صبح اتفاق می افتد.

again
دوباره

The child asked to sing the favorite song **again**

بچه خواست که آهنگ مورد علاقه‌اش را دوباره بخواند.

against
When something is **against** another thing, it is touching it.

۱ - کنار، پهلوی.
هنگامی که چیزی در کنار چیزی دیگری قرار گرفته باشد آن را لمس می‌کند.

The pear leans **against** the lemon.

گلابی کنارلیمو قرار دارد.

۲ - معنی دیگر آن مقابل می‌باشد.

When you play a game, you are **against** the other players.

هنگامی که بازی می‌کنید، مقابل بازیکنان دیگر قرار دارید.

age
سن

Your **age** tells how old you are. Your **age** is the number of years you have been alive.

سن شما می‌گوید که چقدر بزرگ شده‌اید. سن‌تان تعداد سال‌هایی است که شما زندگی کرده‌اید.

ago
پیش، قبل.

You were a baby a long time **ago**.

خیلی وقت پیش نوزاد بودی.

ahead
جلو

When you are **ahead,** you are in front of something!

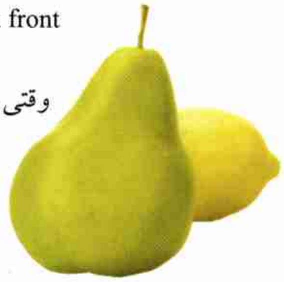

وقتی شما جلو هستید، در مقابل چیزی قرار دارید.

You win the race when you finish **ahead** of the other runner.

وقتی که جلوتر از دوندگان دیگر از خط پایان عبور کنید برنده مسابقه می‌شوید.

air
هوا

Air is a gas we breathe. The **air** is all around us.

هوا گازی است که ما تنفس می‌کنیم. هوا در اطراف ما وجود دارد.

airplane
هواپیما

An **airplane** is a machine that flies through the air. People can sit inside an **airplane** when they fly. An **airplane** has wings and an engine.

هواپیما ماشینی است که در هوا پرواز می‌کند. مردم هنگام پرواز داخل آن می‌نشینند. هواپیما بال و موتور دارد.

alarm
زنگ هشدار

An **alarm** is a sound that gets your attention for a reason.

زنگ هشدار صدایی است که توجه شما را به دلیلی جلب می‌کند.

When the **alarm** in a clock rings, it tells you it is time to wake up.

وقتی که ساعت زنگ می‌زند، به شما می‌گوید که وقت بیدار شدن است.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

album آلبوم

An **album** is a book that holds pictures. *You can put pictures of your family in a photo* ***album.***

آلبوم کتابی است که داخلش عکس گذاشته می‌شود. می‌توانید عکس‌های خانوادگی‌تان را داخل آلبوم عکس بگذارید.

alike شبیه به هم، مانند هم

If two things are **alike**, they are the same in some way.

اگر دو چیز شبیه هم باشند، در بعضی حالات مانند هم هستند.

An orange and an apple are **alike** because they are both fruit.

پرتقال و سیب به علت این که هر دو میوه هستند، مانند هم می‌باشند.

all همه

All of the cookies are round.

همه کلوچه‌ها گرد هستند.

alligator تمساح

An **alligator** is a scaly animal with a long mouth, sharp teeth, and a long tail. An **alligator** can swim in water or walk on land.

تمساح حیوانی با پوستی پولکدار است که دهانی کشیده، دندان‌های تیز و دمی بلند دارد. تمساح می‌تواند در آب شنا کند یا در خشکی راه برود.

almond بادام

An **almond** is a kind of nut with a light brown shell. Some candy bars contain **almonds.**

بادام نوعی میوه مغزدار، با پوسته قهوه‌ای روشن است. بعضی از شکلات‌ها حاوی بادام هستند.

almost تقریباً

You are **almost** tall enough to reach the window.

شما تقریباً آن قدر بلند هستید که دستتان به پنجره برسد.

alone تنها

When you are **alone**, you are not with other people.

وقتی که تنها هستید، همراه شخص دیگری نیستید.

along در طول، در امتداد

You have buttons **along** the front of your coat.

در امتداد خط جلوی کت شما دگمه وجود دارد.

alphabet الفبا

The **alphabet** has all the letters that make words. There are 26 letters from *A* to *Z* in the **alphabet.**

الفبا شامل همه حروفی است که کلمات را می‌سازند. انگلیسی از A تا Z ۲۶ حرف دارد.

already قبلاً، هم اکنون

You can have a dessert if you **already** ate your lunch.

اگر غذایتان را هم اکنون تمام کردید، می‌توانید دسر بخورید.

also به علاوه، همچنین

You may **also** get some pizza to go with your juice.

شما می‌توانید همراه با پیتزای خود آب میوه بخورید.

always
همیشه. همه وقت

You **always** get wet when you take a bath.

همیشه هنگام حمام کردن خیس می‌شوید.

am
هستم

(be, are, is, was, were, been, being)

هستم. یعنی کسی یا چیزی وجود دارد.

I **am** the best bike rider.

من بهترین دوچرخه سوار هستم.

among
درمیان. بین

The pear is **among** the lemons.

گلابی بین لیموها قرار دارد.

an
یک. یک چیز نامعین

You are eating **an** apple.

دارید سیب می‌خورید.

anchor
لنگر

An **anchor** keeps something in place.

لنگر چیزی را در مکانی نگه می دارد.

The heavy **anchor** sinks through the water to keep a ship from moving.

لنگر سنگین در آب فرو می رود و جلوی حرکت کشتی را آب می گیرد.

and
و

And is used to connect two things.

برای ارتباط دادن دو چیز استفاده می‌شود.

You need a ball **and** a bat to play baseball.

برای بازی بیسبال به راکت و توپ نیاز دارید.

angry
عصبانی

(angrier, angriest)

If you are **angry,** you feel mad and upset.

هنگامی که عصبانی هستید، احساس ناراحتی و آشفتگی می‌کنید.

animal
حیوان، جانور

An **animal** lives, moves, and breathes.

People, dogs, birds, and fish are ***animals.***

جانوران زندگی حرکت و تنفس می‌کنند. مردم، سگ‌ها، پرندگان و ماهی‌ها همه جزء جانوران می‌باشند.

another
یکی دیگر

Would you like **another** glass of milk?

آیا یک لیوان دیگر شیر میل دارید؟

answer

(answers, answered, answering)

When you **answer,** you talk to someone who asked you a question.

What you say or write down after a question is an **answer.**

- پاسخ دادن. هنگامی که پاسخ می‌دهید، با فردی صحبت می کنید که از شما سؤالی را پرسیده است.

- جواب. آن چه را که بعد از سؤال می‌نویسید یا می گویید جواب است.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

ant مورچه

An **ant** is a tiny crawling insect. Most **ants** live in tunnels underground.

مورچه حشره‌ای است که آهسته راه می‌رود. اکثر مورچه‌ها در تونل‌های زیرزمینی زندگی می‌کنند.

antenna آنتن

(antennae)

An **antenna** is part of a TV or radio. An **antenna** picks up signals that become sounds and pictures for you to hear and see.

آنتن بخشی از تلویزیون یا رادیو است. آنتن امواج را می‌گیرد و شما آن‌ها را به صورت صدا و تصویر می‌بینید و می‌شنوید.

any

Any means one is not more important than another. If you can chose **any,** it doesn't matter which one you choose.

- هر، هر کدام. یعنی چیزی مهم‌تر از دیگری نیست. اگر یک شی را از میان دو چیز یا بیشتر انتخاب کرده‌اید مهم نیست که کدام یک را انتخاب نموده‌اید.

You may pick any flower.

شما می‌توانید هر گلی را که خواستید بچینید.

- چیزی، مقدار نامشخص.

Is there any ice cream left?

آیا از بستنی چیزی باقی مانده است؟

anyone هرکسی

Anyone means one person is not more important than another.

هنگامی که شخص خاصی مورد نظر نیست.

You may pick **anyone** to play in your team.

می‌توانید هر کسی را که می‌خواهید برای تیم خود انتخاب کنید.

anything

Anything means one item is not more important than another.

۱- هر چیزی. یعنی یک چیز مهم تر از دیگری نیست.

You may play with **anything** in the toy box.

می‌توانید با هر اسباب بازی که در جعبه است بازی کنید.

۲- کاری، چیزی

Is there **anything** to do?

آیا کاری هست که انجام بدهم؟

ape بوزینه

An **ape** is a hairy animal that can stand up straight. An **ape** is like a big monkey without a tail.

بوزینه، حیوان پشمالویی است که می‌تواند صاف بایستد. بوزینه شبیه میمون بدون دم است.

apple سیب

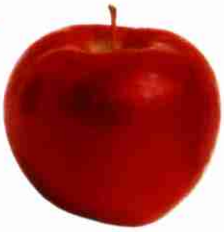

An **apple** is a fruit that grows on trees. An **apple** is juicy and crunchy with red, green, or yellow skin.

سیب میوه‌ای است که روی درخت رشد می‌کند. سیب، آبدار و ترد است و پوستی قرمز، سبز یا زرد دارد.

apricot زردآلو

An **apricot** is a sweet, juicy fruit that grows on trees. An **apricot** *is* yelloworange with a big pit inside.

زردآلو، میوه‌ای آبدارو شیرینی است که روی درخت رشد می‌کند. زردآلو به رنگ زرد و نارنجی است و هسته بزرگی در داخلش وجود دارد.

April ماه آوریل

April is the fourth month of the year. **April** is in the springtime.

ماه آوریل چهارمین ماه سال میلادی می‌باشد. آوریل در فصل بهار است.

apron پیش بند

An **apron** is a piece of clothing worn to keep your clothes clean.

پیش بند لباسی است که می‌پوشید تا لباس‌های شما را تمیز نگه دارد.

are هستند

(am, be, is, was, were, been, being)

You are going to school on the bus.

شما با اتوبوس به مدرسه می‌روید.

arm بازو

An arm connects shoulder and hands

۱-بازو. بازو، شانه و دست را به یکدیگر وصل می‌کند.

۲-اسلحه. مانند تفنگ یا شمشیر.

army ارتش

(armies)

An **army** is a large group of people who fight together.

ارتش گروه بزرگی از افراد است که با یکدیگر جنگ می‌کنند.

around

۱- اطراف.

If you walk **around** the playground, you go along all the sides of it.

اگر در اطراف زمین بازی قدم بزنی، به همه قسمت‌های آن می‌روی.

۲- نزدیک، حدود.

You might make a guess that it is **around** two o' clock.

ممکن است حدس بزنید ساعت حدود دو است.

arrow تیر

An arrow is a stick with a point on it. You use a bow to shoot an **arrow** at the target.

تیر، چوب نوک تیزی است. شما از کمان برای پرتاب تیر به سوی هدف استفاده می‌کنید.

art هنر، نقاشی

Something that someone has made, like a painting or drawing, is **art.**

چیزی که فردی خلق می‌کند، مانند نقاشی یا ترسیم، هنر است.

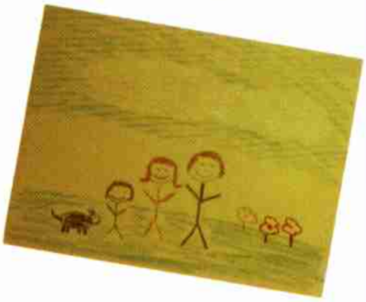

artist هنرمند

An **artist** is a person who draws, paints, or makes music.

هنرمند کسی است که رسم یا نقاشی می‌کند و یا موسیقی می‌سازد.

as مانند، مثل

You are pretty **as** a picture.

شما مانند تصویری زیبا هستید.

ask

(asks, asked, asking)

1 . If you **ask** a question, you want an answer or help. 2. If you **ask** for something, you are saying you want it.

۱ - پرسیدن. اگر سؤالی را می‌پرسید، جواب یا کمک می‌خواهید.
۲ - درخواست و یا تقاضا کردن. اگر چیزی را تقاضا می‌کنید، می‌گویید که آن را می‌خواهید.

asparagus — مارچوبه

Asparagus is a vegetable that grows in green or white spears.

مارچوبه گیاهی با ساقه نیزه مانند سبز یا سفید است.

astronaut — فضانورد

An **astronaut** is a person who goes into space. An **astronaut** wears a special suit and helmet.

فضانورد شخصی است که به فضا سفر می‌کند. فضانورد، لباس مخصوص و کلاه ایمنی به تن می‌کند.

at — در، از.

At indicates a point in time or a place.

اشاره به نقطه‌ای در زمان یا مکان دارد.

We will meet at one o'clock **at** the park.

ساعت یک در پارک ملاقات خواهیم کرد.

athlete — ورزشکار

An **athlete** is a person who plays sports. **Athletes** can run, jump, and move around very well.

ورزشکار کسی است که ورزشی را انجام می‌دهد. ورزشکار می‌دود، می‌پرد و بسیار خوب حرکات ورزشی را انجام می‌دهد.

August — ماه آگوست

August is the eighth month of the year.
August occurs in the summer.

آگوست هشتمین ماه سال میلادی است. آگوست در فصل تابستان قرار دارد.

aunt — خاله، عمه، زن عمو، زن دایی.

My **aunt** is a great cook.

خاله من آشپز ماهری است.

avocado — آووکادو

An **avocado** is a green or purple fruit that grows on trees. When ripe, an **avocado** is soft inside.

آووکادو میوه سبز یا بنفش رنگی است که روی درخت رشد می کند. وقتی که این میوه رسیده باشد، داخلش نرم است.

away — دور، جایی، یک جایی

If you are **away** from someplace, you are somewhere else.

اگر از مکانی دور شوید، در جای دیگری هستید.

We will go **away** on vacation.

ما تعطیلات جایی خواهیم رفت.

ax — تبر

(axes)

An ax is a tool with a long handle and sharp blade.
You can chop wood with an ax.
An ax is also a tool used by firefighters.

تبر وسیله‌ای با دسته بلند و تیغه‌ای تیز است. می‌توانید با کمک تبر چوب را خرد کنید. یک تبر همچنین وسیله‌ای است که ماموران آتش نشانی از آن استفاده می‌کنند.

B

baby نوزاد

(babies)

A **baby** is a very young child.

نوزاد، بچه‌ای بسیار کم سن و سال است.

back

(backs, backed, backing)

۱- عقب رفتن.

If you **back** up your toy car, you move it behind the place where it was.

اگر ماشین اسباب‌بازی‌تان را عقب ببرید، آن را به پشت جایی که قبلاً قرار داشته است حرکت می‌دهید.

۲- پشت. پشت شما بخشی از بدن شما است که زیر گردن‌تان قرار دارد.

Your **back** is the part of your body below your neck.

۳- عقب، به پشت.

The teacher wants you to move your desk to the **back** of the room.

معلم می‌خواهد که میز تحریرت را به عقب کلاس ببری.

backpack کوله پشتی

A **backpack** is a bag you wear on your back. You carry things like books and clothes in your **backpack.**

کوله پشتی کیفی است که بر روی پشتتان می‌اندازید. چیزهایی مانند کتاب و لباس را داخل کوله پشتی حمل می‌کنید.

bad

(worse, worst)

1. If someone misbehaves, he is being naughty or **bad.**
2. If food is too old or not good to eat, it is **bad.**

۱- بد. اگر کسی رفتار بدی داشته باشد، شخص بد یا نافرمانی می‌باشد.

۲- فاسد. اگر غذایی زیاد بماند یا قابل خوردن نباشد فاسد شده است.

badge درجه، نشان مخصوص یک شغل

A **badge** may have the person's name or let you know about her job, like being a police officer.

درجه ممکن است حاوی نام یک شخص باشد یا شغل او را (مانند افسر پلیس) نشان دهد.

bag کیف، پاکت

A **bag** is used to hold and carry things. **Bags** are made of paper, cloth, plastic, or leather.

کیف برای نگه داشتن و حمل چیزها استفاده می‌شود. کیف‌ها از کاغذ، پارچه، پلاستیک یا چرم ساخته می‌شوند.

bagel بِیگل

A **bagel** is a kind of bread shaped like a donut.

بِیگل نوعی نان شبیه پیراشکی است.

bake پختن

(bakes, baked, baking)

You cook foods, such as bread or cookies.

شما غذاهایی، نظیر نان یا شیرینی را می‌پزید.

We **baked** a birthday cake.

ما یک کیک تولد پختیم.

baker نانوا

A **baker** is someone who cooks bread in the oven.

نانوا کسی است که با استفاده از فر یا تنور نان می‌پزد.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

ball

1. A **ball** is a round toy you roll, bounce, hit, throw, or catch.

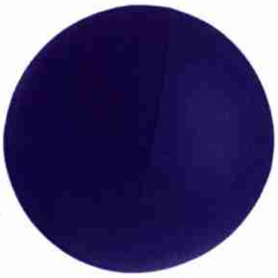

۱ - توپ. توپ اسباب بازی گردی است که می‌چرخانید، بالا و پایین می‌اندازید، به آن ضربه می‌زنید و پرتاب می‌کنید و می‌گیرید.
۲ - مهمانی.

balloon — بادکنک

A **balloon** is a thin rubber or plastic bag that gets bigger when filled with air. Some balloons can float in the air.

بادکنک کیسه‌ای پلاستیکی یا لاستیکی است که وقتی با هوا پر شود بزرگتر می‌گردد. بعضی از بادکنک‌ها می‌توانند در هوا شناور شوند.

banana — موز

A **banana** is a long, curved fruit. A **banana** has yellow skin and a soft, white, tasty inside.

موز میوه‌ای بلند و منحنی شکل است. رنگ پوست موز زرد است و داخلش نرم ،سفید بوده و خوشمزه است.

band

1. A **band** is a group of people who play music together. 2. A **band** is a thin piece of material that goes around something.

۱ - گروه. گروهی از افراد که با یکدیگر موسیقی می‌نوازند.
۲ - باند. باند تکه پارچه‌ای نازک است که به دور چیزی بسته می‌شود.

bandage — چسب زخم

A **bandage** covers a cut or a sore to keep it clean.

چسب زخم، روی بریدگی یا زخم را می‌پوشاند تا آن را تمیز نگه دارد.

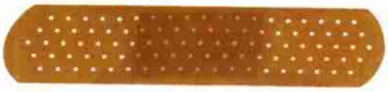

banjo — بانجو

A **banjo** is a musical instrument with strings you play with your fingers.

بانجو، نوعی وسیله موسیقی دارای تار است که با انگشت نواخته می‌شود.

barn — انبار، طویله

A **barn** is a big building on a farm where the farmer keeps animals, hay, and machines.

ساختمان بزرگی در مزرعه است که کشاورزان حیوانات، علوفه و ماشین‌آلات خود را در آن جا نگهداری می‌کنند.

barrette — سنجاق سر

A **barrette** is a clip to keep your hair in place.

سنجاق سرگیره‌ای است که موی سر شما را سر جای خود نگه می‌دارد.

baseball

1. A **baseball** is a hard ball the size of an apple.
2. **Baseball** is a game played by two teams with a ball and bat.

۱ - توپ بیسبال توپ سفتی به اندازه یک سیب است.
۲ - بیسبال نوعی بازی است که توسط دو تیم، یک توپ و یک راکت انجام می‌شود.

basket — سبد

A **basket** is used to hold or carry things. **Baskets** often have handles and are made of straw or sticks.

سبد برای نگه داشتن و حمل چیزها استفاده می‌گردد. سبدها اغلب دسته دارند و از گیاه نی یا چوب ساخته می‌شوند.

basketball
بسکتبال

1. A **basketball** is a big ball that bounces. 2. In the game **basketball**, two teams try to throw the ball through a hoop.

۱ - توپ بزرگی است که هنگام زدن به زمین به بالا و پایین می‌جهد.
۲ - بازی بسکتبال. در بازی بسکتبال دو تیم سعی دارند توپی را داخل حلقه پرتاب کنند.

bass
ماهی خاردار

(bass)

A **bass** is a spiny-finned fish that swims in lakes and rivers.

ماهی خاردار ماهی‌ای با باله‌های تیغ‌دار است که در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها شنا می‌کند.

bat

1. A **bat** is a stick used to hit a ball.
2. A **bat** is a small animal with wings that flies at night and sometimes lives in a cave.

۱ - چوب بازی، راکت. چوبی است که با آن به توپ ضربه زده می‌شود.
۲ - خفاش. خفاش حیوان کوچک بالداری می‌باشد که هنگام شب پرواز می‌نماید و بعضی اوقات در غار زندگی می‌کند.

bath
حمام کردن

When you take a **bath**, you wash your body with water.

وقتی که حمام می‌کنید بدن خود را با آب می‌شویید.

bathroom
حمام

A **bathroom** is a place with a sink and toilet and sometimes a tub or shower.

حمام مکانی دارای سینک دستشویی، توالت و بعضی اوقات وان و یا دوش می‌باشد.

bathtub
وان حمام

A **bathtub** is something you fill up with water and then sit in to wash yourself.

وان حمام وسیله‌ای است که داخل آن را آب پر می‌کنند و سپس داخل آن نشسته و خود را می‌شویید.

battery
باطری

(batteries)

A **battery** gives something the energy it needs to work. A **battery** makes a toy work without plugging it in.

باطری انرژی مورد نیاز برای کار کردن وسیله‌ای را فراهم می‌کند.
باطری باعث راه افتادن اسباب بازی، بدون اتصال آن به برق می‌شود.

be
بودن

(am, are, is, was, were, been, being)

نشان می‌دهد که چیزی اتفاق افتاده و وجود دارد.

You can **be** a good baseball player if you practice.

اگر تمرین کنی می‌توانی به بازیکن خوبی در بازی بیسبال تبدیل شوی.

beach
ساحل

(beaches)

A **beach** is a sandy place by the sea or a lake. You can swim and play at the **beach.**

ساحل مکانی شنی کنار دریا یا دریاچه است. کنار ساحل می‌توانید بازی و شنا کنید.

bean
لوبیا

A **bean** is a kind of seed inside a vegetable. People eat many kinds of beans-kidney, lima and green beans.

لوبیا نوعی دانه است که داخل پوشش سبزی قرار دارد. مردم انواع لوبیا مانند لوبیای قرمز، لوبیای آمریکایی و لوبیا سبز را می‌خورند.

bear
خرس

A **bear** is a large furry animal. Many **bears** sleep all winter.

خرس حیوانی بزرگ و پشمالو است. بسیاری از خرس‌ها تمام زمستان را می‌خوابند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

beard ریش

A **beard** is the hair that grows on a man's chin and cheeks.

ریش مویی است که روی چانه و گونه مرد می‌روید.

beat

(beats, beat, beaten, beating)

1. If you **beat** someone in a race, you win.
2. If you hit something over and over, you **beat** it.
3. The rhythm in music is the **beat.**

۱- شکست دادن. اگر کسی را در مسابقه شکست دهید، برنده می‌شوید.
۲- کوبیدن. اگر به چیزی را مکرر ضربه بزنید، آن را می‌کوبید.
۳- ضرب، ریتم (در موسیقی).

beautiful زیبا، قشنگ

If something is **beautiful,** it is lovely to see, to hear, or to smell.

اگر چیزی زیبا باشد، دیدن، شنیدن و یا بوییدن آن دوست داشتنی است.

beaver سگ آبی

A **beaver** is a furry animal with a flat tail and strong front teeth. **Beavers** build dams in streams.

سگ آبی حیوانی پشمالو است که دم صاف و دندان‌های جلویی قدرتمندی دارد. سگ‌های آبی در نهرها سد می‌سازند.

because زیرا

Because tells the reason for something.

You are going to the store **because** you have run out of milk.

دلیل چیزی را می‌گوید.

شما به فروشگاه می‌روید زیرا شیر ندارید.

become شدن، تبدیل به چیزی شدن.

(becomes, became, becoming)

If you eat vegetables, you will **become** strong.

اگر سبزیجات بخورید، قوی خواهید شد.

bed تخت‌خواب

A **bed** is a soft place to lie down and rest or sleep.

تخت‌خواب مکان نرمی است که بر روی آن برای استراحت یا خوابیدن دراز می‌کشید.

bee زنبور

A **bee** is a small, flying, black-and-yellow insect that makes honey. If a **bee** gets angry, it might sting you.

یک زنبور حشره کوچکی است که پرواز می‌کند و بال‌های سیاه و زردی داشته و عسل می‌سازد. اگر زنبور عصبانی شود ممکن است شما را نیش بزند.

beet چغندر

A **beet** is a garden vegetable. People eat the red root of a **beet.**

چغندر جزء سبزیجات است. مردم ریشه قرمز آن را می‌خورند.

beetle سوسک

A **beetle** is a tiny insect with six legs. A **beetle** has hard wings.

سوسک حشره کوچکی است که شش پا دارد. سوسک بال‌های سخت و محکمی دارد.

before

۱- پیش از. یعنی زودتر از زمانی.

You got to school **before** I did.

تو پیش از من به مدرسه رفتی.

۲- قبل از

The number one comes **before** two when you are counting.

هنگام شمارش اعداد، شماره یک قبل از شماره دو می‌آید.

begin شروع یا آغاز شدن چیزی

(begins, began, begun, beginning)

He has **begun** a new book.

او شروع به خواندن کتاب جدیدی کرده است.

behind
پشت

If something is **behind** something else, it is at the back of it.

اگر جسمی پشت جسم دیگری قرار داشته باشد، در پشت سر آن است.

The pear is behind the lemon.

گلابی در پشت لیمو قرار دارد.

believe
اعتقاد و باور داشتن

(believes, believed, believing)

If you **believe** somebody, you feel he tells the truth.

اگر به کسی اعتقاد دارید، احساس می‌کنید که حقیقت را می‌گوید.

bell
زنگ

If you hit a **bell,** it makes a sound. **Bells** are hollow and usually made of metal.

اگر به زنگی ضربه بزنید، صدایی ایجاد می‌کند. زنگ‌ها تو خالی هستند و معمولاً از فلز ساخته می‌شوند.

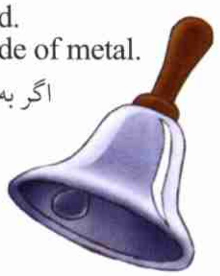

belong
تعلق داشتن

(belongs, belonged, belonging)

If something **belongs** to you, it is yours.

اگر چیزی متعلق به شما باشد، مال شماست.

below
زیر چیزی

The pear is **below** the lemon.

گلابی زیر لیمو قرار دارد.

belt
کمربند

A **belt** is a long strip of cloth or leather, that you wear around your waist.

کمربند نوار پارچه‌ای یا چرمی بلندی است که دور کمرتان می‌بندید.

bench
نیمکت

(benches)

A **bench** is a type of seat long enough for several people to sit on.

نیمکت نوعی صندلی است که به اندازه کافی برای نشستن چند نفر جا دارد.

beneath
پایین چیزی

The pear is **beneath** the lemon.

گلابی پایین لیمو قرار دارد.

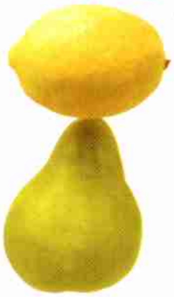

berry
میوه توت مانند

(berries)

A **berry** is a small, soft fruit with lots of seeds. There are many kinds of **berries**, such as blueberries, respberries, and strawberries.

میوه کوچک، نرم است که پر از دانه‌ای است. انواع گوناگون توت، نظیر تمشک، سیاه گیله و توت فرنگی وجود دارند.

beside
کنار - پهلوی

Beside means that something is next to a thing or person.
The pear is **beside** the lemon.

کنار یعنی چیزی پهلوی شیء یا شخصی قرار داشته باشد.
گلابی کنار لیمو است.

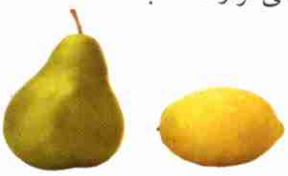

better

(good, best)

1. If you are feeling **better,** you are not as sick as you had been. 2. If you are good at something and practice hard, you will become **better** at it.

۱- بهبود. اگر حالتان بهتر شده باشد (بهبود پیدا کرده باشید)، به اندازه قبل مریض نیستید.
۲- بهتر. اگر در کاری موفق بوده و به شدت تمرین کنید، در آن کار بهتر خواهید شد.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

between — بین. در میان

The pear is **between** the lemons.

گلابی بین لیموها قرار دارد.

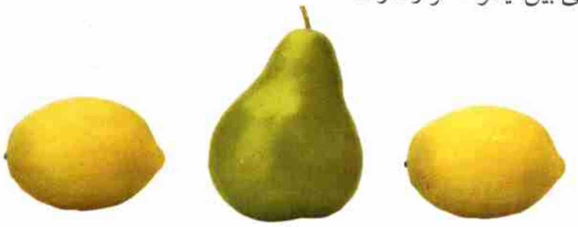

beyond — خارج از

If something is **beyond** reach, you are too far away from it to grab it.

وقتی چیزی خارج از دسترس است، یعنی دورتر از آن است که بتوانید آن را بدست بگیرید.

bib — پیش بند کودک

A **bib** is something a baby wears around his neck to keep food off his clothes.

پیش بند چیزی است که دور گردن کودک بسته می‌شود تا غذا روی لباس‌هایش نریزد.

bicycle — دوچرخه

A **bicycle** is a machine you can ride.
A **bicycle** has two wheels and a handlebar.
You sit on the seat of the **bicycle** and pedal with your feet to make it go.

دوچرخه وسیله‌ای است که روی آن سوار می شوید. دوچرخه دو چرخ و یک فرمان دارد. شما بر روی صندلی دوچرخه می‌نشینید و با پای خود رکاب می‌زنید تا حرکت نماید.

big — بزرگ

(bigger, biggest)

Big means something is not small.

بزرگ یعنی چیزی کوچک نیست.

binoculars — دوربین دوچشمی

Binoculars are special glasses that make far-away things look like they are closer.

دوربین دوچشمی دارای شیشه‌های ویژه‌ای است که باعث می‌شود اجسام دور دست نزدیک‌تر به نظر آیند.

bird — پرنده

A **bird** is an animal with a beak, wings, and feathers. Most **birds** can fly.

پرنده، حیوانی است که نوک، بال و پر دارد. اکثر پرنده‌ها می‌توانند پرواز کنند.

birth — تولد

A **birth** is the beginning of life when someone is born.

هنگامی که فردی به دنیا می‌آید، تولد شروع زندگی است.

bite

(bites, bit, bitten, biting)

When you **bite** into something, you cut or grab it with your teeth.

۱ - گاز زدن. هنگامی که چیزی را گاز می‌زنید، آن را با دندان‌های خود تکه کرده یا می‌گیرید.
۲ - لقمه. تکه‌ای غذا.

black — سیاه

Black is the darkest color of all.

سیاه از همه رنگ ها تیره‌تر است.

blanket — پتو

A **blanket** is a warm, thick cover for a bed.

پتو پوشش گرم و ضخیمی برای تخت‌خواب می‌باشد.

block

(blocks, blocked, blocking)

1. If something **blocks** your way, you can't get through. 2. A **block** is a toy made out of wood or plastic that you can build with.

۱ - راه بستن. اگر چیزی جلوی راه شما را بگیرد، شما نمی‌توانید عبور کنید.
۲ - لگو. لگو نوعی اسباب بازی است که از چوب یا پلاستیک ساخته شده است که با آن چیزی را می‌سازید.

blood — خون

Blood is a liquid that flows through veins inside your body.

خون مایعی است که داخل رگ‌های بدنتان جریان دارد.

blow — وزیدن، فوت کردن

(blows, blew, blown, blowing)

When you **blow** air out of your mouth, or the wind **blows,** air moves.

وقتی که هوا را به خارج از دهان خود می‌دمید و یا هنگامی که باد می‌وزد، هوا حرکت می‌کند.

blue — رنگ آبی

On a clear day, the sky is the color **blue.**

در یک روز آفتابی، رنگ آسمان آبی است.

blueberry — سیاه گیله

(blueberries)

A **blueberry** is a small, round, soft juicy fruit. **Blueberries** grow in bunches on a bush.

سیاه گیله میوه‌ای کوچک، گرد، آبدار و نرم است. سیاه گیله به صورت خوشه‌ای در بوته رشد می‌کند.

bluebird — پرنده آبی

A **bluebird** is a small, bluish songbird.

پرنده آبی، پرنده‌ای کوچک و آوازه خوان به رنگ آبی می‌باشد.

board

(boards, boarded, boarding)

1. You **board** a plane, train, or bus when you get on it to go on a trip. 2. A **board** is a long, flat piece of wood.

۱ - سوار شدن. وقتی که می‌خواهید به سفر بروید، سوار هواپیما، قطار یا اتوبوس می‌شوید.
۲ - تخته. تخته، قطعه چوبی بلند و صاف است.

boat — قایق، کشتی کوچک

A **boat** floats on the water and carries people or things. **Boats** move by engines, sails, or paddles.

یک قایق بر روی آب شناور می‌شود و مردم و اشیاء را حمل می‌نماید. قایق‌هابا موتور، بادبان یا پدال حرکت می‌کنند.

body — بدن

(bodies)

I have a strong **body**.

من بدنی قوی دارم.

bone — استخوان

A **bone** is the hard part inside your body under your skin. All of your **bones** together are called a skeleton.

استخوان، بخش سخت و سفت است که داخل بدن در زیر پوست شما قرار دارد. تمام استخوان‌های بدن شما به اتفاق یکدیگر اسکلت نامیده می‌شوند.

bongo — بانگو

A **bongo** is a small drum that you play with your hands.

بانگو طبل کوچکی است که با دست می‌نوازید.

bonnet — کلاه زنانه، کلاه نوزاد

A **bonnet** is a cloth hat with ribbons that you tie under your chin.

کلاه پارچه‌ای با روبان‌هایی است که زیر چانه شما گره می‌خورد.

book — کتاب

A **book** is made up of a cover with sheets of paper inside called pages. You can look at pictures and read the words in a **book.**

کتاب حاوی جلد و ورق‌های کاغذ است که صفحه نامیده می‌شوند. می‌توانید به تصویرهای کتاب نگاه کنید و کلمات داخل آن را بخوانید.

boot — چکمه

A **boot** is a tall shoe that covers your foot and part of your leg. **Boots** keep your feet warm and dry in cold, wet weather.

چکمه کفش بلندی است که کف پا و قسمتی از ساق پای شما را می‌پوشاند. چکمه‌ها در هنگام بارندگی و آب و هوای سرد پای شما را گرم و خشک نگه می‌دارند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

born — متولد

When a baby is **born,** its life begins.

وقتی که نوزادی به دنیا می‌آید، زندگی‌اش آغاز می‌شود.

boss — رئیس

(bosses)

A **boss** is a leader or the person in charge of something.

رئیس، فرد یا رهبری است که مسئولیت چیزی را به عهده دارد.

both — هر دو

You and your sister are **both** playing with dolls.

تو و خواهرت هر دو مشغول با عروسک بازی هستید.

bottle — سرشیشه

A **bottle** holds liquids. A baby's **bottle** has a special cap called a nipple.

بطری، مایعات را در داخل خود نگه می‌دارد. بطری یا شیشه شیر نوزاد سری دارد که سرشیشه نامیده می‌شود.

bottom — پایین، زیر، پایه

The **bottom** of something, such as a lamp, is the base or the lowest part.

پایه چیزی مانند **پایه** چراغ مطالعه، پایین‌ترین قسمت آن است.

bounce — بالا و پایین، جهیدن

(bounces, bounced, bouncing)

When a ball **bounces,** it jumps back up again after it hits the ground.

وقتی که توپی بالا و پایین می پرد، به زمین که برخورد می‌کند دوباره به سمت بالا برمی‌گردد.

bow

(bows, bowed, bowing)

1 . When you **bow,** you bend over and lower your head. At the end of a show, performers **bow** to thank the audience for clapping. 2. A **bow** is a colorful ribbon that you tie. 3. A **bow** is used to shoot arrows. A stick is made into a **bow** when a string tied to both ends makes it curve.

۱ - تعظیم کردن. هنگام تعظیم کردن، خم شده و سر خود را پایین‌تر می‌آورید. هنگام پایان نمایش بازیگران برای تشکر از دست زدن و تشویق تماشاگران تعظیم می‌کنند.

۲ -پاپیون. پاپیون روبان رنگی‌ای است که آن را گره می‌زنید.

۳ - کمان. از کمان برای پرتاب تیر استفاده می‌شود. هنگامی که چوبی به صورت کمان ساخته می‌شود، دو طرف آن را با سیم می‌بندند و حالت خمیده و کمانی پیدا می‌کند.

bowl — توپ بولینگ

(bowls, bowled, bowling)

1 . When you **bowl,** you play a game to knock down pins with a bowling ball. 2. A **bowl** is a deep, round dish that holds food.

۱ -وقتی که بازی بولینگ انجام می‌دهید، بطری‌ها را با توپ بولینگ به زمین می‌اندازید.

۲ - کاسه. کاسه، ظرف گرد و گودی می‌باشد که غذا را نگه می‌دارد.

box — جعبه

(boxes)

You can keep things in a wooden or cardboard **box** with four sides, a flat bottom, and a lid.

می‌توانید اجسام را در یک جعبه چوبی و مقوایی که کف آن صاف و دارای چهار گوش و یک در است، بگذارید و نگه‌داری کنید.

boy — پسر

That **boy** learns things very fast.

آن پسر همه چیز را به سرعت می آموزد.

bracelet — دستبند

A **bracelet** is a piece of pretty jewelry worn around the wrist.

دستبند قطعه جواهر زیبایی است که دور مچ دست بسته می‌شود.

branch شاخه
(branches)
A **branch** is the part of a tree with leaves that grows out from the trunk.
شاخه بخشی از درخت است که برگ دارد و از تنه درخت به بیرون رشد می‌کنند.

brave شجاع
(braver, bravest)
If someone is **brave,** he does something he needs to do, even if it frightens or might hurt him.
اگر فردی شجاع باشد، کاری را انجام می‌دهد که باید انجام داد، حتی اگر آن کار او را ترسانده یا صدمه‌ای به او برساند.

bread نان
Bread is a food made from flour and water and then baked in an oven. You can cut **bread** into slices to eat in a sandwich.
نان غذایی است که از آرد و آب ساخته شده و سپس در داخل تنور یا فر می‌پزد. شما می‌توانید نان را به قطعاتی ببرید و با آن‌ها ساندویچ درست کنید.

break شکستن
(breaks, broke, broken, breaking)
When you **break** something, it may not work any more. Sometimes things you **break** will divide into pieces.
وقتی که چیزی را می‌شکنید، ممکن است که دیگر قابل استفاده نباشد. بعضی اوقات چیزهایی که می‌شکنید به قطعاتی تقسیم می‌گردد.

breakfast صبحانه
Breakfast is the first meal of the day. When you eat **breakfast,** you might have bread, fruit, and juice.
صبحانه اولین غذای روز است. هنگامی که صبحانه می‌خورید، ممکن است نان، آب میوه و میوه صرف کنید.

breathe تنفس کردن
(breathes, breathed, breathing)
When you **breathe,** you bring air into your body through your nose and mouth and then send it out again.
هنگامی که تنفس می‌کنید، هوا را از طریق بینی و دهان وارد بدن خود می‌کنید و سپس آن را دوباره به بیرون می‌فرستید.

brick آجر
A **brick** is a block of baked clay. Many **bricks** stacked together make walls and buildings.
آجر خاک رس پخته شده است. آجرهای زیادی را روی هم می‌گذارند و با آن‌ها دیوار و ساختمان می‌سازند.

bridge پل
A **bridge** is something built over a road or water so that people can cross over from one side to the other.
پل چیزی است که در بالای جاده یا آب ساخته می‌شود، به طوری که مردم می‌توانند از یک طرف به طرف دیگر آن عبور کنند.

briefcase سامسونت، کیف اسناد
A **briefcase** is a box with a handle that people use to carry important papers to and from school or work.
کیف سامسونت، جعبه‌ای دسته‌دار است که مردم با آن مدارک مهم خود را به سر کار یا مدرسه می‌برند و می‌آورند.

bright
(brighter, brightest)
1. A **bright** color or light is strong and easy to see.
۱ - رنگ روشن. رنگ یا نور روشن پر رنگ است و به آسانی دیده می‌شود.
۲ - باهوش.

bring آوردن
(brings, brought, bringing)
If you **bring** something, you carry it with you.
اگر چیزی را بیاورید، آن را با خود حمل می‌نمایید.

broccoli
گل کلم بروکولی

The green stalk and buds of the green vegetable, **broccoli** is eatable.

ساقه و جوانه این گیاه سبز قابل خوردن است.

broom
جارو

A **broom** is a long tool with straw on the wide end that you use to sweep the floor clean.

یک جارو وسیله بلندی است که انتهای پهن آن از چوب جارو درست شده است که به کمک آن زمین را تمیز کرده و جارو می‌کنید.

brother
برادر

My **brother** is very brave.

برادرم بسیار شجاع است.

brown
رنگ قهوه‌ای

Brown is a dark color, like that of chocolate or toast.

قهوه‌ای، رنگ تیره‌ای مانند رنگ شکلات یا نان سوخاری است.

bubble
حباب

A **bubble** is a thin skin of soap with a ball of air inside.

حباب لایه نازکی از صابون است که در داخلش توپی از هوا وجود دارد.

bug
حشره

A **bug** is any kind of small insect. A **bug** can move by flying, crawling, or jumping.

هر نوع حشره کوچک است. حشره می‌تواند پرواز کند، روی زمین آهسته حرکت کند یا بجهد.

bugle
باگل نوعی بوق

A **bugle** is a small brass horn without keys that makes a loud musical sound.

باگل شیپور کوچکی از جنس فلز برنج است که بر روی آن کلیدی برای نواختن وجود ندارد و صدای موسیقی بلندی تولید می‌کند.

build
ساختن

(builds, built, building)

If you **build** something, you put all of the parts together.

اگر چیزی را بسازید، تمام قسمت‌های آن را روی هم سوار می‌کنید.

builder
بنا

A **builder** is a person who puts the parts together to make a building, such as a house, store, or shopping mall.

بنا کسی است که قطعات ساختمان را روی هم می‌گذارد تا ساختمانی نظیر: خانه، فروشگاه یا مرکز خرید بسازد.

building
ساختمان

A **building** is a place that people create with walls and a roof. People live and work in **buildings** such as houses, schools, or barns.

ساختمان مکانی است دارای سقف و دیوار که مردم به وجود می‌آورند. مردم در ساختمان‌هایی نظیر: خانه، مدرسه، یا انبار زندگی و کار می کنند.

bull
گاو نر

A **bull** is a male cow, a large farm animal with two long horns on its head. The **bull** eats grass and does not give milk.

گاو نر، حیوان مزرعه بزرگی است که دو شاخ بلند بر روی سر دارد. گاو نر علف می‌خورد و شیر نمی‌دهد.

bulldozer
بولدوزر

A **bulldozer** is a big, heavy machine that has a blade on the front to push dirt and rocks around.

بولدوزر ماشین بزرگ و سنگینی است که با تیغه بزرگ جلوی خود آشغال و سنگ را به اطراف می‌راند.

bull's-eye **خال هدف**

A bull's -eye is the center of a target.

خال مرکز هدف نشانه‌گیری است.

bully **آدم زورگو و خشن**

(bullies)

A **bully** is someone who is mean and hurts or frightens others.

آدم زورگو و خشن بدجنس بوده، دیگران را ناراحت می‌کند یا می‌ترساند.

bunny **نوعی خرگوش**

(bunnies)

A **bunny** is a soft furry rabbit with long ears. A **bunny** uses its back legs to hop.

نوعی خرگوش با موهای نرم و پشمالو و گوش‌های درازی است. این خرگوش از پاهای عقبی خود استفاده کرده و بالا و پایین می‌جهد.

bus **اتوبوس**

(buses)

A **bus** is a big vehicle that carries a lot of people from place to place. A **bus** has lots of seats and windows but just one driver.

اتوبوس وسیله نقلیه بزرگی است که تعداد زیادی مردم را از جایی به جای دیگر حمل می‌کند. اتوبوس تعداد زیادی صندلی و پنجره داشته ولی فقط یک راننده دارد.

busy **مشغول، سرگرم**

(busier, busiest)

If you are **busy,** you have many things you must do.

اگر مشغول باشید، کارهای زیادی دارید که باید انجام بدهید.

but **اما. یعنی فقط یا به جز**

The girl liked every vegetable **but** turnips.

آن دختر همه نوع سبزیجات را به جز شلغم دوست داشت.

butter **کره**

Butter is a light-yellow food made from cream from a cow. You can cook with it or spread soft **butter** on toast.

کره ماده غذایی زرد رنگی است که از خامه شیر گاو گرفته می‌شود. با آن می‌توانید آشپزی کنید و یا کره نرم را روی نان سوخاری بمالید.

butterfly **پروانه**

(butterflies)

A **butterfly** is an insect with big colorful wings. Caterpillars growup to be **butterflies.**

پروانه حشره‌ای با بال‌های بزرگ و رنگین است. کرم‌های پروانه بزرگ شده به پروانه تبدیل می‌شوند.

button **دکمه**

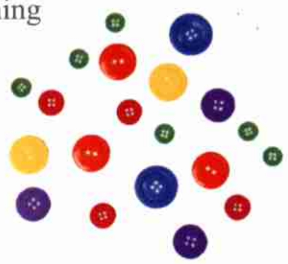

A **button** is a small, round thing that helps to keep your clothes together.

دکمه جسم کوچک و گردی است که کمک می‌کند بخش‌هایی از لباس‌هایتان به یکدیگر بسته شوند.

buy **خریدن**

(buys, bought, buying)

When you **buy** something, you pay money for it so you can own it.

وقتی که چیزی را می‌خرید، برای آن پول پرداخت می‌کنید تا مالک آن شوید.

by **کنار**

The boy sits **by** his dog.

آن پسر کنار سگش می‌نشیند.

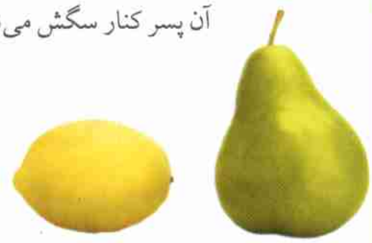

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

C

cabbage کلم

I always add **cabbage** in my salad.

من همیشه به سالاد، کلم اضافه می‌کنم.

cactus کاکتوس

(cacti)
A cactus is a thorny plant that grows in the desert.
A cactus needs very little water to live.

کاکتوس گیاه خارداری است که در صحرا رشد می‌کند. کاکتوس برای زندگی به آب کمی نیاز دارد.

cage قفس

A cage is a room or box with bars where you can keep an animal.
یک قفس اتاق یا جعبه‌ای دارای میله است که می‌توانید حیوانی را در آن نگهداری دارید.

cake کیک

A **cake** is made by baking a mixture of flour, sugar, eggs, and milk in the oven. You put candles on a birthday **cake.**

کیک با پختن مخلوطی از آرد، شکر، تخم مرغ و شیر در فر تهیه می‌شود. بر روی کیک تولد شمع می‌گذارید.

calculator ماشین حساب

People do number problems on a machine called a **calculator.**

مردم مشکل کار با اعداد را با کمک وسیله‌ای به نام ماشین حساب، برطرف می‌کنند.

calendar سالنامه، تقویم

A **calendar** shows the days, weeks, and months of the year. People mark important dates on a **calendar**.

سالنامه روزها، هفته‌ها و ماه‌های سال را نشان می‌دهد. مردم تاریخ‌های مهم را در سالنامه مشخص می‌کنند.

calf گوساله

A **calf** is a young cow or bull.

گوساله گاوی کوچک و جوان است.

call

(calls, called, calling)
Yesterday, I called my friend to ask a question.

دیروز به دوستم تلفن کردم تا سؤالی را بپرسم.
۱- تلفن کردن.
۲- صدا زدن.

camera دوربین

You can take photographs with a **camera**.

می‌توانید با کمک دوربین عکس بگیرید.

camp اردو زدن

(camps, camped, camping)
When you **camp**, you live in a tent outdoors for a short time.

هنگامی که به اردو می‌روید، برای مدت کوتاهی در داخل چادر در فضای باز زندگی می‌کنید.

can

1. **Can** means you are able to do something
2. A **can** is made of metal.
A **can** holds foods and drinks, such as soda.

۱ - توانستن. یعنی شما قادر به انجام چیزی هستید.

They **can** jump very high.

آن‌ها می‌توانند خیلی بلند بپرند.

۲ - قوطی (کنسرو). قوطی از فلز ساخته می‌شود. قوطی مواد غذایی و نوشیدنی مانند نوشابه را در خود نگه می‌دارد.

candle — شمع

A **candle** is a piece of wax with a string inside for a wick. When you light the wick, the **candle** burns brightly.

شمع قطعه‌ای موم است که داخلش نخی قرار دارد. وقتی که فتیله را روشن می‌کنید، شمع می‌سوزد و شعله روشنی ایجاد می‌کند.

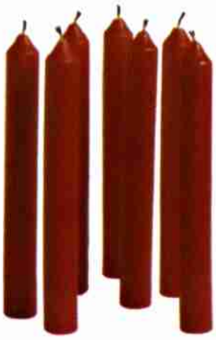

candy — شیرینی

Candy is a tasty sweet food made with sugar. Some **candy** is soft, while other **candy** hard and crunchy.

شیرینی ماده شیرین و خوشمزه‌ای است که با شکر ساخته می‌شود. بعضی از شیرینی‌ها نرم هستند و در حالی که بعضی دیگر سفت و ترد می‌باشند.

cane — عصا

A **cane** is a curved stick with a handle at the top. Some people use a **cane** to help them walk.

عصا چوبی است که قسمت بالای آن خمیده شکل است و دسته دارد. بعضی ازمردم با کمک عصا راه می‌روند.

cannot — نتوانستن

Cannot means you are unable to do something.

یعنی قادر به انجام کاری نیستید.

You **cannot** eat the table!

شما نمی‌توانید میز را بخورید!

canteen — قمقمه

A **canteen** is a type of bottle you carry with you on a hike. You drink from your **canteen** when you are thirsty.

قمقمه نوعی بطری است که هنگام پیاده‌روی با خود حمل می‌کنید. هنگام تشنه شدن از آب داخل قمقمه خود می‌نوشید.

cap

1 . A **cap** is a soft hat with a round part at the front to shade your eyes.
2. A **cap** is a small lid, like the one on toothpaste.

۱ - کلاه لبه‌دار. کلاه نرمی است که لبه گردی در جلوی کلاه دارد که برای چشم‌ها مانند سایه‌بان عمل می‌کند.

۲ - سر. سرپوش کوچکی مانند سر خمیر دندان است.

car — ماشین

A **car** is a machine with an engine and four wheels that people ride in. You drive a **car** on a road.

ماشین‌وسیله‌ای دارای یک موتور و چهار چرخ است که مردم سوار آن می‌شوند. شما با ماشین در جاده حرکت می‌کنید.

card — کارت

1 . At special times, like a birthday, you send people a **card** with words and pictures. 2. You can playa game with paper **cards** that have numbers, pictures, or words.

۱ - کارت پستال. در مواقع خاص، مانند تولد، شما برای کسی کارتی حاوی عکس و نوشته می‌فرستید.

۲ - کارت‌های بازی. شما می‌توانید با کارت‌های کاغذی که بر روی آن‌ها شماره، تصویر یا کلمه‌ای وجود دارد، بازی کنید.

care — مراقبت کردن، اهمیت دادن

(cares, cared, caring)

If you **care** about something or someone, you may worry and look after them. *After her brother cut his hand, the girl took* ***care*** *of him.*

اگر به چیزی یا کسی اهمیت می‌دهید، نگران او بوده و از آن شخص مراقبت می‌کنید.

بعد از اینکه برادرش دستش را برید، خواهرش از او مراقبت نمود.

careful — دقیق

If you are **careful**, you think about what you are doing so you will do it as well as possible.

اگر دقیق باشید، هنگام انجام کاری فکر می‌کنید که آن را به بهترین شکل ممکن انجام دهید.

carnation — گل میخک

A **carnation** is a fluffy flower that has a sweet, spicy smell.

میخک گلی پر گلبرگ است که بوی تند و شیرینی دارد.

carrot — هویج

A **carrot** is a long, crunchy orange vegetable that grows underground.

هویج گیاه نارنجی رنگ بلند و تردی است که در زیر زمین رشد می‌کند.

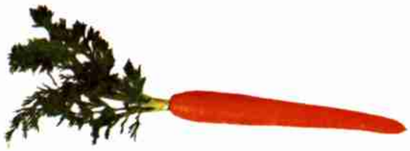

carry — حمل کردن

(carries, carried, carrying)

When you **carry** something, you pick it up and take it with you.

هنگامی که چیزی را حمل می‌کنید، آن را برداشته، با خود می‌برید.

cart — چرخ دستی

A **cart** has wheels and a handle. People use a **cart** to carry heavy things from place to place.

چرخ دستی دارای چرخ و دسته است. مردم با استفاده از چرخ دستی چیزهای سنگین را از جایی به جای دیگر حمل می‌کنند.

cash — پول نقد

Cash can be coins or paper bills. You use **cash** to buy things.

پول نقد می‌تواند سکه یا پول کاغذی باشد. با پول نقد خرید می‌کنید.

cashew — بادام هندی

A **cashew** is a tan chewy nut that has a shape like a kidney bean.

بادام هندی میوه مغزداری به رنگ قهوه‌ای روشن است که به لوبیای قرمز شباهت دارد.

cassette — کاست

A **cassette** is a flat plastic case with a tape inside that.records and plays sounds, music, and pictures.

کاست قاب پلاستیکی مسطحی است که درون آن نوار قرار دارد. می‌توان صوت، موسیقی و تصاویر را با استفاده از آنها ضبط و پخش کرد.

castle — قلعه

A **castle** is a big, strong stone building with thick walls and towers. Long ago, a **castle** kept the king, queen, and other people who lived inside safe from attackers.

قلعه ساختمان سنگی محکم و بزرگی است که دارای دیوارهای ضخیم و برج می‌باشد. در زمان‌های قدیم، پادشاه، ملکه و افراد دیگر در قلعه زندگی می‌کردند تا از حمله دشمنان در امان بمانند.

cat — گربه

A **cat** is a furry animal with a tail. Small **cats** live in peoples' houses as pets. Large **cats**, like lions and tigers, live in the wild.

گربه حیوان پشمالویی دارای دم است. گربه‌های کوچک به عنوان حیوان خانگی در خانه‌ها زندگی می‌کنند. گربه‌های بزرگ مانند شیر و ببر در طبیعت آزاد زندگی می‌نمایند.

catch

(catches, caught, catching)

1. When you get a hold of something that's moving, like a ball, you **catch** it. 2. If you **catch** an illness, you become sick.

۱- گرفتن. اگر چیزی را که در حال حرکت است (مانند توپ) نگه دارید، آن را گرفته‌اید.

مریض شدن. اگر به نوعی بیماری دچار شوید، مریض می‌شوید.

caterpillar کرم حشره، لارو

A **caterpillar** is small and long, like a worm, with little legs. A **caterpillar** changes into a moth or butterfly.

کرم حشره مانند کرم، کوچک و کشیده می‌باشد و پاهای کوچکی دارد. کرم حشره به شب پره یا پروانه تبدیل خواهد شد.

cave غار

A **cave** is a large hole in the side of a mountain or under the ground.

غار حفره بزرگی در کنار کوه یا زیر زمین است.

celery کرفس

People eat the crunchy stem of **celery**, a green vegetable.

کرفس گیاه سبزی است که مردم ساقه ترد آن را می‌خورند.

cellular phone تلفن همراه

A **cellular phone** is a telephone without a cord. You can carry a **cellular phone** in your pocket or car.

تلفن همراه تلفنی بدون سیم است. می‌توانید آن را در داخل جیب یا ماشین خود حمل کنید.

cent سنت

A **cent** is a very small amount of money. A penny is worth one **cent**, a quarter is worth 25 **cents**, and a dollar is worth 100 **cents**.

سنت مقدار پول بسیار کمی است. پنی یک سنت ارزش دارد، یک کوارتر ۲۵ سنت می‌باشد و یک دلار ۱۰۰ سنت ارزش دارد.

cereal غله

cereal is a breakfast food usually made out of corn, wheat, or oats and served with milk.

غذایی است که معمولاً از ذرت، گندم یا جو ساخته شده است وآن را همراه با شیر به عنوان صبحانه می‌خورند.

certain مطمئن

If you are **certain** about something, you are sure of it. *The boy makes* ***certain*** *he brushes his teeth right after breakfast.*

اگر درباره چیزی یقین دارید، به آن مطمئن هستید.

آن پسر مراقب است که حتماً دندان‌هایش را بعد از صبحانه مسواک بزنند.

chain زنجیر

Metal rings join together to make a **chain.**
A chain is used to hold two things together.

حلقه‌های فلزی به یکدیگر متصل می‌شوند و زنجیر را می‌سازند. زنجیر دو چیز را کنار هم نگه می‌دارد.

chair صندلی

A **chair** is a seat with a back for one person to sit on.

صندلی مکانی برای نشستن یک فرد است و یک پشتی دارد.

chalk گچ

Chalk, made from a soft rock, comes in white and colored sticks. You can draw or write with **chalk** on a chalkboard.

گچ که از سنگ نرمی ساخته می‌شود و به قطعه‌های سفید و رنگی وجود دارد. می‌توانید روی تخته سیاه با گچ بنویسید یا ترسیم نمایید.

chalkboard تخته سیاه

A **chalkboard** is a hard, dark board used for writing with chalk.

تخته سیاه تخته‌ای تیره و سفت است که برای نوشتن با گچ استفاده می‌شود.

chase دنبال کردن

(chases, chased, chasing)

If you **chase** something, you run after it and try to catch it.

اگر چیزی را دنبال کنید، به دنبالش رفته، سعی در گرفتن آن دارید.

checkers بازی چکر

In the game of **checkers**, you move flat, round, red or black pieces around a checkered board.

در بازی چکر مهره‌های صاف و گرد سیاه یا قرمزی را بر روی صفحه‌ای شطرنجی حرکت می‌دهید.

cheese پنیر

Cheese is a yellow or white food made from milk. You might eat **cheese** on pizza or in a sandwich.

پنیر ماده‌ای غذایی به رنگ سفید یا زرد است که از شیر ساخته می‌شود. ممکن است پنیر را داخل ساندویچ یا روی پیتزا میل کنید.

chef سر آشپز

A **chef** cooks food in a restaurant. A **chef** often wears a tall white hat.

سر آشپز در رستوران غذا می‌پزد. سر آشپز معمولاً کلاه بلند سفیدی به سر دارد.

cherry گیلاس

(cherries)

A **cherry** is a small red fruit with a pit inside. **Cherries** grow on trees, where birds like to eat them.

گیلاس میوه کوچک و قرمز رنگی است که هسته‌ای داخلش وجود دارد. گیلاس روی درخت رشد می‌کند، جایی که پرندگان دوست دارند آن را بخورند.

chess شطرنج

Chess is a board game for two players. To win at **chess**, you must capture the other player's king.

شطرنج نوعی بازی است که روی صفحه انجام می‌شود و دو بازیکن دارد. برای برنده شدن در شطرنج باید شاه بازیگر مقابل را بگیرید.

chest

1 . A **chest** is a big heavy box with a lid to store special things inside. 2. Your **chest** is the front part of your body below your neck and between your arms.

۱ - صندوقچه. صندوقچه، جعبه سنگین و بزرگی است که در دارد و برای نگهداری اشیاء خاص در آن استفاده می‌شود.
۲ - قفسه سینه. قفسه سینه بخش جلویی بدن شما می‌باشد که زیر گردن و بین بازوها قرار دارد.

chew جویدن

(chews, chewed, chewing)

When you chew your food, your teeth bite it into small pieces.

هنگامی که غذای خود را می‌جوید، دندان‌هایتان آن را به قطعه‌های کوچکی خرد می‌کنند.

chick جوجه

A **chick** is a young chicken or other bird.
A **chick** makes a *peep-peep* sound.

جوجه بچه کوچک مرغ یا پرندگان دیگر است. جوجه جیک‌جیک صدا می‌کند.

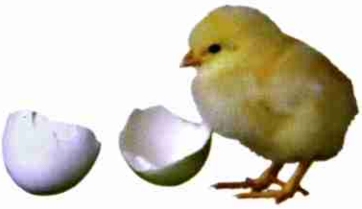

chicken مرغ

A **chicken** is a bird that farmers raise for eggs and meat to eat.

مرغ پرنده‌ای است که کشاورزان از تخم و گوشت آن برای خوردن استفاده می‌کنند.

child بچه، کودک

(children)

A **child** is a young boy or girl. When **children** grow up they become men and women.

پسر بچه یا دختر بچه کوچکی است. وقتی که بچه‌ها بزرگ می‌شوند، به مرد یا زن تبدیل می‌شوند.

chimpanzee
شامپانزه

A **chimpanzee** is a hairy type of ape that is smaller than a gorilla.

شامپانزه نوعی میمون پشمالو است که از گوریل کوچکتر است.

chin
چانه

Your **chin** is the part of your face that is below your mouth.

چانه شما بخشی از صورتتان است که زیر دهان قرار دارد.

chocolate
شکلات

Chocolate is a sweet brown food used in candy, cakes, and drinks. **Chocolate** comes from the brown beans of the cocoa tree.

شکلات ماده غذایی شیرین و قهوه‌ای رنگی است که در شیرینی، کیک و نوشیدنی‌ها به کار می‌رود. شکلات از دانه‌های قهوه‌ای درخت کاکائو تهیه می‌شود.

Christmas
کریسمس

Chrismas is a holiday on December 25 to celebrate the birth of Christ. People give gifts to each other on **Christmas**.

کریسمس تعطیلی روز ۲۵ ماه دسامبر می‌باشد و مسیحیان تولد حضرت عیسی را جشن می‌گیرند. در روز کریسمس مردم به یکدیگر هدیه می‌دهند.

Christmas tree
درخت کریسمس

People decorate a **Chrismas tree** with special pretty things, lights, and ornaments. They put gifts under the **Chrismas tree.**

مردم درخت کریسمس را با چراغ و لوازم تزئینی و اجسام زیبا و خاص تزئین می‌نمایند. آن‌ها هدیه‌های خود را زیر درخت کریسمس می‌گذارند.

church
کلیسا

(churches)

A **Church** is a building where people go to pray and worship.

کلیسا مکانی است که مردم به آن جارفته، دعا و عبادت می‌کنند.

circle
دایره

A **circle** is a round shape like a ring.

دایره شکلی گرد مانند حلقه است.

circus
سیرک

(circuses)

A **circus** is a group of people, such as clowns and acrobats, and animals, such as elephants and tigers, that travels around and performs shows.

سیرک گروهی از مردم مانند دلقک‌ها و آکروبات‌ها و حیواناتی نظیر فیل و ببر می‌باشند که به اطراف سفر کرده، نمایش اجرا می‌کنند.

city
شهر

(cities)

A **city** is a very big town where many people work and live.

شهر، شهرستان بسیار بزرگی است که افراد بسیاری در آن کار و زندگی می‌کنند.

clam
صدف

A **clam** is an ocean animal with a very hard shell that opens and closes. people eat the soft meat inside the

صدف حیوانی است که در اقیانوس زندگی می‌کند، پوسته بسیار سفت و محکمی دارد که باز و بسته می‌شود. مردم گوشت نرم داخل صدف را می‌خورند.

clap
دست زدن

(claps, clapped, clapping)

when you clap, both of your hands hit together to make a noise.

هنگامی که دست می‌زنید، دو دستتان را به هم می‌زنید و صدا ایجاد می‌کنید.

clarinet
کلارینت، قره نی

A clarinet is a long musical instrument you blow into to make sound. You change the sounds on the clarinet with the keys and finger holes.

کلارینت وسیله موسیقی درازی است که به داخل آن فوت می‌کنید و صدا ایجاد می‌کنید. می‌توانید صدای حاصل از کلارینت را با کلیدها و سوراخ‌های انگشتی روی آن تغییر دهید.

class
کلاس

(classes)

A **class** is a group of students learning together.

کلاس گروهی از دانش آموزان است که با یکدیگر درس می‌آموزند.

clay
خاک رس

Cly is soft earth. People make things from **clay**, like bricks, pots, and cups.

خاک رس خاک نرمی است. مردم با استفاده از خاک رس، آجر، سفال و فنجان می‌سازند.

clean
تمیز کردن

(cleans, cleaned, cleaning)

When you **clean** something, you get rid of the dirt.

هنگامی که چیزی را تمیز می‌کنید، آلودگی را برطرف می‌نمایید.

climb
بالا رفتن

(climbs, climbed, climbing)

I can climb a ladder.

می‌توانم از نردبان بالا روم.

clock
ساعت

A **clock** is a machine with numbers that tells the time. The short hand on the **clock** tells the hour, and the long hand tells the minutes.

ساعت دستگاهی است که روی آن اعدادی وجود دارد که زمان را نشان می‌دهد. عقربه کوچک، ساعت و عقربه بزرگ، دقیقه‌ها را اعلام می‌کند.

close

(closes, closed, closing)

1. I closed the door.
2. If you stand near someone, you are very **close** to them.

۱ - بستن. در را بستم.
۲ - نزدیک. وقتی که نزدیک کسی می‌ایستید به او خیلی نزدیک هستید.

clothes
لباس

Clothes are the things you wear, like pants or a shirt. **Clothes,** like a coat, cover your skin and keep you warm.

لباس چیزی مانند شلوار یا پیراهن است که آن را می‌پوشید. لباس‌هایی مانند کت، بدن شما را می‌پوشاند و شما را گرم نگه می‌دارد.

clothespin
گیره رخت

A **clothespin** is a type of wooden or plastic clip that you use to hang wet clothes on the line to dry.

گیره رخت نوعی گیره چوبی یا پلاستیکی است که با کمک آن لباس‌های خیس را روی بند می‌آویزید تا خشک شوند.

cloud
ابر

A **cloud** is a white or gray shape that floats in the sky. **Clouds** are made of many tiny drops of water. Rain falls from dark **clouds.**

ابر توده‌ای به رنگ سفید یا خاکستری می‌باشد که در آسمان شناور است. ابرها از قطره‌های بسیارریز آب تشکیل شده‌اند. باران از ابرهای تیره می‌بارد.

clown
دلقک

A **clown** is a person who dresses up funny and does silly things to make you laugh. Sometimes you see a **clown** at the circus.

دلقک فردی است که لباس‌های مسخره به تن می‌کند و کارهای احمقانه‌ای را برای خنداندن شما انجام می‌دهد. بعضی اوقات دلقک‌ها را در سیرک می‌بینید.

club

1. A **club** is a wooden stick, like a bat or golf **club,** used to hit things. 2. A **club** is a group of people who meet for a common interest.

۱ - چوگان. چوبی است مانند راکت یا چوب گلف که برای ضربه زدن از آن استفاده می‌شود.
۲ - باشگاه. جایی است که گروهی از مردم برای انجام کاری مشترک در آن‌جا یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

coach
مربی

(coaches)

A **coach** is a person who trains and manages players on a sports team, such as baseball.

مربی شخصی است که بازی‌کنان را در بازی‌هایی مانند بازی بیسبال آموزش می‌دهد و هدایت می‌کند.

coat
پالتو ، کت

A **coat** is an article of clothing you wear over your other clothes to keep warm when you go outdoors.

کت ، نوعی لباس است که بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشید تا هنگامی که بیرون می‌روید شما را گرم نگه دارد.

cobra
مار کبرا

A **cobra** is a poisonous snake that can flatten the skin on its neck to look like a hood.

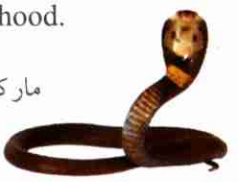

مار کبرا ، ماری سمی است که هنگام نیش زدن پوست گردن خود را مثل چتر باز می‌کند.

cockroach
سوسک

(cockroaches)

A **cockroach** is a kind of insect with a flat, small body that can squeeze through cracks. Most **cockroaches** come out at night and live in people's house.

سوسک نوعی حشره با بدنی صاف و کوچک است که از میان شکاف‌ها و درزها می گذرد. بیشتر سوسک‌ها هنگام شب بیرون می‌آیند و در خانه‌های مردم زندگی می‌کنند.

cocoa
کاکائو

Chocolate comes from the brown beans of the **cocoa** tree. People like to drink sweetened hot **cocoa**.

شکلات از دانه‌های قهوه‌ای رنگ درخت کاکائو تهیه می‌شود. مردم خوردن کاکائوی شیرین و داغ را دوست دارند.

coconut
نارگیل

A **coconut** is a large, brown, round, hard- shelled nut that grows on the **coconut** tree. People eat the chewy white fruit inside a **coconut**.

نارگیل میوه‌ای گرد، بزرگ و قهوه‌ای رنگ است که پوسته سفت و محکمی دارد و روی درخت نارگیل رشد می‌کند.
مردم میوه سفید ترد داخل نارگیل را می‌خورند.

coffee
قهوه

Coffee is a brown drink made by adding water to the roasted beans of the **coffee** plant.

قهوه نوشیدنی قهوه‌ای رنگی است که با اضافه کردن آب به دانه‌های بو داده گیاه قهوه ساخته می‌شود.

coin
سکه

A **coin** is a small, round piece of money made from metal. Pennies, nickels, dimes, and quarters are **coins**.

یک سکه پول کوچک و گردی است که از فلز ساخته شده است.
پنی ، نیکل ، دایم و کوارتر به شکل سکه هستند.

cold
(colder, coldest)

1. If you have a **cold,** you are sick and sneeze or cough a lot. 2. I'm cold.

۱ - سرما خوردگی. اگر سرما خورده‌اید ، مریض هستید و زیاد عطسه و سرفه می‌کنید.
۲ - سرد . سردم است.

color
رنگ

Color is a way to describe how something looks.
A rainbow has many different ***colors,*** *like red, orange, and yellow.*

با کمک رنگ‌ها اجسام را توصیف می‌نماییم. رنگین کمان رنگ‌های بسیار متفاوتی مانند قرمز ، نارنجی و زرد دارد.

colt
کره اسب

A **colt** is a young male horse.

کره اسب ، اسب نر کوچکی است.

comb
شانه

A **comb** is a thing you use to smooth out your hair. A **comb** is flat and hard ,with long pointed teeth.

شانه وسیله‌ای است که با آن موهایتان را صاف و مرتب می‌نمایید.
شانه صاف و محکم است و دندانه‌های تیز و بلندی دارد.

come
(comes, came, coming)

1. When you **come** here you move forward toward me.

۱ - آمدن. وقتی اینجا می‌آیید به سمت من حرکت می‌کنید.
۲ - رسیدن. مانند رسیدن قطار به ایستگاه.

compact disc — لوح فشرده

A **compact disc**, also called a CD, is a shiny, flat, round piece of plastic with electronic information stored on it. People use **compact discs** to play music and computer games.

لوح فشرده، که سی‌دی نیز نامیده می‌شود صفحه‌ای گرد، صاف، براق و پلاستیکی است که اطلاعات الکترونیکی را در روی آن ضبط می‌کنند. مردم با استفاده از لوح فشرده به موسیقی گوش می‌دهند و بازی‌های رایانه‌ای انجام می‌دهند.

compass — قطب نما

(compasses)

So you won't get lost, a **compass** has a needle that shows direction by pointing north.

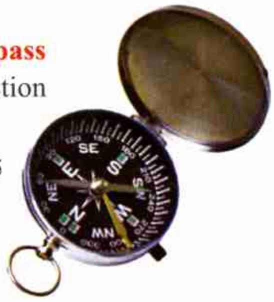

قطب نما سوزنی بر روی صفحه خود دارد که جهت شمال را نشان می‌دهد. با داشتن قطب نما راه خود را گم نمی‌کنید.

computer — رایانه

A **computer** is a machine that stores information and sends messages.

رایانه دستگاهی است که اطلاعات را ذخیره می‌کند و پیام‌ها را می‌فرستد.

convertible — ماشین کروکی

A **convertible** is a car with a special top that can come off or fold down.

ماشین کروکی، ماشینی با سقف ویژه است که می‌تواند باز و جمع شود.

cook

(cooks, cooked, cooking)

When you **cook**, you make or heat food so it is ready to eat. 2. A **cook** is a person who makes or heats food to eat.

۱ - پختن. هنگام پختن به غذا حرارت و گرما می‌دهید تا آماده خوردن شود.

۲ - آشپز. آشپز کسی است که غذا را برای خوردن درست می‌کند یا می‌پزد.

cookie — شیرینی، کلوچه

A **cookie** is a small, sweet cake that is baked in the oven.
They are flat and can be crispy or chewy.

کلوچه کیک شیرین و کوچکی است که است که در فر پخته می‌شود. کلوچه مسطح است و می‌توانند برشته و ترد باشند.

cool — خنک

(cooler, coolest)

If something feels **cool,** it is a bit cold.

وقتی چیزی خنک به نظر برسد، کمی سرد است.

corn — ذرت

Farmers grow **corn,** a plant with tall stalks and yellow seed kernels inside ears. You can eat **corn** and also you can pop seeds of **corn** to make popcorn.

کشاورزان ذرت کشت می‌کنند، گیاهی با ساقه‌های بلند و دانه‌های زرد که داخل برگ‌های سبزی پنهان هستند. می‌توانید دانه‌های ذرت را بخورید و همچنین ذرت بو داده تهیه نمایید.

cost — قیمت داشتن

(costs, cost, costing)

How much you pay for something is how much it **costs.**

مقدار پولی که برای چیزی می‌پردازید، قیمت آن است.

costume — لباس خاص

A **costume** is a special set of clothes that an actor or a child wears to pretend to be someone else.

مجموعه لباس‌های ویژه‌ای است که یک هنرپیشه یا کودک می‌پوشد تا وانمود کند فرد دیگری است.

couch — مبل

(couches)

A **couch** is a long piece of furniture that is soft to sit on.

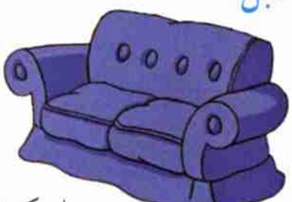

مبل یکی از وسایل بزرگ خانه است که برای نشستن نرم است.

could توانستن

Could means you are able to do something.

توانستن یعنی شما قادر به انجام کاری می‌باشید.

If you are hot, you could get cool in the pool.

اگر گرمتان است، می‌توانید داخل استخر خنک شوید.

count شمردن

(counts, counted, counting)

When you **count**, you say the numbers in the right order: 1,2,3.

هنگام شمارش اعداد را با ترتیب درست می‌گویید: ۱، ۲، ۳.

country

(countries)

1. A **country** is a part of the world with its own name, people, and laws, such as the United States of America or Canada. 2. The **country** is the land outside of towns with fields or woods.

۱- کشور. کشور بخشی از دنیا می‌باشد که برای خود نام، مردم و قانون دارد، مانند ایالت متحده آمریکا یا کانادا.

۲- ییلاق. منطقه‌ای در خارج از شهراست که داری مزرعه و درخت می‌باشد.

cover

(covers, covered, covering)

If you **cover** a thing, you put something over it to keep it warm.

۱- پوشاندن. اگر بخواهید چیزی را بپوشانید، بر رویش پوششی می‌اندازید تا گرم بماند.

Cover the horse with a blanket so it won't be cold.

اسب را با پتو بپوشان تا سردش نشود.

۲- پوشش، رواندار.

Put a **cover** over the baby to play peek-a-boo.

روی کودک پوششی بیانداز تا دالی موشه بازی کند.

cow گاو

A **cow** is a large farm animal that eats grass and moos. Some **cows** give milk.

گاو حیوان بزرگی در مزرعه است که علف می‌خورد و مومو می‌کند. بعضی از گاوها شیر می‌دهند.

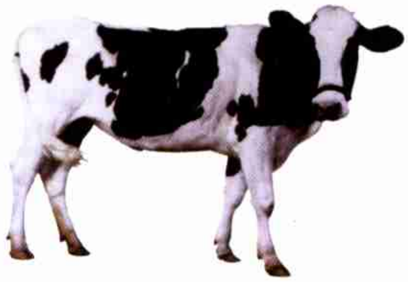

cowboy کابوی، گاوچران

A **cowboy** or cowgirl lives on a ranch, rides a horse, and takes care of cows.

گاوچران مرد یا زنی است که در مزرعه‌های بزرگ زندگی، اسب‌سواری و از گاوها مراقبت می‌نماید.

crab خرچنگ

A **crab** is an ocean animal with a hard shell and sharp pinching claws.

خرچنگ حیوانی ساکن اقیانوس است که پوسته سخت و چنگال‌های گازانبری شکلی دارد.

cracker کراکر، بیسکویت ترد

A **cracker** is a thin, crispy cookie or biscuit.

کراکر نوعی بیسکویت یا شیرینی ترد و نازک است.

crawl خزیدن، چهار دست و پا راه رفتن

(crawls, crawled, crawling)

When you **crawl**, you move along on your hands and knees.

هنگام چهار دست و پا راه رفتن، بر روی دستان و زانوهای خود حرکت می‌کنید.

crayon مداد شمعی

A **crayon** is a waxy type of colored pencil for drawing.

مداد شمعی نوعی مداد رنگی مومی برای ترسیم یا نقاشی می‌باشد.

crib — تختخواب کودک

A **crib** is a bed with tall sides so a baby won't fall out.

تخت خواب کودک تختی است که دور تا دور آن بلند است تا نوزاد از تخت بیرون نیافتد.

cricket — جیرجیرک

A **cricket** is a jumping insect that makes chirping sounds with its wings.

جیرجیرک حشره‌ای جهنده است که با پرهایش صدای جیرجیر ایجاد می‌کند.

crocodile — تمساح

A **crocodile** is a large animal with a long tail and big sharp teeth. A **crocodile** lives in rivers and swamps in some hot places.

تمساح حیوانی بزرگ با دم بلند و دندان‌های تیز است. تمساح در رودخانه‌ها و باتلاق‌های واقع در جاهای گرم زندگی می‌کند.

cross

(crosses, crossed, crossing)

1. To go from one side to the other means to **cross** over. 2. A **cross** is a mark like a plus (+) or an *x*. 3. If you feel **cross**, you are angry about something.

۱- عبور کردن. رفتن از سویی به سوی دیگر. به معنای عبور کردن است.

۲- علامت ضربدر یا بعلاوه.

۳- عصبانی. اگر احساس عصبانیت می کنید، درباره چیزی خشمگین هستید.

crown — تاج

A **crown** is a beautiful ring of silver or gold and jewels that a king or queen wears on the head.

تاج حلقه‌ای زیبا از نقره یا طلا و جواهرات است که پادشاه یا ملکه آن را بر سر می‌گذارد.

crutch — چوب زیر بغل

(crutches)

A **crutch** is a long sturdy stick that fits under your arm to help you walk if your leg or foot is hurt.

چوب زیر بغل، چوب بلند و محکمی است که در زیر بازوی شما قرار می‌گیرد، تا در صورت آسیب دیدگی پایتان با کمک آن راه بروید.

cry — گریه کردن

(cries, cried, crying)

You **cry** if you are sad or hurt and tears fall from your eyes.

هنگامی که غمگین یا ناراحت هستید گریه می‌کنید و اشک از چشمانتان فرو می‌ریزد.

cub — توله

A **cub** is a baby animal. Baby bears, foxes, wolves, lions, and tigers are cubs.

توله بچه حیوانات است. نوزادان خرس‌ها، گرگ‌ها، شیرها و ببرها توله هستند.

cup — فنجان

A **cup** is a container for drinks. A **cup** has a handle.

فنجان ظرفی برای نوشیدن است. فنجان دسته دارد.

cupcake — کیک فنجانی، کیک کوچک

A **cupcake** is a small tasty cake you bake in the oven. Some **cupcakes** are spread with sweet icing.

کیک فنجانی، کیک خوشمزه کوچکی است که در فر پخته می‌شود. روی بعضی از این کیک‌ها را با خامه یا مواد دیگر تزئین می‌نمایند.

curtain — پرده

A **curtain** is a long piece of fabric that covers a window.

پرده قطعه بلندی از پارچه است که پنجره‌ای را می‌پوشاند.

cut — بریدن

(cuts, cut, cutting)

You can use a sharp knife or scissors to **cut** something into pieces.

با استفاده از چاقو یا قیچی تیز می‌توانید اجسام را به قطعاتی ببرید.

cute — بانمک، قشنگ

(cuter, cutest)

If something looks **cute**, it is pretty.

اگر چیزی بانمک و قشنگ به نظر می‌رسد، زیبا است.

D

daisy — گل مینا، گل مروارید

(daisies)

A **daisy** is a flower with a yellow center and white petals.

گل مینا گلی است که وسط آن زرد بوده، گلبرگ‌های سفید رنگی دارد.

dam — سد

A **dam** is something placed across a river or lake to hold back the water.

سد بنایی است که در برابر آب رودخانه یا دریاچه می‌سازند تا آب را در پشت خود نگه دارد.

dandelion — گل قاصدک

A bright yellow flower, the **dandelion** grows in fields and on lawns.

قاصدک گلی به رنگ زرد روشن می‌باشد، گل قاصدک در دشت‌ها و چمن‌زارها رشد می‌کند.

danger — خطر

When there is **danger**, something bad could happen to you.

هنگامی که خطری وجود داشته باشد، چیزی بد ممکن است برایتان اتفاق بیفتد.

dark — تاریک

(darker, darkest)

Dark means something isn't light. The night is **dark.**

تاریک یعنی چیزی روشن نیست. شب تاریک است.

daughter — دختر

My **daughter** is kind and beautiful.

دخترم مهربان و زیبا می‌باشد.

day — روز

1. **Day** is a time when it is light outside.
2. A **day** is 24 hours long-from one midnight to the next.

روز هنگامی است که بیرون روشن است. یک روز ۲۴ ساعت یعنی از یک نیمه شب تا نیمه شب دیگر طول می‌کشد.

dead — مرده

If a plant or animal is **dead,** it is not living anymore.

اگر گیاه یا حیوانی مرده باشد، دیگر زندگی نمی‌کند.

dear

1 . You use the word **dear** when you begin writing a letter. 2. If something or somebody is **dear** to you, they are very important.

۱ - عزیز. هنگام نوشتن در ابتدای نامه از این کلمه استفاده می‌کنید.
۲ - با ارزش. وقتی که چیزی یا کسی برای شما باارزش باشد، برایتان خیلی اهمیت دارد.

December — ماه دسامبر

December is the last month of the year.
December is in the winter.

دسامبر آخرین ماه سال میلادی است. دسامبر در فصل زمستان قرار دارد.

decide تصمیم گرفتن

(decides, decided, deciding)

When you **decide**, you make up your mind about something.

هنگامی که تصمیم می‌گیرید، فکر خود را بر روی انجام چیزی متمرکز می‌کنید.

deep عمیق، گود

(deeper, deepest)

Something that is deep goes a long way down.

چیزی که گود باشد، عمق زیادی دارد.

deer گوزن

(deer)

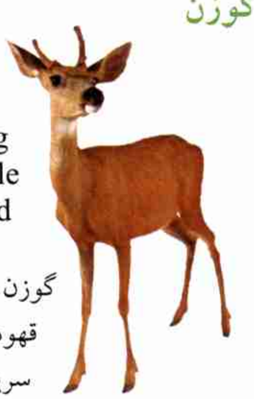

A **deer** is a big forest animal with short brown fur and long legs for running fast. The male **deer** has big horns on its head called antlers.

گوزن حیوان جنگلی بزرگی است که موی کوتاه قهوه‌ای و پاهای بلندی دارد که برای دویدن سریع مناسب است. گوزن نر شاخ‌های بزرگی بر روی سرش دارد.

desk میز تحریر

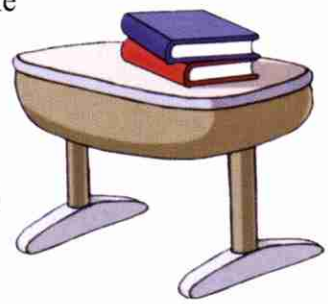

A **desk** is a type of table with drawers where you can write or use your computer.

میز تحریر نوعی میز کشودار است که می‌توانید روی آن بنویسید یا از رایانه خود استفاده کنید.

dessert دسر

A **dessert** is a sweet treat, like cake or fruit, that you eat at the end of a meal.

دسر غذایی شیرین، مانند کیک یا میوه است که بعد از غذا صرف می‌کنید.

diaper پوشک بچه

A **diaper** is underwear for babies made out of cloth or a soft paperlike material.

پوشک بچه، زیرپوشی از جنس پارچه یا موادنرم کاغذی است که به نوزادان می‌پوشانند.

diary دفتر خاطرات

(diaries)

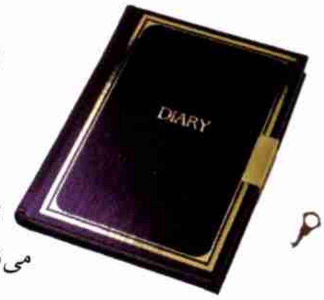

A **diary** is a blank book in which you write about what is happening to you.

دفتر خاطرات دفتر سفیدی است که در آن درباره اتفاقات زندگی‌تان می‌نویسید.

dice تاس

Dice are little cubes with a different number of dots on each side. You roll **dice** when you play some board games.

تاس مکعب کوچکی است که در هر طرف آن نقطه‌هایی با شماره متفاوت وجود دارد. در برخی بازی‌های روی تخته، تاس را چرخانده می‌اندازید.

dictionary فرهنگ لغت

(dictionaries)

A **dictionary** is a book that tells you what words mean and how to spell them.

فرهنگ لغت کتابی است که به شما می‌گوید معنی لغات چیست و چگونه آن‌ها را هجی کنید.

different متفاوت

The girls have **different** color hair-one has black hair, the other has red.

این دخترها رنگ موهایشان با یکدیگرمتفاوت است یکی از آنها موی سیاه و دیگری مویی قرمز رنگ دارد.

dig کندن ، حفر کردن

(digs, dug, digging)

If you **dig**, you make a hole in the ground by removing the dirt.

اگر جایی را بکنید ، با برداشتن خاک در زمین سوراخی را ایجاد می‌کنید.

dim دایم

A **dime** is a small, shiny, round metal coin.
A **dime** is worth ten cents.

دایم سکه کوچک فلزی گرد و براقی می‌باشد. یک دایم ده سنت ارزش دارد.

dine غذا خوردن

(dines, dined, dining)

When you **dine**, you eat a metal.

هنگام غذا خوردن ، خوراکی را میل می‌کنید.

dinner شام

Many people eat their **dinner** at night.

بسیاری از مردم شب هنگام شام می‌خورند.

dinosaur دایناسور

A **dinosaur** is an animal that lived a long, long time ago. Some **dinosaurs**, such as *Tyrannosaurus rex*, were giants.

دایناسور حیوانی است که در زمان‌های خیلی خیلی پیش زندگی می‌کرده است. بعضی از دایناسورها مانند تیرانوزروس رکس غول پیکر بوده‌اند.

dip رنگ کردن ، فرو کردن ، غوطه ور کردن.

(dips, dipped, dipping)

If you **dip** something, you place it in a liquid and then quickly pull it out.

اگر چیزی را غوطه ور کنید ، آن را داخل مایعی می‌کنید و سپس به سرعت بیرون می‌آورید.

direction جهت

A **direction** is the way a person is facing or pointing.

جهت راهی است که مقابل شخص قرار دارد یا به آن اشاره می‌کند.

dirt گل و خاک ، آلودگی

Dirt is mud or soil that makes something unclean.

آلودگی چیزی را کثیف می‌کند.

discover کشف کردن

(discovers, discovered, discovering)

When you **discover** something, you are learning about it for the first time.

هنگامی که چیزی را کشف می‌کنید ، برای اولین بار چیزی را درباره آن می‌آموزید.

dish ظرف

(dishes)

A **dish** is something you put food on or in when you eat. Plates and bowls are types of **dishes.**

ظرف چیزی است که هنگام غذا خوردن ، غذای خود را بر روی آن یا داخل آن می ریزد.
بشقاب و کاسه نوعی ظرف می‌باشند.

dive شیرجه زدن

(dives, dived, diving)

When you **dive** into the water, you jump in with your arms and head first.

هنگام شیرجه زدن داخل آب ، ابتدا با سر و بازوهای خود در آب می‌پرید.

divide تقسیم کردن

(divides, divided, dividing)

When you **divide** something, you make it into smaller parts.

هنگام تقسیم چیزی، آن را به بخش‌های کوچکتر تبدیل می‌کنید.

do انجام دادن

(does, did, done, doing)

When you draw a card for Mommy, you **do** it all by yourself.

وقتی که می‌خواهی کارتی را برای مامان نقاشی کنی، آن را خودت به تنهایی انجام بده.

doctor دکتر

A **doctor** is someone who helps sick people get better.

دکتر فردی است که به بیماران کمک می‌کند تا بهتر شوند.

dog سگ

A **dog** is a furry animal that barks. **Dogs** do Work, like guarding building or farm animals.

سگ حیوان پشمالویی است که پارس می‌کند. سگ‌ها کارهایی را مانند نگهبانی ساختمان‌ها یا حیوانات مزرعه انجام می‌دهند.

doll عروسک

A **doll** is a small toy that can look like a child or an adult.

عروسک اسباب بازی کوچکی است که می‌تواند شبیه بچه یا بزرگسال باشد.

dollar دلار

A kind of money, a **dollar** looks like a piece of green paper. One **dollar** is worth 100 cents, the same as 100 pennies or 4 quarters.

نوعی پول است، یک دلار مانند قطعه‌ای کاغذ سبز به نظر می‌رسد. یک دلار ۱۰۰ سنت، ۱۰۰ پنی یا ۴ کوارتر ارزش دارند.

dolphin دلفین

A **dolphin** is a big, smart animal that lives in the ocean. A **dolphin** is not a fish. A **dolphin** blows air through a hole in its back.

یک دلفین حیوان بزرگ و باهوشی است که در اقیانوس زندگی می‌کند. یک دلفین ماهی نیست. دلفین هوا را از طریق سوراخی در پشتش بیرون می‌فرستد.

donkey خر

A **donkey** is an animal that looks like a small horse with long ears.

خر حیوانی شبیه اسبی کوچک است که گوش‌های درازی دارد.

door در

You open a **door** when you need to go into a room or building, and you close the **door** behind you when you leave.

هنگامی که نیاز دارید وارد اتاق یا ساختمانی شوید در را باز می‌کنید و هنگام ترک آن محل در را می‌بندید.

doorbell زنگ در

You push the button on a **doorbell**, and it rings to let people inside the building know you want to come in.

دگمه زنگ در را فشارمی‌دهید و زنگ به صدا در می‌آید تا افراد داخل ساختمان بدانند که می‌خواهید وارد شوید.

dot نقطه
How many **dots** are there on your die?

چند نقطه روی تاس تو وجود دارد؟

doubt شک داشتن
(doubts, doubted, doubting)

If you **doubt** something, you are not sure about it, or you question it. *You might **doubt** that you can swim all the way across the pool.*

هنگامی که به چیزی شک دارید، درباره آن مطمئن نیستید و یا آن را مورد سؤال قرار می‌دهید.

شاید شک داشته باشید که بتوانید تمام عرض استخر را شنا کنید.

doughnut پیراشکی، دونات
A **doughnut** is a round, sweet cake with a hole in the middle.

پیراشکی کیک شیرین و گردی است که در وسط آن سوراخی وجود دارد.

down پایین
The ball rolled **down** the hill.

توپ از بالای تپه به پایین غلطید.

dozen دوجین
A **dozen** is a group of 12 things, like a **dozen** eggs in a box.

دوجین گروهی از ۱۲ چیز مانند دوجین تخم مرغ داخل یک جعبه می‌باشد.

dragon اژدها
A **dragon** is a huge make-believe monster with scales, wings, a long tail, and fiery breath. **Dragons** appear in many stories.

اژدها هیولای تخیلی عظیمی است که پوستی پولک‌دار، بال، دم بلند و نفسی آتشین دارد. اژدها در بسیاری از داستان‌ها پدیدار می‌شود.

draw کشیدن
(draws, drew, drawing)

When you **draw**, you make a picture with a pencil, a pen, or crayons.

هنگام ترسیم با کمک مداد، خودکار یا مداد شمعی تصویری را به وجود می‌آورید.

drawing نقاشی- ترسیم
A **drawing** is a picture you make with a pencil, a pen, or crayons.

نقاشی تصویری است که با کمک مداد، خودکار یا مداد شمعی ایجاد می‌کنید.

dream خواب دیدن
(dreams, dreamed, dreaming)

When you **dream**, pictures and thoughts go through your mind.

هنگامی که خواب می‌بینید، تصاویر یا افکاری به ذهنتان خطور می‌کنند.

dress
(dresses, dressed, dressing)

1. When you **dress**, you put your clothes on.
2. a **dress** is a skirt and top sewn together for girls to wear.

۱- پوشیدن. هنگامی که لباس‌هایتان را به تن می‌کنید، آن‌ها را می‌پوشید.

۲- ماکسی بلوز و دامن بهم دوخته‌ای است که دخترها آن را می‌پوشند.

dresser کشوی لباس
A **dresser** is a piece of furniture with many drawers to hold clothes.

جزء لوازم خانه است که دارای کشوهای بسیاری است و لباس‌ها را در خود جای می‌دهد.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

drill متە

A **drill** is a tool with a sharp point that makes small holes in metal or wood by turning that point.

مته وسیله‌ای نوک تیز است که با چرخاندن نوک تیز آن می‌توان سوراخ‌های کوچکی را در فلزات یا چوب ایجاد کرد.

drink

(drinks, drank, drinking)

1. When you pour a liquid, like juice, into your mouth and swallow it, you are **drinking.**
2. A **drink** is a liquid, such as water, that you swallow when you are thirsty.

۱ - نوشیدن. هنگامی که مایعی مانند آب میوه، وارد دهانتان می‌کنید و آن را قورت می‌دهید آن را می‌نوشید.
۲ - نوشیدنی. نوشیدنی مایعی نظیر آب می باشد که هنگام تشنگی آن را می‌نوشید.

drive

(drives, drove, driven, driving)

1. When you ride in a car or bus, you are going for a **drive.** 2. When you **drive** a car or bus, you make it move along the road.

۱ - سواری. هنگامی که داخل ماشین یا اتوبوس نشسته‌اید سواری می‌کنید.
۲ - رانندگی کردن. هنگام رانندگی با ماشین یا اتوبوس، آن را در امتداد جاده می‌رانید.

drop

(drops, dropped, dropping)

1.If you **drop** something, you let it fall. 2.A **drop** is a very small amount of liquid, like a **drop** of rain.

۱ - انداختن. اگر چیزی را می‌اندازید، اجازه می‌دهید که آن بیافتد.
۲ - قطره. قطره، مقدار بسیار کمی از مایع مانند قطره‌ای از باران است.

drum طبل

A **drum** is a round, hollow musical instrument that you can tap with sticks or your hands.

طبل نوعی وسیله موسیقی گرد و توخالی است که می‌توانید آن را با کمک چوب یا با دستتان بنوازید.

dry

(dries, dried, drying, drier, driest)

1 .When you **dry** something, like rubbing it with a towel, you take the water off of it. 2. Something that is **dry** is not wet.

۱ - خشک کردن. وقتی چیزی را خشک می‌کنید، مانند خشک کردن آن با حوله، آب را از آن جسم خارج می‌نمایید.
۲ - خشک. چیزی که خشک است، تر نیست.

duck اردک

A **duck** is a bird that swims in the water with its webbed feet and files in the air with its wings. A **duck** makes a quacking sound.

اردک پرنده‌ای است که با کمک پاهای پره‌دار خود در آب شنا می‌کند و با پرهایش در هوا پرواز می‌نماید. اردک صدایی مانندکواک کواک ایجاد می‌کند.

duckling بچه اردک

A **duckling** is a baby duck. Ducklings have soft fluffy feathers and walk and swim in line behind their mother.

جوجه اردک، بچه اردک است. جوجه اردک‌ها پرهای کرک‌دار نرمی دارند و پشت سر مادرشان صف بسته راه می‌روند و شنا می‌کنند.

during در طی. حین

The children listened **during** the story.

بچه‌ها حین گفتن داستان به آن گوش می‌دادند.

E

each
هر، هریک، هرکدام. یعنی همه چیز یا همه افراد.

The father gave **each** one of his children a cupcake for a snack.

پدر به عنوان میان وعده به هر یک از بچه‌های خود یک کیک کوچک داد.

eagle عقاب

An **eagle** is a large bird with a sharp curved beak and long wings. An **eagle** catches other birds.

عقاب پرنده‌ای بزرگ با منقاری خمیده و تیز و بال‌های بلند است. عقاب، پرندگان دیگر را شکار می‌کند.

ear گوش

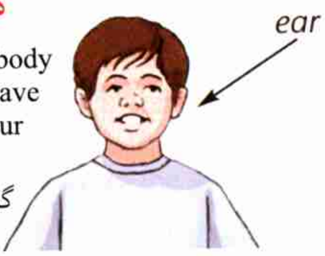

An **ear** is the part of your body that you use to hear. You have one **ear** on each side of your head.

گوش بخشی از بدن شماست که با کمک آن می‌شنوید. در طرفین سر شما گوش‌هایتان قرار دارند.

early زود
(earlier, earliest)

Early means before something starts. If you arrive **early**, you get somewhere sooner than you expected.

زود یعنی قبل از این که چیزی شروع بشود. اگر زود به جایی برسید، از آن زمانی که انتظار داشته‌اید، زودتر رسیده‌اید.

earth

1 . We live on the planet **Earth**, which includes all of the oceans and land. 2. You can plant things in the **earth,** or ground.

۱- زمین. ما در کره زمین زندگی می‌کنیم که شامل همه اقیانوس‌ها و خشکی‌ها است.
۲- خاک. شما می‌توانید در خاک یا در زمین چیزی بکارید.

east شرق

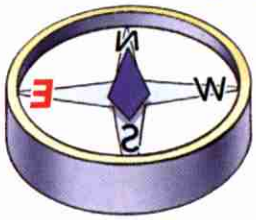

The direction in which the sun comes up in the morning is **east.**

جهتی که خورشید صبح‌ها از آن بیرون می‌آید، شرق است.

Easter عید پاک
Easter is a special Christian holiday that occurs in the spring. Children enjoy hunting for colored **Easter** eggs during the **Easter** holiday.

عید پاک تعطیلی ویژه مسیحیان است که در فصل بهار قرار دارد. بچه‌ها عاشق شکار تخم‌مرغ‌های رنگی (پنهان شده) در این تعطیلات هستند.

easy آسان
(easier, easiest)

If something is **easy,** it is not very hard for someone to do.

اگر چیزی آسان است، انجام آن برای کسی سخت نیست.

eat خوردن
(eat, ate, eaten, eating)

When you **eat**, you place food in your mouth, chew it, and then swallow it.

هنگام غذا خوردن، آن را وارد دهان خود می‌کنید، می‌جوید و سپس می‌بلعید.

edge لبه، انتهای چیزی
The doll sits on the **edge** of the chair.

عروسک بر روی لبه صندلی نشسته است.

egg — تخم، تخم مرغ

An **egg** is a smoth round object that may have a baby bird, fish, reptile, or insect growing inside of it. Chickens lay **eggs** with a hard shell. Some people cook and eat **eggs**.

تخم، جسم گرد و صافی است که ممکن است بچه پرنده، ماهی، خزنده یا حشره در داخل آن در حال رشد باشد. مرغ‌ها تخم‌هایی با پوسته سفت و محکم می‌گذارند. بعضی از افراد تخم‌مرغ را می‌پزند و می‌خورند.

eight — هشت

Eight is a number that is one more than seven.

هشت عددی است که از هفت یکی بیشتر است.

8

eighteen — هجده

Eighteen is a number that is one more than seventeen. 17+1 = 18.

هجده عددی است که از هفده یکی بیشتر است.

۱۷+۱=۱۸

18

eighty — هشتاد

Eighty is eight groups of 10.

8×10=80.

هشتاد، هشت گروه ۱۰ تایی است.

۸× ۱۰ =۸۰

80

elephant — فیل

An **elephant** is the largest land animal. An **elephant** is gray with a long nose called a trunk and two huge ears.

فیل بزرگترین حیوان خشکی است. فیل خاکستری رنگ است و و دو گوش بزرگ و بینی درازی دارد که خرطوم نامیده می‌شود.

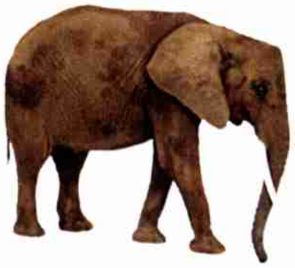

eleven — یازده

Eleven is a number that is one more than ten.

یازده عددی است که از ده یکی بیشتر است.

11

empty — خالی

(emptier, emptiest)

When something is **empty**, it has nothing inside.

وقتی چیزی خالی باشد، چیزی داخلش نیست.

end — پایان

The last part of something is the **end.** *You are finished listening* to *the CD now that you are at the* **end.**

آخرین قسمت چیزی پایان آن است. حالا که سی دی به پایان رسیده است دیگر به آن گوش نمی‌دهید.

English — انگلیسی

English is the main language spoken in the United States, Canada, England, and some other countries.

انگلیسی زبان اصلی ایالت متحده امریکا، کانادا، انگلستان و بعضی از کشورهای دیگر است.

enough — کافی

If you have **enough** of something, you have as much as you need.

اگر چیزی را به اندازه کافی داشته باشید، به اندازه نیاز خود آن را دارید.

You have had **enough** to eat.

به اندازه‌ی کافی خورده‌اید.

enter — وارد شدن

(enters, entered, entering)

You go into a place when you **enter** it.

هنگام وارد شدن به مکانی داخل آن می‌شوید.

envelope — پاکت

An **envelope** is a folded paper cover for a letter that you glue shut. On the front of an **envelope**, you place a stamp and write the address.

پاکت پوشش کاغذی تاشده‌ای است که نامه را داخل آن قرار می‌دهید و آن را با چسب می‌بندید. روی پاکت تمبر می‌زنید و نشانی را می‌نویسید.

erase پاک کردن
(erases, erased, erasing)

When you **erase** something, you wipe it out so it can no longer be seen.

وقتی که چیزی را پاک می‌کنید، آن را طوری تمیز می‌کنید که دیگر چیزی دیده نشود.

eraser پاک کن
When you rub with an **eraser**, it wipes away pencil marks from paper. Some pencils have a small **eraser** on the end.

وقتی که با پاک کن پاک می کنید، آثار مداد را از روی کاغذ پاک می‌کنید. بعضی از مداد ها در انتهای خود پاک‌کن کوچکی دارند.

escape فرار کردن
(escapes, escaped, escaping)

When you **escape**, you get away from something.

هنگام فرار کردن از چیزی از آن دور می‌شوید.

even
1. An **even** number is one that you can divide by two. The opposite of an **even** number (2, 4 ...) is an odd number (3, 5 ...). 2. If something is flat or level, like a floor, it is **even**.

۱ - عدد زوج عددی است که بر دو تقسیم می‌شود. متضاد عدد زوج (۲، ۴ ......) عدد فرد (۳، ۵ ...) است.
۲ - صاف. اگر چیزی مانند کف زمین هموار یا مسطح باشد، صاف است.

evening عصر
Evening is the part of day between afternoon and night. The sun goes down in the **evening.**

عصر بخشی از روز بین بعد از ظهر و شب می باشد. در عصرها خورشید غروب می کند.

ever همیشه، هرگز
At the end of the story, the man and woman lived happily **ever** after.

در پایان داستان، مرد و زن برای همیشه شاد و خوشبخت زندگی کردند.

every تمام، هر
You must pick up **every** toy from the floor.

باید تمام اسباب بازی‌ها را از زمین جمع کنی.

except به جز
Everyone **except** the baby, who is too young, went to the movies.

همه به جز نوزاد، که بسیار کوچک است، به سینما رفتند.

exercise
(exercises, exercised, exercising)

1. When you **exercise**, you do an activity to improve your body. *We **exercise** our legs by running.*
2. An **exercise** is a small bit of work you do to help you learn something.

۱ - ورزش کردن. هنگام ورزش کردن، فعالیتی را انجام می‌دهید تا بدن خود را قوی کنید.
۲ - تمرین. تمرین فعالیتی است که کمک می‌کند چیزی را یاد بگیرید.

extra زیادی، اضافه
Would you like to eat an **extra** scoop of ice cream?

آیا مقداری بستنی اضافه میل دارید؟

eye چشم
Your **eye** is the part of your face you use to see.

چشم بخشی از صورتتان است که با کمک آن می‌بینید.

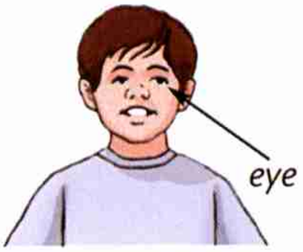

F

face

صورت

Your face is the front part of your head. Your eyes, nose, and mouth are on your **face.**

صورت شما در قسمت جلوی سرتان قرار دارد. چشم، بینی و دهان شما روی صورتتان قرار دارند.

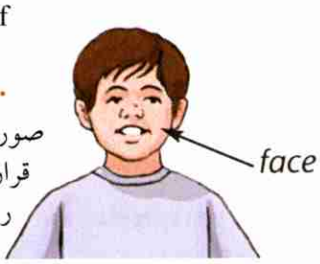

fair

(fairer, fairest)

1. If you are honest and follow the rules, you are playing **fair. 2.** *The baby's skin is **fair** because he has not been out in the sun.*

3. A **fair** is a special place where you have fun on big rides, play games for prizes, and see farm foods and animals.

۱ - منصف، شرافتمندانه. اگر در کاری صادق باشید و از قوانین پیروی کنید آدم شرافتمندی هستید.
۲ - سفید، روشن.
پوست نوزاد سفید است، زیرا او در زیر آفتاب نبوده است.
۳ - نمایشگاه. نمایشگاه مکان ویژه و سرگرم کننده‌ای برای شما است، در آن‌جا سوار چرخ و فلک‌های بزرگ شده، بازی‌هایی همراه با جایزه انجام می‌دهید و حیوانات و محصولات مزرعه را می‌بینید.

falcon

باز، قوش

A **falcon** is a bird with powerful wings, good eyes, and a pointed beak. A **falcon** is a good hunter.

باز پرنده‌ای با بال‌های قوی است که چشمانی تیزبین و منقاری تیز دارد. باز شکارچی ماهری است.

fall

(falls, fell, fallen, falling)

1. If something **falls,** it suddenly goes down toward the ground. 2. **Fall** is the season of the year between summer and winter.

۱ - افتادن. اگرچیزی بیفتد، ناگهان به طرف زمین حرکت می کند.
۲ - پاییز. پاییز فصلی از سال است که بین تابستان و زمستان قرار دارد.

family

خانواده

(families)

A **family** is a group of related people, such as children, parents, and grandparents.

خانواده، گروهی خویشاوند نظیر بچه‌ها، پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌باشند.

fan

1. A **fan** is an object that moves or blows air around to make you feel cool.
2. A **fan** is a person who admires someone else's skills. *The **fans** cheer when a player catches the ball.*

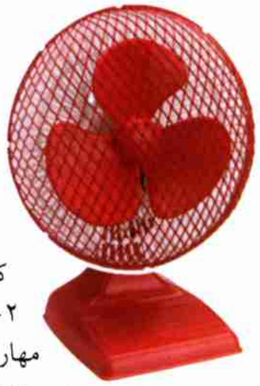

۱ - پنکه. پنکه وسیله‌ای است که هوا را به جریان می‌اندازد تا شما احساس خنکی کنید.
۲ - طرفدار. طرفدار کسی است که مهارت‌های شخصی دیگر را می‌پسندد و دوست دارد.
هنگامی که بازیکنی توپ را می گیرد طرفدارانش او را تشویق می‌کنند.

far

دور

(farther, farthest)

The moon is **far** away from Earth.

ماه بسیار دور از زمین واقع شده است.

farm
مزرعه

A **farm** is a piece of land where a farmer grows food and raises animals.

مزرعه، قطعه زمینی‌است که کشاورز در آن محصولات خود را می‌کارد و حیوانات را پرورش می‌دهد.

farmer
کشاورز

A **farmer** is a person who works on a farm taking care of the animals and the crops.

کشاورز، شخصی است که در مزرعه کار می‌کند و از حیوانات و محصولات مراقبت می‌نماید.

fast
سریع، به سرعت

(faster, fastest)

You are a fast runner.

تو دونده سریعی هستی.

fat
چاق

(fatter, fattest)

A **fat** animal or person has a big round body.

حیوان یا انسان چاق بدن گرد و بزرگی دارد.

father
پدر

My father is a farmer.

پدرم کشاورز است.

fear
ترس

You have a **fear** of getting burned if you touch the hot oven.

می‌ترسید که اگر به اجاق گاز (فر) داغ است دست بزنید، دستتان بسوزد.

feather
پر

Birds have **feathers** to cover their skin. **Feathers** are soft and very light.

پوست پرندگان با پر پوشیده است. پرها نرم و بسیار سبک وزن هستند.

February
ماه فوریه

February is a winter month and the second month of the year. Valentine's Day is in **February**.

فوریه دومین ماه سال است و در فصل زمستان قرار دارد.
روز والنتاین در ماه فوریه است.

feed
غذا دادن

(feeds, fed, feeding)

He **feeds** his dog.

او به سگش غذا می‌دهد.

feel

(feels, felt, feeling)

۱- لمس کردن.
۲- احساس کردن. مانند احساس غم یا مریضی.

The little girl **feels** happy because her daddy gave her balloons.

دختر کوچک احساس شادی می‌کند، زیرا پدرش به او بادکنک داده است.

feet

My **feet** hurts.

پاهایم درد می‌کند.
۱- پاها.
۲- واحد اندازه‌گیری طول یک پا ۳۰/۸۴ سانتی‌متر است.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

fence
حصار

A **fence** is a kind of outside wall made of wood or metal. A **fence** around a farm keeps the animals in.

حصار نوعی دیوار از چوب یا فلز است که خارج از خانه قرار دارد.
حصار دور مزرعه، حیوانات را در داخل خود نگه می‌دارد.

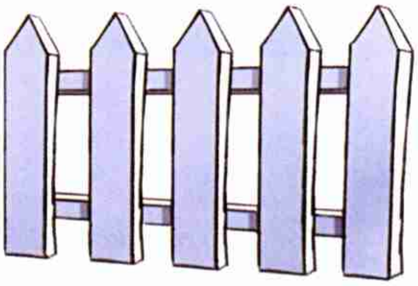

few
کم، چند تایی

(fewer, fewest)

Only a **few** caterpillars turned into butterflies.

فقط تعداد کمی از لاروها به پروانه تبدیل شدند.

fib
چاخان کردن

(fibs, fibbed, fibbing)

When someone **fibs**, he is saying a little lie or untruth.

هنگامی که کسی چاخان می‌کند، او دروغی کوچک یا چیزی غیرواقعی را بیان می‌کند.

fifteen
پانزده

Fifteen is a number that is one more than fourteen. 10+5= 15.

پانزده، عددی است که از چهارده یکی بیشتر است. ۱۵ = ۵+۱۰

15

fifth
پنجمین

The black dog is the **fifth** one in the line.

سگ سیاه پنجمین سگ در داخل صف است.

fifty
پنجاه

Fifty is a number that means five groups of ten. 10+10+10+10+10=50.

پنجاه، عددی است که به معنای ده گروه پنج تایی است.
۵۰= ۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰

50

fight
جنگ کردن، دعوا کردن

(fights, fought, fighting)

When people or animals **fight,** they try to hurt one another.

هنگامی که حیوانات یا انسان‌ها با یکدیگر جنگ می‌کنند، سعی دارند به هم صدمه بزنند.

*When the boys **fight,** they hit each other with their hands.*

وقتی که پسرها با هم دعوا می‌کنند، با دست به یکدیگر ضربه می‌زنند.

fill
پر کردن

(fills, filled, filling)

Your sister **fills** her glass right up to the top with orange juice.

خواهرت درست تا بالای لیوانش را از آب پرتقال پر می‌کند.

find
پیدا کردن

(finds, found, finding)

The baby **finds** his toy under the chair.

نوزاد اسباب بازی‌اش را زیر صندلی پیدا می‌کند.

fine
خوب، زیبا

You look **fine** in your pretty new party dress.

در این لباس مهمانی جدید و قشنگت، زیبا به نظر می‌رسی.

finger
انگشت (دست)

Your **fingers** are the five long, thin parts at the end of your hand. Your **fingers** bend so you can pick up things. Your thumb is one of your **fingers.**

پنج انگشت باریک و بلند در انتهای دستتان وجود دارند.
انگشتانتان خم می‌شوند تا بتوانید اجسام را بردارید.

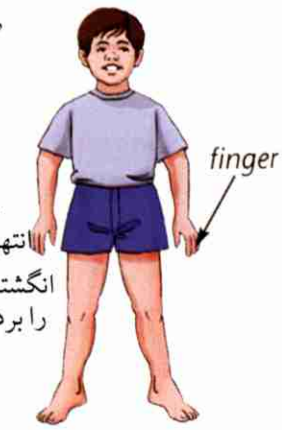

finish به پایان رسیدن ، تمام کردن

(finishes, finished, finishing)

When daddy **finishes** reading his book, he closes it.

هنگامی که پدر خواندن کتاب خود را تمام می‌کند ، کتاب را می‌بندد .

fire آتش

Fire is the hot, bright light that happens when something burns. A **fire** keeps you warm.

آتش نور روشن و داغی است که وقتی چیزی می‌سوزد ایجاد می‌شود . آتش شما را گرم نگه می دارد .

firefighter مأمور آتش نشانی

A **firefighter** is a person who puts out a fire with water from a hose. **Firefighters** wear heavy boots and helmets so they don't get burned.

مأمور آتش نشانی کسی است که به کمک آب و شلنگ ، آتش را خاموش می‌کند . مأموران آتش نشانی چکمه‌های سنگین و کلاه ایمنی استفاده می‌کنند تا نسوزند .

fire truck ماشین آتش نشانی

Firefighters ride to put out a fire on a **fire truck**. **Fire trucks** carry hoses and ladders.

ماموران آتش نشانی سوارماشین آتش نشانی می شوند تا آتش را خاموش کنند . ماشین‌های آتش‌نشانی با خود شلنگ و نردبان حمل می‌کنند .

first

1.When you win a race, you come in **first.**
2. The **first** book is mine.

۱ - اول . هنگامی که مسابقه‌ای را می‌برید ، نفر اول می‌شوید .
۲ - اولین کتاب مال من است

fish

(fishes, fished, fishing)

1 . When you **fish**, you use a net or fishing pole to catch the **fish.** 2. A **fish** is an animal with scales that lives under water. A **fish** uses its fins and tail to swim.

۱ - ماهی‌گیری کردن . هنگام ماهی‌گیری از تور یا قلاب برای گرفتن ماهی استفاده می‌نمایید .
۲ - ماهی . ماهی حیوانی است که بر روی پوستش پولک دارد و زیر آب زندگی می‌کند . ماهی از باله‌ها و دمش برای شنا استفاده می‌نماید .

fishing pole قلاب ماهی گیری

A **fishing pole** is a long stick with a string and a hook used to catch fish.

قلاب ماهی گیری چوب بلندی دارای نخ و قلابی است که با آن ماهی می‌گیرند .

fit

(fits, fit, fitting)

۱ - اندازه بودن .

Cinderella's shoe **fit** her foot perfectly.

کفش سیندرلا کاملاً اندازه پایش بود .

۲ - خوش اندام ، سالم .

Mommy exercises to stay **fit.**

ماما‌ن ورزش می کند تا سالم باشد .

five پنج

Five is a number that is one more than four.

پنج عددی است که از چهار یکی بیشتر است .

5

fix تعمیر کردن

(fixes, fixed, fixing)

When you **fix** something, you put it back together again.

هنگامی که چیزی را تعمیر می‌کنید ، آن را به شکل اولیه خود برمی‌گردانید .

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

flag
پرچم

A **flag** is a piece of cloth you hang up with colored shapes or letters on it. Every country has its own **flag.**

پرچم قطعه پارچه‌ای است دارای شکل‌های رنگی یا حروف که آویخته می‌شود. هر کشور پرچم خاص خود را دارد.

flashlight
چراغ قوه

A **flashlight** is a small lamp you can hold in your hand to light up dark places.

چراغ قوه چراغ کوچکی است که آن را در دست خود می‌گیرید و با آن مکان‌های تاریک را روشن می‌کنید.

flipper
کفش غواصی

Flippers are wide, flat shoes that can help you swim faster. A duck's webbed feet are **flippers.**

کفش غواصی کفش پهن و صافی است که می‌توانند به شما کمک کند سریع‌تر شنا کنید.

float

(floats, floated, floating)

1. When something stays on top of the water, it **floats.**
*The balloon **floats** toward the tall trees.*
A toy boat **floats** in the bathtub.

۱ - شناور شدن. هنگامی که چیزی بر روی آب می‌ماند، شناور می‌شود.
قایق اسباب بازی در وان حمام شناور می‌شود.
۲ - در آب یا هوا حرکت کردن
بالن به طرف درختان بلند در حرکت است.

floor
کف اتاق

The **floor** is the bottom part of a room.
You walk on the **floor**.

کف اتاق قسمت پایین اتاق است. شما روی کف اتاق راه می‌روید.

flower
گل

The **flower** is the part of a plant that has colored petals and smells good.

گل بخشی از یک گیاه است که گلبرگ‌های رنگی دارد و بوی خوبی می‌دهد.

flute
فلوت

A **flute** is a musical instrument that works like a whistle. You blow air into the **flute** and use the keys and finger holes to change sounds.

فلوت نوعی وسیله موسیقی است که مانند سوت کار می‌کند. در فلوت فوت می‌کنید و از سوراخ‌ها و کلیدهایی که بر رویش قرار دارد برای تغییر صدای آن استفاده می‌کنید.

fly

(flies, flew, flown, flying)

1. When something **flies,** it moves through the air.
A bird **flies** from tree to tree. 2. A **fly** is a small insect with wings that makes a buzzing sound.

۱ - پرواز کردن. وقتی که چیزی پرواز می‌کند، در هوا حرکت می‌نماید.
پرنده از درختی به درخت دیگری پرواز می‌کند.
۲ - مگس. مگس حشره کوچکی است که بال دارد و صدای ویزویز ایجاد می‌کند.

fold
تا کردن

(folds, folded, folding)

After you **fold** the shirts, you put them in the basket.

بعد از این که پیراهن‌ها را تا کردی، آن‌ها را داخل سبد بگذار.

folder
پوشه

A cardboard **folder** holds important papers from school or work.

پوشه مقوایی مدارک مهم مدرسه یا کار را نگهداری می‌کند.

follow دنبال کردن
(follows, following, followed)

When you **follow** someone or something, you are moving along right behind that person or thing.

هنگامی که کسی یا چیزی را دنبال می‌کنید درست پشت آن فرد یا چیز حرکت می‌کنید.

food غذا
Food is all of the things that plants, animals, and people eat to stay healthy.

غذا همه چیزهایی است که گیاهان، حیوانات و انسانها می‌خورند تا سالم بمانند.

foot
(feet)

My mother's **foot** aches.

پای مادرم درد می‌کند.

football فوتبال آمریکایی
1. A **football** is a ball that is round in the middle and pointed at the ends.

۱ - توپی است که وسط آن گرد است و دو طرف آن کشیده می‌باشد.

۲ - در بازی فوتبال آمریکایی دو تیم مقابل هم قرارمی‌گیرند، توپ را پرتاب یا دریافت می‌کنند و با پا به آن می‌زنند و امتیاز می‌گیرند.

footprint ردپا
A **footprint** is the mark a foot leaves in the ground.

ردپا علامتی است که پا برروی زمین بر جای می‌گذارد.

for برای
My sister made the birthday cake **for** you.

خواهرم برای تو کیک تولد پخت.

forest جنگل
A **forest** is a place where many trees grow together.

جنگل جایی است که درختان بسیاری کنار هم رشد می‌کنند.

forget
(forgets, forgot, forgotten, forgetting)

If you **forget** something, you do not remember it.
I **forgot** to return my library book.
He **forgot** the name of that person.

فراموش کردن. اگر چیزی را فراموش کنید، آن را به خاطر نمی‌آورید.
فراموش کردم کتاب کتابخانه‌ام را برگردانم.
او نام آن شخص را فراموش کرد.

fork چنگال
A **fork** is a tool with a handle and several sharp points at the end. You use a **fork** to pick up food and eat.

چنگال وسیله‌ای است که دسته و چند نوک تیز در انتهای خود دارد. از چنگال برای برداشتن وخوردن غذا استفاده می‌کنید.

forty چهل
Forty is a number that is four groups of ten.
1 0+ 1 0+ 1 0+ 1 0=40.

چهل، چهار گروه ده تایی است.
۱۰+۱۰+۱۰+۱۰=۴۰

40

four — چهار

Four is a number that is one more than three.

*A horse has **four** legs.*

4

چهار عددی است که از سه یکی بیشتر است.

اسب چهار پا دارد.

fourteen — چهارده

Fourteen is a number that is one less than fifteen.

14

چهارده عددی است که از پانزده یکی کمتر است.

fourth — چهارمین

The chocolate scoop is the **fourth** one in the cone.

چهارمین تکه روی قیف بستنی شکلاتی بود.

fox — روباه

(foxes)

A **fox** is a wild, furry animal that has pointy ears and a long, bushy tail. A **fox** is smaller than most dogs.

روباه حیوانی پشمالود و وحشی است که گوش‌های کشیده و نوک تیز و دم بلند پشمالود و درازی دارد. روباه از بیشتر سگ‌ها کوچکتر است.

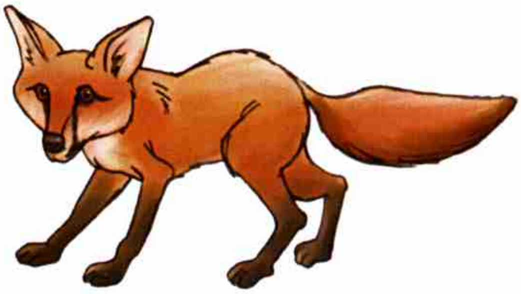

frame — قاب

A **frame** is a border around a picture.

قاب حاشیه و کناره دور تصویر است.

freckle — کک مک

A **freckle** is a small brown spot on your skin.

کک مک نقطه قهوه‌ای کوچکی بر روی پوست شما است.

free

(freer, freest)

1. If something is **free,** you do not pay for it.
2. When something is **free** or loose, it can go anywhere.

۱ - مجانی. اگر چیزی مجانی است، برای آن پول پرداخت نمی‌کنید.

۲ - آزاد. هنگامی‌که چیزی که آزاد یا رها باشد، می‌تواند هرجایی برود.

French — فرانسوی

French is a language that is spoken in France, Canada, and other countries.

فرانسوی زبانی است که در کشور فرانسه، کانادا و دیگر کشورها صحبت می‌شود.

Friday — جمعه

Friday is the day of the week that comes afterThursday.

جمعه یکی از روزهای هفته است که بعد از پنجشنبه می‌آید.

friend — دوست

A **friend** is a person who you know very well and like a great deal.

دوست کسی است که او را بسیار خوب می‌شناسید و زیاد دوستش دارید.

frog — قورباغه

A **frog** is a small animal that leaps on land and swims in the water with its strong back legs. **Frogs** eat flies.

قورباغه حیوان کوچکی است که بر روی خشکی می‌جهد و در آب با پاهای قوی عقب خود شنا می‌کند. قورباغه‌ها مگس‌ها را می‌خورند.

from — از. آغاز چیزی را نشان می‌دهد.

The girl is coming **from** school to home.

آن دختر از مدرسه به خانه برمی‌گردد.

front
رو ، جلو

The part that comes first or you see first is the **front**. *The* ***front*** of *a book is the cover.*

بخشی است که اول می‌آید و ابتدا آن را می‌بینید، روی کتاب جلد آن قرار دارد.

frown
اخم کردن

(frowns, frowned, frowning)

When you **frown,** your face wrinkles to show you are mad or sad.

هنگامی که اخم می‌کنید، صورتتان چین می‌خورد تا نشان دهد عصبانی یا ناراحت هستید.

fruit
میوه

The **fruit** is the part of the plant that has seeds in it. We like to eat **fruits,** such as apples and oranges.

میوه بخشی از گیاه است که دانه داخل آن است. ما خوردن میوه‌ها نظیر سیب یا پرتقال را دوست داریم.

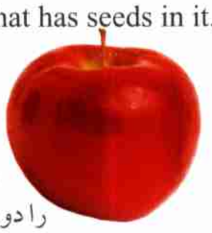

fry
سرخ کردن

(fries, fried, frying)

When you **fry** foods, you cook them in oil in a pan on the stove.

وقتی که غذا را سرخ می‌کنید، آن را داخل ماهی تابه با روغن روی اجاق می‌پزید.

full
پر

(fuller, fullest)

If something is **full,** it cannot hold any more.
I cannot eat more pizza because my tummy is ***full.***

اگر چیزی پر باشد چیز دیگری در آن جا نمی‌شود.
نمی‌توانم پیتزای بیشتری بخورم زیرا شکمم پر شده است.

fun
تفریح

When you are having **fun,** you are having a good time and enjoying yourself.

هنگام تفریح، اوقات خوبی دارید و خوش می‌گذرانید.

funny

(funnier, funniest)

۱ - خنده دار. چیزی که باعث خنده شما می‌شود.
۲ - عجیب. عجیب و غریب.

The alarm clock makes a very **funny** sound.

ساعت زنگ‌دار صدای عجیبی در می‌آورد.

fur
خز ، پشم

Fur is soft, thick hair that covers many animals, such as dogs, bears, and lions.

خز یا موی حیوانات، موی نرم و پرپشتی است که بدن بسیاری از حیوانات نظیر سگ ، خرس و شیر را می‌پوشاند.

furniture
اسباب خانه

Furniture is something that people use in their homes to sit on, eat on, sleep on, and work on. Chairs, tables, beds, and deks are types of **furniture**.

اسباب خانه چیزی است که مردم در خانه از آن برای نشستن، خوردن، خوابیدن و کار کردن استفاده می‌کنند. صندلی، میز، تختخواب و میز تحریر انواع مبلمان خانه هستند.

furry
پشمالو

(furrier, furriest)

Something that is **furry** is all covered with a thick, soft coat of hair. Kittens and bunnies are **furry**.

چیزی که پشمالو است پوششی نرم و پرپشت از مو دارد. بچه گربه‌ها و خرگوش‌ها پشمالو هستند.

G

game — بازی

A **game** is something with rules that you play for fun. Basketball and chess are **games.**

بازی چیز قانون‌مندی است برای تفریح و سرگرمی انجام می‌دهید. بسکتبال و شطرنج بازی هستند.

garage — گاراژ

A **garage** is a place where cars get fixed and gas is sometimes sold. A **garage** can also be a part of a building or house where cars are kept.

گاراژ مکانی است که ماشین‌ها در آن تعمیر می‌شوند و بعضی اوقات در این مکان بنزین فروخته می‌شود. گاراژ همچنین می‌تواند بخشی از خانه یا ساختمان باشد که ماشین‌ها در آن نگهداری می‌شوند.

garbage — زباله

Garbage is all the things you throw away. People put **garbage** in large bags or cans, but it may still get smelly.

زباله تمام چیزهایی است که بیرون می‌ریزید. مردم زباله‌های خود را داخل کیسه‌ها یا قوطی‌های بزرگی می‌گذارند، ولی با وجود این ممکن است بوی بدی بدهند.

garden — باغچه

A **garden** is a piece of land near your home where you grow flowers and vegetables.

باغچه قطعه‌ای زمین در محوطه خانه شما است که در آن گل و سبزیجات می‌کارید.

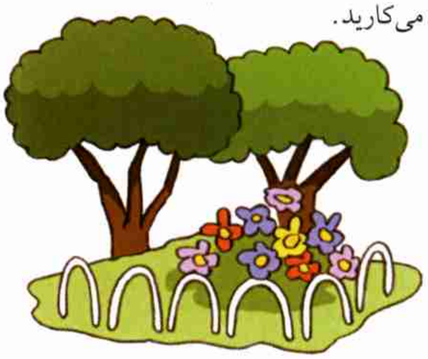

garlic — سیر

Garlic is a plant that grows in bulbs. People like to cook with strong-smelling **garlic**.

سیر گیاهی است که از به صورت غده رشد می‌کند. سیر بوی تندی دارد و مردم دوست دارند که غذای خود را با آن بپزند.

gas — بنزین

(gases)

People go to the gas station to put **gas** in their cars and trucks. Liquid **gas** burns inside the car's engine to make it go.

مردم به پمپ بنزین می‌روند تا ماشین‌ها یا کامیون‌های خود را از بنزین پر کنند. بنزین مایع داخل موتور ماشین می‌سوزد و ماشین را به حرکت در می‌آورد.

gate — در، دروازه، در باغ

A **gate** is like a door in a fence or a wall. *When the **gate** is open, you can drive the tractor to the barn.*

دروازه چیزی شبیه در خانه، در میان حصار یا دیوار است. هنگامی که در باز است، می‌توانید تراکتور را داخل انبار ببرید.

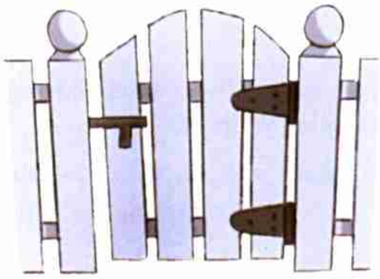

gerbil موش صحرایی

A small furry animal, a **gerbil** has long back legs and a thin tail. Some **gerbils** are pets.

حیوان پشمالود کوچکی است که پاهای عقبی بلند و دم نازکی دارد. بعضی از موش‌های صحرایی به عنوان حیوان خانگی نگهداری می‌شوند.

get آماده کردن

(gets, got, gotten, getting)

If you are hungry, you need to **get** some breakfast.

اگر گرسنه هستی، باید صبحانه را آماده کنی.

ghost روح

You might dress up like a scary **ghost** for Halloween.

در جشن هالوین می‌توانی به شکل روحی ترسناک لباس بپوشی.

giant غول

A **giant** is a very big person that you can read about in storybooks.

غول شخص بسیار بزرگی است که در کتاب‌های داستان درباره می‌خوانید.

gift هدیه

A **gift** is something special that you give to someone. You might wrap a **gift** with colored paper and a bow.

هدیه چیز خاصی است که به شخصی می‌دهید. می‌توانید هدیه خود را با کاغذ رنگی و پاپیون ببندید.

giraffe زرافه

A **giraffe** is a wild African animal with a very long neck, long legs, and brown spots. **Giraffes** eat leaves from tall trees.

زرافه نوعی حیوان وحشی آفریقایی است که گردن و پاهای بلند و لکه‌های قهوه‌ای رنگی بر روی پوست خود دارد. زرافه می‌تواند برگ درختان بلند را بخورد.

girl دختر

The **girl** was talking to her friend.

آن دختر داشت با دوست خود صحبت می‌کرد.

give دادن

(gives, gave, given, giving)

Give your friend the bat so she can play baseball.

به دوست خود چوب بازی را بده تا او نیز بتواند بیسبال بازی کند.

glad خوشحال، شاد

I'm **glad** the sun is shining.

خوشحالم که خورشید می‌درخشد.

glass شیشه، لیوان

(glasses)

1. **Glass** is a hard, smooth material that you can see through, such as a window.
2. A **glass** is something you drink from. In a clear glass, you can see liquids such as water, milk, and juice.

۱ - شیشه. شیشه ماده سخت و صافی است که می‌توانید طرف دیگر آن را ببینید مثل شیشه پنجره.

۲ - لیوان. لیوان وسیله‌ای است که با آن مایعات را می‌نوشید. در لیوانی به رنگ روشن مایعاتی مانند آب، شیر و آب میوه دیده می‌شوند.

glasses
عینک

People wear **glasses** over their eyes to help them see better.**Glasses** are pieces of special glass inside of a frame that fits over the nose.

مردم عینک به چشم می‌زنند تا بتوانند بهتر ببینند. عینک از شیشه‌های خاصی که داخل قاب جای دارند ساخته شده است و بر روی بینی قرار می‌گیرد.

glider
هواپیمای گلایدر

A **glider** is an aircraft that flies without an engine. The wings of a **glider** help it float through the air.

گلایدر هواپیمایی است که بدون موتور پرواز می‌کند. بال‌های گلایدر کمک می‌کنند که گلایدر در هوا معلق بماند.

globe
کره‌ی جغرافیایی

A **globe** is a big round map of the whole world that spins around.

کره جغرافیایی نقشه گرد و بزرگی از تمام دنیا است که به دور خودش می‌چرخد.

glove
دستکش

A **glove** keeps your hand warm and clean. **Gloves** come in pairs and fit over your fingers.

دستکش، دستان شما را گرم و تمیز نگه می‌دارد. دستکش جفت می‌باشد و روی اندازه انگشتان دست شما جا می‌گیرد.

glow
درخشیدن

(glows, glowed, glowing)

If something **glows**, it shines with light and color.

The stars **glowed** brightly in the night sky.

اگر چیزی بدرخشد، نور و رنگ ساطع می‌کند.

ستاره‌ها درآسمان شب به روشنی می‌درخشیدند.

glue
چسب

Glue is a thick liquid that helps stick things together. **Glue** gets hard when it dries.

چسب مایع غلیظی است که کمک می‌کند چیزها به بهم بچسبند. چسب هنگام خشک شدن سخت می‌شود.

go
رفتن

(goes, went, gone, going)

When you **go**, you move from one place to another.

*The train is **going** down the track.*

هنگامی که می روید، از مکانی به مکان دیگر نقل مکان می‌کنید.

قطار به سمت پایین ریل در حرکت است.

goat
بز

A **goat** is a farm animal with short horns. Farmers raise **goats** for their wool and milk.

بز نوعی حیوان مزرعه است که شاخ‌های کوچکی دارد. کشاورزان بز را برای استفاده از پشم و شیر آن پرورش می‌دهند.

goggles
عینک ایمنی

Goggles are a special type of clear glasses made to protect the eyes. Swimmers and carpenters sometimes wear **goggles.**

عینک ایمنی نوعی عینک شفاف خاص است که از چشمان محافظت می‌نماید. بعضی اوقات شناگران و نجاران از عینک ایمنی استفاده می‌کنند.

gold
طلا

Gold is a shiny yellow metal used to make jewelry and coins.

طلا فلز زرد و براقی است که با آن سکه و جواهرات می‌سازند.

goldfish ماهی قرمز

(goldfish)

A **goldfish** is a small fish that people keep as a pet.

ماهی قرمز ماهی کوچکی است که مردم آن را به عنوان حیوان خانگی نگه می‌دارند.

golf بازی گلف

You play the game of **golf** by hitting a little white ball into a hole with a club.

در بازی گلف با چوب به توپ کوچک سفیدی ضربه می‌زنید، و آن را به سمت سوراخی هدایت می‌کنید.

gone رفته

If someone is **gone,** he or she has moved on to another place. *The boy was here, but now he is* ***gone.***

کسی که رفته است، از مکانی به مکان دیگری جابه‌جا شده است.
آن پسر این جا بود ولی حالا رفته است.

good

(better, best)

1. You are **good** at something you do well. 2. If something tastes really **good,** you will like it. 3. You become healthy or strong if you eat something **good** for you. 4. If you are well behaved and do as you are told, you are **good**.

۱- ماهر. هنگامی در چیزی ماهر هستید که آن را خوب انجام دهید.
۲- خوب. اگر چیزی واقعاً مزه خوبی بدهد، از آن خوشتان می‌آید.
۳- سالم، قوی. هنگامی که غذای سالمی بخورید قوی و سلامت می‌شوید.
۴- مؤدب. اگر خوب رفتار کنید و آن چه را که به شما گفته می‌شود انجام دهید، مؤدب هستید.

good- bye خداحافظ

You say **good-bye** when you leave someone or they go away from you.

هنگامی که کسی را ترک می‌کنید یا آن شخص از پیش شما می‌رود، خداحافظی می‌کنید.

goose غاز

(geese)

A **goose** is a big bird with a long neck that swims well. Some **geese** fly south where it is warm for the winter.

غاز پرنده بزرگی است که گردن بلندی دارد و خوب شنا می‌کند. بعضی از غازها در زمستان به جنوب جایی که هوا گرم است پرواز می‌کنند.

gorilla گوریل

A **gorilla** is a large, hairy ape that lives in Africa.

گوریل میمون پشمالود و بزرگی است که در آفریقا زندگی می‌کند.

grade

1. A **grade** is something you earn while learning. A teacher marks your paper with a **grade.**
2. *The twins are in second* ***grade.***

۱- نمره. نمره چیزی است که هنگام یادگیری و آموختن به دست می‌آورید. معلم به ورقه امتحانی شما نمره می‌دهد.
۲- سطح، کلاس. دوقلوها در کلاس دوم هستند.

grandfather پدر بزرگ

Your **grandfather** is the father of your mother or father.

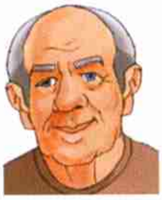

پدر بزرگ پدر مادر یا پدر پدر شما می‌باشد.

grandmother مادر بزرگ

Your **grandmother** is the mother of your mother or father.

مادربزرگ مادر مادر یا مادر پدرتان می‌باشد.

grape انگور

A **grape** is a small, round, soft, juicy fruit that grows in bunches on vines. **Grapes** can be purple, green, or white.

انگور میوه کوچک، گرد، نرم و آبداری است که به صورت خوشه‌ای بر روی درخت مو رشد می‌کند. انگورها می‌توانند بنفش، سبز یا سفید باشند.

grapefruit گریپ فروت
(grapefruit)

A **grapefruit** is a large, round fruit, similar to an orange, with a thick yellow or pinkish skin. The soft inside of a **grapefruit** tastes tangy sweet.

گریپ فروت میوه‌ای بزرگ و گرد است که شبیه پرتقال بوده و پوست ضخیم زرد یا صورتی رنگی دارد. داخل گریپ فروت نرم است و طعم تند و شیرینی دارد.

grass علف
(grasses)

Grass is a plant with thin, pointy green leaves. **Grass** grows on lawns and fields.

علف گیاهی است که برگ‌های سبز، نازک و نوک تیزی دارد. علف در چمنزارها و دشت‌ها رشد می‌کند.

grasshopper جیرجیرک
A **grasshopper** is a large, green, leaping, planteating insect.

جیرجیرک حشره گیاه خوار بزرگ و سبزی است که می‌جهد.

gray رنگ خاکستری
When you mix black and white together, you make the color **gray.**
An elephant is ***gray.***

هنگامی که رنگ سیاه وسفید را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ خاکستری به دست می‌آید.
فیل خاکستری رنگ است.

great
(greater, greatest)

1 . **Great** means that someone is very important. *Abraham Lincoln was a* ***great*** *president.* 2. **Great** means big. *There is a* ***great*** *amount of water in the ocean.* 3. **Great** means something is very good. *She had a* ***great*** *time in the park.*

۱- مهم، بی‌نظیر. مهم یعنی شخصی بسیار با اهمیت است.
آبرهام لینکولن رئیس جمهور مهمی بود.
۲- زیاد.
آب زیادی در اقیانوس وجود دارد.
۳- فوق العاده. فوق العاده چیزی است که بسیار خوب است. تو اوقات فوق العاده خوشی را در پارک سپری کرد.

green رنگ سبز
If you mix yellow and blue together, you make the color **green.**
Grass is green.

اگر رنگ زرد و آبی را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ سبز درست می‌شود.
علف سبز است.

green bean لوبیا سبز
A **green bean** is a long, thin vegetable.

لوبیا سبز گیاهی است که باریک و دراز است.

grin خندیدن، پوز خند زدن
(grins, grinned, grinning)

When you **grin,** you smile and show your teeth.

هنگام خندیدن، لبخند می‌زنید و دندان‌هایتان نمایان می‌شود.

groceries مواد خریدنی، خواربار
Groceries are things that people buy at the store, such as milk,bread, and shampoo.

خواروبار چیزهایی نظیر شیر، نان و شامپو است که مردم از فروشگاه‌ها می‌خرند.

ground زمین
The **ground** is what you walk on outside.

زمین چیزی است که در فضای بیرون بر روی آن راه می‌روید.

group گروه
A **group** is a number of people or things that are gathered together in one place. *A* ***group*** *of children visits the zoo.*

گروه تعدادی از افراد یا چیزها است که در مکانی جمع شده باشند.
گروهی از بچه‌ها از باغ وحش دیدن می‌کنند.

grow — رشد کردن، بزرگتر شدن

(grows, grew, grown, grown)

If *you water the plant it will* **grow.**

اگر به گیاه آب بدهید رشد خواهد کرد.

grown- up — بزرگسال

When a child gets to be older, he or she will become a **grown-up.**

وقتی که کودکی مسن‌تر می‌شود، بزرگسال خواهد شد.

guard — نگهبان، گارد

A **guard** watches over people or things to keep them safe.

A security **guard** works at a bank.

نگهبان کسی است که از مردم یا وسایل مراقبت می‌کند تا آن‌هادر امان بمانند. نگهبان در بانک کار می‌کند.

guess — حدس زدن

(guesses, guessed, guessing)

When you **guess,** you try to give an answer to something you are not quite sure about. *Can you* **guess** *how many kittens your cat will have?*

هنگامی که حدس می‌زنید، سعی دارید جوابی برای چیزی که به آن اطمینان ندارید، پیدا کنید.

می‌توانی حدس بزنی گربه تو، چند تا بچه خواهد داشت؟

guide

(guides, guided, guiding)

1. If you **guide** someone, you give directions or show that person how to do something. 2. A **guide** is someone who takes people somewhere. *Our* **guide** *showed us around the museum.*

۱ - راهنمایی کردن. هنگامی که کسی را راهنمایی می‌کنید برای آن شخص توضیح می‌دهید یا نشان می‌دهید که چگونه کاری را انجام دهد.

۲ - راهنما. راهنما فردی است که مردم را به جایی می‌برد.

راهنمای ما گرداگرد موزه را به ما نشان داد.

guitar — گیتار

A **guitar** is a musical instrument with strings you touch with your fingers to make a sound.

گیتار نوعی وسیله موسیقی دارای تار است که با تماس انگشتان بر روی سیم‌ها صدا ایجاد می‌کنید.

gum

1 . **Gum** is a sweetened stick or tablet you put in your mouth and chew. 2. Your **gums** are the soft flesh in your mouth that surround your teeth.

۱ - آدامس. آدامس ماده مستطیل شکل یا قرص مانندی است که در دهان می‌گذارید و می‌جوید.

۲ - لثه. لثه شما گوشت نرم داخل دهانتان است که دور دندان‌هایتان قرار دارد.

gym — سالن ورزش

A **gym** is a big room where people like to exercise and play games such as basketball.

سالن ورزش سالن بزرگی است که مردم دوست دارند در آن ورزش کنند و یا بازی‌هایی نظیر بسکتبال را در آن انجام دهند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

grapefruit گریپ فروت

(grapefruit)

A **grapefruit** is a large, round fruit, similar to an orange, with a thick yellow or pinkish skin. The soft inside of a **grapefruit** tastes tangy sweet.

گریپ فروت میوه‌ای بزرگ و گرد است که شبیه پرتقال بوده و پوست ضخیم زرد یا صورتی رنگی دارد. داخل گریپ فروت نرم است و طعم تند و شیرینی دارد.

grass علف

(grasses)

Grass is a plant with thin, pointy green leaves. **Grass** grows on lawns and fields.

علف گیاهی است که برگ‌های سبز، نازک و نوک تیزی دارد. علف در چمنزارها و دشت‌ها رشد می‌کند.

grasshopper جیرجیرک

A **grasshopper** is a large, green, leaping, planteating insect.

جیرجیرک حشره گیاه خوار بزرگ و سبزی است که می‌جهد.

gray رنگ خاکستری

When you mix black and white together, you make the color **gray**. *An elephant is* ***gray.***

هنگامی که رنگ سیاه وسفید را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ خاکستری به دست می‌آید. فیل خاکستری رنگ است.

great

(greater, greatest)

1 . **Great** means that someone is very important. *Abraham Lincoln was a* ***great*** *president.* 2. **Great** means big. *There is a* ***great*** *amount of water in the ocean.* 3. **Great** means something is very good. *She had a* ***great*** *time in the park.*

۱- مهم، بی‌نظیر. مهم یعنی شخصی بسیار با اهمیت است. آبرهام لینکولن رئیس جمهور مهمی بود.
۲- زیاد.
آب زیادی در اقیانوس وجود دارد.
۳- فوق العاده. فوق العاده چیزی است که بسیار خوب است. تو اوقات فوق العاده خوشی را در پارک سپری کرد.

green رنگ سبز

If you mix yellow and blue together, you make the color **green.** Grass is green.

اگر رنگ زرد و آبی را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ سبز درست می‌شود.
علف سبز است.

green bean لوبیا سبز

A **green bean** is a long, thin vegetable.

لوبیا سبز گیاهی است که باریک و دراز است.

grin خندیدن، پوز خند زدن

(grins, grinned, grinning)

When you **grin,** you smile and show your teeth.

هنگام خندیدن، لبخند می‌زنید و دندان‌هایتان نمایان می‌شود.

groceries مواد خریدنی، خواربار

Groceries are things that people buy at the store, such as milk,bread, and shampoo.

خواروبار چیزهایی نظیر شیر، نان و شامپو است که مردم از فروشگاه‌ها می‌خرند.

ground زمین

The **ground** is what you walk on outside.

زمین چیزی است که در فضای بیرون بر روی آن راه می‌روید.

group گروه

A **group** is a number of people or things that are gathered together in one place. *A* ***group*** *of children visits the zoo.*

گروه تعدادی از افراد یا چیزها است که در مکانی جمع شده باشند.
گروهی از بچه‌ها از باغ وحش دیدن می‌کنند.

grow رشد کردن، بزرگتر شدن

(grows, grew, grown, grown)

If *you water the plant it will* ***grow.***

اگر به گیاه آب بدهید رشد خواهد کرد.

grown- up بزرگسال

When a child gets to be older, he or she will become a **grown-up.**

وقتی که کودکی مسن‌تر می‌شود، بزرگسال خواهد شد.

guard نگهبان، گارد

A **guard** watches over people or things to keep them safe.
A security **guard** works at a bank.

نگهبان کسی است که از مردم یا وسایل مراقبت می‌کند تا آن‌هادر امان بمانند. نگهبان در بانک کار می‌کند.

guess حدس زدن

(guesses, guessed, guessing)

When you **guess,** you try to give an answer to something you are not quite sure about. *Can you* ***guess*** *how many kittens your cat will have?*

هنگامی که حدس می‌زنید، سعی دارید جوابی برای چیزی که به آن اطمینان ندارید، پیدا کنید.
می‌توانی حدس بزنی گربه تو، چند تا بچه خواهد داشت؟

guide

(guides, guided, guiding)

1. If you **guide** someone, you give directions or show that person how to do something. 2. A **guide** is someone who takes people somewhere. *Our* ***guide*** *showed us around the museum.*

۱ - راهنمایی کردن. هنگامی که کسی را راهنمایی می‌کنید برای آن شخص توضیح می‌دهید یا نشان می‌دهید که چگونه کاری را انجام دهد.

۲ - راهنما. راهنما فردی است که مردم را به جایی می‌برد.
راهنمای ما گرداگرد موزه را به ما نشان داد.

guitar گیتار

A **guitar** is a musical instrument with strings you touch with your fingers to make a sound.

گیتار نوعی وسیله موسیقی دارای تار است که با تماس انگشتان بر روی سیم‌ها صدا ایجاد می‌کنید.

gum

1 . **Gum** is a sweetened stick or tablet you put in your mouth and chew. 2. Your **gums** are the soft flesh in your mouth that surround your teeth.

۱ - آدامس. آدامس ماده مستطیل شکل یا قرص مانندی است که در دهان می‌گذارید و می‌جوید.

۲ - لثه. لثه شما گوشت نرم داخل دهانتان است که دور دندان‌هایتان قرار دارد.

gym سالن ورزش

A **gym** is a big room where people like to exercise and play games such as basketball.

سالن ورزش سالن بزرگی است که مردم دوست دارند در آن ورزش کنند و یا بازی‌هایی نظیر بسکتبال را در آن انجام دهند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

H

ham

گوشت ران، ژامبون.

Ham is a pink meat that people like to eat in sandwiches .

ژامبون گوشت صورتی رنگی است که مردم دوست دارند آن را به صورت ساندویچی بخورند.

hair — مو

Hair grows on the top of your head. An animal's **hair** is called fur.

مو بر روی سر شما رشد می‌کند. موی بعضی از حیوانات خز نامیده می‌شود.

half — نیم، نصف

(halves)

One **half** is one of two pieces of something that are exactly the same size. *My father cut the sandwich in **half**.*

نصف، یکی از دو قسمت چیزی است که درست به اندازه دیگری می‌باشد.
پدرم ساندویچ را نصف کرد.

hall — سالن، هال

A **hall** is a large or long room with doors leading to other rooms in a building. *My bedroom is at the end of the **hall**.*

سالن، اتاق بزرگ یا طویلی است که درهایی دارد که به اتاق‌های دیگر ساختمان راه پیدا می‌کند.
اتاق خوابم در انتهای سالن است.

Halloween — جشن هالوین

Halloween is a holiday that happens on October 31. People dress up in costumes and go door-to-door to get **Halloween** candy.

هالوین تعطیلی است که در ۳۱ اکتبر روی می‌دهد. مردم لباس‌های خاصی به تن می‌کنند و درِ خانه ها را می‌زنند و شیرینی می‌گیرند.

hamburger — همبرگر

A **hamburger** is a flat, round piece of chopped beef on a bun. *Many people put ketchup on a **hamburger**.*

همبرگر گوشت چرخ کرده گرد و صافی است که آن را روی نان گرد می‌گذارند. بسیاری از مردم برروی همبرگر خود سس کچاب می‌ریزند.

hammer — چکش

A **hammer** is a tool with a long handle and a heavy head. You pound nails into wood with a **hammer** to build things.

چکش وسیله‌ای است که دسته بلند و سر سنگینی دارد. با کمک چکش میخ را در چوب می‌کوبید تا چیزی را بسازید.

hamster — همستر، نوعی جونده

A **hamster** is a small, furry animal that stores food in its puffy cheeks. Some **hamsters** are pets.

همستر حیوان پشمالو و کوچکی است که غذا را در گونه‌های چاق خود ذخیره می‌کند. بعضی از همسترها به عنوان حیوان خانگی نگهداری می‌شوند.

hand

(hands, handed, handing)

1. please, hand me that book.
2. Your **hand** is the part of your body at the end of your arms with four fingers and a thumb.

دست

۱ - لطفاً آن کتاب را به من بده.

۲ - دست. دستتان عضوی از بدن شما می‌باشد که در انتهای بازو است و چهار انگشت ویک شست دارد.

hanger رخت آویز

A **hanger** is a triangular shape made of wood or metal with a hook on the top that holds your clothes.

رخت آویز وسیله‌ای مثلث شکل از جنس فلز یا چوب است و در بالای آن قلابی قراردارد که لباس‌های شما را نگه می‌دارد.

happen اتفاق افتادن

(happens, happened, happening)

The sunrise **happens** every morning.

طلوع خورشید هر صبح اتفاق می‌افتد.

happy خوش حال

(happier, happiest)

If you are **happy**, you feel really good about something. You are **happy** you won the game of checkers.

هنگامی که خوش حال هستید، درباره چیزی احساس واقعاً خوبی دارید.

از این که در بازی چکر برنده شدی، خوش‌حال هستی.

hard سخت، سفت

(harder, hardest)

1. If something is **hard**, you cannot easily shape it with your hands or cut it. *A rock is very **hard**.*
2. If something is **hard** to do, it can be difficult. *It is **hard** to learn to tie my shoelaces.*

۱ - سفت. اگر چیزی سفت باشد، شما به آسانی نمی‌توانید آن را با دستتان شکل بدهید یا ببرید.

سنگ بسیار سفت می‌باشد.

۲ - سخت. وقتی انجام چیزی سخت باشد، آن کار مشکل است.

یادگرفتن بستن بند کفش‌هایم برای من دشوار است.

harmonica سازدهنی

A **harmonica** is a small musical instrument. You blow air through the holes in a **harmonica** with your mouth to make a musical sound.

سازدهنی نوعی وسیله کوچک موسیقی می‌باشد. شما با دهان خود در میان سوراخ‌های ساز دهنی هوا می‌دمید و صدای موسیقی ایجاد می‌کنید.

hat کلاه

A **hat** is something you wear on your head.

کلاه چیزی است که بر روی سرتان می‌گذارید.

have

(has, had, having)

۱ - داشتن.

You **have** a loose tooth.

یک دندان لق دارید.

۲ - باید.

Now that the children are feeling better, they **have** to go to school today.

حالا که بچه‌ها حالشان بهتر شده است، امروز باید به مدرسه بروند.

he او (مذکر)

He is a word you use when you are talking about a boy, a man, or a male animal of any age.

هنگام صحبت درباه یک پسر، مرد یا حیوان نر از این کلمه استفاده می کنید.

head

1-Your **head** is the part of your body above your neck that has your eyes and mouth in it.
2. *Your principal is the **head** of your school.*

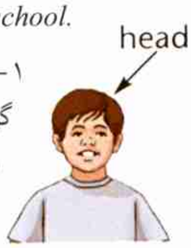

۱ - سر. سر شما بخشی از بدن شما است که روی گردنتان واقع شده است و چشم‌ها و دهان شما در آن قرار دارند.

مدرسه شما است.

health سلامت

If you have your **health**, your body and mind are fine. If you have good **health**, you are not sick.

هنگامی که سلامت هستید، از بدن و ذهن خوبی برخوردارید.

hear شنیدن

(hears, heard, hearing)

When you **hear** sounds, you notice them with your ears.

هنگامی که صداها را می‌شنوید، با کمک گوشتان متوجه آنها می‌شوید.

heart

1. Your **heart** is inside your chest and pumps blood to all parts of your body. 2. A **heart** is a shape that people enjoy drawing around Valentine's Day.

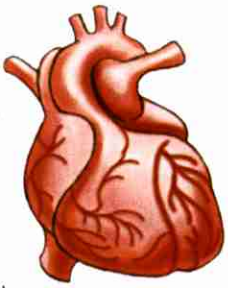

۱ - قلب. قلب در داخل قفسه سینه شما قرار دارد و خون را به همه قسمت‌های بدنتان می‌رساند.

۲ - قلب. قلب شکلی است که مردم دوست دارند در حول و حوش روز والنتاین بکشند.

heat گرم کردن

(heats, heated, heating)

Your mom **heats** soup for your lunch.

مادرت سوپ را برای نهار تو گرم می‌کند.

heaven

۱ - بهشت.

۲ - آسمان (به صورت جمع).

you look up into the **heavens** when the stars are bright at night.

هنگامی که شب هنگام ستاره‌ها درخشان و نورانی هستند به آسمان نگاه می‌کنید.

heavy سنگین

(heavier, heaviest)

The box of stones is **heavy**.

جعبه سنگ‌ها سنگین است.

helicopter چرخ بال، بالگرد

A **helicopter** is a flying machine without wings. A **helicopter** has blades on its top that turn around.

چرخ بال دستگاهی است که بدون بال پرواز می‌کند. چرخ بال بر روی سقف خود پره‌هایی دارد که می‌چرخند.

hello سلام

You say "**hello**" when you answer your telephone.

هنگام پاسخ دادن به تلفن، سلام می‌دهید.

helmet کلاه ایمنی

A **helmet** is a hard hat that you wear to protect your head.

کلاه ایمنی، کلاه محکمی است که برای مراقبت از سر خود از آن استفاده می‌کنید.

help کمک کردن

(helps, helped, helping)

If you **help** someone, you do something useful for him. *You **help** pick up the dishes after dinner.*

وقتی به که کسی کمک می‌کنید، کار مفیدی برای آن شخص انجام می‌دهید.

شما کمک می‌کنید تا ظرف‌ها به بعد از شام جمع‌آوری شوند.

helper کمک، دستیار

You are a **helper** when you assist others.

هنگامی که دیگران را یاری می‌دهید، کمک هستید.

hen مرغ

A **hen** is a mother chicken, or a female bird that lays eggs.

مرغ جوجه یا پرنده ماده‌ای است که تخم می‌گذارد.

her — مال او ، او را (مونث)

چیزی است که به یک دختر یا یک زن تعلق دارد.

That is **her** gold necklace.

آن گردنبد طلا مال اوست.

here — اینجا

The kitten is **here** in the box.

بچه گربه اینجا داخل جعبه است.

hero — قهرمان

(heroes)

A **hero** is someone who is admired for being brave. *A firefighter is a **hero**.*

قهرمان کسی است که به خاطر شجاع بودنش مورد ستایش می‌باشد.
مامور آتش نشانی قهرمان است.

hers — مال او (مونث)

Hers means something belongs to her, a girl or a woman. *The dress is **hers.***

مال او یعنی چیزی متعلق به یک دختر یا زن است.
لباس مال اوست.

hide

(hides, hid, hidden, hiding)

1. If you **hide**, you go where no one can see you.
2. If you **hide** something, you place it where no one can find it.

۱ - پنهان شدن. اگر پنهان شوید، جایی می‌روید که کسی نتواند شما را ببیند.

۲ - مخفی کردن. اگر چیزی را مخفی کنید، آن را جایی می گذارید که کسی نتواند جای آن را پیدا کند.

high — بلند، بالا

(higher, highest)

If something is **high,** it is a long way from the ground. *The balloon is **high** up in the sky.*

اگر چیزی بالا باشد، از سطح زمین فاصله زیادی دارد.
بادکنک در آسمان بالا رفته است.

high chair — صندلی بلند غذاخوری

A **high chair** is a tall seat where babies eat. A **high chair** has a tray in front.

صندلی بلندی است که نوزادان را برای غذا خوردن در آن می‌نشینند. در جلوی این نوع صندلی نوعی سینی قرار دارد.

hill — تپه

A **hill** is a high piece of land.

تپه قطعه زمینی است مرتفع است.

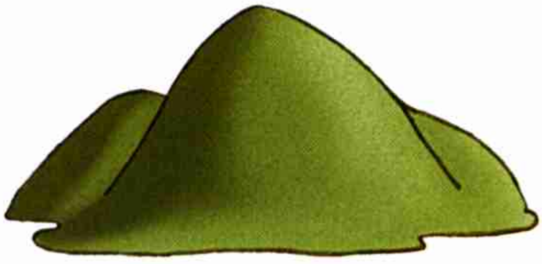

him

به او، او را. چیزی درباره یک پسر یا یک مرد می‌باشد. (مذکر)

The boy asked his mother to give **him** a quarter.

آن پسر از مادرش خواست که به او یک سکه ۲۵ سنتی بدهد.

hip — باسن

Your **hip** is the part of your body just below your waist.

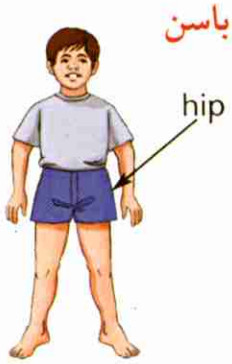

باسن قسمتی از بدن شما است که درست در زیر کمر قرار دارد.

his — مال او (مذکر)

چیزی که متعلق به یک پسر یا یک مرد باشد.

The toy truck is **his**.

کامیون اسباب بازی مال اوست.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

hit
زدن، ضربه زدن

(hits, hit, hitting)

When you push or touch someone or something very hard, you **hit** that person or thing.

هنگامی که به شدت با دست به کسی یا چیزی می‌زنید یا آن را هل می‌دهید به آن شخص یا چیز ضربه زده‌اید.

hockey
هاکی

Hockey is a game played on ice or in a field with two teams. In ice **hockey**, players on skates try to hit a **hockey** puck with sticks. Field **hockey** players run across the ground and hit a ball with sticks.

هاکی نوعی بازی است که روی یخ یا زمین (چمن) توسط دو تیم انجام می‌شود. در هاکی روی یخ بازیکنان اسکیت می‌پوشند و سعی می‌کنند با چوب هاکی به توپ ضربه بزنند. در هاکی روی چمن بازیکنان در طول زمین می‌دوند و با چوب به توپ ضربه می‌زنند.

hold
(holds, held, holding)

1. The body **holds** thefishing pole.
2. *The vase **holds** water and flowers.*

۱ - در دست گرفتن.
آن پسر قلاب ماهی‌گیری را در دست دارد.
۲ - نگه داشتن.
گلدان آب و گل را در خود نگه می‌دارد.

hole
سوراخ. نوعی فضای خالی یا روزنه می‌باشد.

*A bagel has a **hole** in the middle of it.*

نان بیگل در وسط خود سوراخی دارد.

holiday
تعطیلی

A **holiday** is a special time when people do not go to school or work. People have parades on some **holidays**, such as New Year's Day.

تعطیلی زمان خاصی است که مردم به مدرسه یا سر کار نمی‌روند. مردم در بعضی از تعطیلات مانند روز سال نو رژه می‌روند.

home
خانه

A **home** is the place where you live. A home can be a house or an apartment.

خانه مکانی است که در آن زندگی می‌کنید. خانه می‌تواند به صورت خانه حیاط‌دار یا آپارتمان باشد.

homework
تکلیف منزل

Homework is school studies to be done outside of school, usually at home. *The boy is reading a book in his bedroom for **homework**.*

تکلیف منزل درس‌های مدرسه است که باید خارج از مدرسه و معمولاً در خانه انجام شود. آن پسر در اتاق خواب خود در حال خواندن کتابی است که تکلیف منزلش می‌باشد.

honey
عسل

Honey is a thick, sweet, liquid food made by bees.

عسل مایع غلیظ و شیرینی است که زنبورها می‌سازند.

honk
(honks, honked, honking)

Geese make **honk** sound.

۱ - بوق زدن. مانند بوق زدن ماشین‌ها.
۲ - قات قات کردن. غازها صدای قات قات درمی‌آورند.

honor
احترام، افتخار کردن

(honors, honored, honoring)

به کسی یا چیزی احترام نشان می دهید.

The man **honored** the flag by flying it.

آن مرد با به اهتزار در آوردن پرچم به آن احترام گذاشت.

hop
جهیدن، با جهش حرکت کردن

(hops, hopped, hopping)

When you **hop**, you jump.

هنگام جهیدن می‌پرید.

hope
امیدوار بودن

(hopes, hoped, hoping)

If you **hope** something will happen, you want it to and think that it might. *I **hope** I get a bicycle for my birthday.*

هنگامی که امیدوارید چیزی اتفاق بیفتد، فکر می‌کنید و می‌خواهید که آن کار انجام شود.

امیدوارم برای تولدم دوچرخه هدیه بگیرم.

horn

1. A **horn** is a brass musical instrument that you blow air into for a sound to come out.
2. A **horn** is a hard, pointed thing that grows out of the heads of some animals, like sheep and bulls.

۱ - شیپور فرانسوی. شیپور نوعی وسیله موسیقی از جنس فلز برنج است، که با دمیدن در آن صدایی حاصل می‌شود.

۲ - شاخ. شاخ ماده سفت و نوک تیزی است که از بالای سر بعضی از حیوانات نظیر گوسفند و گاو نر رشد می‌کند.

horrible
وحشتناک، خیلی بد

*The burned cookies tasted so **horrible**, I could not eat them.*

شیرینی‌های سوخته آن قدر مزه وحشتناکی داشتند که نتوانستم آن‌ها را بخورم.

horse
اسب

A **horse** is a big animal with long legs and a long tail. People like to ride on a **horse** or in a cart pulled behind a **horse**.

اسب حیوان بزرگی با پا و دم بلند است. مردم دوست دارند که سوار اسب یا سوار کالسکه‌ای شوند که توسط اسب کشیده شود.

horseshoe

1. A **horseshoe** is a heavy U-shaped piece of metal that protects a horse's hoof. 2. In the game of **horseshoes**, you try to throw a horseshoe around a stake.

۱ - نعل اسب. نعل اسب تکه فلزی سنگین به شکل یو U است که از سم اسب محافظت می‌نماید.

۲ - در بازی نعل اسب تلاش می‌کنید نعل اسب را دور میله‌ای بیاندازید.

hose
شلنگ

A **hose** is a bendable tube that liquid flows through. *Firefighters use big **hoses** to spray water on fires.*

شلنگ لوله‌ای انعطاف‌پذیر است که مایع از درون آن جریان پیدا می‌کند. مأموران آتش‌نشانی از شلنگ‌های بزرگ برای پاشیدن آب بر روی آتش استفاده می‌کنند.

hot — داغ

(hotter, hottest)

If something is **hot**, such as an oven, it can burn you.

اگر چیزی مانند یک اجاق فر داغ باشد، می‌تواند باعث سوختگی شما شود.

hotdog — هات داگ

A **hot dog** is a long piece of meat in a soft roll that you eat. Some people like to put mustard on their **hot dogs.**

هات داگ تکه گوشت درازی است که آن را میان نان ساندویچی نرمی می‌گذارید و می‌خورید. بعضی از مردم دوست دارند که روی هات داگ خود سس خردل بریزند.

hour — ساعت

There are 60minutes in one **hour** and 24 **hours** in one day.

یک ساعت ۶۰ دقیقه و یک روز ۲۴ ساعت است.

house — خانه

A **house** is a building where people, often a single family, live.

خانه ساختمانی است که اغلب فقط یک خانواده در آن زندگی می‌کنند.

how — چطور

The doctor might ask, "How are you feeling?"

دکتر ممکن است بپرسد: "حالتان چطور است؟"

hug — بغل کردن، در آغوش گرفتن

(hugs, hugged, hugging)

When you put your arms around something or somebody and hold tightly, you are giving a **hug.**

هنگامی که دستتان را به دور چیزی یا کسی می‌گذارید و محکم نگه می‌دارید، یعنی شخص یا چیز را در آغوش گرفته‌اید.

huge — عظیم. بسیار بزرگ

A dinosaur is a **huge** animal.

دایناسور حیوان عظیم‌الجثه‌ای است.

hundred — صد

*There are one **hundred** pennies in a dollar.*

هر دلار معادل صد پنی است.

100

hungry — گرسنه

(hungrier, hungriest)

When you feel **hungry**, you feel like you want to eat something.

هنگامی که گرسنه هستید، احساس می‌کنید که می‌خواهید چیزی بخورید.

hurry — عجله داشتن

(hurries, hurried, hurrying)

When you **hurry**, you do things quickly.

هنگامی که عجله دارید، کارها را سریع انجام می‌دهید.

hurt — صدمه دیدن

(hurts, hurt, hurting)

If you **hurt**, you feel pain. *I fell and **hurt** my hand and my arm.*

اگر صدمه دیده باشید، احساس درد می‌کنید.

من افتادم و دست و بازویم صدمه دیدند.

husband — شوهر، همسر

A woman's **husband** is the man that she married.

همسر یک زن، مردی است که با او ازدواج کرده است.

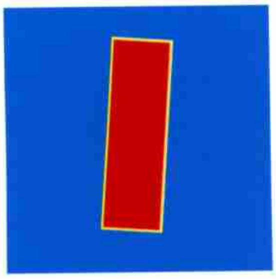

I
من

I means the person who is speaking.
*"**I** want to play with the toys."*

من یعنی شخصی که صحبت می‌کند.
"می‌خواهم با اسباب بازی‌ها بازی کنم."

ice
یخ

Ice is hard, cold, frozen water.

یخ آب منجمد سفت و سرد است.

ice cream
بستنی

Ice cream is a cold, sweet food made from milk that comes in many flavors.

بستنی خوردنی شیرین و سردی است که از شیر با طعم‌های مختلف ساخته می‌شود.

idea
عقیده، نظر

Do you have an **idea** how to color Easter eggs?

به نظرت تخم مرغ‌های عید پاک را چطور رنگ کنم؟

if
اگر

The girl can go to the party **if** her mother lets her.

اگر مادر دختر اجازه بدهد، آن دختر می‌تواند به مهمانی برود.

igloo
کلبه برفی

An **igloo** is a house made of blocks of snow or ice.

کلبه برفی خانه‌ای است که از قطعه‌های برف یا یخ ساخته شده است.

ill
بیمار

When you are **ill,** you do not feel very well.
You should stay in bed when you are ill.

وقتی که بیمار هستید، احساس خوبی ندارید.
هنگامی که بیمار هستی باید در رختخواب بمانی.

important
مهم

If something is very **important,** it matters a great deal. *It is **important** to brush your teeth after eating.*

اگر چیزی خیلی مهم باشد، اهمیت زیادی دارد.
بسیار مهم است که بعد از خوردن غذا دهانت را مسواک بزنی.

in
در. برای مکان استفاده می‌شود

The horse is **in** the barn.

inch
اینچ

(inches)

Most rulers have 12 **inches.**

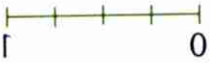

طول بیشتر خط کش‌ها ۱۲ اینچ (حدود ۳۱ سانت) است.

insect
حشره

An **insect** is a small animal with six legs. Some **insects** can fly. Ants, butterflies, and bees are **insects.**

حشره حیوان کوچکی است که شش پا دارد. بعضی از حشره‌ها می‌توانند پرواز کنند. مورچه، پروانه و زنبور حشره هستند.

inside داخل

If you are **inside** of something, it is all around you. *The pear is **inside** the box.*

اگر داخل چیزی باشید، دور تا دور شما را احاطه کرده است.
گلابی در داخل جعبه قرار دارد.

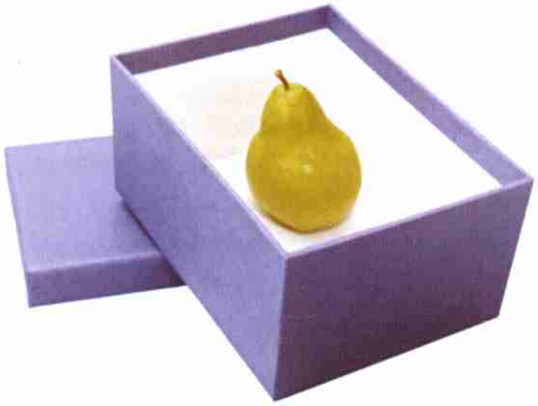

instead به جای

I' d rather go by bus **instead** of by train.

ترجیح می‌دهم به جای قطار با اتوبوس بروم.

instrument

1. You can use an instrument to make music. Pianos, drums, and violins are musical i**nstruments.**
2. An **instrument** is anything you use to do something. At the doctor's office, the doctor used **instruments** to find out why you felt sick.

۱ - آلت موسیقی. شما با استفاده از آلت موسیقی، موسیقی می‌سازید. پیانو، طبل و ویالون آلات موسیقی می باشند.
۲ - وسیله. چیزی که با استفاده از آن کاری انجام می‌دهید.
در مطب دکتر، دکتر از وسایلی استفاده کرد تا علت بیماری شما را پیدا کند.

into به داخل

Your dog stepped **into** his doghouse.

سگ شما به داخل لانه‌اش قدم گذاشت.

iron

1 . A hot **iron** is a tool that you use to take wrinkles out of clothes. An **iron** has a handle and a flat side. 2. **Iron** is a very strong metal.

۱ - اطو. اطوی داغ وسیله‌ای است چروک‌های لباس از بین می‌برد.
اطو دسته و کفی صاف دارد.
۲ -آهن. آهن فلز بسیار محکمی است.

is هست. چیزی یا کسی وجود دارد

(be, am, are, was, were, been, being)

The woman **is** a doctor.

آن زن پزشک است.

island جزیره

An **island** is a piece of land with water all around it. An **island** is smaller than a continent.

جزیره قطعه زمینی است که آب دور آن را فرا گرفته است. جزیره کوچک‌تر از قاره است.

it

1. I picked it up.
2. In a game of tag, **it** is the player who tries to catch the others.

۱ - آن
آن را برداشتم.
۲ - گرگ. در بازی گرگم به هوا، گرگ بازی کننده‌ای است که سعی می‌کند دیگران را بگیرد.

its مال آن

Its tail is black and white.

دمش سیاه و سفید است.

J

jacket — کت ، کاپشن

You wear a **Jacket** when the weather is cool.

هنگامی که هوا سرد باشد کاپشن می‌پوشید.

jack-in-the- box — جعبه اسباب بازی

(jack-in-the-boxes)

Music plays when you turn the handle of a **jack-in-the-box**. When the music stops, a doll pops out of the toy **jack-in-the-box.**

هنگامی که دسته جعبه اسب بازی را می‌چرخانیم موسیقی نواخته می‌شود. هنگامی که موسیقی تمام شد، عروسکی از جعبه اسباب‌بازی بیرون می‌آید.

jack-o-lantern — کدوی فانوس

A **jack-o-lantern** is a Halloween pumpkin. People carve scary or happy faces on their **jack-o-Lnterns.**

کدوی فانوس، کدو تنبل جشن هالوین است. مردم روی کدوی فانوس خود شکل‌های ترسناک یا خندان درست می‌کنند.

jam

(jams, jammed, jamming)

1. If something **jams,** it becomes stuck so it is hard to move. 2. **Jam** is a sweet food made by cooking fruit with sugar. You eat **jam** on your toast.

۱- گیر کردن. اگر چیزی گیر بکند، می‌چسبد بنابراین به سختی می‌توان آن را حرکت داد.

۲- مربا. ماده غذایی شیرینی است که با پختن میوه و شکر درست می‌شود. همراه با نان تست خود مربا می‌خورید.

January — ماه ژانویه

January is the first month of the year.
New Year's Day is in **January**.

ژانویه اولین ماه سال میلادی می‌باشد.

روز اول سال نو در ماه ژانویه می‌باشد.

Jar — شیشه

A **jar** is a wide-mouth glass bottle that holds things, such as food,liquid, or coins.

شیشه دهان گشادی است که چیزهایی نظیر غذا، مایعات یا سکه را در خود جای می‌دهد.

jeans — شلوار جین

Jeans are pants made out of a strong denim cloth. **Jeans** are usually blue and have pockets.

جین شلواری است که از پارچه محکم کتان تهیه شده است. شلوارهای جین معمولاً آبی رنگ هستند و جیب دارند.

jelly — مارمالاد، ژله

(jellies)

Jelly is a soft food made with fruit juice and sugar. *People like to spread **jelly** and peanut butter on bread.*

مارمالاد ماده غذایی نرمی می‌باشد که از آب میوه و شکر تهیه می‌شود.
مردم دوست دارند که روی نان کره بادام زمینی و مارمالاد بمالند.

jelly bean — پاستیل- آب نبات ژله‌ای

A **jelly bean** is a small, sweet, chewy, colorful candy.

پاستیل نوعی آب نبات کوچک، شیرین، جویدنی و رنگی است.

jet هواپیمای جت

A **jet** is the fastest kind of airplane. A **jet** has a strong engine.

جت سریعترین نوع هواپیما است. جت موتور قدرتمندی دارد.

jewelry جواهرات

Jewelry is a beautiful decoration that people wear, like rings, earrings, and necklaces.

جواهرات وسایل زینتی زیبایی نظیر حلقه، گوشواره و گردنبند هستند که مردم از آنها استفاده می‌کنند.

job

1. A **job** is the work people do to make money.
2. A **job** is something that must be done. *My **job** is to set the table.*

۱ - شغل. شغل کاری است که مردم انجام می‌دهند تا پول بدست آورند.
۲ - کار. کار چیزی است که باید انجام شود.
کارم این است که میز را بچینم.

joke شوخی

A **joke** is something you do or say to make others laugh.

شوخی چیزی است که انجام می‌دهید یا می‌گویید تا دیگران بخندند.

juice آب میوه

Juice is a liquid that you squeeze from fruits, like oranges and grapes. *__Juice__ is good to drink.*

آب میوه مایعی است که از گرفتن آب میوه‌جات مانند پرتقال و انگور بدست می‌آید.
نوشیدن آب میوه خوب است.

July ماه جولای

July is the seventh month of the year. **July** is a summer month. *People celebrate the Fourth of **July** with parades and fireworks.*

جولای هفتمین ماه سال میلادی می باشد. ماه جولای در تابستان است. مردم روز چهارم جولای را همراه با رژه و آتش بازی جشن می‌گیرند.

jump پریدن

(jumps, jumped, jumping)

You **jump** when you push yourself up into the air with your legs. *A rabbit **jumps** with its back legs.*

هنگام پریدن به کمک پاهایتان خود را به سمت بالا پرتاب می‌کنید.
خرگوش با پاهای عقبی خود می‌پرد.

jump rope طناب بازی

A **jump rope** is a toy with two handles and a rope in between. You swing the **jump rope** over your head and jump when it reaches your feet.

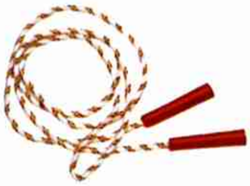

طناب بازی نوعی اسباب بازی است که متشکل از دو دسته و طنابی بین آنها است. طناب را از بالای سر خود می‌چرخانید و وقتی که به پایتان رسید از روی آن می‌پرید.

June ماه ژوئن

June is the sixth month of the year.

ژوئن ششمین ماه سال میلادی می‌باشد.

jungle جنگل گرمسیری

A **jungle** is a thick forest in a hot country where many kinds of plants and animals live.

نوعی جنگل پوشیده از درخت‌های انبوه واقع در کشوری گرمسیر است، جایی که انواع گیاهان و حیوانات در آن زندگی می‌کنند.

Jupiter سیاره مشتری

Jupiter is a faraway planet that moves around the sun. **Jupiter** is the largest planet in the solar system.

مشتری، سیاره دوری است که به دور خورشید می‌چرخد. مشتری بزرگترین سیاره در منظومه‌ی شمسی است.

K

kangaroo کانگارو

A **kangaroo** is a large wild animal that jumps with its strong back legs. A mother **kangaroo** carries her baby in front in a pocket.

کانگورو حیوان وحشی بزرگی است که با پاهای عقبی قوی خود می‌پرد. کانگوروی مادر بچه‌اش را در کیسه‌ای روی شکم خود حمل می‌کند.

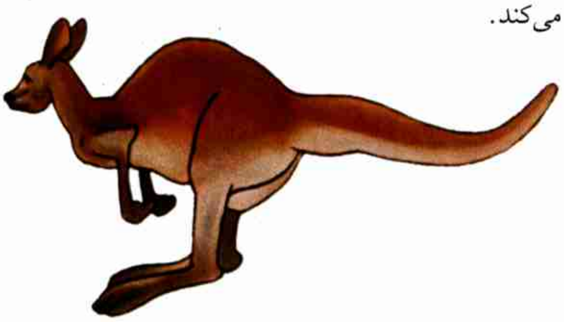

keep

(keeps, kept, keeping)

1. If you **keep** something, it is safe and you are not giving it away. 2. If you **keep** doing something, you do it over and over again. *I **keep** blowing on the soup to make it cool.* 3. ***Keep** still so the bee doesn't sting you.*

۱ – نگهداری کردن. هنگامی که از چیزی نگهداری می‌کنید آن چیز سالم می‌ماند و آن را از دست نمی‌دهید.
۲ – ادامه دادن. اگر کاری را ادامه دهید، آن را دوباره و دوباره انجام می‌دهید.
برای این که سوپم سرد شود به فوت کردن آن ادامه می‌دهم.
۳– ماندن. بی‌حرکت بمان تا زنبور نیشت نزند.

keeper نگهبان

A **keeper** cares for someone or something. *An animal **keeper** watches over the animals.*

نگهبان کسی است که از چیزی یا کسی مراقبت می‌نماید.
نگهبان حیوان از حیوانات مراقبت می‌نماید.

ketchup سس گوجه فرنگی

Ketchup is a thick, red liquid food made from tomatoes. *People pour **ketchup** from a bottle on top of hamburgers.*

سس گوجه فرنگی مایع غذایی قرمز و غلیظی است که که از گوجه فرنگی درست می‌شود. مردم از داخل بطری روی ساندویچ همبرگر خود سس کچاپ می‌ریزند.

key کلید

A **key** is a piece of metal that you put in a lock to open or close it.

*You can open your door with a **key**.*

کلید قطعه فلزی است که آن را داخل قفل می‌کنید تا قفل را باز و بسته کنید.
شما می‌توانید در خانه خود را با کلید باز کنید.

kick لگد زدن، شوت کردن

(kicks, kicked, kicking)

When you **kick** something, you strike it with your foot.

هنگام لگد زدن به چیزی، با پای خود به آن ضربه می‌زنید.

kid

1. A **kid** is a child.
2. A **kid** is what a young goat is called.

۱ – بچه.
۲ – بزغاله. بز کوچک بزغاله نامیده می‌شود.

kill کشتن. از بین بردن

(kills, killed, killing)

You will **kill** your plant if you don't give it water.

اگر به گیاه خود آب ندهید، آن را از بین خواهید برد.

kind

(kinder, kindest)

1. *An apple is a **kind** of fruit.*
2. If you are a **kind** person, it means you are nice and helpful.

۱ – نوع. سیب نوعی میوه است.
۲ – مهربان. اگر شخص مهربانی باشید، یعنی خوب و مفید هستید.

king — شاه

A **king** is a man who rules a country. *The **king** and queen rode in the royal carriage.*

شاه مردی است که بر کشوری حکومت می‌کند.
شاه و ملکه سوار بر کالسکه سلطنتی بودند.

kiss — بوسیدن

(kisses, kissed, kissing)

I **kissed** my mother to say goodbye.

برای خداحافظی مادرم را بوسیدم.

kitchen — آشپزخانه

A **kitchen** is a room where people cook food.
A **kitchen** has a stove, a refrigerator, and a sink.

آشپزخانه اتاقی است که مردم در آن غذا می‌پزند. آشپزخانه اجاق گاز، یخچال و سینک ظرفشویی دارد.

kite — بادبادک

A **kite** is a toy made from sticks, string, and cloth, paper, or plastic that flies in the wind.
You hold the string to fly the **kite.**

بادبادک نوعی اسباب بازی است که از چوب، نخ و پارچه، کاغذ یا پلاستیک ساخته می‌شود و در باد به پرواز در می‌آید. برای هوا کردن بادبادک نخ آن را در دست می‌گیرید.

kitten — بچه گربه

A **kitten** is a baby cat with soft fur and little whiskers.

بچه گربه، گربه کوچکی است که موی نرم و سبیل کوچکی دارد.

knee — زانو

Your **knee** is the part in the middle of your leg that bends.

زانو بخشی است که در وسط پای شما قرار دارد و می‌تواند خم شود.

knife — چاقو

(knives)

A **Knife** is a tool with a sharp metal blade and a long handle. You can cut food into pieces with a **knife**.

چاقو وسیله‌ای است که دسته بلند و تیغه فلزی تیزی دارد.
با کمک چاقو می‌توانید غذا راقطعه قطعه کنید.

knock

(knocks, knocked, knocking)

زدن. کوبیدن.
هنگام کوبیدن به چیزی محکم ضربه می‌زنید.

The boy **knocked** on the door with his hand.

آن پسر با دستش در زد.

know

(knows, knew, known, knowing)

1 . If you **know** somebody, you have met them before. 2. If you **know** something, it is in your mind. *You **know** how old you are.*

۱ - شناختن. اگر افرادی را می‌شناسید، آنها را قبلاً ملاقات کرده‌اید.
۲ - دانستن. اگر چیزی را بدانید آن چیز در ذهنتان جای دارد.
شما می‌دانید که چند سال دارید.

kwanza — جشن کوانزا

Kwanza is an African American holiday that celebrates harvest.

کوانزا جشنی است که سیاهپوستان آمریکا برای برداشت محصول می‌گیرند.

L

lab
آزمایشگاه

A **lab** is a place for studying and watching experiments.

آزمایشگاه مکانی برای مطالعه و مشاهده آزمایشات است.

ladder
نردبان

A **ladder** is a set of steps that lets you climb up to and down from tall places.
A firefighter uses a **ladder** to reach a high building.

نردبان تعدادی پله است که با کمک آن می‌توانید از مکان‌های بلند بالا و پایین بروید.
مامور مأمور آتش‌نشانی از نردبان استفاده می‌کند تا به بالای ساختمانی بلند برسد.

lady
خانم، بانو

(ladies)

A **lady** is a woman.

بانو عنوانی برای یک زن است.

ladybug
کفش دوزک

A **ladybug** is a small, round insect that flies.
A **ladybug** is often red with black spots.

کفش دوزک حشره کوچک و گردی است که پرواز می‌کند. کفش دوزک اغلب قرمز است و خال‌های سیاه رنگی دارد.

lake
دریاچه

A **lake** is a lot of water with land all around it.

دریاچه مقدار آب زیادی است که دورتادور آن را خشکی گرفته است.

lamb
بره

A **lamb** is a baby sheep.
A **lamb** has soft white or black wool.

بره بچه گوسفند است. بره پشم نرم سفید یا سیاه دارد.

lamp
چراغ

A **lamp** lights up a dark place.
A switch turns on the lightbulb in the **lamp**.

چراغ جای تاریک را روشن می‌کند.
دکمه‌ای حباب داخل چراغ را روشن می‌نماید.

land

(lands, landed, landing)

1. When something **lands,** it comes down from the air onto the ground. *A bird **lands** on the grass.*
2. **Land** is the part of Earth not covered by water.

۱ - فرود آمدن، به زمین نشستن. هنگامی که چیزی فرود می‌آید، از هوا پایین می‌آید و روی زمین می‌نشیند.
پرنده بر روی علف‌ها فرود می‌آید.
۲ - خشکی. خشکی بخشی از زمین است که با آب پوشیده نشده باشد.

lap
روی پا

The lady put a blanket across her **lap**.

آن خانم پتویی را روی پایش انداخت.

large عظیم، بزرگ

(larger, largest)

Someone or something that is **large** is very big.
*A dinosaur was a **large** animal.*

شخص یا چیزی عظیم است که بسیار بزرگ باشد.
دایناسور حیوان عظیم الجثه‌ای بود.

last

۱ - آخر.

The horse came in **last** in the race.

آن اسب در مسابقه آخر شد.

۲ - گذشته.

The girl went to bed late **last** night.

آن دختر شب گذشته دیر به رختخواب رفت.

late دیر

(later, latest)

If you arrive some place after the time you were supposed to arrive there, you are **late.**

اگر به مکانی بعد از زمانی که قرار بود، برسید دیر کرده‌اید.

later بعداً - دیرتر

You can eat your lunch **later.**

می‌توانی نهارت را بعداً بخوری.

laugh خندیدن

(laughs, laughed, laughing)

When you **laugh,** you make sounds that show you think something funny is happening.

هنگامی که می‌خندید، با صدای خنده نشان می‌دهید که چیز جالبی اتفاق افتاده است.

laundry لباس‌های شستنی

Laundry is the dirty clothes that need to be washed.

لباس‌های شستنی لباس‌های کثیفی هستند که احتیاج به شستشو دارند.

lawn چمن

A **lawn** is a grassy area around houses or in a park.

چمن منطقه پر علفی در اطراف خانه‌ها یا در یک پارک می‌باشد.

lay

(lays, laid, laying)

1. *The girl **laid** the doll on her bed.*
2. Chickens and birds **lay** eggs.

۱ - گذاشتن.
آن دختر عروسک را بر روی تختش گذاشت.
۲ - تخم گذاشتن. مرغ‌ها و پرندگان تخم می‌گذارند.

lead

(leads, led, leading)

1. If you **lead** someone, you go in front to show the way. *The teacher **leads** the children in the line.* 2. **Lead** is a very heavy, gray metal.

۱ - راهنمایی کردن. اگر کسی را راهنمایی نمایید، جلوتر از او حرکت می‌کنید تا راه را نشان دهید.
معلم بچه‌ها را در صف راهنمایی می‌کند.
۲ - سرب. سرب فلزی خاکستری و بسیار سنگین است.

leaf برگ

(leaves)

A **leaf** is a thin, flat part that grows on a plant.
*Usually, green **leaves** make the food the plant needs.*

برگ بخش نازک و صافی است که روی گیاه رشد می‌کند. معمولاً برگ‌های سبز غذای مورد احتیاج گیاه را تهیه می‌کنند.

leap پریدن

(leaps, leaped, leaping)

When you **leap** over something, you take a big jump over it with your feet.

هنگام پریدن از روی چیزی، با پاهایتان پرش بزرگی از روی آن انجام می‌دهید.

learn — یاد گرفتن-آموختن

(learns, learned, learning)

When you **learn** about something, you find out things you did not know before.

وقتی چیزی را می‌آموزید، با چیزهایی که قبلاً نمی‌دانستید، آشنا می‌شوید.

least — کمترین

The **least** means the smallest amount of something.

کمترین یعنی کوچکترین مقدار از چیزی.

leave

(leaves, left, leaving)

1 . When you **leave** a place, you go away from it. *You must **leave** your room to take a bath in the tub.*
2. If you **leave** something somewhere, you go away without it. *You **left** your backpack behind on the school bus.*

۱- ترک کردن. هنگامی که جایی را ترک می‌کنید، از آن مکان دور می‌شوید.
باید اتاقت را ترک کنی و در وان حمام خودت را بشویی.
۲- جا گذاشتن. اگر چیزی را در جایی جا بگذاری، بدون آن می‌روی.
کوله پشتی خود را دراتوبوس مدرسه جا گذاشتی.

leg — پا

Your **leg** is the long part of your body that you stand and walk on.

پای شما درازترین بخش بدنتان می‌باشد که بر روی آن می‌ایستید و راه می‌روید.

lemon — لیمو

A **lemon** is a yellow fruit with a thick skin. The juice of the **lemon** tastes sour.

لیمو میوه‌ای زردرنگ است که پوست ضخیمی دارد. آب لیمو ترش مزه است

lemonade — آب لیمو، لیموناد

Lemonade is a drink people make with lemon juice, sugar, and water. **Lemonade** tastes sweet and sour!

لیموناد نوعی نوشیدنی است که مردم با شکر، آب و آب لیمو درست می‌کنند. لیموناد مزه ترش و شیرینی دارد!

lend — قرض دادن

(lends, lent, lending)

If you **lend** someone something, you give it to them to use for a time, and then they give it back yo you. I will **lend** you my sweater until you get warm.

اگر چیزی را به کسی قرض می‌دهید، آن را برای مدتی به آن فرد می‌دهید آن شخص آن را بعداً به شما پس می‌دهد.
ژاکتم را تا وقتی که گرم شوی به تو قرض می‌دهم.

leopard — پلنگ

A **leopard** is a large wild cat with spots in its fur. A leopard runs very fast.

پلنگ گربه وحشی بزرگی است که خال‌هایی بر روی موهای بدنش قرار دارد.
پلنگ بسیار تند می‌دود.

less — کمتر

Less means not as much of something .
The boy prefers **less** milk.

کمتر یعنی نه به اندازه چیزی دیگر.
آن پسر شیر کمتری را ترجیح می‌دهد.

let — اجازه دادن

(lets, let, letting)

Your parents **let** you sleep over at your friend's house.

والدین شما اجازه می‌دهند که در خانه دوستتان بخوابید.

letter

1. A **letter** is a special mark that you use to write words. *The **letters*** C, A, *and* T *spell* cat. 2. A **letter** is a note you write on paper to send to someone.

۱- حرف. حرف علامت خاصی است که برای نوشتن لغات استفاده می‌کنید. حروف C ، A و T کلمه CAT را می‌سازند.
۲- نامه. نامه نوشته‌ای است که بر روی کاغذ می‌نویسید و برای شخصی می‌فرستید.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

lettuce
کاهو

Lettuce is a vegetable with big green leaves. Many salads are made with lettuce leaves.

کاهو گیاهی است که برگ‌های سبز بزرگی دارد.

بسیاری از سالادها با برگ‌های کاهو تهیه می‌شوند.

library
کتابخانه

(libraries)

A **library** is a place where books are kept.

People can borrow books from the public **library**.

کتابخانه مکانی است که در آن کتاب نگهداری می‌شود. مردم می‌توانند از کتابخانه عمومی کتاب قرض بگیرند.

lick
لیس زدن

(licks, licked, licking)

The girl **licked** the ice cream cone.

آن دختر بستنی قیفی خود را لیس زد.

lid
سر ، در

A **lid** is the top part of a box, can, or jar.

You can open and shut a **lid**.

سر قسمت بالای یک جعبه، قوطی یا شیشه است. می‌توانید سر را باز یا بسته کنید.

lie

(lies, lay, lain, lied, lying)

۱ - دراز کشیدن.

The baby **lies** down in the crib.

نوزاد در تختش دراز کشیده است.

۲ - دروغ گفتن.

I **lied** when I said I was as tall as a house.

وقتی که گفتم به اندازه یک خانه بلند قد هستم، دروغ گفتم.

life
زندگی ، عمر

(lives)

Some people say a cat has nine **lives**.

بعضی از مردم می‌گویند که گربه نه تا جان دارد.

life preserver
وسیله نجات

A **life preserver** is a floating device that keeps you from sinking in deep water. Some **life preservers** are rings. You can wear other **life preservers** as vests or belts.

وسیله نجات، وسیله‌ای است که بر روی آب شناور می‌شود و جلوی غرق شدن شما را در آب عمیق می‌گیرد. بعضی از وسایل نجات حلقه‌ای هستند. شما می‌توانید از وسایل نجات دیگری نظیر جلیقه یا کمربند استفاده کنید.

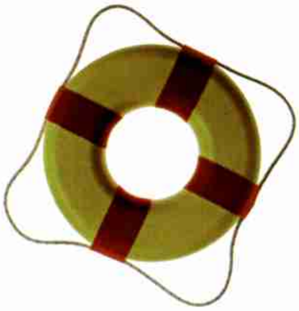

lift
بلند کردن

(lifts, lifted, lifting)

You **lift** up your little brother so he can see above the table.

شما برادر کوچک‌تان را بلند می‌کنید تا بتواند بالای میز را ببیند.

light

(lights, lit, lighting)

1. When you light something, you make it burn. *They **lit** the birthday candles.* 2.**Light** comes from the sun, lamps, and candles and helps you see. 3. If a color is **light**, it is not very dark. *Pink is a **light** color.* 4. If something is a **light**, it is not heavy, and it is easy to lift. *A balloon is very **light***

۱ - روشن کردن.
آن‌ها شمع‌های تولد را روشن کردند.
۲ - نور. نور از خورشید، لامپ و شمع می‌آید و کمک می‌کند ببینید
۳ - روشن. اگر رنگی روشن است، زیاد تیره نیست.
صورتی رنگ روشنی است.
۴ - سبک. اگر چیزی سبک است، سنگین نیست و به آسانی می‌توان آن را بلند کرد.
بادکنک بسیار سبک است.

lightbulb
لامپ

A **lightbulb** is the part of a lamp that makes light. A **lightbulb** is made out of glass with wires inside.

لامپ بخشی از چراغ می‌باشد که روشنایی ایجاد می‌کند. لامپ از شیشه ای ساخته شده که داخل آن سیم‌هایی وجود دارد.

lightning
رعد و برق، آذرخش

Lightning is a bright flash of light and electricity you see in the sky when there is a thunderstorm. Sometimes **lightning** hits the ground.

آذرخش نور روشنی حاصل از برق و الکتریسیته است که هنگام توفان در آسمان می‌بینید. بعضی اوقات آذرخش به زمین برخورد می‌کنند.

like

(likes, liked, liking)

If you **like** something, you enjoy it. *I like eating pizza.* 2. *His hat looks* ***like*** *his brother's hat.*

۱ - دوست داشتن. اگر چیزی را دوست دارید، از آن لذت می‌برید. پیتزا خوردن را دوست دارم.

۲ - مانند، شبیه. کلاه او شبیه کلاه برادرش است.

likely
شاید، احتمال

I see lightning, so it will **likely** rain.

رعد و برق را می‌بینم، بنابراین احتمال دارد که باران ببارد.

lily
گل سوسن

(lilies)

A **lily** is a plant that grows from a big bulb in the ground. **Lilies** have beautiful funnel-shape, sweet-smelling flowers.

گل سوسن گیاهی است که از پیاز بزرگی در داخل زمین رشد می‌کند. سوسن‌ها به شکل قیف زیبایی هستند و بوی خوبی دارند.

lime
لیمو ترش

A **lime** is a sour-tasting, green fruit.

لیموترش میوه سبز رنگی است که طعم ترشی دارد.

line

۱ - خط.

The child drew a **line** on a paper with his pencil.

بچه با مدادش خطی بر روی کاغذ کشید.

۲ - صف، ردیف.

The children walk to the lunchroom in a **line**.

بچه‌ها به صف به سمت غذاخوری می‌روند.

lion
شیر

A **lion** is a big wild animal in the cat family with light brown fur and a long tail. The male **lion** has thick hair around its head called a mane.

شیر حیوان وحشی بزرگی از خانواده گربه‌سانان است که موی بدنش قهوه‌ای روشن است و دم بلندی دارد. شیر نر موی پرپشتی دور سرش دارد که یال نامیده می‌شود.

lip
لب

You make *a curve with your* ***lips*** *when you smile.*

هنگامی که لبخند می زنید با لب‌های خود یک منحنی می‌سازید.

list
لیست، فهرست

A **list** has words written down one after the other! *Dad made a grocery* ***list.***

در فهرست کلمات یکی بعد از دیگری نوشته شده‌اند.

پدر فهرستی از خواربار تهیه کرد.

listen گوش دادن

(listens, listened, listening)

When you **listen** to someone, you try to hear what s/he is saying. *He **listened** on the telephone.*

وقتی که به کسی گوش می‌دهید، سعی می‌کنید آن چه را که می‌گوید بشنوید. او به تلفن گوش داد.

little کوچک

(littler, littlest)

A ladybug is a **little** beetle.

کفش دوزک سوسک کوچکی است.

live

(lives, lived, living)

1. If someone or something **lives**, that person or thing is alive. *The cat eats mice to **live**.* 2. If you **live** some where, that is where your home is. *Grandma and Grandpa **live** by the lake.*

۱ - زنده ماندن.

گربه برای زنده ماندن موش می‌خورد.

۲ - زندگی کردن. اگر جایی زندگی کنید یعنی آن جا خانه شما است.

مامان بزرگ و بابا بزرگ کنار دریاچه زندگی می‌کنند.

living زنده

The baby bunny is breathing, so it is **living**.

بچه خرگوش نفس می‌کشد، بنابراین زنده است.

lizard مارمولک

A **lizard** is a small, scaly animal with a long body and a long tail. A **lizard** uses its long tongue to catch and eat flies.

مارمولک حیوان کوچکی است که پوست پولک‌دار و بدن و دمی دراز دارد. مارمولک از زبان بلند خود برای گرفتن و خوردن مگس‌ها استفاده می‌کند.

llama لاما

A **llama** is a large animal with soft wool. Some **llamas** carry things for people in the mountains.

لاما حیوان بزرگی است که پشم نرمی دارد. بعضی از لاماها برای مردم در کوهستان بار حمل می‌کنند.

lobster خرچنگ دراز

A **lobster** has a hard shell and two large claws and lives in the ocean. When cooked, **lobsters** turn red.

خرچنگ دراز پوسته سخت و دو چنگال بزرگ دارد و در اقیانوس زندگی می‌کند. هنگام پختن شدن، خرچنگ‌های دراز قرمز رنگ می‌شوند.

lock

(locks, locked, locking)

1. If you **lock** something, you keep it fastened. 2. A **lock** is something that keeps doors shut. You can open a **lock** with a key.

۱ - قفل کردن. اگرچیزی را قفل کنید، آن را بسته نگه می‌دارید.

۲ - قفل. قفل چیزی است که در را بسته نگه می‌دارد. می‌توانید قفل را با کلید باز کنید.

log کُنده درخت

A **log** is a long piece of wood cut from the trunk of a tree. Some **logs** are burned in fireplaces.

کنده درخت قطعه چوب بلندی است که از تنه درخت بریده شده است. بعضی از آن‌ها را برای سوختن در شومینه می‌اندازند.

lollipop آبنبات چوبی

A **lollipop** is sweet, colorful candy on a stick that you lick with your tongue.

آبنبات چوبی آبنباتی شیرین و رنگی است که بر روی چوبی قرار دارد. شما آن را با زبان خود لیس می‌زنید.

long

(longer, longest)

۱ - دراز، بلند.

A lion has a **long** tail.

شیر دم درازی دارد.

۲ - طولانی.

Nights seems to last for a **long** time.

شب‌ها بسیار طولانی به نظر می‌رسند.

look نگاه کردن

(looks, looked, looking)

You **look** with your eyes to see something.

با چشمان خود نگاه می‌کنید تا چیزی را ببینید.

lose

(loses, lost, losing)

1. If you **lose** something, you cannot find it. The dog lost its bone. 2. When you **lose** a game, you do not win it. Dad **lost** the chess game.

۱- گم کردن. اگر چیزی را گم کنید، نمی توانید آن را پیدا کنید. ، سگ استخوانش را گم کرد.

۲- شکست خوردن، بازنده شدن.

پدر بازی شطرج را باخت.

loud بلند

(louder, loudest)

A drum is a **loud** instrument.

طبل نوعی وسیله موسیقی است که صدای بلندی دارد.

love دوست داشتن، عاشق بودن

(loves, loved, loving)

I **love** my baby sister and give her lots of hugs.

من عاشق خواهر نوزادم هستم و او را زیاد بغل می‌کنم.

lovely دوست داشتنی، قشنگ

(lovelier, loveliest)

When something is **lovely**, it is very beautiful. *It is a **lovely** sunset.*

وقتی که چیزی دوست داشتنی باشد، بسیار زیبا و دلنشین است.

غروب قشنگی است.

low پایین

(lower, lowest)

If something is **low**, it is near the ground.

اگر چیزی پایین باشد، نزدیک به زمین است.

luck شانس

Luck is when something good or bad happens by chance. *I hope you have good **luck** winning the prize.*

شانس هنگامی است که چیزی خوب یا بد به طور اتفاقی پیش آید.

امیدوارم که شانس خوبی در بردن جایزه داشته باشی.

lucky خوش شانس

(luckier, luckiest)

If you are **lucky**, something good has happened or will happen to make you *happy. You were very **lucky** to find that five-dollar bill!*

اگر خوش شانس باشید، چیزی خوب برایتان اتفاق افتاده یا خواهد افتاد که شما را خوش‌حال می‌سازد.

خیلی خوش شانس بودی که آن پنج دلاری را پیدا کردی!

lumber الوار

Wood that is used to build things is called **lumber.**

چوبی که با آن چیزهایی را می‌سازند، الوار نام دارد.

lunch ناهار

(lunches)

Lunch is a meal people eat in the middle of the day. *You can carry your **lunch** to school.*

ناهار غذای است که مردم در میان روز می‌خورند.

می‌توانی ناهارت را به مدرسه ببری.

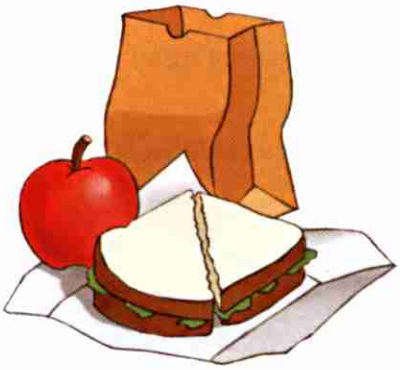

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

M

magnifying glass — ذره بین

A **magnifying glass** is a glass lens that makes small things look bigger when you look through it.

ذره‌بین عدسی شیشه‌ای است که هنگام نگاه کردن با آن اجسام را بزرگتر نشان می‌دهد.

mail — نامه، محموله پستی

The **mail** is letters and packages that you send to or get from other people. *You can get your **mail** at the post office.*

محموله پستی، نامه‌ها و بسته‌هایی است که می‌گیرید یا برای دیگران می‌فرستید. شما می‌توانید مرسوله خود را از اداره پست دریافت کنید.

mailbox — صندوق پستی

(mailboxes)

You can mail letters by dropping them into a **mailbox** on the street.

می‌توانید نامه‌ها را با انداختن آن‌ها به در داخل صندوق پستی واقع در خیابان پست کنید.

make — ساختن

(makes, made, making)

You can **make** a cake by mixing flour, eggs and sugar.

با مخلوط کردن آرد، تخم مرغ و شکر می‌توانید کیک درست کنید.

machine — ماشین، دستگاه

A **machine** is something with parts that move together to do a job, such as a car or bicycle.

دستگاه چیزی مانند خودرو یا دوچرخه است دارای قسمت‌هایی که با یکدیگر حرکت می‌کنند و کاری را انجام می‌دهند.

mad — عصبانی، خشمگین

(madder, maddest)

I am very **mad** that my friend knocked down my blocks.

من خیلی عصبانی هستم که دوستم لگوهای اسباب بازی من را به زمین ریخت.

magic — جادو

Magic is a special way to do tricks that makes impossible things look real.

جادو راه خاصی است که با زدن حقه‌هایی باعث می‌شود که کارهای غیر ممکن واقعی بنظر برسند.

magician — شعبده باز

A **magician** is a person who does magic tricks.

A **magician** may wear a black cape and wave a wand.

شعبده باز کسی است که حقه‌های جادویی به کار می‌برد. شعبده باز ممکن است شنل سیاه بپوشد و چوب شعبده بازی‌اش را تکان بدهد.

magnet — آهن ربا

A **magnet** is a piece of metal that other metals stick to.

آهن ربا قطعه فلزی است که فلزهای دیگر را به خود جذب می‌کند.

makeup
آرایش، لوازم آرایشی

Lipstick is a kind of **makeup**.

ماتیک نوعی از لوازم آرایشی است.

mall
مرکز خرید

A **mall** is a place with a lot of stores where people go shopping.

مرکز خرید مکانی است که فروشگاه‌های زیادی دارد و مردم در آن‌جا خرید می‌کنند.

man
مرد

(men)

My daddy is a **man**

پدرم یک مرد است.

mango
انبه

(mangoes)

A **mango** is a yellowish- red fruit that tastes sweet and juicy.

انبه میوه قرمز مایل به زردی است که آبدار بوده، طعم شیرینی دارد.

many
بسیار

(more, most)

Many ants came to our picnic.

مورچه‌های زیادی وارد غذای گردش ما شدند.

map
نقشه

A **map** is a drawing that shows you where different places are, like towns, rivers, and roads.

نقشه طرحی است که به شما نشان می‌دهد که مکان‌های مختلف مانند شهرها، رودخانه‌ها و جاده‌ها کجا قرار دارند.

marble
تیله

A **marble** is a small glass ball used in games. **Marbles** come in many pretty colors.

تیله توپ شیشه‌ای کوچکی است که در بازی‌ها از آن استفاده می‌شود. تیله‌ها به رنگ‌های زیبای بسیاری وجود دارند.

march
رژه رفتن

(marches, marched, marching)

People **march** together by taking the same size steps at the same time.

افراد هنگام رژه رفتن، همزمان قدم‌هایی برابر با یکدیگر برمی‌دارند.

March
ماه مارس

March is the third month of the year.

St. *Patrick's Day is always* ***March*** 17.

مارس سومین ماه سال میلادی است.

روز سنت پاتریک همیشه در ۱۷ مارس واقع می‌شود.

mark
علامت، نشان

A **mark** is a spot or line left on something.

علامت، نقطه یا خطی است که بر روی چیزی برجای می‌ماند.

marker
ماژیک

A **marker** is a colored pen that is used for writing or drawing on paper.

ماژیک قلمی رنگی است که برای نقاشی یا طراحی بر روی کاغذ استفاده می‌شود.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

marry
ازدواج کردن

(marries, married, marrying)

When a man and a woman **marry**, they become husband and wife.

هنگامی که زن و مردی ازدواج می‌کنند،زن و شوهر می‌شوند.

Mars
سیاره مریخ ، بهرام

Mars, called the red planet, is a little more than half the size of Earth. **Mars** is the fourth planet from the Sun in the solar system.

مریخ به سیاره سرخ معروف است و کمی بزرگتر از نیمی از زمین است. مریخ چهارمین سیاره نسبت به خورشید در منظومه شمسی است.

marshmallow
مارشمالو

A **marshmallow** is a soft, white food. *People roast **marshmallows** over campfires.*

مارشمالو ماده غذایی نرم و سفیدی می‌باشد. مردم مارشمالو را هنگام اردو روی آتش کباب می‌کنند.

mask
ماسک

A **mask** is something you wear over your face to hide it or protect it. *People wear **masks** to look like something else at Halloween.*

ماسک چیزی است که بر روی صورت خود می‌گذارید تا صورتتان را پنهان کنید یا از آن مراقبت نماید. مردم در جشن هالووین ماسک می‌گذارند تا شبیه چیزهای دیگری شوند.

mat
زیر پایی ، پا دری

A **mat** is a small rug. *We put a welcome **mat** near the front door for people to wipe their feet on.*

پادری فرشی کوچک است. ما پادری را نزدیک جلوی در می‌گذاریم تا افراد پای خود را روی آن پاک کنند.

match

(matches, matched, matching)

1. If things **match**, they are alike in some way. *The brown socks **match** the brown shoes.* 2. A **match** is a thin stick you strike to make a fire. 3. A **match** is a game between two players or teams. *The blue team won the soccer **match**.*

۱- جور بودن، همانند بودن.
جوراب‌های قهوه‌ای با کفش‌های قهوه‌ای جور هستند.
۲- چوب کبریت. چوب باریک و نازکی است که با روشن کردن آن آتش ایجاد می‌کنید.
۳- مسابقه. مسابقه بازی بین دو بازیکن یا دو تیم است.
تیم آبی مسابقه فوتبال را برد.

math
ریاضی

People learn about numbers when they study **math**. You use your **math** skills when you count and add numbers together.

مردم هنگام مطالعه ریاضی درباره اعداد چیزی می‌آموزند. هنگام شمارش و جمع بستن اعداد با یکدیگر از مهارت ریاضی خود استفاده می‌کنید.

matter
اهمیت داشتن

(matters, mattered, mattering)

If something **matters**, it is important to you, *It really **matters** that I learn these spelling words.*

اگر چیزی اهمیت داشته باشد، برایتان مهم است.
حقیقتاً یادگیری املای این کلمات برایم اهمیت دارد.

may

۱- ممکن بودن.

It **may** snow today.

امروز ممکن است برف ببارد.

۲- اجازه داشتن.

Mother says I **may** walk to the store.

مادر می‌گوید که اجازه دارم پیاده به فروشگاه بروم.

May
ماه می

May is the fifth month of the year.
On ***May*** *Day, children often dance around the maypole.*

می پنجمین ماه سال میلادی است. در روز اول می یا جشن بهاربچه‌ها دورمیله‌ای که با آن گل و روبان زینت شده است، می‌رقصند.

maybe
شاید

Maybe you will be able to go swimming today if it stops raining.

در صورت قطع باران شاید بتوانی امروز شنا بروی.

me
به من، من را

Please give the jump rope to **me**.

لطفاً طناب بازی را به من بده.

mean

(means, meant, meaning)

1. If you say what something **means**, you explain it. If we put on our pajamas, this **means** it is almost time for bed 2. I **mean** to return your book. 3. If' someone is **mean**, he is not very nice. That **mean** child hit me.

۱- معنی کردن. اگر معنی چیزی را بگویید، درباره‌اش توضیح داده‌اید. اگر لباس خوابمان را بپوشیم، به این معنی است که تقریباً وقت خواب می‌باشد.

۲- خواستن، قصد داشتن.

می خواهم کتابت را پس دهم.

۳- بدجنس، بد. اگر کسی بدجنس باشد، آدم خوبی نیست. آن بچه بدجنس من را زد.

meat
گوشت

Meat is a food that comes from animals .

گوشت نوعی ماده غذایی است که از حیوانات تهیه می‌شود.

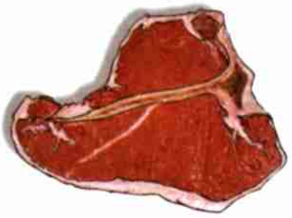

medicine
دارو

Medicine is something, like a pill or a shot, that a doctor gives to sick people to make them better.

دارو چیزی مانند قرص یا آمپول است که دکتر به مریض می‌دهد تا بهتر شود.

meet
ملاقات کردن

(meets, met, meeting)

When you **meet** somebody, you both get together at the same place at the same time.

هنگام ملاقات با کسی، هردوی شما در یک زمان و یک مکان یکدیگر را می‌بینید.

Watermelon

Watermelon is a sweet, juicy fruit with pink or red flesh and black seeds.

هندوانه میوه شیرین و آبداری است که داخلش صورتی یا قرمز است و دانه‌های سیاه رنگی دارد.

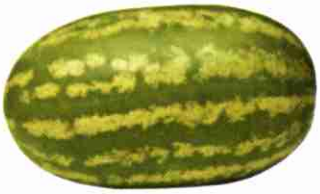

menorah
منورا

A **menorah** is a special candlestick that holds candles to help celebrate the Jewish holiday Hanukkah.

منورا شمعدان ویژه‌ای است که در آن شمع می گذارند و از آن در جشن هانوکای یهودیان استفاده می کنند.

Mercruy
سیاره عطارد، تیر

Mercury is the smallest planet in the solar system.
Mercury is the closest planet to the Sun.

تیر کوچکترین سیاره منظومه شمسی است. تیر نزدیک‌ترین سیاره به خورشید است.

mermaid پری دریایی

A **mermaid**, with a female's body and a fish's tail, lives in the ocean in books and movies. **Mermaids** are make believe.

در کتاب‌ها و فیلم‌ها ، پری دریایی به شکل زنی با دم ماهی است.

پری‌های دریایی موجوداتی تخیلی‌هستند.

mess نامرتب ،به هم ریخته

(messes)

A **mess** is when things are not where they belong. Your desk is a **mess** when your homework is all over it.

به هم ریختگی هنگامی است که چیزها در جایی که تعلق دارند، نباشند.
هنگامی که تکالیفت روی میز تحریرت پراکنده باشند، میزت نامرتب و به هم ریخته است.

message پیغام ، پیام

(message)

A **message** is words that you send or leave when you cannot speak to a person. Write a **message** for the babysitter.

پیغام کلماتی است که هنگامی که نمی‌توانید با فردی صحبت کنید برای او فرستاده یا می گذارید.
پیغامی برای پرستار بچه بنویس.

metal فلز

Metal is something hard that comes out of the ground such as gold, silver, and iron. ***Metal** is used to make jewelrv, cars, and many other machines.*

فلزماده سخت و محکمی مانند طلا ، نقره و آهن است که از زمین استخراج می‌شود. جواهرات ، خودرو و دستگاه‌های بسیار دیگری از فلز ساخته می‌شود.

microphone میکروفن

You can talk or sing into a **microphone** to make sounds louder.

می توانید با استفاده از میکروفون صحبت کنید یا آواز بخوانید تا صدایتان بلندتر شود.

microscope میکروسکوپ

A **microscope** is an instrument that you look through to make very tiny things appear bigger.

میکروسکوپ وسیله‌ای است که نگاه کردن با آن باعث می‌شود اجسام بسیار ریز بزرگتر بنظر بیایند.

middle وسط ، میان

The bird sits right in the **middle** of its cage.

پرنده درست وسط قفسش می‌نشیند.

might امکان داشتن

I **might** go to the movies tonight.

امکان دارد امشب سینما بروم.

mile مایل

مایل‌واحد اندازه گیری طول و معادل ۱۶۰۹ متر می‌باشد.

It is five **miles** down the road to the nearest library.

از پایین جاده تا نزدیکترین کتابخانه پنج مایل راه است.

milk شیر

Milk is a white liquid that is good for you to drink. Babies drink **milk** from their mother or from cows.

شیر مایع سفیدی است که نوشیدن آن برای سلامتی شما مفید است. نوزادان از شیر مادر خود یا شیر گاو تغذیه می نمایند.

milk shake میلک شیک

A **milk shake** is a sweet drink made by mixing milk and ice cream. ***Milk shakes** are made in flavors, such as chocolate and strawberry.*

میلک شیک نوشیدنی شیرینی است که با مخلوط نمودن شیر و بستنی‌درست می‌شود. میلک شیک با طعم‌هایی مانند شکلات و توت فرنگی‌تهیه می‌شود.

mind

(minds, minded, minding)

1. I **mind** that you are bothering me. 2. To **mind** means to do what someone, like your parent, tells to do. 3. you think with your **mind.**

۱ - ناراحت شدن.

از این که مزاحم من می‌شوی، ناراحت می شوم.

۲ - اهمیت دادن. اهمیت دادن یعنی انجام آن چیزی که شخصی مانند پدر یا مادرتان ، به شما می گوید تا انجام دهید.

۳ - ذهن. با ذهن خود فکر می‌کنید.

minute
دقیقه

A **minute** is a short amount of time. There are 60 **minutes** in one hour.

دقیقه مدت زمان کوتاهی است. یک ساعت ۶۰ دقیقه است.

mirror
آینه

A **mirror** is a special glass that reflects an image. You look into the **mirror** to see yourself.

آینه شیشه خاصی است که تصویری را منعکس می‌کند. شما به آینه نگاه می کنید تا خود را ببینید.

miss

(misses, missed, missing)

If you **miss** somebody, you are sad because you aren't with him .

۱ - از دست دادن.

۲ - دلتنگ شدن. اگر برای کسی دلتنگ می‌شوید، ناراحت هستید که با او نیستید.

mistake
اشتباه

If you make a **mistake**, you do something wrong. I left the ice cream out of the freezer and let it melt by **mistake**.

اگر اشتباهی کنید، کار خطایی انجام می دهید.

اشتباه کردم بستنی را بیرون از یخچال گذاشتم و بستنی آب شد.

mitten
دستکش یک انگشتی

A **mitten** keeps your hand warm. A **mitten** has one place for your thumb and another space for all your fingers together

دستکش یک انگشتی دست‌های شما را گرم نگه می‌دارد. دستکش یک انگشتی جایی برای انگشت شست و جای دیگر برای تمام انگشتان شما دارد.

mix
مخلوط کردن

(mixes, mixed, mixing)

You **mix** things together when you stir them up to make something new. You make a milk shake when you **mix** milk and ice cream.

هنگامی که مواد را با یکدیگر مخلوط می‌کنید، آن ها را هم می‌زنید تا چیز تازه‌ای بسازید. شما با مخلوط کردن شیر و بستنی میلک شیک می‌سازید.

mixer

1. A **mixer** is a big truck that mixes cement. The drum on a **mixer** turns and pours the cement inside it to the ground. 2. A **mixer** is a tool used in the kitchen to mix ingredients. The cook used a **mixer** to mix the pancake batter.

۱ -مخلوط کن صنعتی. مخلوط کن صنعتی ماشین بزرگی است که سیمان را مخلوط می کند. استوانه مخلوط کن می‌چرخد و سیمان داخلش را بر روی زمین می ریزد.

۲ - مخلوط کن آشپزخانه. مخلوط کن دستگاهی است که در آشپزخانه استفاده می شود و مواد غذایی را مخلوط می‌کند. آشپز با استفاده از مخلوط کن کره پنکیک را هم می‌زند.

mobile
آویز تخت بچه

A **mobile** is a toy that hangs over a babys bed. The **mobile** moves and turns while the baby watches.

آویز نوعی اسباب بازی است که بالای تخت نوزاد آویخته می‌شود. آویز حرکت می‌کند و می چرخد و نوزاد سرگرم نگاه کردن به آن می‌شود.

model
مدل ، ماکت

The children built a **model** of a train.

بچه‌ها ماکت یک قطار را ساختند.

moment
لحظه

moment is a short amount of time.

لحظه مدت زمان کوتاهی است.

Monday
دوشنبه

Monday is the first day of the week after the weekend.

دوشنبه اولین روز هفته تقویم میلادی بعد از تعطیلات آخر هفته است.

money
پول

You use **money**, like coins and bills, to pay for things you buy.

شما از پول مانند سکه و اسکناس برای پرداخت چیزهایی که می خرید، استفاده می‌کنید.

monkey
میمون

A **monkey** is an anomal with long arms and legs and a long tail. **Monkeys** are good at climbing trees

میمون حیوانی با دست، پا و دم دراز است.
میمون ها در بالا رفتن از درختان مهارت دارند.

monster
هیولا

A **monster** is a big scary creature in books and movies.

هیولا موجود بزرگ و ترسناک کتاب‌ها و فیلم‌ها است.

month
ماه

A **month**, like January, is part of the year. There are 12 **months** in a year.

یک ماه (مانند ماه ژانویه) بخشی از سال است. در سال ۱۲ ماه وجود دارد.

moon
کره ماه

The **moon** is the big bright light that you see in the sky at night. The **moon** travels around Eart about once a month.

ماه نور روشن و بزرگی است که شب هنگام در آسمان می‌بینید. کره ماه یک بار در ماه به دور زمین می‌چرخد.

mop
زمین شوی

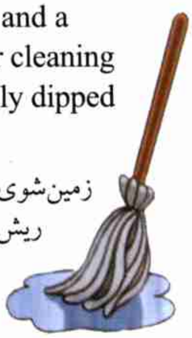

A **mop** is a tool with a long handle and a sponge or long stringy head used for cleaning floors. The head of the **mop** is usually dipped in water.

زمین‌شوی وسیله‌ای با دسته بلند و سری اسفنجی یا با نخ‌های ریش ریش بلندی است که با استفاده از آن زمین را تمیز می‌کنیم. سر زمین شوی را معمولاً در آب فرو می‌کنیم.

more
بیشتر

His pants have **more** pockets than mine.

تعداد جیب‌های شلوار او بیشتر از جیب‌های شلوار من است.

morning
صبح

The **morning** is the early part of the day before noon.

صبح اولین بخش روز قبل از ظهر می‌باشد.

most
بیشترین

Most means the biggest number or amount.
I have the **most** popcorn!

بیشترین یعنی بزرگترین عدد یا مقداراست. بیشترین مقدار ذرت بوداده را دارم!

mother
مادر

My **mother** is wanderful cook.

مادرم آشپز فوق العاده‌ای است.

motor
موتور

A **motor** is a machine that makes thing go.
The **motor** inside of a car makes it run.

موتور دستگاهی است که باعث حرکت چیزها می‌شود. موتور داخل خودرو باعث حرکت آن می‌شود.

motorcycle — موتور سیکلت

A **motorcycle** is a big bicycle with an engine. One or two people can ride a **motorcycle**, and it can go as fast as a car.

موتور سیکلت دوچرخه بزرگی دارای موتور است . یک یا دو سرنشین می‌توانند سوار موتور شوند و می تواند به سرعت خودرو حرکت کند.

mountain — کوه

A **mountain** is a very high hill. The top of a **mountain**, called a peak, sometimes has snow on it.

کوه تپه بسیار بلندی است. بالای کوه قله نامیده می‌شود که گاهی پوشیده از برف است.

mouse

(mice)

1. A **mouse** is a small, furry animal with a long, thin tail and sharp teeth. A **mouse** lives in a forest, a field, or a house. 2. A **mouse** is a small piece of equipment you use to move things around a computer screen.

۱- موش. موش حیوان پشمالود کوچکی با دم نازک و بلند و دندان‌های تیز است. موش در جنگل، دشت یا خانه زندگی می‌کند.
۲- ماس و یا موشواره ماس وسیله کوچکی است که با استفاده از آن چیزهایی را در اطراف صفحه نمایشگر رایانه حرکت می‌دهید.

mouth — دهان

Your **mouth** is the part of your face that you use to talk and eat.

دهان بخشی از صورتتان است که بااستفاده از آن صحبت می‌کنید و غذا می‌خورید.

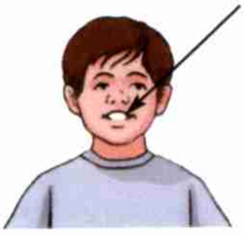

move — حرکت کردن

(moves, moved, moving)

To **move** means to go from one place to anothr.

حرکت کردن به معنای رفتن از مکانی به مکان دیگر است.

mover — باربر

A **mover** is someone who brings your things ,like furniture, into a new house or an office.

باربر فردی است که چیزهای شما را مانند مبل و وسایل منزل به خانه یا محل کار جدید می‌آورد.

movie — فیلم

A **movie** is a story told with moving pictures on a big screen or a TV.

فیلم داستانی است که همراه با تصاویر متحرک بر روی صفحه بزرگ سینما یا تلویزیون بیان می‌شود.

much — بسیار ، زیاد

The horse is eating **much** of the grass in the meadow.

آن اسب در حال خوردن علف زیادی در علفزار است.

mud — گِل

Mud is soft, wet earth. The children make **mud** pies after the rain.

گل خاک خیس و نرم است. بچه‌ها بعد از باران با گِل کلوچه‌های گِلی می‌سازند.

muffin — مافین

A **muffin** is a small, sweet cake that people like to eat for breakfast. Some **muffins** have nuts or pieces of fruit inside.

مافین کیک کوچک وشیرینی است که مردم دوست دارند برای صبحانه آن را بخورند. داخل بعضی از مافین‌ها گردو ، بادام یا میوه وجود دارد.

mug لیوان دسته داربزرگ(ماگ)

A **mug** is a big cup with a flat bottom and a handle. People drink coffee and hot cocoa from a **mug.**

ماگ لیوان بزرگی است که ته صاف و دسته دارد. مردم قهوه و کاکائوی داغ را داخل ماگ می نوشند.

multiply ضرب کردن

(multiplies, multiplied, multiplying)

When you **multiply** a number, you add it to itself a certain number of times. Two **multiplied** by five is ten: 2x5= 10. The sign to multiply is x.

هنگام ضرب کردن یک عدد آن را به تعداد دفعات خاصی به خودش اضافه می‌کنیم. ۱۰=۵×۲ : × علامت ضرب است.

mum گل داودی

A **mum** is colorful flower that blooms in the fall of the year. **Mum** is short for chrysanthemum.

گل داودی گل رنگارنگی است که هنگام پاییز شکوفا می‌شود. mum خلاصه شده کلمه chrysanthemum (گل داودی) می‌باشد.

muscle ماهیچه

A muscle is a body tissue that creates movement. The muscles around your mouth make you smile.

ماهیچه بافتی از بدن است که موجب حرکت می‌شود. ماهیچه‌های اطراف دهان شما باعث ایجاد لبخند می شوند.

mushroom قارچ

A **mushroom** is a type of umbrella-shaped plant that grows in damp, dark places. You can eat some **mushrooms**, but other ones can make you sick.

قارچ نوعی گیاه چتری شکل است که در مکان‌های مرطوب و تاریک رشد می‌کند. می‌توانید بعضی از قارچ‌ها را بخورید ولی بعضی دیگر باعث بیماری می‌شوند.

music موسیقی

Music is the sound that comes from playing an instrument, like a horn, or from singing with your voice.

موسیقی صدایی است که از نواختن وسیله‌ای مانند شیپور یا با خواندن ترانه‌ای با صدای خودتان ایجاد می‌شود.

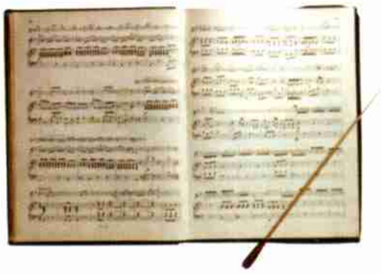

must باید

If you **must** do something, you need to or are commanded to do it. You **must** breathe to live.

اگر باید چیزی را انجام دهید، نیاز است یا به شما دستور داده شده است.که آن را انجام دهید. برای زنده ماندن باید نفس بکشید.

mustard سس خردل

Mustard is a thick, spicy, yellow or brownish liquid food that people put on hot dogs or sandwiches.

سس خردل ماده غذایی مایع غلیظ و پر ادویه‌ای به رنگ زرد یا مایل به قهوه‌ای است که مردم بر روی هات‌داگ یا ساندویچ خود می‌ریزند.

my مال من

That is **my** hot dog.

آن هات داگ من است.

mystery معما ، راز

(mysteries)

A **mystery** is something odd that happens that cannot be explained. How the tree fell down is a **mystery**.

معما ، چیز عجیبی است که اتفاق می‌افتد و قابل توضیح نیست. این که چگونه این درخت بر روی زمین افتاد یک معما است.

N

nail

1. A **nail** is a short, pointy piece of metal that you hit on its head with a hammer to build something. Nails hold things together.
2. Your **nails** are the smooth, shiny, hard ends of your toes and fingers.

۱ - میخ. میخ فلز کوتاه و نوک تیزی است که با چکش بر روی سر آن ضربه می‌زنید و چیزی را می‌سازید. میخ‌ها چیزها را کنار هم نگه می‌دارند.
۲ - ناخن. ناخن قسمت صاف، براق و سختی است که در انتهای انگشتان پا و دست شما قرار دارد.

name — نام

A **name** is what you call somebody or something.

نام چیزی است که کسی یا چیزی را می‌نامید.

nap — چرت

A **nap** is a short rest. A puppy takes several **naps** during the day.

چرت استراحتی کوتاه است.
توله سگ چندین بار در طول روز چرت می‌زند.

napkin — دستمال

A **napkin** is a folded piece of cloth or paper that you use while you eat. People wipe their faces and hands with **napkins**.

دستمال تکه پارچه یا کاغذی تا شده است که در حال غذا خوردن از آن استفاده می‌کنید. مردم صورت و دست‌های خود را با دستمال خشک می‌کنند.

nature — طبیعت

Nature is everything on Earth that is not made by people.

آنچه بر روی زمین ساخته بشر نیست.

near — نزدیک

(nearer, nearest)

My neck is **near** my face.

گردن من نزدیک صورتم قرار دارد.

nearly — تقریباً

We are **nearly** home.

تقریباً به خانه رسیدیم.

neat — تمیز، مرتب

(neater, neatest)

If you are **neat**, you are not messy. When you brush your hair, it looks **neat**.

اگر تمیز باشید، نامرتب نیستید.
هنگامی که موهای خود را شانه کنید، مرتب به نظر می رسند.

neck — گردن

Your **neck** joins your sholders to your head.

گردن شما شانه را به سر وصل می‌کند.

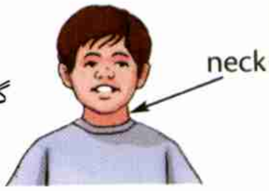

necklace — گردنبند

A **necklace** is something pretty that people wear around their necks. A **necklace** is a string of shiny metal, beads, or jewels.

گردنبند وسیله زیبایی است که مردم آن را دور گردن خود می‌اندازند. گردنبند رشته‌ای از فلز براق، مهره یا جواهر است.

need — احتیاج داشتن، لازم داشتن

(needs, needed, needing)

The baby **needs** milk.

نوزاد به شیر نیاز دارد.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

needle سوزن

1. A **needle** is a long, thin, sharp piece of metal used for sewing. There is a tiny hole in the top of the **needle** for thread to go through. 2. A **needle** is a thin, sharp, green leaf of a pine tree.

۱ -سوزن قطعه‌ای فلز دراز ، نازک و تیزی است که برای دوختن استفاده می‌شود. سوراخ کوچکی در قسمت بالای سوزن وجود دارد که نخ داخل آن می رود.
۲ - برگ سوزنی. برگ سوزنی برگ نازک ، تیز و سبز درخت کاج است.

neighbor همسایه

A **neighbor** is someone who lives near you.

همسایه کسی‌است که در نزدیکی شما زندگی می کند.

Neptune سیاره نپتون

Neptune is the eighth planet from the Sun. **Neptune** is the fourth largest planet in the solar system. Like Earth, **Neptune** orbits around the Sun.

نپتون هشتمین سیاره نسبت به خورشید می باشد. نپتون چهارمین سیاره از لحاظ اندازه در منظومه شمسی است. مانند زمین ،نپتون هم به دور خورشید می گردد.

nest لانه

A **nest** is a home that birds and some animals build for their young out of mud, straw, or sticks. Birds lay eggs in **nests**.

لانه خانه ای است که پرندگان و بعضی از حیوانات برای بچه‌های خود از گِل ، کاه یا چوب می‌سازند. پرندگان در لانه تخم می گذارند.

net

1. A **net** is pieces of string tied together with holes in between. People catch fish or butterflies in nets. 2. A **net** is used with balls in different games, like tennis and soccer. 3. The **Net** is a system where computers give and receive information.

۱ - تور. توری نخ‌هایی است که به یکدیگر بافته شده‌اند و بین آنها سوراخ وجود دارد. مردم با تور ماهی و پروانه می گیرند.
۲ - تور. تور در بازی‌های متفاوتی مانند تنیس و فوتبال که در آنها تور استفاده می‌شود بکار می‌رود.
۳ - شبکه. شبکه سیستمی است که رایانه‌ها با آن اطلاعات می گیرند و می‌فرستند.

never هرگز

You must **never** play with matches .

هرگز نباید با کبریت بازی کنید.

new

(newer, newest)

1. If something is **new**, it has just been made or has not been used. The girl has **new** shoes. 2. We just moved to a **new** house.

۱ - نو. اگر چیزی نو باشد، تازه ساخته شده یا استفاده نشده است. آن دختر کفش ها ی نو دارد.
۲ - جدید، متفاوت. ما تازه به خانه جدید نقل مکان کردیم.

news اخبار

News is information about things that have happened. Good **news**! My brother is feeling better.

اخبار اطلاعاتی درباره چیزهایی است که اتفاق افتاده اند.
خبر خوب ! برادرم حالش بهتر شده است.

newspaper روزنامه

A **newspaper** is many folded sheets of paper with words and pictures on them. You can read about what is happening in the world in the **newspaper**.

روزنامه تعداد زیادی‌ورقه تا شده کاغذ است که روی آن کلمات و تصاویر چاپ شده‌اند. می‌توانید در روزنامه اتفاقاتی را که در دنیا در حال انجام است ، بخوانید.

next بعد

Next week is my birthday party.

هفته بعد جشن تولد من است.

nice قشنگ، زیبا

(nicer, nicest)

If something is **nice**, you feel good about it and like it. My new haircut is very **nice**.

اگر چیزی قشنگ باشد، احساس خوبی درباره آن دارید و از آن خوشتان می آید. مدل موی جدیدم بسیار زیباست.

nickel نیکل

A **nickel** is a round coin that is worth five cents.

نیکل سکه گردی است که پنج سنت ارزش دارد.

night شب

Night is the time of day when the sun goes down and it is dark. People sleep at **night**.

شب زمانی از روز می باشد که خورشید غروب می‌کند و هوا تاریک می‌شود. مردم در شب می‌خوابند.

nine نه

Nine is a number that means one more than eight. 8+1=9.

9

نه عددی است که یکی هشت بیشتر است.

۸+۱ =۹

nineteen نوزده

Nineteen is a number that is one more than eighteen. 18+1 = 19.

19

نوزده عددی است که یکی از هجده بیشتر است.

۱۸+۱ =۱۹

ninety نود

Ninety is a number ten less than one hundred. **Ninety** is nine sets of ten. 10+10+10+10+10+10+10+10+10=90.

90

نود عددی است که ده واحد کمتر از ۱۰۰ است نود، نه گروه ده تایی است.

۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰=۹۰

no

1. There are **no** more peanuts left. 2. **No**, I did not break the glass. 3. **No** means that you do not have permission.

۱- هیچ. هیچ بادام زمینی دیگری باقی نمانده است.

۲- نه. من شیشه را نشکستم.

۳-پاسخ منفی. پاسخ منفی یعنی این‌که اجازه انجام کاری را ندارید.

nobody هیچ کس

Nobody wanted to eat spinach for dinner.

هیچ کس نمی‌خواست که شام اسفناج بخورد.

nod سر تکان دادن

(nods, nodded, nodding)

When you **nod** your head, it moves up and down.

وقتی که سر خود را تکان می دهید، به بالا و پایین حرکت می کند.

noise صدا، سروصدا

The dog's bark is a loud **noise**.

صدای پارس سگ بلند است.

none هیچ چیز

After we ate all the bananas, there were **none** left.

بعد از این که همه موزها را خوردیم، هیچ چیز باقی نماند.

north — شمال

North is a direction. The needle points to **north** on the compass.

شمال جهت می‌باشد.
سوزن قطب نما شمال را نشان می‌دهد.

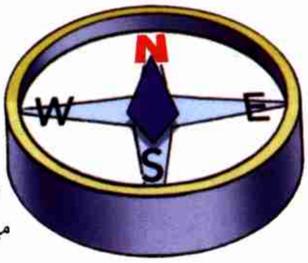

nose — بینی

Your **nose** is a part of your face that helps you to smell and breathe.

بینی قسمتی از صورت شما است که به بو کردن و تنفس شما کمک می‌کند.

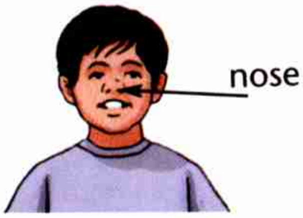

not — نه ، پیشوند نفی فعل

Not makes something negative. My aunt is **not** happy about her missing necklace.

not چیزی را منفی می‌سازد. عمه من از این که گردنبند خود را گم کرده است، خوش‌حال نیست.

notebook — دفتر

A **notebook** has pages for you to write or draw on.

دفتر صفحه‌هایی برای نوشتن و نقاشی دارد.

nothing — هیچ چیز

Nothing can stop me buying that car.

هیچ چیز نمی‌تواند مانع من را از خرید آن ماشین بشود.

November — ماه نوامبر

November is a month in the fall of the year. Thanksgiving is a holiday in **November**.

نوامبر ماهی در پاییز می‌باشد. جشن شکرگذاری روزی تعطیل در ماه نوامبر است.

now — حالا ، اکنون

Now means at this time. You are wearing your glasses **now**.

اکنون به معنای در این لحظه می‌باشد. شما اکنون عینک خود را زده‌اید.

number — عدد

A **number** is a word or sign that says how many things you have.

عدد کلمه یا علامتی است که می‌گوید چه تعداد از شیء خاصی را در اختیار دارید.

nurse — پرستار

A **nurse** is someone who takes care of sick or hurt people. **Nurses** work in hospitals and doctors' offices.

پرستار شخصی است که از افراد بیمار یا صدمه دیده مراقبت می‌کند. پرستارها در بیمارستان‌ها و مطب پزشکان کار می‌کنند.

nut — آجیل ، میوه مغزدار

A **nut** is a seed or fruit that has a hard shell. People crack the shell and eat **nuts** such as cashews and almonds.

میوه مغزدار. دانه یا میوه‌ای است که پوسته سختی دارد. مردم پوسته سخت میوه‌های مغزداری مانند بادام هندی و بادام را می‌شکنند و مغز آنها را می‌خورند.

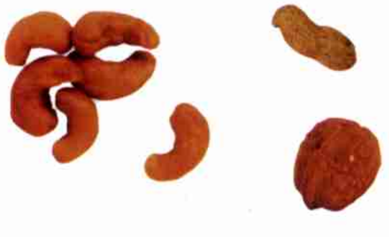

O

oar
پارو

An **oar** is a long piece of wood with one flat end. You push the **oar** to row a boat through the water.

پاروقطعه چوب بلندی است که انتهای آن پهن می‌باشد. شما پارو را فشار می دهید تا قایق را در آب به حرکت درآورد.

oboe
ساز بادی اُبو ، نوعی قره نی

An **oboe** is a long thin musical instrument. You blow into the **oboe** to make sounds.

ساز بادی ابو نوعی آلت موسیقی باریک و بلند است. با دمیدن در ابو صدا ایجاد می‌کنید.

ocean
اقیانوس

An **ocean** is a very big sea.The water in the **ocean** tastes salty.

اقیانوس دریایی بسیار بزرگ است.آب اقیانوس شور مزه است.

October
ماه اکتبر

October is a fall month of the year. Halloween is a holiday in **October**

اکتبر ماه پاییزی سال است. تعطیلی جشن هالووین در ماه اکتبر است.

octopus
هشت پا

(octopuses)

An **octopus** is a sea animal with eight long arms.

هشت پا نوعی حیوان دریایی‌است که هشت بازوی بلند دارد.

off

1. The ball fell **off** the shelf. 2. My brother turned the television **off** so we could eat dinner.

۱ - از ، دور از چیزی.

توپ از قفسه افتاد.

۲ - خاموش.برادرم تلویزیون را خاموش کرد تا بتوانیم شام بخوریم.

office
اداره ، دفتر کار

An **office** is a place where people work. An **office** has a desk, a chair, and maybe a computer.

اداره مکانی است که مردم کار می‌کنند. در اداره میز تحریر ، صندلی و احتمالاً رایانه وجود دارد.

officer
افسر

An **officer** is an important person who is in charge of other people. A police **officer** and an army **officer** make sure people follow the rules.

افسر ، فرد مهمی است که در برابر مردم مسئولیت دارد. افسر پلیس و افسر ارتش مراقب هستند که مردم از قوانین پیروی کنند.

often
اغلب

We **often** go to the fast-food restaurant to eat.

اغلب برای غذا خوردن به رستوران غذای فوری می‌رویم.

oil
روغن، نفت

Oil is a thick, slippery liquid. Light **oil** that comes from plants is used for cooking. Dark **oil** that comes from the ground helps heat your home and make your car run.

مایع غلیظ و لغزنده‌ای است. روغن خوراکی که رنگ آن روشن است از گیاهان گرفته می‌شود و برای آشپزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نفت تیره که از زمین گرفته می‌شود و به گرم کردن خانه و حرکت خودروی شما کمک می‌کند.

OK — بله، بسیار خوب، اجازه، موافقت

It's **OK** that you go to play at your friend's house.

اجازه داری که به خانه دوستت بروی و بازی کنی.

old

(older, oldest)

1. My grandpa is **old** at 90. 2. That looks like my **old** shirt.

۱- پیر. پدربزرگم پیر است و ۹۰ سال سن دارد.

۲- قدیمی، کهنه. آن پیراهن شبیه پیراهن کهنه من است.

olive — زیتون

An **olive** is a green or brown vegetable that grows on trees. People eat **olives** in salad and on pizza.

زیتون، گیاه سبزیا قهوه‌ای رنگی است که روی درخت رشد می‌کند. مردم زیتون را در سالاد و بر روی پیتزا می‌خورند.

on

1. The bowl is **on** the table. 2. Turn the light **on** so we can see.

۱- روی. کاسه روی میز قرار دارد.

۲- روشن. برق را روشن کن تا بتوانیم ببینیم.

once

1 . We went to the zoo **once.** 2. You can watch TV **once** you have finished picking up all your toys.

۱- یک بار. ما یک بار به باغ وحش رفتیم.

۲- به محض این که، وقتی که. به محض این که اسباب بازی‌هایت را جمع کردی می‌توانی تلویزیون تماشا کنی.

one — یک

One comes before two.

یک قبل از عدد دو می‌آید.

onion — پیاز

An **onion** is a round vegetable with a papery skin. An **onion** has a strong taste and smell.

پیاز گیاه گردی است که پوست نازکی دارد. پیاز مزه و بوی تندی دارد.

only — فقط. مقدار محدود

You can **only** have one piece of watermelon.

شما فقط می‌توانید تکه‌ای از هندوانه را بخورید.

open

(opens, opened, opening)

1. If you take a lid off something, you **open** it
2. They walked through the **open** door.

۱- باز کردن. اگر در چیزی را بردارید، آن را باز کرده‌اید.

۲- باز. ما از میان در باز گذشتیم.

or — یا

Or means there is a choice of some kind: You can pick apples **or** oranges.

یا یعنی نوعی حق انتخاب وجود دارد: می‌توانی سیب یا پرتقال را انتخاب کنی.

orange

1 . **Orange** is a bright color. A pumpkin is **orange.**
2. An **orange** is a sweet, round fruit with an **orange**-colored skin. People squeeze oranges to get juice.

۱- نارنجی. نارنجی رنگی روشن. کدو تنبل نارنجی است.

۲- پرتقال. پرتقال میوه شیرین و گردی است که پوست نارنجی رنگی دارد. مردم پرتقال را فشار می‌دهند و آب آن را می‌گیرند.

organ

1. An **organ** is a musical keyboard instrument like a piano. The music from an **organ** comes out of long pipes. 2. An **organ** is a part of your body that helps you to live, such as your lungs in your chest.

۱ - ارگ. ارگ نوعی وسیله موسیقی دارای کلید مانند پیانواست. صدای موسیقی ارگ از لوله‌هایی بلند خارج می‌شود.
۲ - اندام. اندام قسمتی از بدن شما (مانند شش‌ها در قفسه سینه) است که به زنده ماندن شما کمک می‌کند.

ornament — وسایل تزئینی، تزئین

An **ornament** is a special decoration to make things look pretty. You can put a Christmas **ornament** on a tree.

تزئین، آرایش خاصی است که باعث می‌شود اشیا زیباتر به نظر برسند. می‌توانید وسایل تزئینی کریسمس را بر روی درخت بگذارید.

other — دیگر

Other means different than the one you have. Where is your **other** pencil?

دیگر یعنی متفاوت از آن چه که دارید. مداد دیگرتان کجاست؟

our — مال ما

Our means something belongs to us. It is **our** picnic basket.

مال مایعنی چیزی متعلق به ما است.

آن سبد پیک نیک ما است.

out

1. The cat climbed **out** of the box. 2. The forest ranger has put **out** the fire.

۱ - بیرون. گربه از جعبه بیرون آمد.
۲ - خاموش کردن. جنگلبان آتش را خاموش کرد.

outside — بیرون، خارج از

The pear is **outside** the box.

گلابی بیرون از جعبه است.

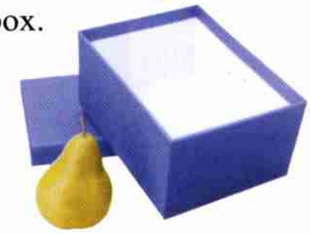

oven — فر، تنور

An **oven** is the hot inside part of the stove where you cook food. **Ovens** have doors that close to keep the heat inside.

فر قسمت داغ داخل گاز است که در آن غذا می‌پزید. فر دری دارد که بسته می‌شود تاحرارت را داخل خود نگه دارد.

over

1. The turtle crawled **over** the path. 2. Why must I tell you over and **over** to wear your mittens outside?
3. When one team wins, the football game is **over**.

۱ - آن طرف. لاک پشت به آن طرف مسیر رفت.
۲ - دوباره. چرا باید دوباره و دوباره به تو بگویم که در بیرون از خانه دستکش‌هایت را بپوش؟
۳ - تمام، پایان. وقتی که تیمی می‌برد، بازی فوتبال به پایان می‌رسد.

owl — جغد

An **owl** is a bird with large, round eyes that are good for seeing small animals at night. An **owl** makes a hooting sound.

جغد پرنده‌ای با چشمان گرد و بزرگ است که برای دیدن حیوانات کوچک در شب مناسب است .جغد صدای هوهو می‌کند.

own — مالک چیزی بودن، خود

(owns, owned, owning)

If you **own** something, it belongs to you.

اگر مالک چیزی باشید، آن چیز متعلق به شماست.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

P

pacifier
پستانک

A **pacifier** has a little rubber end for a baby to suck on. A **pacifier** comforts a crying baby.

پستانک در انتهای خود لاستیک کوچکی دارد که نوزاد آن را می‌مکد. پستانک نوزاد گریان را آرام می‌کند.

package
بسته

A **package** could be a box or a large envelope that is tied or taped shut.

بسته می‌تواند جعبه یا پاکت بزرگی باشد که با چسب یا گره آن را می‌بندند.

pad
دفترچه یادداشت

1 . A **pad** is a number of blank pieces of paper on which to write or draw. 2. The babysitter put down a **pad** so he could lay the baby on it.

۱ - دفترچه. تعدادی کاغذ سفید و دست‌نخورده است که بر روی آن‌طراحی می‌کنیم یا می نویسیم.
۲ - تشک. پرستاربچه تشک را بر روی زمین پهن کرد تا نوزاد را بر روی آن بگذارد.

page
صفحه

A **page** is a piece of paper inside a book.

صفحه قطعه ای کاغذ در داخل یک کتاب است.

pail
سطل

A **pail** is a container used to carry things like water from place to place. A **pail** has a handle and a flat bottom.

سطل ظرفی است که با آن چیزی مانند آب را از مکانی به مکان دیگرحمل می‌کنیم. سطل دسته وکفی صاف دارد.

paint
(paints, painted, painting)

1. You can use brushes and paints to **paint** or make a colorful pictures.

۱ - نقاشی کردن. با استفاده از قلمو ورنگ می‌توانید نقاشی کنید یا تصاویر رنگی بسازید.
۲ - رنگ کردن. مانند رنگ کردن دیوار یا خانه.
۳- رنگ.

paintbrush
قلمو

(paintbrushes)

A **paintbrush** has a long handle on one end and a group of hairs on the other. You dip the **paintbrush** in paint and move it back and forth on a surface to spread the paint.

قلمو دسته بلندی در یک طرف و تعدادی مو در طرف دیگر خود دارد. قلمو را داخل رنگ فرو می‌کنید و آن را به عقب و جلو حرکت می‌دهید تا رنگ را بر روی سطحی پخش کنید.

painting
نقاشی

A **painting** is a picture that someone has painted with a brush.

نقاشی تصویری است که آن را فردی با قلمو کشیده است.

pair
جفت

I have a **pair** of new shoes.

من یک جفت کفش نو دارم.

pajamas
لباس خواب، پیژامه

Pajamas are a loose shirt and pants that you wear to bed to sleep in and keep warm.

لباس خواب پیراهن و شلوار گشادی است که هنگام خواب می‌پوشید و شما را گرم نگه می‌دارد.

pal
رفیق

If someone is your **pal**.that person is a close friend.

اگر کسی رفیق شما باشد، آن شخص، دوستی صمیمی است.

palace
کاخ ، قصر

A **palace** is a large, special house where a king and queen and their family live.

کاخ خانه بسیار بزرگ و ویژه ای است که پادشاه، ملکه و خانواده آنها در آن زندگی می‌کنند.

palmtree
درخت نخل

Most **plam tree** have a tall, straight trunk. A **plam tree** has branches with green, feathery leavs on its top. **Plam trees** grow in warm places.

بیشتر درخت های نخل تنه بلند و صافی دارند. درخت نخل شاخه‌هایی با برگ‌های‌سبز پر مانند در بالای خود دارد. درخت نخل در مکان‌های گرم رشد می‌کند.

pan
ماهی تابه

A **pan** is a metal dish with a handle. You cook food in a **pan**.

ماهی تابه نوعی ظرف فلزی دسته‌دار است. داخل ماهی تابه آشپزی کنید.

pancake
پنکیک

A **pancake** is a thin, round cake made with flour, eggs, and milk. After you cook the **pancake**, you put butter and syrup on top and then eat it.

پنکیک کیک نازک و گردی است که از آرد، تخم مرغ و شیر ساخته می‌شود. بعد از پختن پنکیک روی آن کره و شربت می‌ریزید و می‌خورید.

panda
پاندا

A **panda** is a huge black-and-white, furry animal that looks like a bear. **Pandas** live in china.

پاندا حیوان بزرگ سیاه و سفید و پشمالودی شبیه خرس است. پانداها در چین زندگی می‌کنند.

pants
شلوار

Pants have two legs and, sometimes, pockets.

شلوارها دو پاچه و بعضی اوقات جیب دارند.

papaya
پاپایا، عنبه هندی

A **papaya** is a fruit with a sweet, yellow inside and yellow, pink, or orange skin. **Papayas** grow on trees in places with warm weather.

پاپایا میوه شیرینی است که داخل آن زرد می‌باشد و پوستی به رنگ‌های زرد، صورتی یا نارنجی دارد. پاپایا روی درخت و در آب و هوای گرم رشد می‌کند.

paper
کاغذ

Paper is a thin sheet made from cloth or wood. People write and draw on **paper** and wrap things in it, too.

کاغذ ورقه نازکی‌است که از پارچه یا چوب ساخته می‌شود. مردم بر روی‌کاغذ می‌نویسند و نقاشی می‌کنند وچیزها را نیز در داخل آن می‌پیچند.

paper clip
گیره کاغذ

A **paper clip** is a curved piece of metal that holds pieces of paper together. Can you slide the **paper clip** over two pieces of paper?

گیره کاغذ قطعه فلز منحنی شکلی است که تعدادی کاغذ را کنار هم نگه می‌دارد. می‌توانی دو برگه کاغذ را گیره بزنی؟

park

(parks, parked, parking)

1 . When you **park** a car, you leave it somewhere for a while. 2. A **park** is a large grassy place where people can walk and play games.

۱ - پارک کردن. هنگام پارک کردن ماشین، آن را برای مدتی در جایی می‌گذارید.

۲ - پارک. پارک مکان بزرگ و سرسبزی است که مردم می‌توانند در آن راه بروند و بازی کنند.

part

1. A **part** is a piece of something. A puzzle has lots of different **parts**. A **part** is a role in a play or show. You may have a **part** in the school play.

۱ - قسمت. قسمت بخشی از چیزی است. پازل قسمت‌های مختلف زیادی دارد.

۲ - نقش رُلی در نمایش یا برنامه است. ممکن است در تئاتر مدرسه نقشی را بازی کنید.

party — مهمانی

(parties)

When a group of friends get together to eat and have fun, they have a **party**. You eat cake at a birthday **party**.

وقتی که گروهی از دوستان دور هم جمع می شوند تا چیزی بخورند وخوش بگذرانند مهمانی گرفته‌اند. شما در مهمانی تولد کیک می‌خورید.

pass

(passes, passed, passing)

1. I **passed** the store on the way home.
2. Can you **pass** me the cookies?

۱ - گذشتن. در راه خانه از فروشگاه گذشتم.
۲ - دادن. می‌توانی شیرینی‌ها را به من بدهی؟

past — گذشته ،زمان های قدیم

In the **past** , there was no TV.

در گذشته تلویزیونی وجود نداشت.

paste — چسب

Paste is white sticky stuff that is used to hold papers together. Use **paste** to keep your photos in the book.

چسب ماده سفید و چسبناکی است که برای نگه داشتن کاغذها به یکدیگر استفاده می شود. از چسب برای چسباندن عکس‌هایت در کتاب استفاده کن.

pat — نوازش کردن

(pats, patted, patting)

I **patted** my dog.

سگم را نوازش کردم.

path — راه، مسیر

A **path** is a narrow piece of land for people to walk, run or ride on. I can ride my bike on the **path** along the river.

راه قطعه زمین باریکی است که مردم در آن قدم می زنند، می دوند یا سواری می‌کنند. می توانم دوچرخه‌ام را در مسیر کنار رودخانه برانم.

paw — پنجه

Some animals, such as dogs, have **paws** for feet. A **paw** has claws that help the animals climb, fight and catch food.

بعضی از حیوانات ،نظیر سگ‌ها در پای خود پنجه دارند. پنجه چنگال‌هایی دارد که به حیوانات کمک‌می کند تا از جایی بالا بروند، بجنگند و غذای خود را بدست آورند.

pay — پرداخت کردن

(pays, paid, paying)

He **paid** the lady for the papaya.

او برای خرید میوه پاپایا به آن خانم پول پرداخت کرد.

pea — نخود، نخود سبز

A **pea** is a small, round, green vegetable that grows inside a long pod.

نخود سبز گیاه کوچک، گرد و سبزی است که داخل پوسته درازی رشد می‌کند.

peace — صلح

Peace is a quiet time without any fighting between people.

صلح زمان آرامش است و مردم با یکدیگر جنگ نمی‌کنند.

peach — هلو

(peaches)

A **peach** is a soft, juicy fruit with a pit inside and yellow-red, fuzzy skin outside.

هلو میوه آبدار نرمی است که هسته‌ای در داخل و پوست قرمز و زرد پرزداری در خارج خود دارد.

peacock
طاووس نر

A **peacock** is a bird the male of which has beautiful, long, blue and green feathers that fan out in his tail.

طاووس، پرنده‌ای است که نوع نر آن پرهای بلند آبی و سبزی دارد که از قسمت دمش مانند چتر باز می‌شوند.

peanut
بادام زمینی

A **peanut** is a seed from a plant. **Peanuts** become ripe under the ground. The small oval **peanuts** found inside a brown shell are roasted before you eat them. Although some people believe **peanuts** are nuts, they are really more like beans or peas.

بادام زمینی دانه‌ای گیاهی است. بادام زمینی زیرزمین می‌رسد. دانه‌های بیضی شکل کوچک بادام زمینی در داخل پوسته‌ای قهوه‌ای قرار دارند. آنها را قبل از خوردن برشته می‌کنند. گرچه بعضی از مردم فکر می‌کنند که بادام زمینی جزء میوه‌های مغزدار مانند گردو است ولی آنها در واقع بیشتر شبیه لوبیا یا نخود هستند.

peanutbutter
کره بادام زمینی

peanut butter Peanut butter is a soft food made from peanuts. You spread sticky **peanut butter** on sandwiches and crackers.

کره بادام زمینی ماده غذایی نرمی است که از بادام زمینی تهیه می‌شود. شما می‌توانید کره بادام زمینی چسبناک را بر روی ساندویچ یا بیسکویت می‌مالید.

pear
گلابی

A **pear** is a yellow, green, or brown fruit that is sweet and juicy. One end of the round **pear** is bigger than the other.

گلابی میوه زرد، سبز یا قهوه‌ای است که آبدار و شیرین می‌باشد. قسمت گرد گلابی از طرف دیگر آن بزرگتر است.

pecan
پی‌کان، گردوی آمریکایی

A **pecan** is a nut with a smooth shell that grows on trees. People enjoy eating **pecan** pie.

گردوی آمریکایی میوه‌ای مغزدار با پوسته صاف است که روی درخت رشد می‌کند. مردم از خوردن کیکی که از این نوع گردو تهیه می‌شود لذت می‌برند.

peel
(peels, peeled, peeling)

1. Dad used a knife to **peel** an apple for me. 2. Bananas, oranges, and potatoes have **peels**.

۱ - پوست گرفتن. پدر با استفاده از چاقو سیبی را برای من پوست گرفت.

۲ - پوست. موز، پرتقال و سیب‌زمینی پوست دارند.

pelican
مرغ ماهیخوار

A **pelican** is a large ocean bird with a huge bill. **Pelicans** use their bills to store fish they catch.

مرغ ماهیخوار نوعی پرنده بزرگ دریایی است که منقار بزرگی دارد. مرغ‌های ماهیخوار با استفاده از منقار خود ماهی می‌گیرند و آن‌ها را در منقار نگه می‌دارند.

pen
قلم، خودکار

A **pen** is a long, thin tool filled with ink for writing or drawing.

قلم وسیله نازک ودرازی است که برای نوشتن و ترسیم با جوهر پُر می‌شود.

pencil
مداد

A **pencil** is a long, thin stick with graphite in the middle. The dark point of a **pencil** makes marks when drawing or writing.

مداد چوب نازک و درازی است که در وسط آن ذغال قرار دارد. نوک تیره مداد هنگام ترسیم یا نوشتن علامت بر جای می‌گذارد.

pencil case
جا مدادی

A **pencil** case is a special bag or box to hold pencils. My **pencil** case keeps my **pencils** from breaking.

جا مدادی کیف یا جعبه مخصوصی است که مدادها را نگهداری می‌کند. جا مدادیم جلوی شکستن مدادهایم را می‌گیرد.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

penguin پنگوئن

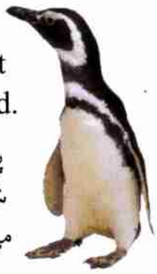

A **penguin** is a large black-and-white bird that swims in the sea but does not fly. **Penguins** live where it is very cold.

پنگوئن پرنده بزرگ سیاه و سفیدی است که در دریا شنا می‌کند ولی پرواز نمی‌کند. پنگوئن‌ها جایی زندگی می‌کنند که بسیار سرد است.

penny پنی

(pennies)

A **penny**, or one cent, is a coin. A **penny** is the smallest amount of money in the United States and Canada.

پنی یا یک سنتی سکه است. پنی کمترین مقدار پول در ایالت متحده آمریکا و کانادا می‌باشد.

pepper

1 . **Pepper** is a black spicy powder to put on food.
2. A **pepper** is a bright green, yellow, or red vegetable. I like **peppers** on my pizza.

۱ - فلفل. فلفل ادویه سیاهی است که به صورت پودر در غذا ریخته می‌شود.
۲ - فلفل. فلفل گیاهی سبز روشن، زرد یا قرمز است. دوست دارم روی پیتزای من فلفل باشد.

person شخص

(people)

A **person** is a man, a woman, or a child.

یک شخص می‌تواند یک مرد، یک زن یا یک بچه باشد.

pet حیوان خانگی، دست آموز

A **pet** is an animal, like a cat, that you take care of in your home. People usually give their **pets** names.

حیوان خانگی حیوانی مانند گربه است که در خانه از آن نگهداری می‌کنید. مردم معمولاً برای حیوانات خانگی خود انتخاب می‌کنند.

petal گلبرگ

A **petal** is a soft, thin, colorful part of a flower. How many **petals** does a daisy have?

گلبرگ قسمت رنگی، نازک و نرم گل می‌باشد. گل مینا چند گلبرگ دارد؟

phone

Phone is short for telephone! A **phone** is a machine that lets you talk and listen to others. Part of the **phone** has numbers for you to push and dial to reach someone.

phone شکل خلاصه شده telephone است.
تلفن دستگاهی است که اجازه می‌دهد که با دیگران صحبت کنید و صدای آنها را بشنوید. قسمتی از تلفن شماره دارد که با فشار دادن آنها شماره‌گیری می‌کنید تا با کسی ارتباط برقرار می‌نمایید.

photograph عکس

A **photograph** is a picture you take with a camera. A **photograph** might be printed in black and white or in color.

عکس تصویری است که با دوربین می گیرید. عکس می‌تواند رنگی یا سیاه و سفید باشد.

piano پیانو

A **piano** is a large musical instrument with black keys and white keys that you tap with your fingers to make sounds.

پیانو نوعی وسیله موسیقی بزرگ با کلیدهای سیاه و سفیدی است که با زدن انگشتان بر روی آنها صدا را ایجاد می‌کنید.

pick

(picks, picked, picking)

1. You **pick** the pizza topping2.If you **pick** some fruit, you take it from the tree. 3. When you **pick** up something, you lift it. **Pick** your foot up high.

۱ - انتخاب کردن. می‌توانی مواد روی پیتزا را انتخاب کنی.
۲ - چیدن. اگر میوه‌ای را بچینید، آن را از درخت جدا می‌کنید.
۳ - بلند کردن. هنگام برداشتن چیزی، آن را بلند می‌کنید. پایت را بلند کن بالا.

pickle خیارشور

A **pickle** is a cucumber that has soaked in a spicy liquid and tastes salty and sour.

خیارشور خیاری است که در مایع ادویه داری عمل می آید و مزه شور و ترش دارد.

picnic — پیک نیک

A **picnic** is a meal you eat outside. Sandwiches, fruit, and cookies are good **picnic** foods.

پیک نیک غذایی است که بیرون در فضای آزاد می‌خورید. ساندویچ، میوه و شیرینی غذاهای خوبی برای پیک نیک هستند.

picnicbasket — سبد پیک نیک

A **picnic** basket is a large container with a big handle to carry the **picnic** food outside.

سبد پیک نیک وسیله‌ای جا دار با دسته بزرگ است که برای حمل غذای پیک نیک به بیرون استفاده می‌شود.

picture — تصویر

A **picture** is a painting, drawing, or photograph. **Pictures** can be of animals, plants, or designs.

تصویر، نقاشی، طراحی یا عکس‌است. تصاویر می‌توانند حیوانات، گیاهان یا طراحی باشند.

pie — پای

A **pie** has a crispy crust over a thick filling of fruit, meat, or vegetables. A **pie** is baked in the oven.

پای خمیر برشته‌ای است که بر روی لایه ضخیمی پر از میوه، گوشت یا سبزیجات قرار دارد. پای برای پختن در فر گذاشته می‌شود.

piece — تکه، قطعه

A **piece** is a part of something.I can cut a **piece** of apple pie.

تکه یا قطعه، بخشی از چیزی می‌باشد.
من می‌توانم تکه‌ای از پای سیب را ببرم.

pigeon — کبوتر

A **pigeon** is a bird whose small head bobs up and down when it walks. **Pigeons** like to sit on statues and rooftops.

کبوتر پرنده‌ای است که هنگام راه رفتن سرش را به عقب و جلو تکان می‌دهد. کبوترها دوست دارند که بر روی مجسمه‌ها یا پشت بام‌ها بنشینند.

pile — دسته، یک عالمه

Look at the big **pile** of laundry.

به آن دسته بزرگ لباس‌های شستنی نگاه کن.

pill — قرص

A **pill** is a small round piece of medicine that you take to feel better.

قرص قطعه‌ای گرد و کوچک از دارو است که آن را می‌خورید تا حالتان بهتر شود.

pillow — بالش

A **pillow** is a bag filled with soft material, like feathers. You rest your head on a **pillow** to go to sleep in bed.

بالش کیسه‌ای است که با مواد نرم مانند پَر، پر می‌شود. هنگام خواب سر خود را بر روی بالش می‌گذارید.

pilot — خلبان

A **pilot** is someone who flies an airplane. A **pilot** sits in the front of the plane with the controls.

خلبان فردی است که هواپیما را به پرواز درمی‌آورد. خلبان جلوی هواپیما می‌نشیند و فرمان را هدایت می‌کند.

pin — سنجاق، سوزن ته گرد

A **pin** is a small, thin metal tool with a sharp pointed end. **Pins** hold pieces of cloth together when you sew.

سنجاق وسیله فلزی نازک و کوچکی است که در انتهای آن نوک تیزی دارد. سنجاق‌ها هنگام دوختن لباس، تکه‌های پارچه را کنار هم نگه می‌دارند.

piñata — پینات

A **pinata** is a decorated hollow Mexican toy filled with candy and gifts. Children try to break a hanging **pinata** with a stick so the treats will fall out.

پینات اسباب بازی تزئینی مکزیکی است که داخل آن خالی می باشد و آن را باشیرینی و هدیه پر می‌کنند. بچه‌ها سعی می‌کنند پیناتی آویخته را با چوب بشکنند تا هدایا از آن بیرون ریخته شوند.

pine — درخت کاج

A **pine** tree has needles for leaves that are green all year long. A **pine** tree has long brown pinecones with seeds inside. A Christmas tree is often **pine**.

درخت کاج درختی است که برگ های سوزنی شکلی دارد که در تمام طول سال سبز هستند. درخت کاج میوه قهوه‌ای درازی دارد که داخل آن دانه قرار دارد. درخت کریسمس اغلب درخت کاج است.

pineapple — آناناس

A **pineapple** is a yellow-brown fruit with sharp, pointed green leaves on the top. The inside of the **pineapple** is yellow, very juicy, and sweet.

آناناس میوه قهوه‌ای و زرد رنگی است که برگ‌های سبز نوک تیزی را در بالای خود دارد. داخل آناناس زرد، بسیار آبدار و شیرین است.

pinecone — میوه کاج

Sometimes scaly and sticky, a **pinecone** is something that grows on evergreen trees

میوه کاج. بعضی اوقات میوه کاج به صورت ورقه ورقه و چسبناک می‌باشد، میوه کاج چیزی است که روی درختان همیشه سبز رشد می‌کند.

pink — رنگ صورتی

When you mix white and red together, you make the color **pink**. Baby pigs are **pink**.

هنگامی که رنگ سفید و قرمز را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ صورتی حاصل می‌شود. بچه خوک‌هاصورتی هستند.

pipe — لوله

A **pipe** is a long, thin metal or plastic tube. Things like oil and water move through **pipes**.

لوله تیوب نازک و درازی از جنس فلز یا پلاستیک است. چیزهایی مانند نفت و آب از طریق لوله منتقل می‌شوند.

piranha — پیرانا

A **piranha** is a fish in South America with very sharp teeth. **Piranhas** swim in groups to find a meal.

پیرانا نوعی ماهی آمریکای جنوبی است که دندانهای تیزی دارد. پیراناها برای یافتن غذا به طور گروهی شنا می‌کنند.

pirate — دزد دریایی

A **pirate** is a person who robs ships at sea. **Pirates** are sometimes pictured with eye patches and wooden legs.

دزد دریایی کسی است که در دریا از کشتی‌ها دزدی می‌کند. دزد دریایی را بعضی اوقات با پای چوبی و دستمالی به دور یک چشم، به تصویر می‌کشند.

pistachio — پسته

A **pistachio** is a small round nut with a hard white shell.

پسته میوه مغزدار کوچک و گردی است که پوسته سفید و سختی دارد.

pitcher
پارچ

A **pitcher** is like a big cup with a handle used to store a lot of liquid. You can pour juice or milk from a special opening at the top of a **pitcher**.

پارچ مانند فنجان بزرگی‌است که دسته دارد و برای نگه داشتن مقدار زیادی مایع استفاده می‌شود. می‌توانید آب میوه یا شیر را از روزنه خاصی که در بالای پارچ قرار دارد، بریزید.

pizza
پیتزا

A **pizza** is a flat, round food baked in a very hot oven. You can add tomato sauce, cheese, and other toppings to the **pizza** crust.

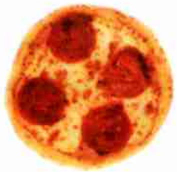

پیتزا غذای صاف و گردی است که در حرارت بسیار بالای فر پخته می‌شود. می‌توانید بر روی لایه خمیر پیتزا سس گوجه فرنگی، پنیر و مواد دیگر اضافه کنید.

place
مکان، جا

A **place** is a space or location, like a town or a farm. Your bedroom is a good **place** to sleep.

مکان، فضا یا محلی مانند شهر یا مزرعه می باشد.
اتاق خوابت جای خوبی برای خوابیدن است.

plain

(plainer, plainest)

1. Something that is **plain** is all one color and does not have a design on it. 2. A **plain** is a large area of flat land. The middle of the United States is made up of the Great **Plains**.

۱ - ساده. چیزی که‌ساده است تماماً به یک رنگ است و طرحی روی خود ندارد.

۲ - دشت. دشت منطقه‌ای بزرگ از زمین صاف است. در میان ایالت متحده آمریکا دشت‌های بزرگی قرار دارد.

plan

(plans, planned, planning)

1.If you **plan** something you dicide how to do it.We are **planning** to go on a picnic. 2. I am looking at a floor **plan** of your house.

۱ - قصد داشتن. اگر قصد چیزی را دارید، تصمیم می گیرید چگونه آن را انجام دهید. قصد داریم که گردش برویم.

۲ - نقشه، طرح.دارم به نقشه ساختمان شما نگاه می‌کنم.

plane
هواپیما

A **plane** is a big machine that flies. **Plane** is short for airplane.

هواپیما دستگاه بزرگی است که پرواز می‌کند. plane خلاصه شده کلمه airplane است.

planet
سیاره

A **planet** is a huge, round thing in space. Nine **planets**, such as Earth, go around the Sun.

سیاره جسم گرد و عظیمی در فضا است. نُه سیاره از قبیل زمین به دور خورشید می گردند.

plant
گیاه

A **plant** is a living thing that grows in dirt or water. Most **plants**, like trees and flowers, have roots, stems, leaves, flowers, and seeds.

گیاه موجود زنده‌ای است که در خاک یا آب زندگی می‌کند. اکثر گیاهان مانند درختان و گل‌ها، ریشه، ساقه، برگ، گل و دانه دارند.

plate
بشقاب

A **plate** is a round, flat object that you put food on. You put cake on a dessert **plate**.

بشقاب جسم گرد و صافی است که روی آن غذا می ریزید. شما کیک را روی بشقاب دسر می گذارید.

play

(plays, played, playing)

1. When you **play**, you have fun. I **play** catch with my friend. 2. If you **playa** musical instrument, you make sounds with it. My fingers **play** the piano. 3. A **play** is a story you act out or watch. I am Snow White in the school **play**.

۱ - بازی کردن. با دوستم گرگم به هوا بازی می‌کنم.

۲ - نواختن. اگر با یک وسیله موسیقی بنوازید، آن را به صدا درمی‌آورید. با انگشتانم پیانو می‌نوازم.

۳ - نمایش، نمایشنامه. نمایش داستانی است که در آن بازی یا آن را تماشا می‌کنید. من در نمایشنامه مدرسه سفید برفی هستم.

playground
زمین بازی

A **playground** is a place outdoors where you can have fun. I like to swing on the swings at the **playground**.

زمین بازی مکانی در فضای آزاد است که در آن بازی و تفریح می‌نمایید. دوست دارم در زمین بازی تاب بازی کنم.

playpen
تخت نرده‌دار

A **playpen** is a safe place with four soft sides and a floor for babies to play. Most **playpens** fold up.

تخت نرده‌دار مکان امنی است که چهار طرف نرم دارد و در کف آن بچه‌های کوچک بازی می‌کنند. اکثر تخت‌های نرده دار تاشو هستند.

please
لطفاً

Please is a word you use when you ask for something in a nice way. Would you **please** make me a sandwich?

لطفاً کلمه‌ای است که هنگام درخواست مؤدبانه استفاده می‌کنید.
ممکنه لطفاً برای من یک ساندویچ درست کنی؟

plenty
یک عالمه، بسیار

There are **plenty** of carrots for the bunny.

یک عالمه هویج برای خرگوش وجود دارد.

pliers
انبردست

A **pliers** is a tool with two moving parts joined near one end. You pinch the tops of a **pliers** together to hold things.

انبردست وسیله‌ای که دوقسمت متحرک دارد که در نزدیک یک سر آن به یکدیگر متصل می‌شوند. شما با فشار دادن دو سر انبردست اشیاء را می‌گیرید.

plum
آلو

A **plum** is a juicy fruit with smooth green, purple, red, or yellow skin. A **plum** is soft and yellow inside with a big pit.

آلو میوه‌ای آبدار با پوستی صاف به رنگ سبز، بنفش، قرمز یا زرد است. داخل آلو نرم و زرد رنگ است و هسته بزرگی دارد.

plumber
لوله کش

A **plumber** fixes a leak in your sink.

لوله کش چکه سینک دستشویی شما را تعمیر می‌کند.

plus
به اضافه

You use the word **plus** when you add numbers together. The sign for plus is +. One **plus** three equals four: 1 +3=4.

هنگامی از کلمه اضافه استفاده می‌کنید که اعداد را با یکدیگر جمع ببندید. + علامت به اضافه می‌باشد.
یک به اضافه سه چهار می‌شود: ۴ =۳+۱

Pluto
پلوتون

Pluto is the planet in the solar system that is the farthest away from the Sun.

پلوتون دورترین سیاره از خورشید در منظومه شمسی است.

pocket
جیب

A **pocket** is a small bag that holds things. **Pockets** are sewn into your clothes so you can keep keys, money, or your hands inside of them.

جیب کیسه کوچکی است که چیزها را نگه می‌دارد. جیب به لباس شما دوخته می‌شود تا بتوانید کلید، پول یا دستانتان را در داخل آن نگه دارید.

point
(points, pointed, pointing)

1. When you **point** with your finger, you show where something is located. 2. A **point** is a sharp end of something, such as a pin or a pencil.
3. Your team scored five **points**.

۱- اشاره کردن. هنگامی که با انگشتان اشاره می‌کنید، نشان می‌دهید که چیزی کجا واقع شده است.
۲- نوک. نوک انتهای تیز چیزی مانند سوزن یا مداد می‌باشد.
۳- امتیاز. تیم شما پنج امتیاز گرفت.

police
پلیس

Police are people whose job it is to keep others safe and stop them from breaking the laws. Many **Police** officers wear special badges and uniforms.

پلیس کسی است که شغلش حفظ امنیت دیگران و جلوگیری از قانون شکنی است. بسیاری از مأموران پلیس نشانه‌ها و لباس‌های خاصی دارند.

police car — ماشین پلیس

A **police car** has special flashing lights and a siren that the police turn on if they are chasing people who broke the law. **Police cars** are usually painted special colors and have signs on them.

ماشین پلیس دارای نور چشمک‌زن مخصوص و آژیراست که در صورت تعقیب قانون‌شکنان آن‌ها را روشن می‌کند. ماشین‌های پلیس معمولاً رنگ‌های ویژه‌ای دارند و بر روی آنها علامت‌هایی وجود دارند.

pom-pom — پام پام ، منگوله

A **pom-pom** is a fluffy ball made of strings that wiggle when you shake them. Cheerleaders shake**pom-poms** at football games.

منگوله توپی پشمالو ساخته شده از رشته‌هایی است که هنگام حرکت دادن تکان می‌خورند. در بازی فوتبال آمریکایی سر دسته‌های تماشاگران این منگوله‌ها را تکان می‌دهند.

pond — برکه ، آبگیر

A **pond** is a small area of water with land around it. The cow drinks water from the **pond**.

برکه بخش کوچکی از آب است که دور آن خشکی باشد. آن گاو از برکه آب می‌نوشد.

pony — اسب کوتوله

(ponies)

A **pony** is a small horse that children like to ride. **Ponies** can pull carts.

اسب کوتوله ،اسب کوچکی است که بچه‌ها دوست دارند سوار آن شوند. اسب‌های کوتوله می‌توانند گاری را به دنبال خود بکشند.

pool — استخر

A **pool** is a place where you can swim in the water.

استخرمکانی است که می‌توانید در آب شنا کنید.

poor — فقیر

(poor, poorest)

Someone who is **poor** does not have a lot of money. The man cannot afford to buy shoes because he is **poor**.

کسی‌که فقیر است پول زیادی ندارد.

آن مرد توانایی خرید کفش را ندارد چونکه فقیر است.

pop — ترکیدن ، صدا کردن

(pops, popped, popping)

If you poke a balloon with a pin, it will **pop**!

اگر با سوزنی بادکنکی را سوراخ کنید، با صدا می‌ترکد!

popcorn — ذرت بوداده

Hard **popcorn** seeds burst open and puff out when you heat them. Cooked **popcorn** is white, fluffy, crunchy, and good to eat for a snack!

هنگامی که دانه‌های‌سفت ذرت را حرارت می‌دهید، آنها باز می‌شوند و پف می‌کنند. ذرت‌های بو داده، سفید، پف کرده و ترد است و برای خوردن میان وعده خوبی است.

porcupine — جوجه تیغی

A **porcupine** is an animal with stiff pointed hairs, called quills, on its back. A **porcupine** sticks its quills into an animal that gets too close.

جوجه تیغی حیوانی است که موهای تیز و محکمی بر روی پشتش دارد. جوجه تیغی تیغه‌هایش را در بدن حیوانی که بخواهد به آن بسیار نزدیک شود، فرو می‌کند.

porpoise — پورپوس

A **porpoise** is an underwater animal (but not a fish) with a short nose. A **porpoise** swims very fast in the ocean.

پورپوس حیوانی است که در زیر آب زندگی می‌کند (اما ماهی نیست) وپوزه کوچکی دارد. پورپوس باسرعت در اقیانوس شنا می‌کند.

possible — ممکن

If something is **possible**, it can be done. If I hold your hand, it is **possible** for me to stand on one foot.

اگر چیزی ممکن باشد، می‌توان آن را انجام داد.

اگر دستت را بگیرم، ممکن است بتوانم روی یک پا بایستم.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

post
تیر

Post is a strong pole that stands up in the ground.

تیر میله محکمی است که داخل زمین قرار می‌گیرد.

post office
اداره پست

A **post office** is a building where you can send and pick up letters and packages. You can buy stamps and envelopes at the **post office**.

اداره پست ساختمانی است که در آن می‌توانید نامه‌های خود را بفرستید و نامه‌ها و بسته‌های پستی خود را دریافت کنید. شما می‌توانید در اداره پست تمبر و پاکت بخرید.

pot
قابلمه

A **pot** is a deep, round pan used for cooking things like soup. A **pot** has one or two handles and a lid.

قابلمه ظرف گرد و گودی است که‌برای پختن چیزهایی مانند سوپ استفاده می‌شود. قابلمه یک یا دو دسته و یک در دارد.

potato
سیب زمینی

(potatoes)

A **potato** is a round vegetable that grows underground with brown skin. You can boil, fry, mash, and bake **potatoes**.

سیب زمینی گیاه گردی است که زیر زمین رشد می‌کند و پوست قهوه‌ای رنگی دارد. می‌توانید سیب زمینی‌ها را آب پز، سرخ، پوره و کباب نمایید.

pour
ریختن

(pours, poured, pouring)

The child pours the water from the pitcher.

بچه آب را از پارچ می‌ریزد.

power
قدرت، نیرو

Power from the wind makes the windmill turn.

قدرت باد باعث چرخش آسیاب بادی می‌شود.

practice
تمرین کردن

(practices, practiced, practicing)

When you **practice** something, you do it many times to get better at it. You **practice** the piano to get ready to play at the show.

هنگامی که چیزی را تمرین می‌کنید، آن را چندین مرتبه انجام می‌دهید تا در آن کار ماهرتر شوید.

پیانو تمرین می‌کنید تا برای اجرای برنامه آماده باشید.

prepare
آماده کردن

(prepares, prepared, preparing)

You can **prepare** scrambled eggs for our breakfast.

می‌توانی خاگینه را برای صبحانه آماده کنی.

present

1. A **present** is something you give someone for a special reason. I gave my friend a birthday **present**.
2. At **present**, all of the ducks are quacking.

۱- هدیه. هدیه چیزی است که به دلیل خاصی به فردی می‌دهید. به دوستم هدیه تولد دادم.

۲- در حال حاضر، حالا. در حال حاضر، همه اردک‌ها دارند کواک کواک می‌کنند.

president
رئیس جمهور

A **president** is an important person who others have picked to lead a country.

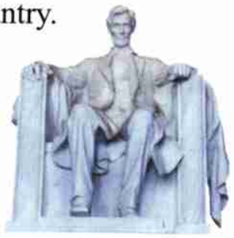

رئیس جمهور فرد مهمی است که دیگران او را برای هدایت یک کشور انتخاب کرده‌اند.

press
فشار دادن

(presses, pressed, pressing)

You **press** the letters on your computer keyboard.

شما برروی حروف صفحه کلید رایانه خود فشار وارد می‌کنید.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

pretend — وانمود کردن

(pretends, pretended, pretending)

If you **pretend**, you act as if something that is not true is real. I am **pretending** to be a scary monster.

اگر وانمود کنید، طوری عمل می‌کنید که چیزی که حقیقت ندارد، واقعی به نظر برسد. وانمود می‌کنم که هیولای ترسناکی هستم.

pretty — زیبا

(prettier, prettiest)

The rainbow is very **pretty**.

رنگین کمان بسیار زیبا است.

pretzel — چوب شور، بیسکویت شور

A **pretzel** is a snack food baked in different shapes like sticks or knots. **Pretzels** are crunchy and salty.

چوب شور، غذای سبکی است که به شکل‌های متفاوت مانند چوب یا گره، پخته می‌شود. چوب شورها ترد و نمکی هستند.

price — قیمت

The **price** is how much money something costs. The **price** of the coat is on the tag.

قیمت مقدار پولی است که چیزی می‌ارزد.
قیمت کت بر روی برچسب می‌باشد.

prince — شاهزاده

A **prince** is the son of the king or queen. A prince lives in a palace.

شاهزاده پسر شاه یا ملکه است. شاهزاده در قصر زندگی می‌کند.

princess — شاهزاده خانم

(princesses)

A **princess** is the daughter of the king or queen. A **princess** lives in a palace.

شاهزاده خانم دختر شاه یا ملکه است. شاهزاده خانم در قصر زندگی می‌کند.

print — چاپ کردن

(prints, printed, printing)

When people **print** words and pictures, they put them on paper with a pencil, a pen, or a machine.

هنگامی که مردم کلمات و تصاویر را چاپ می‌کنند، با کمک مداد، خودکار یا دستگاهی آن‌ها را بر روی کاغذ منتقل می‌کنند.

printer — چاپگر

A **printer** is a machine that makes marks on paper. A computer tells the **printer** what kinds of marks to make.

چاپگر دستگاهی است که روی کاغذ علامت می‌گذارد. رایانه به چاپگر می‌گوید که چه نوع علامتی را روی کاغذ ایجاد کند.

prize — جایزه

A **prize** is something you win when you do well.
A **prize** might be a ribbon, a trophy, or money.

جایزه چیزی است که هنگام انجام کاری با موفقیت به دست‌می‌آورید.
جایزه ممکن است یک روبان، نشان افتخار یا پول باشد.

problem

1. It is a **problem** for me to put this puzzle tagether.
2. It is a **problem** when the children don't listen to the teacher.

۱- سخت، دشوار. کنار هم گذاشتن این جورچین برایم دشوار است.
۲- مشکل، گرفتاری. هنگامی که بچه‌ها به حرف‌های معلم گوش نمی‌دهند، معضلی وجود دارد.

promise

(promises, promised, promising)

If you **promise**, you say that you will really do something.
I **promise** to take my little brother to the playground.

قول دادن. اگر قول دهید، می‌گویید که چیزی را حتماً انجام می‌دهید.
قول می‌دهم که برادر کوچکم را به زمین بازی ببرم.

puck گوی

A **puck** is a hard, round rubber disc used to play ice hockey. Players hit the **puck** with long sticks, and it slides across the ice.

گوی نوعی صفحه محکم گرد و پلاستیکی است که در بازی هاکی روی یخ استفاده می‌شود. بازیکنان با چوب بلندی به گوی ضربه می‌زنند و آن روی یخ سر می‌خورد.

pull کشیدن

(pulls, pulled, pulling)

When you move someone or something toward you, you **pull** it. You **pull** on the oar to row the boat.

هنگامی که چیزی یا شخصی را به طرف خود حرکت می‌دهید، آن را می‌کشید. شما پارو را می‌کشید تا قایق حرکت کند.

pump پمپ، تلمبه

A **pump** is a tool that gases and liquids pass through. A **pump** can put air into a flat bicycle tire.

تلمبه وسیله‌ای است که گاز و مایعات از میان آن می‌گذرند. تلمبه می تواند هوا را وارد لاستیک پنچر دوچرخه بکند.

pumpkin کدو تنبل

A **pumpkin** is a large, round orange fruit that you can cook and make into **pumpkin** pies. People carve faces in **pumpkins** for Halloween.

کدو تنبل میوه بزرگ گرد و نارنجی رنگی است که می‌توانید آن را بپزید و با آن کیک کدو تنبل درست کنید. مردم برای جشن هالووین روی‌کدو تنبل‌ها شکلک‌هایی را حک می‌کنند.

puppet عروسک خیمه شب بازی

A **puppet** is a doll you make move. Some **puppets** move when you put your hand inside them, while others move when you pull strings.

عروسک خیمه شب بازی عروسکی است که آن را به حرکت در می‌آورید. در بعضی ازعروسک های خیمه شب بازی، دست را داخل عروسک می‌کنید وآن را تکان می‌دهید، در حالی که بعضی دیگر را با نخ آنها حرکت می‌دهید.

puppy توله سگ

(puppies)

A **puppy** is a young dog. **Puppies** like to play and chew on things.

توله سگ، سگی است که تازه بدنیا آمده است. توله سگ‌ها دوست دارند که بازی کنند وچیزها را بجوند.

purple بنفش، زرشکی

When you mix red and blue, you make the color **purple**, A plum is **purple**.

هنگامی که قرمز و آبی را با هم مخلوط کنید رنگ بنفش بدست حاصل می‌شود. آلو بنفش است.

purpose هدف، مقصود

When you have a **purpose** for doing something, you have a plan. My **purpose** for getting out the paper, scissors, and paste is to make valentines.

هنگامی که برای انجام چیزی هدف داشته باشید، طرح و نقشه‌ای دارید. هدفم ازخرید کاغذ، قیچی و چسب درست کردن کارت والنتاین است.

purse کیف دستی (زنانه)

A **purse** is a bag with a handle or strap that people carry things in such as money and keys.

کیف دستی کیفی است که دسته یا بند دارد و مردم چیزهایی‌مانند پول و کلید را در آن حمل می‌کنند.

push فشار دادن، هل دادن

(pushes, pushed, pushing)

When you move someone or something away from you, you **push** it.

هنگامی که شخص یا چیزی را حرکت می‌دهید، اگر از شما دور شود، آن را هل داده‌اید.

put گذاشتن

(puts, put, putting)

I **put** my foot on the floor.

پایم را بر روی کف اتاق گذاشتم.

puzzle پازل، جورچین

A **puzzle** is a game, toy, or question that you have fun trying to figure out. How do I put this **puzzle** together?

پازل، بازی، اسباب بازی یا سوالی است که انجام دادن آن برایتان سرگرم کننده می باشد. چگونه این جورچین را بچینم؟

Q

quart
کوارت

A **quart** is a measure for liquids, such as milk. There are four **quarts** in a gallon.

کوارت واحد اندازه‌گیری برای مایعاتی نظیر شیر است. یک گالن معادل چهار کوارت می‌باشد. کوارت تقریباً معادل یک لیتر است.

quarter

1. You can have a **quarter** of the pizza.
2.One **quarter** is the same value as 25 pennies.

۱ - یک چهارم، ربع. می‌توانی یک چهارم از پیتزا را بخوری.
۲ - کوارتر. کوارتر سکه‌ای به ارزش ۲۵ پنی است.

queen
ملکه

A **queen** is a woman who rules a country. A **queen** is sometimes married to a king.

ملکه زنی است که بر کشوری حکومت می‌کند. ملکه گاهی همسر پادشاه است .

question
سؤال

You ask a **question** when you want to find out about something. My teacher had a good answer to my **question**.

هنگامی که بخواهید درباره چیزی بدانید، سوالی را می پرسید. معلمم به سؤال من پاسخ خوبی داد.

quick

(quicker, quickest)

1 . If someone moves fast, he is **quick** .2. **Quick** means something must be done in a short time.

۱ - سریع .اگر کسی به سرعت حرکت کند، سریع است.
۲ - فوری .فوری یعنی چیزی باید در مدت کوتاهی انجام شود.

quiet
ساکت

(quieter, quietest)

If someone is **quiet**, she doesn't make any noise. Be **quiet** in the library.

اگر کسی ساکت است، صدایی نمی کند.
در کتابخانه ساکت باش.

quilt
روتختی ، لحاف

A **quilt** is two pieces of cloth stuffed with soft material and sewn together. People sew pretty designs on **quilts** and use them for a warm bed cover.

روتختی دو لایه پارچه است که میان آنها لایه‌ای نرم قرار دارد و به یکدیگر دوخته شده‌اند. مردم طرح‌های زیبایی را روی آن می‌دوزند و از آن به عنوان پوششی گرم بر روی تخت استفاده می‌کنند.

quit
رها کردن، ترک کردن

(quits, quit, quitting)

If you **quit** something, you stop doing it. I **quit** playing soccer because I broke my foot when I fell.

اگرچیزی را رها کنید، دیگر آن را انجام نمی‌دهید. هنگامی که افتادم پایم شکست و به همین خاطر بازی فوتبال را ترک کردم.

quiz
آزمون کوتاه

(quizzes)

A **quiz** is a short test that asks questions to find out how much you know. My teacher gave me a **quiz** to see if I could spell animal names.

آزمون کوتاه، امتحان کوچکی است که سوالاتی را می پرسد تا مشخص شود تا چه اندازه درباره مطلب می دانید. معلمم از من آزمون کوتاهی گرفت، تا ببیند می‌توانم اسم حیوانات را هجی کنم.

R

rabbit خرگوش

A **rabbit** is a small, wild, furry animal with long ears. A rabbit moves by hopping. **Rabbits** like to eat carrots.

خرگوش حیوان پشمالودی کوچک و وحشی است
که گوش‌های درازی دارد.
خرگوش برای حرکت می‌جهد.
خرگوش‌ها دوست دارند هویج بخورند.

raccoon راکون

A **raccoon** is a furry animal with a long, ringed tail and a black fur mask around its eyes. A **raccoon** sleeps in the day and looks for food at night.

راکون حیوان پشمالودی با دم دراز حلقه‌حلقه است و ماسکی از موهای سیاه به دور چشم‌ها دارد. راکون در روز می‌خوابد و در شب به دنبال غذا می‌گردد.

race مسابقه

The man with blue shorts won the **race** around the block.

مردی که شلوارک آبی پوشیده است در مسابقه دور ساختمان برنده شد.

rack جا لباسی ، طاقچه

I can hang my hat on the **rack** .

جا لباسی. می‌توانم کلاهم را روی جا لباسی آویزان کنم.

radio رادیو

A **radio** is a machine that picks up waves in the air and turns them into sounds.

رادیو دستگاهی است که امواج را در هوا می‌گیرد و آن‌ها را به صدا تبدیل می‌کند.

radish تربچه

(radishes)
A **radish** is a spicy red-and-white vegetable that grows under the ground. You might eat **radishes** in a salad.

تربچه سبزی قرمز و سفیدی است که طعم تندی دارد و در زیر زمین رشد می‌کند. ممکن است تربچه را در سالاد بخورید.

railroad خط آهن

A **railroad** is a path made of metal bars for a train's wheels to follow. **Railroad** tracks go across bridges and mountains.

خط آهن مسیری است که با میله‌های فلزی مخصوص چرخ‌های قطار کشیده شده است تا قطار بر روی آن حرکت کند. خط آهن از روی پل‌ها و کوه‌ها می‌گذرد.

rain باران

Rain is small drops of water that fall to the ground from clouds in the sky.

باران قطره‌های کوچک آب است. که از ابرهای آسمان بر روی زمین می‌ریزد.

rainbow رنگین کمان

A **rainbow** is a curved band of colors you sometimes see in the sky when the sun shines after the rain.

رنگین کمان، نوار منحنی رنگارنگی است که بعضی اوقات هنگامی که بعد از باران آفتاب می‌درخشد، در آسمان می‌بینید.

raincoat بارانی

You wear a **raincoat** to keep yourself dry from the rain.

برای این که در باران خشک بمانید، بارانی می‌پوشید.

raisin کشمش
A **raisin** is a small dried grape.

کشمش انگور کوچک و خشک شده است.

rake شن کش، شانه
A **rake** is a tool with a long handle and big teeth that you use to collect leaves and grass outdoors.

شن کش، وسیله‌ای با دسته بلند و دندانه‌های بزرگ است که برای جمع کردن برگ‌ها و علف‌های محوطه بیرون از خانه استفاده می‌شود.

Ramadan ماه رمضان
Ramadan is the ninth month of the Islamic year. During **Ramadan**, people do not eat between dawn and sunset.

ماه رمضان نهمین ماه سال قمری است. در طی ماه رمضان، مردم بین طلوع خورشید و غروب آن چیزی نمی‌خورند.

raspberry تمشک
(raspberries)
A **raspberry** is a small, bumpy, black or red fruit with many tiny seeds. **Raspberries** grow on bushes.

تمشک میوه قرمز و سیاه کوچکی با سطح ناصاف است که درونش دانه‌های ریز زیادی وجود دارد. تمشک روی بوته رشد می‌کند.

rat موش خانگی، موش صحرایی
This animal that looks like a big mouse with a long, thin tail and very sharp teeth.

این حیوان شبیه موش بزرگی است که دم باریک، بلند و دندان‌های بسیار تیزی دارد.

rattle جغجغه
When you shake a **rattle**, the loose parts inside make sharp, short sounds. A **rattle** is a baby's toy.

هنگامی که جغجغه را تکان می‌دهید، قطعه آزاد داخل آن صدای تیز و کوتاهی را ایجاد می‌کند. جغجغه اسباب بازی نوزادان است.

rattlesnake مار زنگی
A **rattlesnake** is a very long animal that has scales and moves by wiggling. The **rattlesnake** warns people it might hurt them by making a rattling noise with its tail.

مار زنگی حیوانی با طول بسیار زیاد و دارای پولک است که با خزیدن حرکت می‌کند. مار زنگی با دم خود صدایی ایجاد می‌کند و به مردم اخطار می‌دهد که ممکن است به آن‌ها آسیب برساند.

raw خام
(rawer, rawest)
If a food is **raw**, it is not cooked . **Raw** carrots crunch when you eat them.

اگر غذایی خام باشد، پخته نشده است.
هویج خام هنگام خوردن خرت‌خرت صدا کند.

ray پرتو، اشعه، نور
A **ray** from the flashlight shines through the night.

نور چراق قوه در شب می‌درخشد.

reach
(reaches, reached, reaching)
When you **reach** for something, you put your hand out for it. You **reach** to pick the flower. 2. It will be time to swim when we **reach** the pond.

۱ - دسترسی یافتن، دست دراز کردن. برای دسترسی به چیزی دست خود را به طرف آن چیز دراز می‌کنید.
برای کندن گل دست خود را دراز می‌نمایید.
۲ - رسیدن. وقتی که به برکه برسیم وقت شنا است.

read خواندن
(reads, read, reading)
When you **read**, you look at words and know what they mean.

هنگام خواندن، به کلمات نگاه می‌کنید و می‌دانید که معنی آن‌ها چیست.

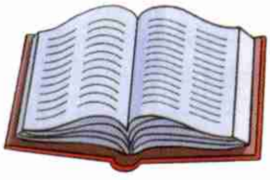

ready
آماده

(readier, readiest)

If you are **ready**, you are prepared to . do something right now. As soon as you are **ready**, we will go to the store.

اگر آماده باشید، همین حالا حاضر به انجام کاری هستید. به محض این که آماده شدی، به فروشگاه می‌رویم.

real
واقعی

If something is **real**, it is true. Is this a **real** story or a make-believe one?

اگر چیزی واقعی باشد، آن چیز حقیقت دارد. آیا این داستان واقعی یا تخیلی است؟

reason
دلیل

A **reason** explains why something happens, The **reason** you are wet is because you did not wear your raincoat in the rain.

دلیل توضیح می‌دهد که چرا چیزی اتفاق می‌افتد.
دلیل این که خیس شده‌ای این است که در باران بارانی خود را نپوشیدی.

rectangle
مستطیل

A **rectangle** is a shape with two long sides, two short sides, and four corners. A door is a **rectangle**.

مستطیل شکلی است که دو ضلع بلند، دوضلع کوتاه و چهار گوش دارد. در مستطیل شکل است.

red
رنگ قرمز

Fire engines and cherries are **red** things.

ماشین‌های آتش نشانی و گیلاس چیزهایی قرمز رنگ هستند.

referee
داور

A **referee** is a person who makes sure the players follow the rules at games such as football and basketball.

داور کسی است که اطمینان حاصل می‌کند بازیکنان از قوانین مسابقاتی مانند فوتبال و بسکتبال پیروی می‌کنند.

refrigerator
یخچال

A **refrigerator** is a machine that keeps food cold and fresh. The coldest part of the **refrigerator** is the freezer.

یخچال دستگاهی است که غذا را سرد و تازه نگه می‌دارد. سردترین قسمت یخچال فریزر آن است.

remember
به خاطر داشتن

(remembers, remembered, remembering)

If you **remember** something, you keep it in your mind. I **remembered** to get the cake out of the oven.

اگر چیزی را به خاطر داشته باشید، آن را در ذهن خود نگه داشته‌اید.
به خاطر داشتم که کیک را از فر بیرون بیاورم.

rent
اجاره دادن

(rents, rented, renting)

If you **rent** something, you pay someone money to use it for a while.My parents **rent** the house we live in.

اگر چیزی را اجاره کنید به شخصی پول می‌پردازید تا برای مدتی از آن چیز استفاده کنید. پدر و مادرم خانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم را اجاره کرده‌اند.

reply
پاسخ دادن، جواب دادن

(replies, replied, replying)

I am **replying** to your phone call.

در حال پاسخ به تماس تلفنی شما هستم.

report
گزارش

When you write or give a **report**, you tell all about something. I wrote a **report** for my teacher about growing seeds.

هنگام نوشتن یا دادن گزارش، درباره چیزی صحبت می‌کنید. گزارشی درباره دانه‌های در حال رشد برای معلم نوشتم.

reptile
خزنده

A **reptile** is an animal that has cold blood and skin with scales on it. **Reptiles**, such as snakes and turtles, lay eggs.

خزنده حیوانی خونسرد است که روی پوستش پولک دارد. خزندگانی مانند مار و لاک پشت تخم گذارند.

rescue
نجات دادن

(rescues, rescued, rescuing)

If you **rescue** somebody, you help them or save them from danger.The firefighter **rescued** the cat from the tree.

اگر افرادی را نجات دهید ، به آن‌ها کمک می‌کنید آنها را از خطری دور کرده‌اید . مامور آتش نشانی گربه را از بالای درخت نجات داد .

rest

(rests, rested, resting)

1. When you **rest**, you stop what you are doing because you are tired. After playing in the park, you need to **rest**. 2. I will give you the rest of the cake.

۱ - استراحت کردن . هنگام استراحت به علت خستگی ، کاری را که در حال انجام آن بودید متوقف می‌کنید . بعد از بازی در پارک ، نیاز به استراحت دارید .

۲ - باقی مانده . بقیه کیک را به شما خواهم داد .

return
پس دادن

(returns, returned, returning)

When you **return** something, you give it back. I am **returning** your hockey puck because I'm finished playing.

هنگام پس دادن چیزی ، آن را (به کسی) برمی‌گردانید .

گوی هاکی تو را برمی‌گردانم زیرا بازیم تمام شده است .

ribbon
روبان

A **ribbon** is a long, thin piece of colored cloth or paper used to decorate gifts or someone's hair. Ribbons are also sometimes given out for a prize. If someone wins first place, they get a blue **ribbon**.

روبان قطعه‌ای پارچه یا کاغذ رنگی بلند و باریک است که برای تزئین کادو یا بستن موی شخصی به کار می‌رود.روبان همچنین به عنوان جایزه به کسی داده می‌شود . اگر کسی نفر اول شود ، روبان آبی می‌گیرد .

rice
برنج

Rice is a small white or brown seed that gets soft when you cook it for food. **Rice** grows in wet land in hot countries.

برنج دانه سفید یا قهوه‌ای رنگی است که هنگام پختن غذا نرم می‌شود .

برنج در زمین مرطوب و در کشورهای گرمسیری رشد می‌کند .

rich
ثروتمند

(richer, richest)

If someone is **rich**, that person has a lot of money or things, like jewelry. The **rich** man owns five cars.

اگر کسی ثروتمند باشد ، آن شخص یک عالمه پول یا چیزهایی مانند جواهر دارد . آن مرد ثروتمند پنج تا ماشین دارد .

riddle
معما ، چیستان

A **riddle** is a puzzling question that has a funny answer. A **riddle**: What is black and white and read all over? (A newspaper!)

چیستان سؤالی است که پاسخ جالبی دارد . یک معما : آن چیست که سیاه و سفید است و همه‌جا خوانده می‌شود؟ (روزنامه!)

ride
سوار شدن

(rides, rode, ridden, riding)

People may **ride** bikes, horses, buses, or other moving things.

مردم ممکن است سوار دوچرخه ،اسب ، اتوبوس یا وسایل نقلیه دیگری بشوند .

right

1. If something is **right**, it is not wrong. All the answers on my quiz were **right**.
2. Right is the opposite of left. I roll the bowling ball with my **right** hand.

۱ - درست ، صحیح . اگر چیزی درست باشد ، غلط نیست . تمام پاسخ‌های امتحانم درست بودند .

۲ - سمت راست . راست متضاد چپ است . توپ بولینگ را با دست راستم به حرکت درآوردم .

ring

(rings, rang, rung, ringing)

1. **rings**. 2.A **ring** is a piece of pretty jewelry you wear on your finger. 3. A **ring** is a circle shape with an empty center. The children held hands and made a **ring** to play the game.

۱ - زنگ زدن.
۲ - حلقه. حلقه قطعه زیبایی از جواهر است که آن را به انگشت خود می‌اندازید.
۳ - دایره. دایره شکل گردی است که وسط آن خالی است. بچه‌ها دست‌هایشان را به هم دادند و دایره‌ای ساختند تا بازی کنند.

rip — پاره کردن

(rips, ripped, ripping)

I **ripped** open the envelope to pull out the letter.

پاکت را پاره کردم تا نامه را بیرون بیاورم.

rise — بلند شدن، طلوع کردن

(rises, rose, risen, rising)

The sun **rises** every morning.

خورشید هر روز صبح طلوع می‌کند.

river — رودخانه

A **river** is a long, wide bit of water with land on both sides. A **river** flows to the sea.

رودخانه گستره طولانی و عریضی از آب است که در دو طرف آن خشکی قرار دارد. رودخانه به دریا می‌ریزد.

road — جاده

A **road** is a wide path that cars, buses, and trucks use to travel between places. Most **roads** are hard and smooth.

جاده مسیر پهنی است که ماشین‌ها، اتوبوس‌ها و کامیون‌ها برای رفت و آمد بین مکان‌ها از آن استفاده می‌کنند. اکثر جاده‌ها محکم و صاف هستند.

roar — غرش کردن، صدای بسیار بلند

(roars, roared, roaring)

The lion **roared** when it was angry. We could not hear the pilot over the **roar** of the airplane.

شیر هنگام عصبانیت غرید. به دلیل غرش (موتور هواپیما) نتوانستیم صدای خلبان را بشنویم.

rob — دزدیدن

(robs, robbed, robbing)

If people **rob** someone, he takes things that do not belong to him. The people who **robbed** the bank took a lot of money.

اگر کسی از فردی دزدی کند، چیزی را که متعلق به او نیست را برمی‌دارد. کسانی که از بانک سرقت کردند، پول زیادی را برداشتند.

robin — سینه سرخ

A **robin** is a songbird with red feathers on its breast.

سینه سرخ پرنده آوازه‌خوانی است که پرهای قرمزی بر روی سینه‌اش دارد.

robot — ربات، آدم آهنی

A **robot** is a machine that does some work that people do. Computerized **robots** can build cars in factories.

ربات، آدم آهنی. ربات دستگاهی است که بعضی از کارهایی را که مردم انجام می‌دهند، انجام می‌دهد. ربات‌های رایانه‌ای می‌توانند در کارخانه‌ها اتومبیل بسازند.

rock

(rocks, rocked, rocking)

1. When you **rock** something, you move it back and forth or side to side. Mommy **rocks** the baby in the **rocking** chair. 2. A **rock** is a hard stone that comes from the earth. **Rock** rises from the earth as mountains.

۱ - تکان دادن. هنگام تکان دادن چیزی آن را به عقب و جلو یا از این طرف به آن طرف حرکت می‌دهید. مامان نوزاد را در صندلی گهواره‌ای تکان می‌دهد.
۲ - صخره. صخره سنگ سختی است که از زمین برآمده است. صخره مانند کوه از زمین بیرون می‌آید.

rocket موشک
A **rocket** is a tubelike machine that flies very fast and very high. Burning gasses inside the **rocket** make it shoot into space.

موشک دستگاه لوله‌ای شکلی است که بسیار سریع و در ارتفاع بسیار بالا پرواز می‌کند. گازهای سوزان درون موشک باعث پرتاب آن در فضا می‌شوند.

rockingchair صندلی گهواره‌ای، گهواره
A **rocking chair** is a seat with two curved rockers on the bottom that help it move back and forth. Babies like to be rocked to sleep in a **rocking chair**.

صندلی گهواره‌ای نوعی صندلی است که دو چوب منحنی شکلی در انتهای خود دارد که به حرکت صندلی به عقب و جلو کمک می‌کنند. نوزادان دوست دارند که در گهواره تکان داده شوند و بخوابند.

roll
(rolls, rolled, rolling)

1. When something round, like a ball, **rolls**, it moves by turning over and over. 2. A **roll** is a little round piece of baked bread. People make sandwiches with **rolls**.

۱ - چرخیدن . اگر جسم گردی، مانند یک توپ بچرخد، آن با چرخش مکرر حرکت می‌کند.

۲ - نان گرد. نان گرد قطعه نان پخته شده کوچک و گردی است. مردم با آن ساندویچ درست می‌کنند.

roof سقف
A **roof** is the flat part of a building that covers it to keep out the rain. Cars and trucks also have a flat **roof** on the top.

سقف قسمت صاف بالای ساختمان است که آن را می‌پوشاند وجلوی ریزش باران را به داخل می‌گیرد. ماشین‌ها و کامیون‌ها نیز سقف صافی بر بالای خود دارند.

room
1. A **room** is a space with walls around it inside a building.A kitchen is a room.2. Is there **room** for me in the bed?

۱ - اتاق. اتاق فضایی در داخل ساختمان است که با دیوار احاطه شده است. آشپزخانه یک اتاق است.

۲ - جا. در تختخواب جایی برای من هست؟

rooster خروس

A **rooster**, a male chicken with a fancy tail, lives on a farm. A **rooster** makes a noisy cock-a-doodle-do

خروس جوجه نری است که دم پرنقش و نگاری دارد و در مزرعه زندگی می‌کند. خروس صدای قوقولی قوقوی بلندی دارد.

rope طناب
A **rope** is a thick, strong set of strings twisted together. You can use **rope** to lift, pull, or tie things.

یک طناب مجموعه بندهای بافته شده ضخیم و محکمی است. می‌توانید از طناب برای بالا بردن، کشیدن یا بستن اجسام استفاده‌کنید.

rose گل رُز
A **rose** is a sweet-smelling, beautiful flower with thorns on its stem. **Roses** grow on bushes.

گل رُزگل زیبا و خوش بویی است که بر روی ساقه خود تیغ دارد. رُزها در بوته رشد می‌کنند.

rough زبر، ناصاف
(rougher, roughest)

Sandpaper is **rough**.

کاغذ سنباده زبر است.

round گرد
(rounder, roundest)

Something that is **round** has the same shape as a circle or a ball.

چیزی که گرد است شکلی مانند دایره یا توپ را دارد.

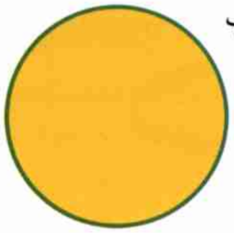

row

(rows, rowed, rowing)

1 . When you **row** a boat, you move it through the water with oars 2. The girl put her teddy bears in a **row**.

۱ - پارو زدن. هنگام پارو زدن با کمک پارو قایق را درمیان آب به حرکت درمی‌آورید.

۲ - ردیف. آن دختر عروسک‌های خرسی‌اش را در یک ردیف چید.

rowboat قایق پارویی

A **rowboat** is something that people sit in to ride through the water. They use two oars to move the **rowboat** along.

قایق پارویی چیزی است که مردم در آن می‌نشینند و در میان آب سواری می‌کنند. آنها با استفاده از دو پارو قایق را به حرکت درمی‌آورند.

rub مالیدن، سائیدن

(rubs, rubbed, rubbing)

When you **rub** a thing, you move your hand back and forth across it. When you **rub** your kitty, it purrs.

هنگام مالیدن چیزی، دست‌های خود را عقب و جلو بر روی آن حرکت می‌دهید. هنگامی که بچه گربه خود را نوازش می‌کنید خُرخُر می‌کند.

rubber لاستیک، لاستیکی

Rubber is a material that stretches and bounces.

لاستیک ماده‌ای است که می‌تواند کشیده شود وبه حالت خود برگردد.

rubber band نوار لاستیکی، نوار کش

A **rubber band** is a long circle of stretchy rubber that can slide over things to hold them in place.

نوار لاستیکی لاستیک دایره‌ای شکل بلندی است که کش می‌آید و می‌تواند دور اجسام بسته شود و آنها را در جای خود نگه دارد.

rug قالی

A **rug** is a strong, sturdy cloth used to cover a floor.

قالی پوشش محکم ومستحکمی می‌باشد که کف اتاق را می پوشاند.

rule

(rules, ruled, ruling)

1.If someone **rules** a country, they control the people who live there. 2. A **rule** lets you know what you can do. A classroom **rule** says to throw away your juice cups after snack time.

۱ - حکومت کردن. اگر کسی در کشوری حکومت کند، مردمی که در آن کشور زندگی می‌کنند را کنترل و نظارت می‌نماید.

۲ - قانون. قانون به شما می‌گوید که چه کاری را می‌توانید انجام دهید. قانون کلاس می‌گوید که فنجان‌های آب میوه خود را بعد از زنگ تفریح کنار بگذارید.

ruler

1. A **ruler** is a tool that helps you measure how long something is or draw a straight line. 2. A **ruler** is a person who is the leader of the country.

۱ - خط کش. خط کش وسیله‌ای است که با آن کمک می‌توانید طول چیزی را اندازه بگیرید یا خط راستی را ترسیم کنید.

۲ - حاکم. حاکم شخصی است که رهبر کشوری می‌باشد.

run دویدن

(runs, ran, running)

When you **run**, you move your legs very quickly. If you **run**, you go faster than walking.

هنگام دویدن، پای خود را بسیار سریع حرکت می‌دهید. اگر بدوید، سریع‌تر از راه رفتن حرکت می‌کنید.

S

sad
غمگین ، ناراحت
(sadder, saddest)

If you are **sad**, you feel unhappy. You are **sad** that you broke your arm.

اگر غمگین هستید ، احساس خوشحالی نمی کنید. از این که بازویتان شکسته شده ناراحت و غمگین هستید.

safe
امن ، در امان
(safer, safest)

If you are **safe**, nothing can hurt you, and you are not in danger. I am **safe** in the water wearing my life jacket.

اگر در امان باشید ،چیزی نمی‌تواند به شما صدمه برساند و از خطر دورید. با پوشیدن جلیقه نجات در آب امنیت دارم.

sailor
ملوان
A **sailor** is someone who works on a ship. **Sailors** keep ships clean and running smoothly.

ملوان شخصی است که درکشتی کار می‌کند. ملوان‌ها کشتی را تمیز نگه می‌دارند و آن را به آرامی حرکت می‌دهند.

salad
سالاد
A **salad** is a cold mixture of fruits, vegetables, or meats.

سالاد مخلوط سردی از میوه‌جات ، سبزیجات یا گوشت است.

salt
نمک
Salt is a white powder people put on food for flavor. Pretzels have **salt** on them.

نمک پودر سفیدی است که مردم برای طعم دادن به غذا استفاده می‌کنند. روی چوب شور نمک وجود دارد.

same
یکسان ، ، همانند
If two things are the **same**, they are just like each other.The girl's I hair ribbons are blue and look the **same**.

اگر دو چیز یکسان باشند ، درست شبیه یکدیگرند. روبان‌های سر دخترها آبی هستند و مثل هم به نظر می‌رسند.

sandwich
ساندویچ
(sandwiches)

A **sandwich** is two slices of bread with food, such as meat, cheese, and vegetables, in between.

ساندویچ دو تکه‌ای از نان است که بین آن‌ها غذا مانند گوشت ، پنیر و سبزیجات قرار می‌گیرد.

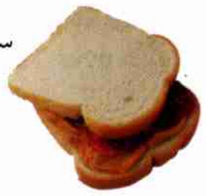

Santa Claus
بابا نوئل
Santa Claus is a jolly old man who leaves gifts for children on Christmas Eve.
Santa Claus dresses in a red suit and rides in a sleigh pulled by flying reindeer

بابا نوئل مرد پیر مهربان و خوش‌رویی است که هنگام شب کریسمس برای بچه‌ها هدیه می‌آورد. بابانوئل لباس قرمزی می‌پوشد و سوار کالسکه‌ای می‌شود که گوزن‌های پرنده می‌کشند.

Saturday
شنبه
Saturday is the seventh day of the week. You do not go to school on **Saturday**, a weekend day.

شنبه هفتمین روز هفته تقویم میلادی می‌باشد. شنبه آخر هفته است و مدرسه نمی روید.

Saturn
سیاره کیوان، زحل

Saturn is a planet in the solar system that is larger than Earth. **Saturn** has rings around it.

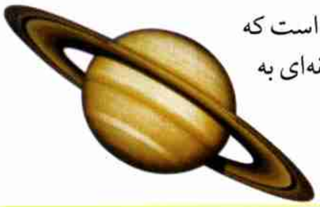

کیوان سیاره‌ای در منظومه شمسی است که از زمین بزرگتر می‌باشد. زحل حلقه‌ای به دور خود دارد.

sausage
سوسیس

Sausage is spicy chopped meat stuffed into a long skin and then cooked.

سوسیس گوشت چرخ شده ادویه داری است که در پوششی باریک و بلند قرار می‌گیرد و سپس پخته می‌شود.

save
(saves, saved, saving)

1. If you **save** money or anything else, you keep it some place to use later on. I'm **saving** pennies in my piggy bank. 2. If you **save** someone, you rescue her from danger. The firefighter **saved** the kitten that was stuck in the tree.

۱- پس انداز کردن، ذخیره کردن. اگر پول یا هر چیز دیگری را پس انداز کنید، آن را جایی نگه می‌دارید که بعداً از آن استفاده نمایید. سکه‌های پنی خود را در قلکم پس انداز می‌کنم.

۲- نجات دادن. اگر کسی را نجات دهید، او را از خطر دور کرده‌اید. مامور آتش نشانی بچه گربه‌ای را که در میان درخت گیر کرده بود، نجات داد.

saxophone
ساکسوفون

A **saxophone** is a musical instrument that sounds like a horn. You blow into a **saxophone** and press the keys to change the sounds.

ساکسوفون نوعی وسیله موسیقی است که صدایش مانند شیپور است. با دمیدن در ساکسوفون و فشار بر روی کلیدهای آن صداها را تغییر می‌دهید.

say
گفتن

(says, said, saying)

The girl **says** she likes cheese.

آن دختر می‌گوید که از پنیر خوشش می‌آید.

scare
ترسیدن

(scares, scared, scaring)

The thunder and lightning **scared** the dog.

غرش آسمان و رعد و برق سگ را ترساند.

scarecrow
مترسک

A **scarecrow** looks like a huge doll dressed in old clothes. Stuffed with straw, a **scarecrow** frightens birds away from a farmer's field.

مترسک شبیه عروسک بزرگی است که به آن لباس‌های کهنه پوشانده‌اند. مترسک که از کاه پر شده است پرندگان را می‌ترساند و آنها را از مزارع کشاورزان دور می‌کند.

scarf
شال، روسری

(scarves)

A **scarf** is a long piece of material you wear around your head or neck to keep warm.

شال قطعه پارچه بلندی است که دور سر یا گردن خود می‌پیچید تا شما را گرم نگه می‌دارد.

school
مدرسه

School is a place where people go to learn. In **school**, the teacher helps children learn to read and write.

مدرسه جایی است که بچه‌ها برای یادگیری می‌روند. در مدرسه، معلم به بچه‌ها کمک می‌کند خواندن و نوشتن بیاموزند.

science
علم

Science is the study of things like animals, plants, and the planets.

علم مطالعه چیزهایی نظیر حیوانات، گیاهان و سیاره‌ها است.

scientist دانشمند

A **scientist** is a person who studies about the world and how it works. A **scientist** might study about one thing, such as the stars.

دانشمند فردی است که درباره دنیا و چگونگی کار آن تحقیق می کند. دانشمند ممکن است درباره چیزی مانند ستارگان مطالعه نماید.

scissors قیچی

A pair of **scissors** is a cutting tool with two sharp, pointed parts joined together. **Scissors** can cut cloth or paper.

قیچی وسیله‌ای برای بریدن است و دو تیغه نوک تیز دارد که به یکدیگر متصل شده اند. قیچی می‌تواند پارچه یا کاغذ را ببرد.

score امتیاز، نمره، نتیجه

When you play a game, the **score** tells how many points each team has'. The **score** of the baseball game is 7-5.

هنگام بازی، نتیجه می گوید که هر تیم چه امتیازی بدست آورده است. نتیجه این بازی بیسبال ۷ به ۵ است.

scream جیغ کشیدن

(screams, screamed, screaming)

If you **scream**, you yell.

هنگام جیغ زدن، فریاد می‌کشید.

screen

1 . A **screen** is a big, flat area where you see a TV or a movie picture. 2. A **screen** looks like a metal or plastic net with tiny holes to fit over a window or door. A **screen** keeps the bugs out.

۱ - صفحه. صفحه فضای صاف و بزرگی است که در تلویزیون یا سینما می بینید.

۲ -توری. توری شبیه شبکه‌ای فلزی یا پلاستیکی است که سوراخ‌های ریزی دارد و بر روی پنجره یا در نصب می‌شود. توری حشرات را بیرون از خانه نگه می‌دارد.

sea دریا

A **sea** is a large body of salty water.

دریا از مقدار بسیار زیادی آب شور تشکیل شده است.

sea horse اسب دریایی

A **sea horse** is a small ocean fish that swims by waving a fin on its back. The top part of the **sea horse** looks like a horse, while the bottom part has a curly tail.

اسب دریایی نوعی ماهی کوچک اقیانوسی است که با حرکت دادن باله‌ای بر روی پشتش حرکت می‌نماید. بالاتنه اسب دریایی مانند اسب و قسمت پایین آن دمی خمیده دارد.

seal

(seals, sealed, sealing)

1. I am sealing this letter shut. 2. A **seal** is an ocean animal with thick, smooth fur and webbed feet to help it swim.

۱ - بستن، مهر کردن. در حال بستن این نامه می‌باشم.

۲ - خوک آبی. خوک آبی حیوانی است که در اقیانوس زندگی می‌کند و موی پرپشت و نرم و پاهای پرده‌داری دارد که به شنا کمک می‌کنند.

search جستجو کردن، گشتن

(searches, searched, searching)

I am **searching** for my lost ring.

به دنبال حلقه گم شده‌ام می‌گردم.

seat صندلی

A **seat** is a place where you can sit. Two children sit together on the **seat** on the school bus.

صندلی جایی است که‌می توانید روی آن بنشینید. دو بچه کنار هم روی صندلی اتوبوس مدرسه می‌نشینند.

second

1 . A **second** is a very tiny amount of time. There are 60 seconds in a minute.2. You came in **Second** in the race.

۱ - ثانیه. ثانیه مقدار بسیار کمی از زمان است. در یک دقیقه ۶۰ ثانیه وجود دارد.

۲ - دومین. شما در مسابقه دوم شدید.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

secret راز

A **secret** is something that only a few people know about I can't tell you about the surprise because it is a **secret**.

راز چیزی است که افراد کمی درباره آن می دانند.
نمی‌توانم درباره آن موضوعی که قرار است غافلگیرکننده باشد، چیزی بگویم زیرا که یک راز است.

see دیدن

(sees, saw, seen, seeing)

Did you **see** the pretty flower?

آیا آن گل زیبا را دیدی؟

seed دانه

A **seed** is a little part of a plant that grows into a new plant if you put it in the ground. Most **seeds** have a hard shell to keep the tiny new plant inside safe. You can eat some **seeds**, like pumpkin **seeds**.

دانه بخش کوچکی از گیاه است که اگرآن را داخل خاک بگذاریم تبدیل به گیاه تازه‌ای می‌شود. اکثر دانه‌ها پوسته سختی دارند که گیاه تازه و کوچک را درون خود سالم نگه می‌دارد. می‌توانید بعضی از دانه‌ها مانند دانه کدو را بخورید.

seem به نظر رسیدن

(seems, seemed, seeming)

When you take a bath, it **seems** like you are swimming.

هنگام حمام کردن، به نظرمی‌رسد که شنا می‌کنید.

seesaw الاکلنگ

A **seesaw** is a big playground toy with a long, flat board. People sit on each end of the **seesaw** to move it up and down.

الاکلنگ وسیله‌بازی بزرگی در زمین بازی است که تخته صاف بلندی دارد. بچه‌ها بر روی دو انتهای الاکلنگ می‌نشینند و آن را به بالا و پایین حرکت می‌دهند.

sell فروختن

(sells, sold, selling)

If someone **sells** you something, he gives it to you when you pay him money.

اگر کسی به شما چیزی بفروشد، هنگامی که پول به او پرداخت کنید، آن را به شما می‌دهد.

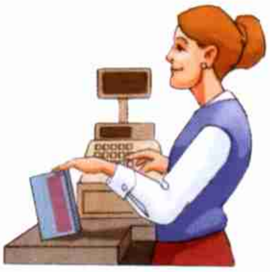

send فرستادن

(sends, sent, sending)

When you **send** something somewhere. you make it go to that place. When the player hit the ball, he **sent** the ball out of the park.

هنگامی که چیزی را به جایی می‌فرستید، موجب می‌شوید که به آن مکان برود. هنگامی که بازیکن ضربه به توپ زد، توپ را به خارج از پارک فرستاد.

sentence جمله

A **sentence** is a group of words that make a complete thought. A written **sentence** starts with a capital letter and usually ends with a period.

جمله گروهی از کلمات است که با یکدیگر معنی کاملی را می‌سازند. هنگام نگارش جمله با حرف بزرگ شروع می شود و معمولاً با نقطه به پایان می‌رسد.

September ماه سپتامبر

September is a month of the year in the fall Labor Day is a holiday in **September**.

سپتامبر ماهی از سال است که در پاییز واقع شده است. تعطیلی روز کارگر در ماه سپتامبر است.

service

1. Police officers perform a **service** to the neighborhood.
2. Sunday, some people go to a church **service**.

۱- خدمات. افسران پلیس به افرادی که در این محله زندگی می‌کنند خدمات می‌دهند.
۲- مراسم، دعا. در روز یکشنبه، بعضی از مردم برای مراسم دعا به کلیسا می‌روند.

seven هفت

7

Seven is a number) that is one more than six. 6+1=7

هفت عددی است که یکی از شش بیشتر است.

۶+۱ =۷

seventeen هفده

17

Seventeen is a number that is one 7 more than sixteen.16+1=17.

هفده عددی است که از شانزده یکی بیشتر است.

۱۶+۱ =۱۷

seventy هفتاد

70

Seventy is a number that is seven groups of 10.
10+10+10+10+10+10+10=70.

هفتاد هفت گروه ده تایی می‌باشد.

۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰ =۷۰

several چند. بیش از دو و کمتر از بسیار

We will stay at camp for **several** days.

در اردو چند روز خواهیم ماند.

shadow سایه

A **shadow**, or a shaded area, appears where light is blocked. When the sun shines on your face, your **shadow** is behind you.

سایه یا منطقه سایه دار جایی ظاهر می شود که جلوی نور گرفته شده باشد. هنگامی که خورشید بر روی صورتتان می‌تابد، سایه شما پشت سرتان قرار دارد.

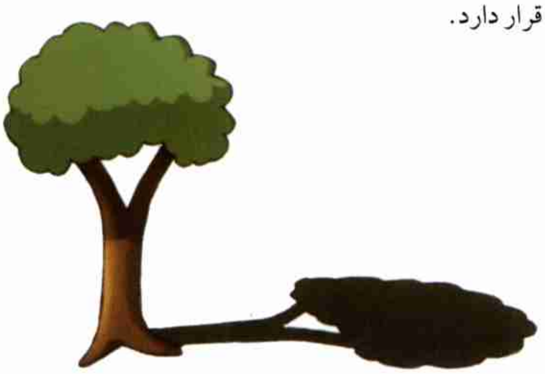

shake تکان دادن

(shakes, shook, shaken, shaking)

When you **shake** something, you move it up and down or side to side.

هنگام تکان دادن چیزی، آن را به بالا و پایین و به این طرف و آن طرف حرکت می‌دهید.

shampoo شامپو

Shampoo is a kind of soap you use to wash your hair. When you rub **Shampoo** in your hair, it makes bubbles.

شامپو نوعی صابون است که شما برای شستشوی موی سر خود استفاده می‌شود. هنگامی که شامپو را بر روی سر خود می‌مالید، حباب ایجاد می‌کند.

shape شکل

Circles, squares, and triangles are some kinds of **shapes**.

دایره، مربع و مثلث برخی از انواع شکل‌ها هستند.

share شریک بودن، قسمت کردن

(shares, shared, sharing)

If you let someone have a part of something or use something with you, you are sharing. I will **share** my toys with you.

اگر اجازه دهید شخص بخشی از چیزی را داشته باشد یا چیزی را با شما استفاده کند، شما با او شریک هستید. اسباب بازی‌هایم را با تو شریک می‌شوم و قسمت می‌کنم.

shark کوسه

A **shark** is a large gray ocean fish with a wide mouth filled with sharp teeth. **Sharks** attack other fish.

کوسه ماهی بزرگ و خاکستری رنگی در اقیانوس است که دهان بزرگ ودندان‌های تیزی دارد. کوسه‌ها به ماهی‌های دیگر حمله می‌کنند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

sharp تیز

(sharper, sharpest)

If something is **sharp**, it has an edge or a point that is good for cutting. A knife and scissors are tools that are **sharp**.

اگر چیزی تیز باشد، لبه یا نوکی دارد که برای بریدن مناسب می‌باشد. چاقو و قیچی از وسایلی هستند که تیز می‌باشند.

she او (مونث)

She means a girl or a woman. **She** is wearing a dress.

او به معنای یک دختر یا یک زن می‌باشد. او پیراهن دخترانه‌ای پوشیده است.

sheep گوسفند

(sheep)

A **sheep** is a farm animal with thick wool or hair. **Sheep** make a baaa, baaa sound.

گوسفند حیوان مزرعه است که مو یا پشم ضخیم و پرپشتی دارد. گوسفندها بع‌بع می‌کنند.

sheet

1. A **sheet** is a big piece of cloth that you put on a bed. 2. A **sheet** is a thin, flat piece of paper.

۱ - ملافه، ملحفه. ملافه قطعه پارچه بزرگی است که روی تختخواب می‌اندازند.

۲ - ورقه. ورقه قطعه کاغذی صاف و نازک است.

shelf قفسه

(shelves)

A **shelf** is a long, flat piece of wood nailed to the wall to hold things. You can put books on the **shelf** in your bedroom.

قفسه قطعه چوب صاف و بلندی است که با میخ به دیوار متصل می‌شود تا اجسام را روی خود نگه دارد. می‌توانید روی قفسه اتاق خوابتان کتاب بگذارید.

shell پوسته، صدف

A **shell** is a hard cover that protects the soft things inside of it. Eggs and nuts have **shells**.

پوسته پوشش سختی است که از اجسام نرمی که داخل آن می‌باشد محافظت می‌نماید. تخم‌مرغ و میوه‌های مغزدار پوسته دارند.

ship کشتی

A **ship** is a very large boat that carries people and loads of things over the ocean, huge lakes, and big rivers.

کشتی قایق بسیار بزرگی است که مردم و بارها را با خود در اقیانوس، دریاچه‌های عظیم و رودخانه‌های بزرگ حمل می‌نماید.

shirt پیراهن

A **shirt** is something you wear on the top part of your body. Most **shirts** have sleeves to cover your arms and buttons down the front.

پیراهن چیزی است که بالا تنه شما را می‌پوشاند. اکثر پیراهن‌ها آستین دار هستند تا بازوهای شما را بپوشانند و در قسمت جلو دگمه دارند.

shoe کفش

A **shoe** is something you wear on your foot to keep it warm or protect it. You slide your foot in and buckle, zip, or tie a **shoe**.

کفش چیزی است که می‌پوشید تا از پای شما محافظت کند و آن را گرم نگه دارد. پا را در داخل کفش می‌کنید و آن را با سگک، زیپ یا بند می‌بندید.

shop

(shops, shopped, shopping)

1 . I shopped for new shoes. 2. **shop** is a place, like a store, where you buy things. I went to the candy **shop** to buy lollipops.

۱ - خرید کردن. کفش های جدیدی را خریداری کردم.

۲ - فروشگاه. فروشگاه مکانی مانند مغازه است که در آن چیزی را می‌خرید. به مغازه شیرینی فروشی رفتم تا آبنبات چوبی بخرم.

short

(shorter, shortest)

1. If something is **short**, it is not very long. The cat has a short tail.

۱ - کوتاه. اگر چیزی کوتاه باشد ، خیلی بلند نیست. گربه دم کوتاهی دارد.

۲ - قد کوتاه .

shortly
به زودی

We will leave **shortly** for the dentist's office.

به زودی به مطب دندانپزشک می‌رویم.

shorts
شلوارک

Shorts are pants that usually end above the knees. You wear **shorts** when the weather is warm.

شلوارک. شلواری است که قد آن معمولاً تا بالای زانو است. وقتی هوا گرم باشد، شلوارک می‌پوشید.

shoulder
شانه

Your **shoulder** is the highest part of your arm.

شانه شما بالاترین قسمت بازویتان است.

shout
فریاد زدن ، داد زدن

(shouts, shouted, shouting)

When you **shout**, you talk very loudly.

هنگام فریاد زدن بسیار بلند صحبت می‌کنید.

shovel
بیل

A **shovel** is a digging tool with a long handle on one end and a curved piece on the other end to pick up things. You use a **shovel** to dig a hole in the dirt.

بیل وسیله‌ای برای کندن است که دسته بلندی در یک طرف و قطعه منحنی شکلی در طرف دیگر برای برداشتن اجسام دارد. با استفاده از بیل گودالی در خاک ایجاد می‌کنیم.

show

(shows, showed, shown, showing)

1. If you **show** someone something, you let her see it. I am **showing** you my big toe. 2. When you explain how to do something to somebody, you **show** him. I will **show** you how to use the computer.

۱ - نشان دادن. اگر چیزی را به کسی نشان دهید، می‌گذارید آن شخص آن را ببیند. من به تو انگشت شست پایم را به تو نشان می‌دهم.

۲ - راهنمایی کردن. هنگامی که برای فردی توضیح دهید که چگونه کاری را انجام دهد او را راهنمایی کرده‌اید. به شما نشان خواهم داد که چطور از رایانه ، استفاده کنید.

shut
بستن

(shuts, shut, shutting)

I don't want the door open so I will **shut** it.

نمی‌خواهم در باز باشد ، بنابراین آن را می‌بندم.

shy
خجالتی

(shier, shiest)

The little boy sat by himself at the party because he was **shy**.

پسر کوچک در مهمانی تنها نشسته بود زیرا خجالتی بود.

sick مریض

(sicker, sickest)

When you are **sick**, you do not feel well. When the baby was **sick**, Daddy took her to the doctor.

هنگامی که مریض هستید، احساس خوبی ندارید.
هنگامی که نوزاد مریض بود، پدر او را به دکتر برد.

side

In games, the **sides** are teams playing againts each other In the football game, the blue **side** scored the points.

۱- کنار، پهلو، ضلع.
۲- حریف، رقیب. حریف یا رقیب‌ها تیم‌هایی هستند که مقابل یکدیگر بازی می‌کنند.
در بازی فوتبال حریف آبی امتیاز آورد.

sidewalk پیاده رو

A **sidewalk** is a paved path on the side of a road or going to someone's house. You can ride on the **sidewalk** with your scooter.

پیاده رو مسیر سنگ فرش شده‌ای است که در کنار جاده یا مسیر خانه فردی قرار دارد. می‌توانید در پیاده‌رو دوچرخه‌سواری کنید.

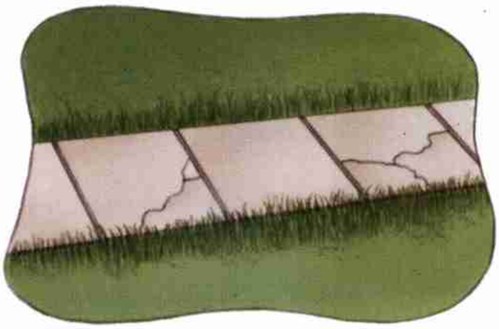

sight بینایی

You use the **sight** in your eyes to see or look at things. **Sight** is one of the five human senses.

شما از بینایی چشم خود برای دیدن یا نگاه کردن به اجسام استفاده می‌کنید. بینایی یکی از حواس پنجگانه انسان می‌باشد.

sign

(signs, signed, signing)

1 . When you **sign** something, you write your name on it. 2. A **sign** has pictures or words that tell you something. If you see a red **sign** with the letters STOP, you must stop your car. 3. The + **sign** means to add things together.

۱- امضاء کردن. هنگامی که چیزی را امضاء می‌کنید، نام خود را بر روی آن می‌نویسید.
۲- تابلو. تابلو تصویر یا نوشته‌ای دارد که به شما چیزی را می‌گوید. اگر تابلوی قرمزی را می‌بینید که بر روی آن ایست نوشته شده است باید ماشین خود را متوقف سازید.
۳- علامت. علامت + به معنای جمع کردن چیزها بایکدیگر است.

silly مسخره، احمقانه

(sillier, silliest)

Sometimes, when people don't think carefully about what they are doing, they can be **silly** by accident. Wearing your shoes on the wrong feet is **silly**.

بعضی اوقات، هنگامی که مردم با دقت درباره کاری که انجام می‌دهند به درستی فکر نمی‌کنند، به طور اتفاقی ممکن است مسخره یا احمقانه به نظر برسند. جابه‌جا پوشیدن کفش‌هایت در پا خنده‌دار و مسخره است.

silver نقره

Silver is a gray, shiny metal. Some coins and jewelry are made from **silver**.

نقره فلزی براق و خاکستری رنگ است. بعضی از سکه‌ها و جواهرات از نقره ساخته می‌شوند.

since از، از آن موقع

We have been waiting for you to come to the picnic **since** one o'clock.

از ساعت یک منتظر آمدن تو به پیک نیک بوده‌ایم.

sing آواز خواندن

(sings, sang, sung, singing)

When you **sing**, you use your voice to make music.

هنگام آواز خواندن، از صدای خود استفاده می‌کنید تا موسیقی ایجاد کنید.

sink
(sinks, sank, sunk, sinking)
1. A heavy rock sinks in the water. 2. A **sink** is a place where you wash things, like dishes or your hands.

۱- فرو رفتن. سنگ سنگین در آب فرو می‌رود.
۲- سینک ظرفشویی، سینک ظرفشویی مکانی است که چیزهایی مانند ظرف یا دستانتان را در آن می‌شویید.

sister — خواهر
My **sister** is a great artist.

خواهرم هنرمند بزرگی است.

sit — نشستن
(sits, sat, sitting)
The boy **sits** on the chair.

آن پسر بر روی صندلی می‌نشیند.

six — شش
Six is a number that is one more than five.
5+1=6.

شش عددی است که از پنج یکی بیشتر است.
۵+۱ =۶

6

sixteen — شانزده
Sixteen is a number that is one more than fifteen.
15+1=16.

شانزده عددی است از پانزده یکی بیشتر است.
۱۵+۱=۱۶

16

sixty — شصت
Sixty means six groups of ten.
10+10+10+10+10+10=60.

شصت شش گروه ده تایی است.
۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰+۱۰ =۶۰

60

size — اندازه، سایز
What **size** shoes do you wear?

چه سایزی کفشی را می‌پوشید؟

skate — اسکیت
A **skate** is a special kind of shoe. A roller **skate** has wheels that roll over flat surfaces, while an ice **skate** has a thin, sharp, metal blade that slides over ice.

اسکیت نوعی کفش خاص است. اسکیت چرخدار چرخهایی دارد که می‌تواند بر روی سطحی صاف حرکت کند، درحالی‌که اسکیت مخصوص یخ تیغه فلزی تیز و باریکی از فلز دارد که بر روی یخ سُر می‌خورد.

skateboard — تخته اسکیت
A **skateboard** is a low, flat board with wheels on the bottom. You ride a **skateboard** with one foot while pushing the other foot off the ground. Some **skateboard** riders can spin and jump with the board.

تخته اسکیت تخته صاف و کوتاهی است که زیر آن چرخ دارد. شما با یک پا روی تخته اسکیت سواری می کنید و با پای دیگر به زمین فشار می‌دهید. بعضی از افرادی که با تخته اسکیت سواری می کنند با تخته می توانند بچرخند و پرش کنند.

skeleton — استخوان بندی، اسکلت
A **skeleton** is the set of bones inside your body that connect together and give your body its shape. Your **skeleton** protects your soft insides.

استخوان بندی مجموعه استخوان‌های داخل بدنتان است که به یکدیگر متصل شده، شکل بدن را می‌سازد. اسکلت از اجزای نرم درون بدنتان محافظت می‌نماید.

skin
1. **Skin** is what covers the outside of your body.
2. You can peel the yellow **skin** of the banana.

۱- پوست بدن. پوست چیزی است که بیرون بدن شما را می‌پوشاند.
۲- پوست میوه‌ها و سبزیجات. می‌توانی پوست زرد موز را بکنی.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

skinny — باریک ، استخوانی

(skinnier, skinniest)

A green bean is a **skinny** vegetable.

لوبیا سبز گیاه باریکی است.

skirt — دامن

A **skirt** is a piece of clothing that girls and women wear.

دامن بخشی از لباس است که خانم‌ها و دختران می‌پوشند.

skull — جمجمه

Your **skull** is the round bone of your head that protects your brain.

جمجمه شما استخوان گرد سرتان است که از مغز محافظت می‌کند.

skunk — راسو

A **skunk** is a small wild animal with a long, black-and-white striped, furry tail. A frightened **skunk** squirts a bad-smelling spray.

راسو حیوانی کوچک و وحشی است که دمی بلند و پشمالو با راه‌راه‌های سیاه و سفیدی دارد. هنگامی که راسو از چیزی بترسد، ماده بد بویی را از خود خارج می‌نماید.

sky — آسمان

(skies)

The **sky** is the space above the ground where you see the clouds and sun during the day and the stars and moon at night.

آسمان فضای بالای زمین است که می‌توانید در آن ابرها و خورشید را هنگام روز و ماه وستاره‌ها را در هنگام شب ببینید.

sled — سورتمه

A **sled** is something you sit on to ride on the snow. **Sleds** have smooth bottoms or two thin metal blades that help them slide along.

سورتمه وسیله‌ای است که روی آن می‌نشینید و بر روی برف حرکت می‌کنید. سورتمه‌ها ته صاف یا دو تیغه نازک فلزی دارد که به سر خوردن آن‌ها بر روی برف کمک می‌کند.

sleep — خوابیدن

(sleeps, slept, sleeping)

When you **sleep**, you close your eyes and rest your whole body and mind. People usually **sleep** at night in a bed.

هنگامی که می‌خوابید چشم‌هایتان را می‌بندید و به بدن و ذهن خود استراحت می‌دهید. مردم معمولاً شب روی تخت می‌خوابند.

slide

(slides, slid, sliding)

1. When something **slides**, it moves along easily. You just slide along on the ice. 2. A **slide** is a long, smooth ramp that leans against a ladder on the playground. You climb the ladder, sit on the **slide**, then zip down it.

۱- سُر خوردن. هنگامی که چیزی سُر می‌خورد، به آسانی حرکت می‌نماید. تو درست الان بر روی یخ سُر می‌خوری.
۲- سرسره. سرسره شیب صاف و بلندی می‌باشد که به نردبانی روی زمین بازی تکیه دارد. شما از نردبان بالا می‌روید و بر روی سرسره می‌نشینید، سُر می‌خورید و پایین می‌آیید.

slow — آهسته

(slower, slowest)

If something is **slow**, it takes a long time to go someplace or do something. The tractor was very **slow** as it pulled a heavy load.

اگر چیزی آهسته باشد، زمانی طولانی طی می‌شود تا به جایی برود و یا کاری را انجام دهد. تراکتور به علت این که بار سنگینی را می‌کشید، بسیار آهسته حرکت می‌کرد.

small — کوچک

(smaller, smallest)

If somebody or something is **small**, it is not very big. A violet is a **small** plant.

اگر کسی یا چیزی کوچک باشد، خیلی بزرگ نیست.
بنفشه گیاه کوچکی است.

smart — باهوش

(smarter, smartest)

Someone who is **smart** uses her brain to know thing. A **smart** boy does not play with matches.

شخصی که باهوش است، از فکر خود برای دانستن چیزها استفاده می‌کند. پسر باهوش با کبریت بازی نمی‌کند.

smile

(smiles, smiled, smiling)

When you **smile**, the corners of your mouth turn up.

۱ - لبخند زدن. هنگام لبخند زدن گوشه‌های دهانتان بالا می‌رود.

smoke — دود

Smoke is a cloud of gray gas that rises from burning things, such as a campfire. You can see and smell **Smoke**.

دود ابری از گازهای خاکستری است که از چیزهایی در حال سوختن مانند آتشی که در فضای آزاد درست می‌کنیم، خارج می‌شود. شما می‌توانید دود را ببینید و بوی آن را استشمام کنید.

snack — میان وعده، غذای سبک

A **snack** is a little something you can eat quickly in between meals. A piece of fruit or crackers and cheese are healthy **snacks**.

میان وعده، غذای مختصری است که می‌توانید بین وعده‌های غذایی میل کنید. قطعه‌ای میوه یا بیسکویت و پنیر، میان وعده‌های خوراکی سالمی هستند.

snail — حلزون

A **snail** is a small animal with a hard shell on its back and no legs. A **snail** slides along very slowly.

حلزون حیوان کوچکی می‌باشد که پوسته سفت و محکمی بر روی پشت خود دارد و پا ندارد. حلزون به آهستگی حرکت می‌کند.

snake — مار

A **snake** is a long, thin reptile without legs. A **snake** wiggles along by sliding over the ground.

مار خزنده باریک و درازی است که پا ندارد. مار با خزیدن بر روی زمین حرکت می‌کند.

sneakers — کفش کتانی

Sneakers are cloth or leather shoes with rubber on the bottoms. People wear **sneakers** to play sports where they need to run fast.

کتانی کفشی پارچه‌ای یا چرمی است که کف لاستیکی دارند. مردم هنگام ورزش، زمانی که می‌خواهند سریع حرکت کنند و بدوند کتانی می‌پوشند.

snow — برف

Snow is water that has frozen into tiny pieces and falls from the sky. During very cold weather, white **snow** sometimes covers the ground. We made the **snow** into snowballs.

برف آبی است که به قطعات ریز یخ تبدیل شده است و از آسمان می‌بارد. در طی آب و هوای بسیار سرد، بعضی اوقات برف سفید زمین را می‌پوشاند. ما با برف گلوله‌های برفی ساختیم.

so — بسیار

This soda tastes **so** sweet.

این نوشابه گازدار بسیار شیرین است.

soap — صابون

Soap is something you use with water to wash and clean things, like dishes or your hands. **Soap** comes in bars, liquids, or powders.

صابون ماده‌ای است که با آب برای شستن و تمیز کردن چیزهایی مانند ظرف و دستتان استفاده می‌کنید. صابون به صورت قالبی، مایع یا پودر می‌باشد.

soccer — فوتبال

Soccer is a game where two teams try to kick a ball into a big net.

فوتبال نوعی بازی است که در آن دو تیم سعی دارند توپی را وارد تور بزرگی کنند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

sock — جوراب

A **sock** is something soft that you wear on your foot.

جوراب چیز نرمی است که به پای خود می‌کنید.

soda — نوشابه گازدار

Soda is a sweet drink with fizzy bubbles in it.

نوشابه گازدار نوعی نوشیدنی شیرین گازدار و حباب‌دار است.

soft — نرم

(softer, softest)

A pillow is **soft**.

بالش نرم است.

softball — سافت بال

In the game of **softball**, one team tries to hit a white ball with a bat while the other team tries to catch it. Softball players try to score points by running around the bases.

سافت بال. در بازی سافت بال یک تیم سعی می‌کند به توپ سفیدی با چوب سافت بال ضربه بزنند، در حالی که تیم دیگر سعی می‌کنند آن را بگیرد. بازیکنان سافت بال سعی می‌کنند با دویدن به دور جایگاه‌ها امتیاز بگیرند.

soldier — سرباز

A **soldier** is a person who is trained to fight in an army to protect her country.

سرباز شخصی است که تعلیم دیده در ارتش بجنگد و از کشور خود دفاع نماید.

some — تعدادی، مقداری

The chicken laid **some** eggs.

مرغ تعدادی تخم گذاشت.

somebody — کسی، شخصی

Somebody left the door open.

کسی، شخصی. کسی در را باز گذاشت.

someone — فردی، شخصی

I see **someone** on the skateboard.

فردی را بر روی تخته اسکیت می‌بینم.

something — چیزی

The boy was hungry and wanted to eat **something**.

آن پسر گرسنه‌اش بود و می‌خواست چیزی بخورد.

sometimes — بعضی اوقات

Sometimes, the mommy and daughter play a game of softball.

بعضی اوقات مادر و دختر سافت بال بازی می‌کنند.

somewhere — جایی. مکانی

The snake wiggled away **somewhere**.

مار به جایی خزید.

son — فرزند پسر

My **son** is 9 years old.

پسرم ۹ سالش است.

song — ترانه، آواز

A **song** is a piece of music. Many son have words that you can **song**. The kids are singing a **song**.

ترانه قطعه‌ای موسیقی است. بسیاری از ترانه‌ها کلماتی دارند که می‌توانید با آنها آواز بخوانید. بچه‌ها دارند ترانه‌ای را می‌خوانند.

soon
به زودی

(sooner, soonest)

The airplane will be taking off very **soon**.

هواپیما خیلی زود زمین بلند خواهد شد.

sorry
تأسف ، متاسف

(sorrier, sorriest)

If you feel **sorry**, you are very sad about something that happened. I am **sorry**, you broke your foot.

اگر احساس تأسف می‌کنید، از چیزی که اتفاق افتاده بسیار ناراحت هستید. متاسف هستم که پای شما شکسته شده است.

sound
صدا

A **sound** is something you can hear. When the boy plays the drum, it makes a loud **sound**.

صدا چیزی است که می‌توانید بشنوید. وقتی که آن پسر طبل می‌زند، صدای بلندی ایجاد می‌شود.

soup
سوپ

Soup is a hot liquid food. Sometimes **soup** can have meat or vegetables in it. We had tomato **soup** with crackers for lunch today.

سوپ غذای مایع داغی است. بعضی اوقات سوپ می‌تواند گوشت و سبزیجات داشته باشد. امروز ناهار ما سوپ گوجه فرنگی همراه با کراکر (نان یا بیسکویت شور) داشتیم.

south
جنوب

South is a direction that is on your right side when you watch the sun come up in the morning.

هنگام طلوع خورشید در صبحگاه جنوب سمت راست شما است.

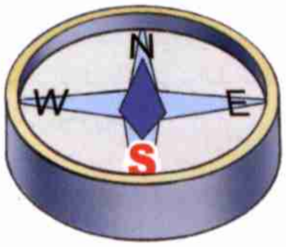

space

1. There is a lot of **space** inside an empty bag. 2. **Space** is the huge area that is outside Earth. **Space** is where the stars and planets are.

۱ - جا. در یک کیف خالی جای زیادی وجود دارد.
۲ - فضا. فضا مکان بسیار عظیمی بیرون از کره زمین می‌باشد. فضا جایی است که‌ستاره‌ها و سیاره‌ها در آن قرار دارند.

spaghetti
اسپاگتی

Spaghetti is a long, thin, stringy pasta. People eat **spaghetti** with sauces, like tomato or cheese, on top.

اسپاگتی، رشته‌های باریک و بلند ماکارونی است. مردم اسپاگتی را همراه با سس گوجه فرنگی یا پنیر روی آن می‌خورند.

speak
صحبت کردن

(speaks, spoke, spoken, speaking)

When you **speak** to someone, you say something. The girl **speaks** to her teacher about her project.

هنگام صحبت با کسی، چیزی می گویید. آن دختر درباره پروژه خود با معلمش صحبت می‌کند.

special

1. If something is **special**, it is more important or better than something else. My birthday is **special** because it only happens once a year. 2. If something is **special**, it is made for a particular job. The dentist has a **special** tool to drill my teeth.

۱ - خاص، استثنائی. اگر چیزی استثائی باشد، مهم تر یا بهتر از چیز دیگری است. روز تولدم روز خاصی است چونکه فقط یک بار در سال اتفاق می‌افتد.
۲ - مخصوص. اگر چیزی مخصوص‌باشد، برای کار خاصی ساخته شده است. دندانپزشک وسیله مخصوصی برای سوراخ کردن دندانم دارد.

speed
سرعت داشتن

(speeds, sped, speeding)

If someone or something **speeds**, that person or thing is in a big hurry and moves very fast. The train is **speeding** past the towns.

اگر کسی یا چیزی سرعت داشته باشد، آن شخص یا چیز عجله بسیاری دارد و سریع حرکت می‌کند. قطار با سرعت از شهر ها می‌گذرد.

spell

(spells, spelled, spelling)

1 . When you **spell** a word, you say or write the letters in order. 2. In stories or movies, a **spell** is a set of special words that make magic happen. The fairy princess said "Hocus Pocus" and put a **spell** on the sleeping cat to make him jump in the air.

۱ - هجی کردن. هنگام هجی یک کلمه، حروف آن کلمه را به ترتیب می‌گویید یا می نویسید.
۲ - جادو، ورد. در داستان‌ها و فیلم ها ورد کلمات خاصی است که با گفتن آنها جادویی اتفاق می افتد. شاهزاده پری گفت"اجی مجی" و گربه‌ای را که خواب بود جادو کرد و باعث شد که گربه در هوا بپرد.

spider عنکبوت

A **spider** is a small creature with eight legs and no wings. A**spider** spins a sticky web to catch other tiny animals for food.

عنکبوت حیوان کوچکی است که دارای هشت بدون پا و بال است. عنکبوت تار چسبناکی می‌تند تا حیوانات کوچک دیگر را برای غذای خود به دام بیاندازد.

spill ریختن

(spills, spilled, spilling)

Most **spills** are not meant to happen, like **spilling** your milk.

بیشتر ریختن‌ها، مانند ریختن ظرف شیر شما، از روی قصد نیست.

spin چرخیدن

(spins, spun, spinning)

When something **spins,** it turns around very fast.

هنگامی که چیزی می چرخد، خیلی سریع به دور خود می‌گردد.

spinach اسفناج

Spinach is a vegetable that is in bunches of dark, green leaves. You can eat **spinach** raw or cooked.

اسفناج گیاهی است که از تعدادی برگ‌های تیره و سبز تشکیل شده است. می‌توانید اسفناج را خام یا پخته شده بخورید.

splash پاشیدن، خیس کردن

(splashes, splashed, splashing)

The baby **splashed** his yellow rubber duck with water in the bathtub.

نوزاد با اردک لاستیکی زرد رنگش آب وان حمام را به اطراف می‌پاشید.

sponge اسفنج

A **sponge** is something soft with little holes in it that cleans up wet spills. You can also wet a **sponge** to wipe.

ابر ماده نرمی دارای سوراخ‌های ریزی است که با آن می‌توان جای خیس ریختن مایعی را تمیز کرد. همین‌طور می‌توانید برای تمیز کردن جایی ابر را خیس کنید.

spoon قاشق

A **spoon** is a tool with a long handle and a small round bowl used for eating. You can eat soft or runny food, like ice cream or soup, with a **spoon.**

قاشق وسیله‌ای است که دسته بلند و گودی کوچکی دارد که برای غذا خوردن از آن استفاده می‌کنید. شما می‌توانید غذاهای نرم یا آبکی مانند بستنی یا سوپ را با قاشق بخورید.

sport ورزش

A **sport** is a game that exercises your body to help it stay healthy.

ورزش کار و حرکتی است که بدن شما را ورزیده می‌کند به سالم ماندن شما کمک می‌نماید.

spot

1. A ladybug has black **spots**. 2.This flat rock is a good **spot** for our picnic.

۱ - خال. کفش دوزک خال‌های سیاهی دارد.

۲ - جا، مکان. این سنگ صاف مکان خوبی برای پیک‌نیک ما است.

spring

(springs, sprang, sprung, springing)

1. The tiger **springs** out of the bushes. 2. **Spring** is the season of the year between winter and summer. Flowers start to bloom in spring. 3. **Spring** is a curly piece of metal.

۱ - پریدن. ببر از میان بوته‌ها بیرون می‌پرد.

۲ - فصل بهار. بهار فصلی از سال است که بین زمستان و تابستان قرار دارد. گل‌ها در فصل بهار شروع به شکفتن می‌کنند.

۳ - فنر. فنر قطعه فلزی مارپیچ است.

square مربع

A **square** has four equal sides and four right angles.

مربع چهار ضلع مساوی و چهار زاوایه قائمه دارد.

squirrel سنجاب

A **squirrel** is a small gray, brown, black, or red animal with a long fluffy tail. **Squirrels** eat nuts and live in nests they build in trees.

سنجاب حیوان کوچکی به رنگ‌های خاکستری، قهوه‌ای، سیاه یا قرمز است که دم پشمالود بلندی دارد. سنجاب‌ها میوه‌های مغزدار می‌خورند و در لانه‌هایی که در درختان می‌سازند، زندگی می‌کنند.

stamp تمبر

A **stamp** is a small piece of paper with a picture on it. The **stamp** has a sticky side to put on a letter to mail.

تمبر قطعه کاغذ کوچکی است که تصویری بر روی آن قرار دارد. تمبر قسمت چسبناکی دارد که بر روی نامه پستی می چسبد.

stand ایستادن

(stands, stood, standing)

When you **stand** somewhere, you are up on your feet. I am **standing** in line to buy a movie ticket.

هنگامی که جایی می‌ایستید، روی پاهای خود قرار دارید. برای خریدن بلیط سینما در صف ایستاده‌ام.

star

1. A **star** is a bright light of burning gas that you see in the sky at night. 2. A **star** is a shape with five or six points. Sometimes your teacher puts a **star** shape on top of your paper if you do a good job. 3. A **star** is someone famous, like a person in movies or TV.

۱ - ستاره. ستاره نور روشنی است که از گازهای سوزان ایجاد و در هنگام شب در آسمان دیده می‌شود.

۲ - ستاره. ستاره شکلی است که پنج یا شش گوشه دارد. بعضی اوقات اگر تکالیف خود را خوب انجام داده باشید، معلم ستاره‌ای را روی ورقه شما می‌چسباند.

۳ -ستاره، شخص

۳ -ستاره. ستاره شخص مشهوری مانند شخصی در سینما یا تلویزیون است.

starfish ستاره دریایی

(starfish)

A **starfish** is a sea animal that is not really a fish.

A **starfish** has five arms that stick out of its body.

ستاره دریایی نوعی حیوان دریایی است که واقعا ماهی نیست. ستاره دریایی پنج بازو دارد که از بدنش بیرون آمده‌اند.

start
شروع کردن

(starts, started, starting)

When I **start** to bake cookies, I heat the oven first.

هنگامی که شروع به پختن شیرینی می‌کنم، ابتدا فر را روشن می‌نمایم.

state

(states, stated, stating)

2. A **state** is a small part of a country with its own people, land, and lows.The **state** of Texas is in the southern part of the United **States**

۱ - بیان کردن.

۲ - ایالت. ایالت بخش کوچکی از یک کشور است که جمعیت، زمین و قانون خودش را دارد. ایالت تگزاس در قسمت جنوبی ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

stay
ماندن

(stays, stayed, staying)

People usually **stay** inside when it's raining.

معمولاً هنگام بارش باران مردم داخل خانه می‌مانند.

steep
شیب‌دار

(steeper, steepest)

If something, like a mountain, is **steep**, it is very hard to climb.

اگر چیزی مانند کوه شیب‌دار باشد، بالا رفتن از آن بسیار سخت است.

stem
ساقه

A **stem** is the long part of a plant that grows out of the ground. Roots, branches, and flowers grow from **stems**.

ساقه بخش بلندی از گیاه است که خارج از زمین رشد می‌کند. ریشه، شاخه و گل از ساقه رشد می‌نمایند.

step

1. A **step** is something you stand on to make you taller to reach things. Many **steps** in a row are called a staircase.
2. When you take a **step**, you lift up your foot and put it down in another place.

۱ - نوعی چهار پایه، پله. پله چیزی است که روی آن می‌ایستید و شما را بلندتر می کند تا دستتان به اجسام برسد. تعداد زیادی پله در یک ردیف پلکان را بوجود می‌آورند.

۲ - قدم. هنگامی که‌قدم بر می دارید پایتان را بلند می‌کنید و در مکان دیگری آن را پایین می‌آورید.

stick

(sticks, stuck, sticking)

1. When you **stick** things together, you join them with glue or tape. 2. The doctor **sticks** you with a needle when she gives you a shot.

۱ - چسباندن. هنگام چسباندن چیزها به یکدیگر، آن‌ها را با چسب مایع یا نواری متصل می سازید.

۲ - فرو کردن. هنگامی که دکتر برایتان آمپول تجویز می‌کند، سوزن را در بدن شما فرو می‌نماید.

sticker
برچسب

A **sticker** is a gummed label with words, numbers, or pictures, much like a stamp. People collect pretty colored **stickers** and stick them in a book.

برچسب کاغذ چسب داری است که بر روی آن کلمه، عدد یا تصویری وجود دارد و بیشتر شبیه تمبر است. مردم برچسب‌های رنگی زیبا را جمع‌آوری می‌کنند و در دفتری می‌چسبانند.

sticky
چسبناک، چسب دار

(stickier, stickiest)

The **sticky** tape holds the picture on the wall.

چسبناک، چسب دار. نوار چسب دار تصویر را روی دیوار نگه می‌دارد.

still

(stiller, stillest)

1. The deer stood **still** in the woods. 2. Even though it feels a little warmer, it is **still** snowing outside.

۱ - بی حرکت. گوزن بی‌حرکت در جنگل ایستاد.
۲ - هنوز. با وجود این که هوا کمی گرمتر شده است، هنوز بیرون برف می‌بارد.

stomach معده

Your **stomach** is the place inside of your body where your food goes to digest when you eat it.

معده شما مکانی در داخل بدن است که هنگام غذا خوردن برای هضم شدن به آن جا می‌رود.

stone سنگ

A **stone** is a small piece of a hard rock that comes in many colors. You can sometimes find **stones** on beaches.

سنگ قطعه کوچکی از تخته سنگ سخت است که به رنگ‌های مختلفی وجود دارند. بعضی اوقات می‌توانید در ساحل دریا سنگ پیدا می‌کنید.

stool چهار پایه

A **stool** is a type of chair with legs and a seat but no back.

چهارپایه نوعی صندلی پایه دار است که نشیمن آن پشت ندارد.

stop

(stops, stopped, stopping)

1. **Stop** blowing up the balloon or it will pop. 2. If something that is moving **stops**, it stands still. The car **stopped** for the traffic light.

۱ - دست کشیدن، دست برداشتن. از باد کردن بادکنک دست بردار وگرنه می‌ترکد.
۲ - ایستادن. اگر چیزی که در حال حرکت ماشین مقابل چراغ راهنمایی ایستاد.

stop sign تابلوی ایست

A **stop sign** is red with the word STOP painted on it in white. A **stop sign** is placed where roads cross so drivers will not crash their cars into each other.

تابلوی ایست تابلوی قرمزی است که بر روی آن کلمه ایست به رنگ سفید نوشته شده است. تابلوی ایست در جایی که جاده‌ها یکدیگر را قطع می کنند گذاشته می شود تا ماشین‌های رانندگان به یکدیگر برخورد نکنند.

store

(stores, stored, storing)

1. When you **store** something, you put it away in case you need it at another time. 2. A **store** is a place where people buy things.

۱ -انبار کردن، ذخیره کردن. هنگامی که چیزی را ذخیره می‌کنید، آن را کنار می گذارید تا زمان دیگری که به آن احتیاج دارید از آن استفاده کنید.
۲ - فروشگاه، فروشگاه جایی است که مردم چیزی را می‌خرند.

story داستان

(stories)

A **story** tells you about things that have happened. Some **stories** are real, while others are make-believe.

داستان درباره چیزهایی که اتفاق افتاده است سخن می گوید. بعضی از داستان‌ها واقعی می‌باشند و در حالی که بعضی دیگر تخیلی هستند.

stove اجاق

A **stove** is a machine that cooks food. The top of the **stove** has burners, and the inside has an oven.

اجاق وسیله‌ای است که با آن غذا پخته می شود. بالای اجاق شعله و در قسمت درونی آن فر قرار دارد.

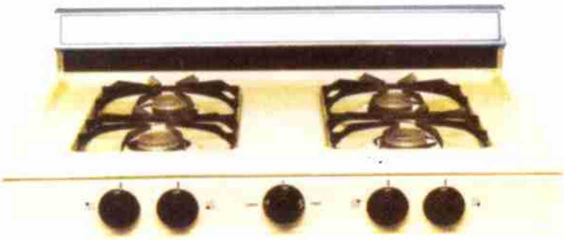

strange عجیب

(stranger, strangest)

If something is **strange**, it is not what you expected it to be. The cheese has a very **strange** smell to it.

اگر چیزی عجیب باشد، چیزی نیست که شما انتظارش را داشتید. این پنیر بوی بسیار عجیبی می‌دهد.

stranger غریبه

If someone is a **stranger**, she is a person who you do not know.You must never get in the car with a **stranger**.

اگر کسی غریبه باشد، فردی است که اورا نمی‌شناسید. توهرگز نباید سوار ماشین فردی غریبه شوی.

straw نی

A **straw** is a thin tube that you drink through. When you sip on a **straw**, you pull liquid into your mouth.

نی لوله نازکی است که از طریق آن مایعات را می نوشید. هنگامی که نی را می‌مکید، مایع را به درون دهان خود می‌کشید.

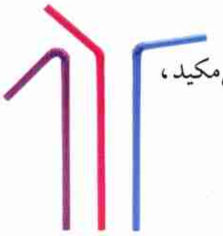

strawberry توت فرنگی

(strawberries)

A **strawberry** is a small, soft red fruit with tiny seeds all over it. **Strawberry** cake is a favorite summer dessert.

توت فرنگی. توت فرنگی میوه کوچک، نرم و قرمزی است که دانه‌های ریزی دور تا دور آن وجود دارد. کیک توت فرنگی دسر مورد علاقه در تابستان است.

street خیابان

A **street** is a road in a city or town that usually has buildings along each side.

خیابان راهی در شهر یا شهرستان است که معمولاً در دو طرف آن ساختمان وجود دارد.

string

Musical instruments, like a guitar, have wire **string** that make sounds when your fingers tug at them.

۱ - بند، نخ.

۲ - سیم. در وسایل موسیقی مانند گیتار، سیم وجود دارد؛ هنگامی که انگشتان خود را بر روی آنها می‌کشید صدا ایجاد می‌کند.

strong

(stronger, strongest)

1. The man is so **strong** he can pick up two heavy suitcases. 2. If something is **strong**, it is hard to break it. A bulldozer is a strong machine made out of metal.

۱ - قوی. آن مرد آن قدر قوی است که می‌تواند دو چمدان سنگین را بلند کند.

۲ - محکم. اگر چیزی محکم باشد، شکستن آن سخت است. بولدوزر ماشین محکمی است که از فلز ساخته شده است.

study مطالعه کردن

(studies, studied, studying)

When you **study**, you learn about something. The girl **studies** the pictures in her book to find out more about different birds.

هنگام مطالعه، درباره چیزی می‌آموزید. آن دختر تصاویر کتابش را مطالعه می‌کند تا درباره پرندگان مختلف بیشتر بداند.

subject موضوع درسی

A **subject** is something you study or discuss. Math is a **subject** in school.

موضوع درسی چیزی است که مورد مطالعه یا بحث و بررسی قرار می‌دهید. ریاضی از موضوعات درسی در مدرسه است.

subtract تفریق کردن، منها کردن

(subtracts, subtracted, subtracting)

When you **subtract**, you take one number away from another number. If you **subtract** the number three from the number five, you have two left.

هنگام تفریق، عددی را از عدد دیگر کم می‌کنید. اگر عدد سه را از عدد پنج منها کنی، عدد دو باقی می‌ماند.

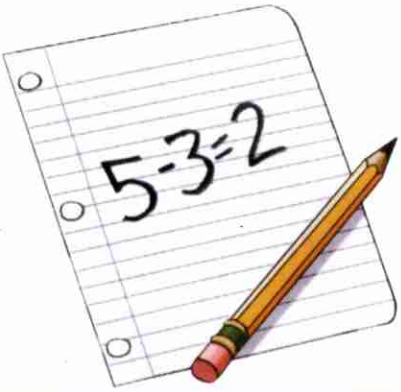

such

1. The baby is **such** a happy little boy that he smiles all of the time. 2. The girl wants something hot to drink, **such** as soup.

۱ - آن چنان، چه. آن نوزاد آن قدر پسر کوچک و شادی است که در تمام مدت لبخند می‌زند.

۲ - مانند یا شبیه به. آن دختر دلش می‌خواهد غذای داغی از قبیل سوپ بخورد.

suck مکیدن

(sucks, sucked, sucking)

The baby **sucks** on the bottle to drink some milk.

مکیدن. آن نوزاد شیشه شیر خود را می‌مکد تا مقداری شیر بخورد.

sugar شکر

Sugar is a grainy brown or white food that makes things sweet. Soda, candy, and icing have **sugar** in them.

شکر نوعی ماده غذایی دانه دانه که سفید یا قهوه ای است که باعث شیرین شدن چیزی می‌شود. نوشابه‌های گازدار، شیرینی و مواد تزئینی روی کیک همه حاوی شکر هستند.

suit لباس- دست لباس

A **suit** is an outfit of matching clothes. A **suit** has a jacket and pants or a skirt.

یک دست لباس، لباس‌هایی است که با یکدیگر جور هستند و به هم می‌آیند. یک دست لباس می‌تواند کت و شلوار یا کت و دامن باشد.

summer فصل تابستان

Summer is the hottest season of the year. **Summer** comes between spring and fall. Our family went to the beach last **summer**.

تابستان گرمترین فصل سال است. تابستان بین بهار و پاییز قرار دارد. تابستان گذشته خانواده ما به کنار دریا رفتند.

sun خورشید

The **sun** is the big, bright, yellowish star you see in the sky during the day. The **sun** keeps us warm and gives us light.

خورشید ستاره بزرگ، درخشان و زرد رنگی است که طی روز در آسمان می‌بینید. خورشید ما را گرم می‌نماید و به ما روشنایی می‌دهد.

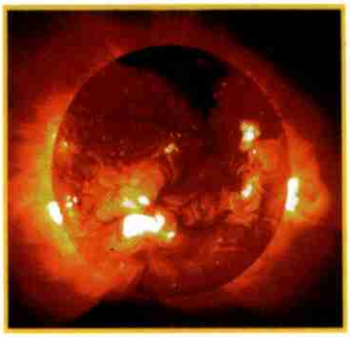

sundae ساندی

A **sundae** is a dessert in a dish with ice cream and tasty things sprinkled on the top. Ice cream **sundaes** can come with fruit, nuts, whipped cream, and sauce.

ساندی، دسر بستنی در ظرفی است که چیز های خوشمزه بر روی آن قرار دارند. ساندی‌های بستنی می‌توانند همراه با میوه، میوه‌های مغزدار، خامه زده شده و سس شکلات باشند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

Sunday یکشنبه

Sunday is the first day of the week. Some people go to church on **Sunday**, while others like to relax on this weekend day.

یکشنبه اولین روز هفته تقویم میلادی است. بعضی از افراد روز یکشنبه به کلیسا می‌روند. در حالی که بعضی دیگر تعطیلات آخر هفته را در خانه استراحت می‌نمایند.

sunglasses عینک آفتابی

You wear **sunglasses** on your face during sunny days to protect your eyes. The lenses in **sunglasses** are made of dark or colored plastic or glass.

در روزهای آفتابی برای محافظت از چشمانتان عینک آفتابی می‌زنید. شیشه‌های عینک آفتابی از شیشه یا پلاستیک رنگی یا تیره ساخته شده‌اند.

sunny آفتابی

(sunnier, sunniest)

It is **sunny** outside when the sun is shining brightly. Our family likes to go to the beach on a **sunny** day.

هنگامی که خورشید به روشنی می‌درخشد هوا در بیرون آفتابی است. خانواده ما دوست دارند که در یک روز آفتابی به ساحل دریا بروند.

sure مطمئن

If you are **sure** about something, you know that you are right. I am **sure** the sun will set at six o'clock today.

اگر درباره چیزی مطمئن هستید، می‌دانید که درباره آن چیز درست می‌گویید. من مطمئن هستم که امروز خورشید ساعت شش غروب خواهد کرد.

surprise غافلگیر کردن- حادثه غیر مترقبه

A **surprise** is something you did not know was going to happen.

حادثه‌ای غافلگیر کننده چیزی است که نمی‌دانستید قرار است اتفاق بیافتد.

swallow قورت دادن، بلعیدن

(swallows, swallowed, swallowing)

When you **swallow** something that you eat or drink, it goes down your throat into your stomach.

وقتی چیزی را که می‌خورید یا می‌نوشید می‌بلعید، آن چیز از طریق گلوی شما وارد معده شما می‌شود.

sweater پلوور، ژاکت

A **sweater** is something you wear on the top part of your body and arms to keep you very warm. Some **sweaters** have buttons, while other sweaters pull over your head.

پلوور چیزی است که می‌پوشید تا بالای بدن و بازوهای شما را گرم نگه دارد. بعضی از این پلوورها دگمه دارند و بعضی‌ها را باید از بالای سر پوشید.

sweet

(sweeter, sweetest)

1. If a food or drink is **sweet**, it tastes like sugar.
2. If you say someone is very **sweet**, you think she is being kind.

۱- شیرین. اگر غذا یا نوشیدنی شیرین باشد، مزه‌اش مانند شکر است.
۲- دوست داشتنی. اگر می گویید که شخصی بسیار دوست داشتنی است، فکر می‌کنید که او مهربان است.

swim شنا کردن

(swims, swam, swimming)

When you **swim**, you use your arms and legs to move yourself through the water.

هنگام شنا از بازوها و پاهای خود استفاده می‌کنید تا درمیان آب حرکت کنید.

swing

(swings, swung, swinging)

1. When something **swings**, it moves back and forth in the air. The weight on the tall grandfather clock **swings** as it goes tick-tock. 2. A **swing** is a seat on the playground that hangs on two chains and moves back and forth when you move your legs.

۱- تاب خوردن. هنگامی که چیزی تاب می خورد، آن چیز در هوا به عقب و جلو حرکت می کند. پاندول ساعت بلند پدر بزرگ هنگام تیک‌تاک کردن تاب می‌خورد.
۲- تاب. تاب نوعی صندلی است که در زمین بازی روی دو زنجیر آویزان است و هنگامی که پای خود را حرکت می‌دهید به عقب و جلو حرکت می‌کند.

T

tail
دم

A **tail** grows out of the back end of some animals' bodies. Animals use their **tails** for moving, showing feelings, and holding things. The dog wagged its **tail** to say hello.

دم از انتهای پشت بدن بعضی از حیوانات بیرون می‌آید. حیوانات از دمشان‌برای حرکت ،نشان دادن احساسات و گرفتن چیزها استفاده می‌کنند. سگ دمش را تکان داد تا سلام کند.

table
میز

A **table** is a piece of furniture with a flat top and four legs. You sit on a chair at the **table** to eat a meal.

میز قطعه‌ای از لوازم خانه است که سطحی صاف و چهار پایه دارد. شما روی صندلی کنار میز می‌نشینید و غذا می‌خورید.

take
بردن

(takes, took, taken, taking)

The dog **took** the bone to eat it in the doghouse.

سگ استخوان را برای خوردن به داخل لانه خود برد.

taco
تاکو

You make a **taco** by folding a thin tortilla around a spicy mixture of meat and cheese topped with vegetables. The tortilla for the **taco** can be made with flour or corn. The **taco** tortilla can be soft or crunchy. You eat a **taco** with your hands.

برای درس کردن تاکو ، مخلوطی از گوشت ادویه‌دار و پنیر را بر روی لایه نازکی نان ذرت می‌ریزید و بر روی آن سبزیجات می‌گذارید و نان را به دور مواد تا می‌کنید. نان تاکو می‌تواند از آرد یا ذرت تهیه شود. نان تاکو می‌تواند نرم یا ترد باشد.

tall
بلند

(taller, tallest)

The basketball player was so **tall** he could touch the basket.

بازیگر بسکتبال آن قدر بلند بود که می‌توانست به تور دست بزند.

tag

1. **Tag** is a game where one player runs after the others and tries to tap them. 2. A **tag** is a label that has information printed on it. The **tag** sewn in the dress gives the size.

۱ - گرگم به هوا . گرگم به هوا نوعی بازی است که در آن یکی از بازیکنان به دنبال بقیه می‌دود و سعی می‌کند آن‌ها را بگیرد.

۲ - برچسب . برچسب کاغذ چسب‌داری است که روی آن اطلاعاتی چاپ شده است.

برچسبی که به لباس دوخته می‌شود ، سایز آن را نشان می‌دهد.

tap
ضربه ملایم زدن

(taps, tapped, tapping)

My teacher **taps** his fingers on the top of his desk.

معلم من با انگشتانش بر روی میز کارش‌ضربه ملایمی می‌زند.

tape

1. A **tape** is a long strip of plastic, cloth, or paper with a sticky material on one side. You use **tape** to hold things together or hang a poster on the wall. 2. People record words and pictures on **tape**. This **tape** is a narrow strip of plastic in a case called a cassette.

۱ – نوار چسب . نوار چسب ، نوار بلند پلاستیکی ، پارچه‌ای یا کاغذی است که یک طرف آن ماده چسبنده‌ای دارد. با استفاده از نوار چسب اجسام را به یکدیگر متصل می‌کنید یا پوستری را بر روی دیوار می‌چسبانید.
۲ – نوار. مردم کلام و تصویر را روی نوار ضبط می‌کنند. این نوار ، نواری باریک و پلاستیکی است که در قالبی به نام کاست قرار می‌گیرد.

tape measure — متر

A **tape measure** is a long bendable ruler made out of plastic, cloth, or metal. Carpenters and people who sew keep a **tape measure** in their pocket so they can use it to see how long things are.

متر اندازه‌گیری خط‌کش بلند و قابل انعطافی می‌باشد که از پلاستیک ، پارچه یا فلز ساخته می‌شود. نجارها و افرادی که دوخت و دوز می‌کنند ، در جیب خود متر دارند تا با استفاده از آن طول اجسام را اندازه بگیرند.

taste — چشیدن

(tastes, tasted, tasting)

When you **taste** food, you put it in your mouth to see what flavor it is. My mother **tasted** the frosting before putting it on the cake.

هنگام چشیدن غذا آن را داخل دهان خود می‌گذارید تا ببینید چه طعمی دارد. مادرم قبل از ریختن مواد تزئینی بر روی کیک آن را چشید.

tea — چای

Tea is a drink you make by pouring hot water over special dried leaves. You can add sugar, lemon, or milk to **tea**, which can be served hot or cold.

چای نوشیدنی است که با ریختن آب جوش بر روی برگ‌های خشک شده خاصی تهیه می‌شود. می‌توانید در چای شکر ، لیمو یا شیر اضافه نمایید که می‌توان آن را داغ یا سرد میل کرد.

teach — یاد دادن ، آموزش دادن

(teaches, taught, teaching)

When you **teach** someone, you help that person learn new things. My big brother is **teaching** me how to hold a baseball bat.

یاد دادن. هنگامی که به فردی چیزی را یاد می‌دهید ، به آن شخص کمک می‌کنید تا چیزهای جدیدی را بیاموزد.
برادر بزرگم به من چگونه نگه داشتن چوب بیسبال را یاد می‌دهد.

teacher — معلم

A **teacher** is a person whose job is to help others learn things. Most **teachers** work in schools.

معلم‌فردی است که شغلش این است که به دیگران چیزی را بیاموزد. اکثر معلمان در مدرسه کار می‌کنند.

team — تیم

A **team** is a group of people who play sports together on the same side. The orange soccer **team** scored a goal.

تیم گروهی ازافراد هستند که با یکدیگر در یک گروه بازی‌های ورزشی انجام می‌دهند. تیم فوتبال نارنجی گل زد.

teapot — قوری

A **teapot** has a handle and a spout for pouring tea.

قوری دسته و لوله‌ای برای ریختن چایی دارد.

teddy bear — عروسک خرسی

A **teddy bear** is a soft, cuddly toy that looks like a bear. Many children like to take their **teddy bears** to bed with them.

عروسک خرسی نوعی اسباب‌بازی‌نرم و دوست داشتنی‌است که شبیه به خرس است . بسیاری از بچه‌ها دوست‌دارند که عروسک خرسی‌هایشان را با خود به تخت‌خوابشان ببرند.

telephone تلفن

A **telephone** is a machine for talking to and listening to people who are far away. A **telephone** rings to let you know someone is calling you.

تلفن دستگاهی برای صحبت کردن و گوش دادن به کسانی است که در جای دوری قرار دارند. تلفن زنگ می‌زند و به شما اجازه می‌دهد که بدانید فردی در حال تماس با شما است.

television تلویزیون

A **television** is a machine that picks up air waves and turns them into pictures and sounds. You might watch the news, cartoons, or a movie on **television**. TV is the short name for **television**.

تلویزیون دستگاهی است که امواج هوا را می‌گیرد و آنها را تبدیل به تصویر و صدا می‌نماید. شما می‌توانید اخبار ،کارتون و یا فیلم را در تلویزیون تماشا کنید. کلمه TV خلاصه شده television است.

tell گفتن

(tells, told, telling)

The girl is **telling** her friend about the television show.

دختر به دوستش درباره برنامه تلویزیون می‌گوید.

temple معبد ، پرستشگاه

A **temple** is a place where people go to worship their god.

معبد. معبد مکانی است که مردم برای پرستش خدایشان به آنجا می‌روند.

ten ده

Ten is a number that is one 10 more than nine. 9+1 = 10. You have **ten** toes on your feet.

10

ده عددی است که از نه یکی بیشتر است.
۱۰ = ۱ + ۹ در دو پای خود ده انگشت دارید.

tennis بازی تنیس

In the game of **tennis**, players try to hit a ball over a net with racquets. **Tennis** is played on a hard court where the ball will bounce.

در بازی تنیس بازی‌کنان سعی می‌کنند با راکت ضربه‌ای به توپ بزنند و توپ از بالای تور بگذرانند. تنیس در زمین سفت و محکمی بازی می شود تا توپ بتواند روی آن بالا و پایین برود.

tepee تیپی ، چادر سرخپوستان

A **tepee** is a tent shaped like a cone and made from animal skins or fabric placed around poles. Some Native Americans lived in **tepees** a long time ago.

چادر سرخپوستان چادری شبیه مخروطی شکل است که از پوست حیوانات یا پارچه ساخته شده است و دور میله‌ای قرار دارد. در زمان‌های قدیم بعضی از بومیان آمریکا در تیپی زندگی می‌کردند.

terrible وحشتناک

A **terrible** fire burned down the house.

آتش وحشتناکی خانه را سوزاند.

than از

Than is used when you are comparing things. My kite flies higher **than** your kite.

ازهنگامی استفاده می‌شود که شما اجسام را با یکدیگر مقایسه می‌کنید.بادبادکم بالاتر از بادبادک تو پرواز می‌کند.

thank تشکر کردن

(thanks, thanked, thanking)

When you **thank** people, you tell them how happy you are with something they did. The old lady **thanked** the girl for shoveling the snow from her path.

هنگامی که از کسی تشکر می‌نمایید به آن فرد می گویید که چقدر از کاری که برایتان انجام داده خوش‌حال هستید. خانم مسن از دختری که برف جلوی مسیر خانه او را پارو کرده بود، تشکر نمود.

Thanksgiving روز شکرگذاری

Thanksgiving is a holiday that happens in the United States every year on the fourth Thursday in November. **Thanksgiving** reminds you to be glad for the good things in your life. Many families share a turkey dinner on **Thanksgiving** .

روز شکرگذاری روز تعطیلی است که در ایالت متحده آمریکا هرسال در چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر اتفاق می‌افتد. روز شکرگذاری به شما یادآوری می‌کند که به خاطر چیزهای خوب در زندگی‌تان خوش‌حال باشید. بسیاری از خانواده‌ها در روز شکرگذاری برای شام خوراک بوقلمون می‌خورند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

that

That refers to something that is not close toyou. I am going to run to **that** tree way over there.

۱ – که.

۲ – آن. آن اشاره به چیزی دارد که نزدیک شما نباشد. قصد دارم تا آن درختی که در آن طرف قرار دارد بدوم.

the حرف معرفه

The girl wants to eat **the** plum.

به چیزی شناخته شده اشاره دارد. آن دختر می‌خواهد آلو بخورد.

their مال آنها

Their means that something belongs to them. The boys hung up **their** coats.

مال آنها یعنی چیزی که به آنها تعلق دارد. آن پسرها کت‌های خود را آویزان نمودند.

them به آنها، آنها را

The three boxes belong to **them**.

آن سه جعبه به آنها تعلق دارد.

then سپس، بعد از این که

When you finish your lunch **then** you will meet me at the swimming pool.

بعد از این که غذایت را تمام کردی، با من در استخر ملاقات کن.

there آن‌جا

Please go over **there** by the chair, and wait for me.

لطفاً برو آن‌جا کنار صندلی و منتظر من باش.

these این‌ها

These means things that are close. **These** pink mittens on the table are mine.

این‌ها یعنی چیزهایی که نزدیک هستند. این دستکش‌های صورتی روی میز مال من می‌باشند.

they آنها

They is a word you use when you are talking about more than one person or thing. **They** are going to share the large pizza for dinner.

آنها کلمه‌ای است که هنگام صحبت درباره بیش از یک نفر یا چیز استفاده می‌نمایید. آنها می خواهندبرای شام پیتزای بزرگ را با یکدیگر قسمت نمایند.

thin

(thinner, thinnest)

1. If something is **thin**, it is not very wide. The girl's hair ribbon is **thin**. 2. If someone is **thin**, that person does not weigh very much and is not fat. The woman is **thin**.

۱ – باریک. اگر چیزی باریک است، بسیار پهن نمی باشد. روبان موی دختر باریک می‌باشد.

۲ – لاغر. اگر کسی لاغر باشد، آن شخص وزن بسیار زیادی ندارد و چاق نیست. این زن لاغر است.

thing چیز، شیء

The girl wants to hold the big purple **thing** when she goes to the circus.

آن دختر می‌خواهد هنگام رفتن به سیرک، آن شی بنفش بزرگ را در دست گیرد.

think

(thinks, thought, thinking)

1. When you **think** about something, you use your mind. The girl is **thinking** of an answer to the question. 2. I **think** I know how to fix the car.

۱ – فکر کردن. هنگامی که به چیزی فکر می‌کنید، از ذهن خود استفاده می‌نمایید. آن دختر دارد به پاسخی برای این سوال فکر می‌کند.

۲ – تصور کردن. تصور می‌کنم که می‌دانم چگونه ماشین را تعمیر نمایم.

third سومین

My friend in the yellow hat is the **third** one in line for the donuts.

دوستم با کلاه زرد سومین نفر در صف پیراشکی است.

thirteen سیزده

Thirteen is a number that is one more than twelve. 12+1 =13. Some people think **thirteen** is an unlucky number.

سیزده عددی است که‌از دوازده یکی بیشتر است.
۱۳ = ۱ + ۱۲ بعضی‌ها فکر می‌کنند که عدد سیزده بدشانسی می‌آورد.

thirty سی

Thirty is a number that means three groups of ten. 10+10+10=30.

سی به معنای سه گروه ده‌تایی است.
۱۰+۱۰+۱۰ =۳۰

this این

This means one that is close or near by. **This** blanket is keeping me warm.

این یعنی چیزی که در نزدیک یا دور و بر شما قرار داشته باشد. این پتو من را گرم نگه می‌دارد.

those آنها

Those means specific things that are not close to you. **Those** balls are full of air and very bouncy!

آنها یعنی چیز های خاصی که نزدیک شما نیستند. آنها (آن توپ‌ها) پر از هوا هستند و بسیار خوب بالا و پایین می‌روند.

though اگرچه

The lady is still cold, even **though** she is wearing her sweater.

آن خانم اگرچه پلوورش را پوشیده است، هنوز احساس سرما می‌کند.

thought فکر، نیت

The teacher **thought** she would take the children outside to play on this sunny day.

معلم فکر کرد در این روز آفتابی بچه‌ها را بیرون ببرد.

thousand هزار

A **thousand** is a number that is ten times one hundred. 10 × 100= 1,000.

هزارعددی است که ده برابر صد می‌باشد. ۱۰۰۰ = ۱۰۰ × ۱۰

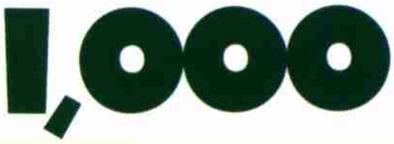

three سه

Three is a number that stands 3 for one more than two. 2+1=3. People eat **three** meals a day.

سه، عددی است که از دو یکی بیشتر است.
۳ = ۱ + ۲ مردم در روز سه وعده غذا می‌خورند.

throat گلو

Your **throat** is the part of your body that is at the back of your mouth. When you swallow something, it goes down your **throat**.

گلو بخشی از بدن شما است که در پشت دهانتان قرار دارد. هنگامی که چیزی را می‌بلعید، از گلو پایین می‌رود.

through ازمیان

The train went **through** the tunnel.

قطارازمیان تونل گذشت.

throw پرتاب کردن

(throw, threw, thrown, throwing)

When you **throw** something, you make it move through the air with your hand. The boy **throws** the paper airplane up high.

هنگام پرتاب چیزی، آن را با دست خود به هوا می‌اندازید. آن پسر هواپیمای کاغذی را درهوا پرتاب کرد.

thumb انگشت شست

Your **thumb** is the shortest of your five fingers. You pick up things between your **thumb** and fingers.

انگشت شست، کوتاه‌ترین انگشت در میان پنج انگشت شما است. شما اجسام را بین انگشت شست و انگشتان دیگرتان نگه می‌دارید.

Thursday پنجشنبه

Thursday is the fifth day of the week. **Thursday** comes after Wednesday.

پنجشنبه پنجمین روز تقویم میلادی می‌باشد. پنجشنبه بعد از چهارشنبه قرار دارد.

ticket بلیط

A **ticket** is a small piece of paper that shows you have paid for something. You need a **ticket** to go to the movies.

بلیط قطعه کاغذ کوچکی است که نشان می‌دهد برای چیزی پول پرداخت کرده‌اید. برای رفتن به سینما به بلیط نیاز دارید.

tie

(ties, tied, tying)

The girl **ties** her shoes.

۱ - بستن، گره زدن. آن دختر بند کفش‌هایش را می‌بندد.
۲ - کراوات.

tiger ببر

A **tiger** is a jungle animal that looks like a big cat with orange fur and black stripes.

ببر حیوانی شبیه به گربه‌ای بزرگ است که در جنگل زندگی می‌کند و موهای نارنجی با راه‌راه‌های سیاه دارد.

tight محکم، تنگ

(tighter, tightest)

If something is **tight**, it does not have a loose, easy fit.The boy's mother tied his shoes **tight** so they wouldn't come off.

اگر چیزی محکم باشد شل و گشاد نیست.
مادر آن پسر بند کفش‌های او را محکم بست تا باز نشوند.

time

1. **Time** is how long something takes to happen. **Time** is measured in seconds, minutes, hours, days, weeks, months, and years. 2. **Time** is the hours and minutes shown on a clock. The **time** is three o'clock.

۱ - زمان. زمان مدت اتفاق افتادن چیزی می باشد. زمان با ثانیه، دقیقه، ساعت، روز، هفته، ماه و سال اندازه‌گیری می‌شود.
۲ - ساعت، وقت.وقت، ساعت‌ها و دقایقی است که ساعت نشان می‌دهد. ساعت سه می‌باشد.

tip

(tips, tipped, tipping)

1. The boy **tips** the toy box over and things begin to fall out. 2. The **tip** of the mountain has snow on it.

۱ - کج کردن. آن پسر جعبه اسباب بازی را کج کرد و چیزهای درونش را شروع به بیرون ریختن کردند.
۲ - قله، نوک. قله کوه پوشیده از برف است.

tire لاستیک

A **tire** is a circle of rubber that fits over a wheel and is usually filled with air. Cars and bikes ride on **tires**.

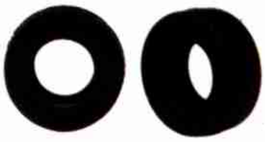

لاستیک دایره لاستیکی است که بر روی چرخ قرار می‌گیرد و معمولاً با هوا پر می شود. ماشین‌ها و دوچرخه‌ها با لاستیک حرکت می‌کنند.

to به

To usually means in the direction of someone or something. My mother sent me **to** the store

به، معمولاً به معنای سمت چیزی یا کسی است. مادرم من را به فروشگاه فرستاد.

toad وزغ

A **toad** is a small brown-and-green animal that looks like a frog with thick, bumpy skin. A **toad** uses two large back legs to hop on land.

وزغ حیوان کوچکی به رنگ قهوه‌ای و سبز است که شبیه قورباغه می‌باشد و پوست ناصاف و ضخیمی دارد. وزغ از دو پای بزرگ عقبی خود برای جهیدن و پریدن بر روی خشکی استفاده می‌کند.

toast **نان تست ، نان سوخاری**

Toast is a kind of brown, crispy bread cooked in a toaster. People make **toast** by heating it, and then they sometimes put butter and jam on it.

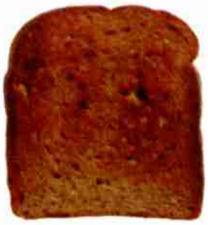

نان تست‌نوعی نان قهوه‌ای و تردی است که در توستر گرم می‌شود. مردم با گرم کردن نان تست آن را آماده خوردن می‌کنند و سپس بعضی اوقات بر روی آن کره و مربا می مالند.

toaster **دستگاه توستر**

A **toaster** is a small machine that cooks bread. Each opening in the top of the **toaster** holds one slice.

توستر دستگاه کوچکی است که نان را داغ می‌کند. در هر روزنه بالای دستگاه یک برش نان جای می‌گیرد.

today **امروز**

Today I am going to go to the tennis match.

امروز قصد دارم به مسابقه تنیس بروم.

toe **انگشت پا**

I had an accidend and my **toe** hurt.

حادثه‌ای برایم پیش آمد و انگشت پایم آسیب دید.

together **با یکدیگر ، با همدیگر**

The two friends ate lunch **together** at the fast-food restaurant.

دو دوست با یکدیگر در رستوران غذای فوری غذا خوردند.

toilet **توالت ، دستشویی**

The **flush** of the toilet didn't works, so I called someone to fix it.

سیفون توالت کار نمی کرد ، بنابراین به شخصی تلفن زدم تا آن را درست کند.

tomato **گوجه فرنگی**

(tomatoes)

A **tomato** is a juicy, round, red fruit that grows on a vine. You can eat a **tomato** raw or cooked in a salad, sandwich, soup, or sauce.

گوجه فرنگی میوه آبدار ،گرد و قرمز رنگی است که بر روی بوته رشد می‌کند. می‌توانید گوجه فرنگی را به صورت خام یا پخته، در سالاد، ساندویچ، سوپ یا سس بخورید.

tomorrow **فردا**

The mail carrier will bring the package to you **tomorrow**.

پستچی بسته پستی را فردا برایت خواهد آورد.

tongue **زبان**

Your **tongue** is the soft, moving, pink part inside your mouth. Your **tongue** helps you to taste things, swallow food, and speak.

زبان شما قسمت نرم و صورتی رنگی است که داخل دهان‌تان حرکت می‌کند. زبان به شما کمک می کند تا چیزها را بچشید؛ غذا را ببلعید و صحبت کنید.

tonight **امشب**

We are going to hear a bedtime story **tonight**.

امشب هنگام خواب به قصه‌ای گوش خواهیم داد. .

too **همچنین ، هم**

The children want to come along in the sailboat, **too**.

بچه‌ها هم می‌خواهند سوار قایق بادبانی شوند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

tool — وسیله، ابزار

A **tool** is something you use to do work, such as a hammer.

ابزار چیزی مانند چکش است که با استفاده از آن کاری را انجام می‌دهید.

toolbox — جعبه ابزار

(toolboxes)

A **toolbox** is a special chest for storing and carrying tools, such as screwdrivers and drills.

جعبه ابزار، جعبه خاصی برای نگهداری و حمل ابزاری نظیر پیچ گوشتی و مته است.

tooth — دندان

(teeth)

A **tooth** is a white thing in your mouth that you use for biting and chewing.

دندان جسم سفیدی در دهان شما است که با استفاده از آن به غذا گاز می‌زنید و آن را می‌جوید.

toothache — دندان درد

A **toothache** is a pain that you get in your tooth. If you eat too much sugary food, like candy, you might get a **toothache**.

دندان درد، دردی است که در دندان خود احساس می کنید. اگر زیاد غذاهای شیرین مثلاً شیرینی بخورید، ممکن است دندان درد بگیرید.

toothbrush — مسواک

(toothbrushes)

A **toothbrush** has a long handle with bristles on one end. You put toothpaste on a **toothbrush** to clean your teeth after you eat.

مسواک دسته‌ای بلند و در انتهای خود تعدادی مو دارد.

بعد از خوردن غذا، روی مسواک خمیر دندان می‌ریزید و دندان‌های خود را تمیز می‌کنید.

toothpaste — خمیر دندان

Toothpaste is a cleaner for your teeth that comes in tubes. You squeeze thick, creamy **toothpaste** onto your brush.

خمیر دندان تمیز کننده دندان است که در لوله‌ای (تیوپی) قرار دارد.

شما خمیر دندان که نرم مانند و غلیظ را فشار می‌دهید و روی مسواک مالید.

top

1. A **top** is a toy with a pointed end that spins around. 2. A **top** is a cover for a jar You screw the **top** on a bottle of soda. 3. The **top** is the highest part of something. The girl climbs to the **top** of the jungle gym.

۱ -فرفره. فرفره نوعی اسباب بازی است که انتهای آن نوک تیز است و به دور خود می‌چرخد.

۲ - دَر . دَر پوششی برای شیشه است. شما دَرشیشه نوشابه گازدار را می‌پیچانید.

۳ - نوک، بالای چیزی. نوک، بلندترین قسمت چیزی می‌باشد. آن دختر به بالای میله‌های بازی در پارک می‌رود.

touch

(touches, touched, touching)

1. If you **touch** something, you feel it with your hand. 2. When two things **touch**, this means there is no space between them. When a book is closed, the pages **touch** each other.

۱ - لمس کردن. اگر چیزی را لمس کنید، آن را با دست خود احساس می‌نمایید.

۲ - تماس داشتن. هنگامی که دو چیز با هم تماس دارند، یعنی فضایی بین آنها وجود ندارد. هنگامی که کتابی بسته می‌شود، صفحه‌های کتاب با یکدیگر تماس دارند.

toward — به سوی، به سمت

Toward means to go in the direction of something. The farmer quickly walked **toward** his cow.

به سوی به معنای حرکت در جهت چیزی می‌باشد.

آن کشاورز به سرعت به سمت گاو خود رفت.

towel — حوله

A **towel** is a large, thick, soft cloth you use to dry yourself after taking a bath.

حوله پارچه بزرگ، ضخیم و نرمی است که بعد از حمام خود را با استفاده از آن خشک می‌نمایید.

town — شهرتان، شهر کوچک

A **town** is a place with lots of streets, houses, buildings, and stores where many people live and work.

شهرستان مکانی است که خیابان‌ها، خانه‌ها، ساختمان‌ها و فروشگاه‌های بسیاری دارد و جایی است که افراد زیادی در آن کار و زندگی می‌کنند.

toy — اسباب بازی

A **toy** is something children play with to have fun. Dolls, balls, and games are **toys**.

اسباب بازی چیزی است که بچه‌ها برای سرگرمی با آن بازی می‌کنند. عروسک، توپ و وسایل بازی دیگر اسباب بازی هستند.

toybox — جعبه اسباب بازی

(toy boxes)

A **toy box** is a container that holds toys, like balls, blocks, and stuffed animals. When you clean up toys, you can put them in the **toy box.**

جعبه اسباب بازی، جعبه‌ای است که اسباب بازی‌هایی نظیر توپ، لگو و حیوانات نرم و عروسکی را در خود نگه می‌دارد. هنگامی که اسباب‌بازی‌های خود را تمیز می‌کنید، می‌توانید آن‌ها را در جعبه اسباب‌بازی بگذارید.

track

1 . A **track** is a path where people race or jog with their feet. 2. A railroad **track** is a special road where trains run over metal rails to get somewhere.

۱ - مسیر. مسیر راهی است که مردم در آن مسابقه می‌دهند یا آهسته می‌دوند.

۲ - خط، ریل. خط آهن مسیر ویژه‌ای است که قطارها بر روی ریل‌های فلزی حرکت می‌کنند تا به جایی بروند.

trade — عوض کردن، مبادله کردن

(trades, traded, trading)

The boys **traded** their baseball cards.

عوض کردن، مبادله کردن. آن پسرها کارت‌های بیسبال خود را با یکدیگر عوض کردند.

traffic light — چراغ راهنمایی

A **traffic light** is a series of colored lights beside a road that tells drivers what to do: red means to stop, yellow means to slow down, and green means to go.

چراغ راهنمایی مجموع چراغ‌هایی رنگی است که در کنار خیابان قرار دارند و به رانندگان می‌گویند که چه کاری را باید انجام دهند: چراغ قرمز یعنی ایست، زرد یعنی با احتیاط حرکت کن و سبز یعنی حرکت کن.

trailer — یدک کش، تریلر

A **trailer** is a vehicle with wheels but without a motor that attaches to a car or truck to help you move things to another place. A **trailer** could hold milk in a large, long tank.

تریلر وسیله‌ای است که چرخ دارد ولی موتور ندارد و به ماشین یا کامیونی متصل می‌شود و کمک می‌کند که اجسام را به مکانی دیگر منتقل کنید. تریلر می‌تواند شیر را در مخزنی بزرگ و دراز نگهداری کند.

train

(trains, trained, training)

1. If you **train** your pet, you teach it how to do something. I **trained** my dog to catch a stick. 2. You can travel on tracks in a **train** pulled by an engine.

۱ - تربیت کردن. اگر حیوان دست آموز خود را تربیت می‌کنید، به آن یاد می‌دهید که چگونه کاری را انجام دهد. سگم را تربیت کردم تا چوبی را بگیرد.

۲ - قطار. شما می‌توانید بر قطاری سوار شوید که روی خط آهن حرکت می‌کند و با موتور رانده می‌شود.

trap — دام، تله

A **trap** is something that you set to catch an animal or a person. You put cheese on a **trap** to catch a mouse.

دام چیزی است که برای گرفتن حیوان یا انسان گذاشته می‌شود. شما روی تله پنیر می‌گذارید تا موش را بگیرید.

trash — آشغال، زباله

Trash is something that is not any good, that people throw away. The man threw his paper cup in the **trash**.

زباله چیزی است که خوب و مفید نیست و مردم آن را بیرون می‌اندازند. آن مرد فنجان یک بار مصرف خود را در زباله انداخت.

trash can — ظرف آشغال

A **trash can** is a large container made of metal or plastic with a lid. You throw garbage in a **trash can**.

ظرف آشغال ظرف در دار بزرگی است که از فلز یا پلاستیک ساخته است. زباله را در ظرف آشغال می‌ریزید.

travel
رفتن ، سفر کردن

(travels, traveled, traveling)

When you **travel**, you go from one place to another. I **traveled** to school on the yellow school bus.

هنگامی که سفر می‌کنید ، ازمکانی به مکان دیگر می‌روید. با اتوبوس زرد رنگ مدرسه به مدرسه رفتم.

tray
سینی

A **tray** is a shallow, flat board used for holding or carrying objects. The child carried her food on a **tray**.

سینی وسیله صاف و کم عمقی است که برای نگه داشتن و حمل اشیاء استفاده می‌شود. بچه غذایش را در یک سینی حمل کرد.

treasure
گنج ، گنجینه

Pirates hid their special things in a **treasure** chest.

دزدان دریایی اشیاء قیمتی خود را در صندوق گنج پنهان می‌کردند.

tree
درخت

A **tree** is a tall, woody plant with a trunk and branches. Some **trees** have leaves, while others have needles.

درخت گیاه چوبی و بلندی است که تنه و شاخه دارد.بعضی از درخت‌ها برگ دارند و در حالی که درخت‌های دیگر برگ‌هایشان سوزنی است.

triangle
مثلث

A **triangle** is a shape with three straight sides and three corners.

مثلث شکلی است که سه ضلع صاف و سه گوش دارد.

trick

(tricks, tricked, tricking)

The boy **tricked** his mom by hiding her car keys so they couldn't leave the park.

۱ - حقه زدن. آن پسر با قایم کردن کلید ماشین به مادرش حقه‌ای زد تا نتوانند از پارک خارج شوند.

۲ - گول زدن ، شوخی با کسی.

tricycle
سه چرخه

A **tricycle** is a toy with three wheels and a seat that you ride. You pedal a **tricycle** and steer it with a handlebar.

سه چرخه وسیله بازی است که سه چرخ و یک صندلی دارد که سوار آن می‌شوید. سه چرخه را پا می‌زنید و با فرمان آن را هدایت می‌کنید.

trip

(trips, tripped, tripping)

1. My father tripped over the sleeping cat.
2. When you on a **trip**, you travel somewhere.

۱ - پای کسی به چیزی گیر کردن و به زمین خوردن.
پدرم پایش به گربه خوابیده خورد و زمین افتاد.

۲ - سفر. هنگام سفر به جایی می‌روید.

trombone
ترامبون

A **trombone** is a long, curved, brass musical instrument that makes a sound when you blow into it. One end of the **trombone** slides in and out.

ترامبون نوعی وسیله موسیقی از جنس فلز برنج می باشد که منحنی شکل و بلند است و هنگامی که در آن می‌دمید صدا ایجاد می‌کند. یک طرف ترامبون به جلو و عقب حرکت می‌کند.

trophy
جایزه، نشان افتخار

(trophies)

A **trophy** is a prize you get when you win a game or race. Sometimes a **trophy** has your name on it.

نشان افتخار جایزه‌ای است که هنگام برنده شدن در مسابقه یا بازی بدست می‌آورید.
بعضی اوقات برروی نشان افتخار نام شما نوشته می‌شود.

trouble
مشکل ، گرفتاری

The boys were having **trouble** fishing because they ran out of worms.

پسرها در ماهی گیری با مشکل روبرو شدند زیرا کرم آنها تمام شد.

troublemaker مشکل ساز

Someone who is a **troublemaker** behaves badly. A **troublemaker** creates problems for others.

شخصی که مشکل ساز است رفتار بدی دارد .فرد مشکل ساز برای دیگران درد سر ایجاد می‌کند.

truck کامیون

A **truck** is a big vehicle with large wheels that carries things in the back. A driver rides in the front of a **truck.**

کامیون وسیله نقلیه بزرگی است که چرخ‌های بزرگی دارد که اجسام را در پشت خود حمل می‌کند. راننده در جلوی کامیون می‌نشیند و رانندگی می‌کند.

true

(truer, truest)

1. If something is **true**, it really happened. 2. It is **true** that you have a very nice house.

۱- واقعی .اگر چیزی واقعی باشد، حقیقتاً اتفاق افتاده است.
۲- حقیقت. حقیقتاً خانه بسیار زیبایی دارید.

trumpet ترومپت

A **trumpet** is a curved, brass instrument that makes a sound when you blow into it. You push three valves on the **trumpet** to change the sounds it makes.

ترومپت نوعی ساز از جنس فلز برنج است که هنگام دمیدن در آن صدا ایجاد می‌شود. با فشار بر روی دگمه روی ترومپیت، صداهایی را که ایجاد می‌کند، تغییر می‌دهید.

trunk

1. A **trunk** is a large, heavy box that people use to store things. 2. An elephant's long nose is called a **trunk**, and the animal uses it to get food and water. 3. The **trunk** of a tree is the long, thick part that comes up from the ground.

۱- صندوق. صندوق جعبه سنگین و بزرگی است که مردم برای نگهداری چیزها از آن استفاده می کنند.
۲- خرطوم. بینی دراز فیل خرطوم نام دارد و حیوان با استفاده از آن آب و غذا را بدست می‌آورد.
۳- تنه درخت. تنه درخت بخش بلند و ضخیمی است که از زمین بیرون می‌آید.

trust اعتماد کردن به

(trusts, trusted, trusting)

If you **trust** someone, you believe they will do what they say. I **trust** my friend to care for my pet.

اگر به کسی اعتماد دارید، معتقد هستید آن چیزی را که می گوید، انجام می‌دهد. به دوست خود اعتماد دارم که از حیوان دست آموزم مراقبت می‌کند.

try

(tries, tried, trying)

1. I **tried** the salad to see if I liked it. 2. When you **try** to do something, you attempt to do it. I **try** to help my mom.

۱- امتحان کردن. این سالاد را امتحان کردم (و خوردم) تا ببینم که آیا از آن خوشم می‌آید.
۲- سعی کردن. هنگامی که سعی می‌کنید چیزی را انجام بدهید، تلاش خود را برای انجام دادن آن کار می‌کنید. سعی دارم به مادر خود کمک کنم.

T-shirt تی شرت

A **T-shirt** is something with short sleeves that covers the top of your body. Many **T-shirts** have words or pictures on them.

تی‌شرت لباسی است که آستین کوتاه دارد که قسمت بالای بدنتان را می‌پوشاند. روی بسیاری از تی‌شرت‌ها کلمات یا تصاویری نقش بسته است.

tub لگن، وان

A **tub** is a wide, round metal or plastic container. You can carry things in a **tub**, or you can put water in it to wash things.

لگن نوعی ظرف گرد و پهن فلزی یا پلاستیکی است. می‌توانید چیزی را داخل آن حمل کنید یا در آن آب بریزید و چیزی را بشویید.

tuba شیپور نظامی، توبا

A **tuba** is a huge brass instrument that makes low sounds when you blow into it.

توبا نوعی ساز بزرگ برنجی است که هنگام دمیدن در آن صداهای بمی ایجاد می‌شود.

Tuesday سه شنبه

Tuesday is the third day of the week. **Tuesday** comes after Monday.

سه شنبه سومین روز هفته تقویم میلادی می‌باشد. سه شنبه بعد از دوشنبه می‌آید.

tug کشیدن

(tugs, tugged, tugging)

I am **tugging** on my dog's collar to bring him inside.

قلاده سگم را می‌کشم تا او را به داخل خانه بیاورم.

tugboat کشتی یدک کش

A **tugboat** is a powerful boat that pulls other boats safely into the harbor. Some **tugboats** pull barges over the river.

کشتی یدک کش، کشتی قدرتمندی است که کشتی یا قایق‌های دیگر را سالم به بندر می‌کشد. بعضی از کشتی های یدک کش قایق‌های باری را در رودخانه می‌کشند.

tune آهنگ، نوا

When someone sings or plays a musical instrument, you hear the **tune**.

هنگامی که کسی آواز می‌خواند یا ساز می‌نوازد، آهنگ آن را می‌شنوید.

turkey بوقلمون

A **turkey** is a big bird that can raise its tail into a fan shape. **Turkeys** live on a farm or in the wild. People like to eat **turkey** at Thanksgiving.

بوقلمون پرنده‌ای بزرگ است که می تواند دُم خود را به شکل بادبزن بلند کند، بوقلمون‌ها در مزرعه یا در محیط وحش زندگی می‌کنند. مردم دوست دارند که در روز جشن شکرگذاری بوقلمون بخورند.

turn

(turns, turned, turning)

1. The wheels of a car turn when you drive it. 2 it changes A tadpole **turns** into a frog.

۱ - چرخیدن. چرخ‌های ماشین هنگام رانندگی کردن می‌چرخند.
۲ - تبدیل شدن. نوزاد قورباغه به قورباغه تبدیل می‌شود.

turtle لاک‌پشت

A **turtle** is an animal with wrinkly skin and a hard shell. A **turtle** can hide inside its shell.

لاک‌پشت حیوانی است که پوست ناصاف و لاک محکمی دارد. لاک‌پشت می‌تواند داخل لاکش پنهان شود.

twelve دوازده

Twelve is a number that is one more than eleven. 11 + 1 = 12. **Twelve** is also sometimes called a dozen, such as a dozen eggs.

دوازده عددی است که از یازده یکی بیشتر است. ۱۲=۱+۱۱ . همچنین بعضی اوقات عدد دوازده دوجین نامیده می‌شود، مانند دوجین تخم مرغ.

twenty بیست

Twenty is a number that is two groups of ten. 10+10=20.

بیست عددی است که از دو گروه ده‌تایی تشکیل شده است.

two دو

Two is the number that comes after one. 1 + 1 =2. You have **two** eyes.

دو عددی است که بعد از یک می آید. ۲=۱+۱ . شما دو تا چشم دارید.

U

umbrella چتر

An **umbrella** has a round cloth or plastic top and a long handle with a curved end. You hold an **umbrella** over your head to stay dry when it rains.

چتر سرپوش پارچه ای یا پلاستیکی گردی است که دسته‌ای بلند دارد و انتهایش منحنی شکل است. هنگامی که باران می‌بارد چتر را بر روی سر خود می گیرید تا خشک بمانید.

umpire داور

An **umpire** is a person who makes sure the players follow the rules in sports, such as baseball.

داورفردی است که نظارت می‌کند بازیکنان در ورزش‌هایی مانند بیسبال قوانین مسابقه را رعایت کنند.

uncertain نامشخص

If something is **uncertain**, it may change at any time. It is **uncertain** if the rain will stay away for our picnic.

اگر چیزی نامشخص باشد، ممکن است در هر لحظه تغییر کند. مشخص نیست که در هنگام گردش ما باران قطع شود.

uncle عمو، دایی، شوهر عمه یا خاله

My **uncle** works in a restaurant.

عمویم در رستوران کار می‌کند.

under زیر

The pear is **under** the two lemons.

گلابی زیر دو لیمو قرار دارد.

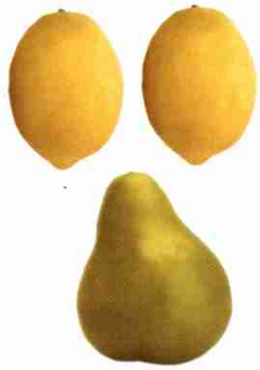

understand فهمیدن

(understands, understood, understanding)

If you **understand** something, you know what it means. I **understand** the directions for building the toy race car.

اگر چیزی را می فهمید، می‌دانید که معنی آن چیست. من دستور ساخت آن ماشین مسابقه اسباب بازی را می فهمم.

underwear لباس زیر

Underwear is clothing you wear under other clothes next to your skin. Underpants and undershirts are **underwear**.

لباس زیر لباسی است که زیر لباس‌های دیگر چسبیده به پوست خود می‌پوشید. زیر شلواری و زیر پیراهنی لباس زیر هستند.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

unhappy — ناراحت

(unhappier, unhappiest)

If you are **unhappy**, you are sad or upset about something. You are **unhappy** that your goldfish died.

اگر ناراحت باشید، شما درباره چیزی غمگین یا عصبانی هستید. از این که ماهی قرمزت مرده است ناراحت هستی.

uniform — لباس فرم، اونیفورم

A **uniform** is a set of clothes that people wear to show they do a certain job or belong to a certain group. Nurses, firefighter athtete and all wear **uniforms**.

اونیفورم مجموعه لباس‌هایی است که افراد برای نشان دادن انجام شغلی خاص یا تعلق به گروهی ویژه می‌پوشند. پرستاران، مأموران آتش‌نشانی و ورزشکاران همگی اونیفورم می‌پوشند.

until — تا، تا این که

Until means up to the time something happens. The girl waited to cross the street **until** the traffic light changed.

تا، یعنی تا هنگامی که چیزی اتفاق بیافتد. آن دختر برای عبور کردن از خیابان صبر کرد تا رنگ چراغ راهنمایی عوض شود.

unzip — باز کردن زیپ

(unzips, unzipped, unzipping)

The lady **unzips** her sweater.

آن خانم زیپ ژاکت خود را باز می‌کند.

up — بالا

If somebody or something goes **up**, it moves from a lower level to a higher one. The airplane goes **up** in the sky.

اگر کسی یا چیزی بالا برود، از سطحی پایین‌تر به سطحی بالاتر حرکت می‌نماید. هواپیما در آسمان بالا می‌رود.

Uranus — سیاره اورانوس

Uranus is a planet in the solar system. **Uranus** is the third largest planet and seventh planet from the Sun.

اورانوس سیاره‌ای در منظومه شمسی است. اورانوس سومین سیاره از لحاظ بزرگی و از لحاظ فاصله با خورشید هفتمین سیاره است.

us — به ما، ما را

Please give the tennis balls to **us**.

لطفاً توپ‌های تنیس را به ما بده.

use — استفاده کردن

(uses, used, using)

When you **use** something, you are doing a job with it. You **use** a hammer and nails to build a house.

هنگام استفاده از چیزی، با آن کاری را انجام می‌دهید. با استفاده از چکش و میخ خانه می‌سازید.

V

vacation — تعطیلات

A **vacation** is a time off from work and school. A **vacation** is often a time for fun and trips.

تعطیلات زمانی است که فردی کار نمی‌کند و به مدرسه نمی‌رود. تعطیلات اغلب زمانی برای تفریح و مسافرت است.

vacuum cleaner — جارو برقی

A **vacuum cleaner** is a machine that sucks up dirt. You use a **vacuum cleaner** to clean rugs, floors, and curtains.

جارو برقی دستگاهی است که خاک و آلودگی‌ها را می‌مکد. شما از جارو برقی برای تمیز کردن فرش، کف اتاق و پرده استفاده می‌کنید.

valentine — کارت والنتاین

A **valentine** is a greeting card that you send to people you like on **Valentine's** Day. Many valentines have heart-shape designs.

کارت والنتاین کارت تبریکی است که در روز والنتاین برای افرادی که دوست دارید می‌فرستید. اکثر کارت‌های والنتاین طرح قلب دارند.

Valentine's Day — روز والنتاین

Valentine's Day is a holiday that takes place on February 14. On **Valentine's Day** you send cards, flowers, or candy to people you love.

روز والنتاین روز تعطیلی است که در ۱۴ فوریه واقع شده است. شما روز والنتاین برای کسانی که دوست دارید کارت، گل یا شیرینی می‌فرستید.

vase — گلدان

A **vase** is a tall, thin container made out of glass that holds water. You can put fresh flowers in a **vase**.

گلدان ظرف بلند و باریکی است که از شیشه ساخته شده و آب را در داخل خود نگه می‌دارد. می‌توانید گل‌های تازه را داخل گلدان بگذارید.

vegetable — سبزی

A **vegetable** is a plant that you eat for food. Carrots, peas, and broccoli are **vegetables**.

سبزی گیاهی است که به عنوان غذامی خورید. هویج، نخود سبز و کلم بروکلی جزء سبزیجات هستند.

Venus — ناهید، زهره

Venus is the second planet from the Sun.

سیاره زهره دومین سیاره نسبت به خورشید است.

very — بسیار

You use the word **very** before another word to make it show a greater amount. The elephant is **very** big.

شما کلمه بسیار را قبل از کلمه‌ای دیگر برای نشان دادن مقدار بیشتر استفاده می کنید. فیل بسیار بزرگ است.

vest — جلیقه، ژیله

A **vest** is a sleeveless jacket worn on the top part of your body over a shirt. A **vest** can be part of a suit.

جلیقه، کت بدون آستینی است که در قسمت بالای بدن بر روی پیراهن می‌پوشید. جلیقه ممکن است بخشی از یک کت و دامن یا کت و شلوار باشد.

video camera دوربین فیلمبرداری

A **video camera** is something that records movies. You hold a **video camera** in your hand. Sometimes a video camera is called a camcorder.

دوربین فیلمبرداری دستگاهی است که فیلم می‌گیرد. دوربین فیلمبرداری را در دست خود نگه می‌دارید. بعضی اوقات دوربین فیلمبرداری camcorder نیز نامیده می‌شود.

videotape نوار ویدیو

A **videotape** is a special tape that records pictures and sounds. You use **videotape** in your VCR or camcorder.

نوار ویدیو نوار خاصی است که تصویر و صدا را می‌توان روی آن ضبط می‌کند. شما از نوار ویدیو در ویدیو یا دوربین فیلمبرداری خود استفاده می‌کنید.

view منظره

A **view** is what you see from a particular place. The **view** of the flowers from the top of the hill is beautiful.

منظره آن چیزی است که از مکان خاصی می‌بینید. منظره گل ها از بالای تپه زیبا می‌باشد.

vine ساقه رونده

Squash grows on a **vine**.

بوته گیاهی است که ساقه مارپیچ و بلند ی دارد و در طول زمین یا بالای درخت‌ها رشد می‌کند. کدو در بوته رشد می‌نماید.

violet گل بنفشه

A **violet** is a small sweet-smelling flower with five petals. **Violets** are purple, white, yellow, or pink.

گل بنفشه گل کوچکی است که بویی خوش و پنج گلبرگ دارد. گل‌های بنفشه به رنگ‌های بنفش، سفید، زرد یا صورتی وجود دارند.

violin ویولون

A **violin** is a wooden instrument that has four strings. You play the **violin** by moving a bow across the strings.

ویولن سازی چوبی است که چهار سیم دارد. با حرکت دادن آرشه بر روی سیم‌ها ویولن می‌نوازید.

visit سر زدن ،دیدن کردن از

(visits, visited, visiting)

The girls are **visiting** the library to get books.

آن دخترها به کتابخانه سر زدند تا کتاب بگیرند.

voice صدا

Your **voice** is the sound you make when you talk or sing.

صدای شما آوایی است که هنگام آواز خواندن یا صحبت کردن ایجاد می‌کنید.

volleyball والیبال

A **volleyball** is a round, white ball about the size of a soccer ball. You hit a **volleyball** over a net during the game of volleyball.

توپ والیبال توپ سفید و گردی حدوداً هم اندازه توپ فوتبال است. طی بازی والیبال به توپ ضربه می‌زنید وآن را از بالای تور عبور می‌دهید.

vulture کرکس

A **vulture** is a large bird that does not have any feathers on its head. **Vultures** eat animals that are already dead.

کرکس پرنده‌ای بزرگ است که بر روی سرش پر ندارد. کرکس‌ها از حیواناتی که تازه مرده‌اند تغذیه می‌کنند.

W

waffle
وافل

A **waffle** is a crisp, bumpy cake cooked in a waffle iron. We had **waffles** with butter and syrup far breakfast.

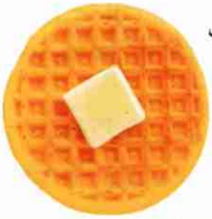

وافل شیرینی ترد و ناصافی است که در ظرف مخصوص پخت وافل تهیه می‌شود. ما صبحانه، وافل همراه با کره و شیره داشتیم.

wag
تکان دادن

(wags, wagged, wagging)

The dog was **wagging** his tail.

سگ داشت دمش را تکان می‌داد.

wagon
گاری، ارابه

A **wagon** carries people and things from place to place. They can be pulled by hand, by horses, or by a tractor.

گاری مردم و چیزها را از مکانی به مکان دیگر می‌برد.
گاری می‌تواند با کمک دست، اسب یا تراکتور کشیده شود.

wait
صبر کردن

(waits, waited, waiting)

If you **wait**, you stay in one place until something happens. *We **waited** by the toaster for the taast to pap up.*

اگر صبر کنید، در جایی می‌ایستید تا چیزی اتفاق بیافتد. در کنار دستگاه توستر منتظر شدیم تا نان تست از دستگاه بیرون بیاید.

walk
راه رفتن

(walks, walked, walking)

When you **walk**, you put one foot in front of the other and move along.

هنگام راه رفتن، یک پای خود را جلوی پای دیگر می‌گذارید و حرکت می‌نمایید.

wall

A **wall** is something you make with stones or bricks to separate one person's land from another's.

۱ - دیوار.
۲ - حصار. حصار چیزی است که با سنگ یا آجر می‌سازید تا زمین فردی را از فرد دیگر جدا کنید.

wallet
کیف پول (مردانه)

My brother's **wallet** was lost last night.

کیف پول برادرم دیشب گم شد.

walnut
گردو

A **walnut** is a thick, hard-shelled nut from a tree. You can eat the soft nut inside.

گردو میوه مغزدار درشتی است که پوست سخت و محکمی دارد و بر روی درخت رشد می‌کند. شما می‌توانید میوه نرم داخل آن را بخورید.

wand
چوبدستی

A **wand** is a small, thin stick you hold in your hand. A magician waves a **wand** to perform magic tricks.

چوبدستی چوب کوچک و باریکی است که در دست می‌گیرید. شعبده‌بازها برای شعبده‌بازی چوبدستی خود را تکان می‌دهند.

want
خواستن

(wants, wanted, wanting)

If you **want** something, you would like to have it
The girl **wants** some peanut butter for her sandwich.

اگر چیزی را بخواهید، دوست دارید که آن را داشته باشید. آن دختر مقداری کره بادام زمینی برای ساندویچ خود می‌خواهد.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

war
چنگ

When armies or groups of people fight against each other, they are at **war**.

هنگامی که ارتش یا گروهی از مردم با یکدیگر جنگ می‌کنند، آنها در جنگ هستند.

warm
گرم

(warmer, warmest)

The boy **wears** his fuzzy hat to keep his head warm.

آن پسر کلاه پشمی خود را به سر گذاشت تا سر خود را گرم نگه دارد.

was
بود

(be, am, are, is, were, been, being)

She **was** playing volleyball this morning.

او امروز صبح داشت والیبال بازی می‌کرد.

wash
شستن

(washes, washed, washing)

To **wash** is to clean something with soap and water. You **wash** your hands before you eat.

شستن تمیزکردن چیزی با آب و صابون است. شما دستان خود را قبل از غذا خوردن می‌شویید.

washcloth
حوله‌ی کوچک، لیف

A **washcloth** is a small square cloth you use to wash your face and body with soap and water.

لیف پارچه کوچک و مربع شکلی است که با استفاده ازآن صورت و بدن خود را با آب و صابون می‌شویید.

waste
هدر دادن، اسراف کردن

(wastes, wasted, wasting)

If you **waste** something, you are using more of it than you need. Do not **waste** all of the toothpaste on your brush.

اگر در چیزی اسراف کنید، بیش از حد احتیاج از آن استفاده می‌کنید. با ریختن همه خمیر دندان را بر روی مسواک آن را هدر نده.

watch

(watches, watched, watching)

1. You **watch** the bee fly to the flower. 2. A **watch** is a small clock you wear on your wrist.

۱ - تماشا کردن، نگاه کردن. تو زنبور را که به طرف گل پرواز می‌کند، تماشا می‌کنی.

۲ - ساعت مچی. ساعت مچی ساعت کوچکی است که به دور مچ خود می‌بندید.

water
آب

Water is a clear liquid without any smell or taste. **Water** falls from the sky in the form of rain. You can drink **water** or take a bath in it.

آب مایع زلالی بدون بو یا مزه است. آب به شکل باران از آسمان می‌بارد. شما می‌توانید آب را بنوشید یا با آن حمام کنید.

watermelon
هندوانه

A **watermelon** is a large juicy fruit with a thick green skin. Inside, the **watermelon** is crisp and red with many seeds.

هندوانه میوه آبدار بزرگی است که پوست سبز و ضخیمی دارد. داخل هندوانه ترد و قرمز است و دانه‌های زیادی در آن وجود دارد.

wave

(waves, waved, waving)

1.You say hello or good-bye to someone when you **wave** your hand side to side. 2. A **wave** is a high, curved line of water moving across the ocean. The boy rides the surfboard on the **waves**.

۱ - تکان دادن، دست تکان دادن. هنگام گفتن سلام یا خداحافظی دست خود را از جهتی به جهت دیگر تکان می‌دهید.

۲ - موج. موج خط منحنی شکل بلندی از آب است که در طول اقیانوس در حال حرکت می‌باشد. آن پسر با تخته موج سواری بر روی موج‌ها سواری می‌کند.

way

1. This is the way you make the bed.
2. This is the **way** from my house to town.

۱- روش. با این روش تخت را مرتب می‌کنی.
۲- راه. این راه خانه من تا شهر است.

we ما

We went for a hike to the pond.

ما برای پیاده روی به طرف برکه رفتیم.

wear

(wears, wore, worn, wearing)

1.When you **wear** clothes, they cover your body. I am **wearing** my snowsuit and hat to play outdoors in the cold. 2. If something **wears** out, it has been used a lot of times and is no longer as good or as strong. The car tires went flat when they **wore** out.

۱- پوشیدن. هنگامی که لباس می‌پوشید، بدن شما را می‌پوشاند. لباس گرم و کلاهم را می‌پوشم و در سرما برای بازی بیرون می‌روم.
۲- کهنه شدن، ساییده شدن. اگر چیزی کهنه شود، از آن دفعات زیادی استفاده شده است و دیگر خوب یا محکم نمی‌باشد. هنگامی که لاستیک‌های ماشین ساییده شدند، پنچر گردیدند.

weather آب و هوا. شرایط آب و هوایی

I am wearing a bathing suit for the hot **weather**.

در آب و هوای گرم لباس شنا می‌پوشم.

wedding جشن ازدواج

Our **wedding** was exceptional and great.

جشن ازدواج ما استثنایی و فوق العاده بود.

Wednesday چهارشنبه

Wednesday is the fourth day of the week.
Wednesday comes after Tuesday.

چهارشنبه چهارمین روز هفته تقویم میلادی می‌باشد. چهارشنبه بعد از سه شنبه می‌آید.

week هفته

A **week** is seven days. There are 52 **weeks** in a year.

هفته هفت روز است. ۵۲ هفته در سال موجود می‌باشد.

weigh

(weighs, weighed, weighing)

You put something on a scale and **weigh** it to see how heavy it is. The potatoes **weighed** ten pounds.

وزن کردن. شما چیزی را روی ترازو می‌گذارید و وزن می‌کنید تا ببینید چقدر سنگین می‌باشد. سیب زمینی‌ها پنج کیلووزن داشتند.

weird عجیب و غریب

(weirder, weirdest)

The monster looks **weird,** with two heads.

هیولا با داشتن دوسر، عجیب و غریب به نظر می‌آید.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

welcome خوش آمد گفتن

(welcomes, welcomed, welcoming)

The girl **welcomes** her friend to the party.

آن دختر به دوستش در مهمانی خوش آمد می گوید.

well

(better, best)

1. If you do something **well**, you do it in a good way.
2. If you are feeling **well**, you are healthy and not sick.

۱ - درست. اگر چیزی را درست انجام دهید، آن را به روش خوب و مناسبی انجام می‌دهید.

۲ - خوب. اگر احساس خوبی دارید، یعنی شما سالم هستید و مریض نمی‌باشید.

were بودید

(be, am, are, is, was, been, being)

The children **were** at the park.

بچه‌ها در پارک بودند.

west غرب

West is a direction. The sun sets in the **west** in the evening.

غرب جهت می‌باشد. خورشید هنگام عصر در مغرب می‌کند.

wet خیس

(wetter, wettest)

The friends got **wet** when they went swimming.

دوستان هنگام شنا خیس شدند.

whale وال، نهنگ

A **whale** is a huge ocean animal that looks like a fish but is really a mammal. A blue **whale** breathes through a spout in its head and is the largest animal in the world.

وال حیوان بزرگی است که در اقیانوس زندگی می کند. وال شبیه ماهی است ولی در حقیقت جزء پستانداران می‌باشد. وال آبی از طریق حفره‌ای بر روی سرش تنفس می‌کند و بزرگترین حیوان در دنیا است.

what چه

When you use **what**, you ask about the identity or makeup of something. Do you know **what** questions the teacher will ask on the quiz?

هنگامی ازکلمه چه استفاده می‌کنید که می‌خواهید درباره هویت یا ساخت چیزی‌سؤال‌نمایید. می‌دانی چه سؤالاتی را معلم در امتحان خواهد پرسید؟

wheat گندم

Farmers grow **wheat**, a type of grain on tall stalks. We grind the **wheat** seeds to make flour for bread.

کشاورزان گندم کشت می‌کنند، گندم نوعی دانه است که بر روی ساقه بلندی رشد می‌کند.

ما دانه‌های گندم را آسیاب می‌کنیم تا برای نان آرد درست کنیم.

wheel چرخ

A **wheel** is shaped like a circle and rolls around. A **wheel** moves things along the ground, like cars, bicycles, and skateboards.

چرخ به شکل دایره است و می‌چرخد. چرخ اجسامی مانند ماشین، دوچرخه و تخته اسکیت را در طول زمین حرکت می‌دهد.

wheelchair صندلی چرخدار

A **wheelchair** is a type of seat with large wheels. You use a **wheelchair** when you are sick or cannot walk.

صندلی چرخدارنوعی صندلی باچرخ‌های بزرگ است.

هنگامی‌که مریض هستید یا نمی‌توانیدحرکت کنید ازصندلی چرخدار استفاده می‌نمایید.

when
چه وقت، وقتی که

You use **when** to ask or tell about a particular time. Do you know **when** the movie begins?

با استفاده از کلمه چه وقت درباره زمان خاصی سؤال کرده یا صحبت می‌کنید. می‌دانی کی فیلم شروع می‌شود؟

where
کجا، جایی که

You use **where** when you want to know about a place. **Where** should I hang my coat?

هنگامی که بخواهید مکان چیزی را بدانید از کجا استفاده می‌کنید. کجا کتم را آویزان کنم؟

whether
آیا

Do you know **whether** or not the train left on time?

آیا می‌دانید که قطار به موقع ایستگاه را ترک کرد یا نه؟

which
کدام، که

You use **which** when you want to know about a specific person or thing, **Which** piece of fruit will the boy choose, the apple or the banana?

کدام، که. هنگامی‌از کلمه‌کدام استفاده می کنیدکه می‌خواهید درباره فرد یا چیز خاصی بدانید. آن پسر کدام میوه را انتخاب خواهد کرد، سیب یا موز را؟

while
در حالی که

While means at the same time as something else is happening. The girl played a game on the computer **while** her friend read a book.

در حالی که یعنی در همان زمان که چیز دیگری در حال اتفاق می‌باشد. آن دختر داشت بازی رایانه‌ای می‌کرد، در حالی که دوستش کتاب می‌خواند.

whiskers
سبیل

Whiskers are long, stiff hairs that grow on a man's face, like a beard. **Whiskers** also grow on either side of the nose on the faces of some animals, such as a cat.

سبیل موهای ضخیم و بلندی است که بر روی صورت یک مرد مثل ریش رشد می‌کند. سبیل همچنین طرف بینی بعضی از حیوانات مانند گربه رشد می‌کند.

whisper
زمزمه کردن

(whispers,whispered,whispering)

When people **whisper**, they speak in a very quiet, low voice. The girl **whispers** a secret in her friend's ear, so no one else can hear it.

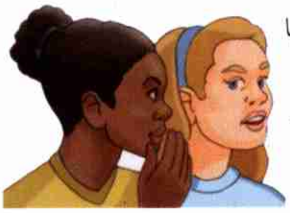

هنگامی که مرم زمزمه می‌کنند، آن‌ها با صدای بسیار آرام و کوتاهی صحبت می نمایند. آن دختر رازی را در گوش دوستش زمزمه می‌کند به طوری که کسی دیگر نتواند آن را بشنود.

whistle
سوت

A **whistle** is a small instrument that ,when someone blows into it, makes a sharp, high-pitched sound. Police officers blow **whistles** to move traffic along.

سوت وسیله کوچکی است که وقتی فردی در آن فوت می‌کند، صدای گوشخراش بلندی ایجاد می‌نماید. افسرهای پلیس برای حرکت دادن ترافیک از سوت استفاده می‌کنند.

white
سفید

When something has no color, it is **white**. Snow is **white**.

هنگامی که چیزی رنگی نداشته باشد، سفید است. برف به رنگ سفید می‌باشد.

who
چه کسی، که

When you use **who**, you are asking about the identity of a particular person or group. **Who** do you think ate all of the Halloween candy?

هنگامی از چه کسی، استفاده می‌کنید که می خواهید درباره هویت شخص یاگروه خاصی بدانید. فکر می‌کنی چه کسی تمام شیرینی‌های جشن هالووین را خورد؟

whole
کامل، تمام. کل یک چیز

The **whole** town was destroyed by the earthquake.

زلزله تمام شهر را ویران کرد.

why چرا، دلیل

The boy asks his teacher **why** the duck has webbed feet.

پسر از معلم خود دلیل پره‌دار بودن پاهای اردک را می‌پرسد.

wide عریض، پهن، عرض

The distance from one side of something to the other is how **wide** it is. A car is too **wide** to go on that path.

فاصله یک طرف چیزی از طرف دیگر آن، عرضش می باشد. عرض آن ماشین بیشتر از آن است که بتواند از آن مسیر عبور کند.

wife همسر، زن

(wives)

A man's **wife** is the woman he married.

همسر یک مرد زنی است که با او ازدواج کرده است.

will خواستن (نشانه آینده)

Will refers to something that is going to happen in the future. Debbie **will** carry the groceries for her grandmother.

خواستن به چیزی اشاره می‌نماید که قرار است در آینده اتفاق افتد. دِبی خوارو‌بار و خریدهای مادر بزرگش را حمل خواهد کرد.

win برنده شدن

(wins, won, winning)

When you come in first in a race or a game or do better than other players, you **win**. The boy **won** first prize in the chess match.

هنگامی که در یک مسابقه یا بازی اول می‌شوید یا نسبت به سایر بازیکنان بهتر بازی می‌کنید، برنده شده‌اید. آن پسر برنده جایزه اول مسابقه شطرنج شد.

wind باد

Wind is fast-moving air. The **wind** blows the leaves down the street.

باد هوایی است که با سرعت حرکت می‌کند. باد برگ‌های خیابان را به پایین خیابان می‌راند.

window پنجره

A **window** is an opening in a hall or car that lets in sunlight and air. Most **windows** are covered in glass.

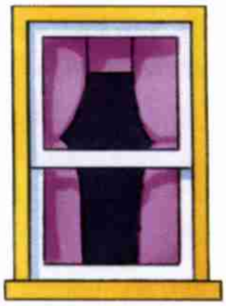

پنجره روزنه‌ای در سالن یا در ماشین است که می‌گذارد نور خورشید و هوا از آن عبور کند. اکثر پنجره‌ها با شیشه پوشانده می‌شوند.

wing بال

A **wing** is a part of a bird's body that helps it to fly. Birds, bats, and insects flap their **wings** to fly .

بال بخشی از بدن یک پرنده است که به پرواز آن کمک می‌کند. پرنده‌ها، خفاش‌ها و حشرات برای پرواز کردن بال‌های خود را تکان می‌دهند.

winter زمستان

Winter is the season that comes between fall and spring. **Winter** is the coldest season of the year.

زمستان فصلی است که بین پاییز و بهار قرار دارد. زمستان سردترین فصل سال می‌باشد.

wipe خشک کردن

(wipes, wiped, wiping)

The boy **wiped** the dishes with a towel.

آن پسر ظرف‌ها را با حوله خشک کرد.

wise عاقل

(wiser, wisest)

If someone is very **wise**, she is aware of what is going on, and she has good sense. The **wise** girl brought along an umbrella in case of rain.

اگر کسی عاقل باشد، می‌داند که در اطرافش چه می‌گذرد و درک خوبی دارد. آن دختر عاقل با خودش چتر آورد مبادا که باران ببارد.

wish آرزو کردن
(wishes, wished, wishing)

If you **wish** for something, you want it or hope very much that it will happen. The boy **wishes** for a puppy for his birthday.

اگر چیزی را آرزو کنید، آن را می‌خواهید و امیدوارید که آن خواسته اتفاق بیافتد. آن پسر برای تولد خود آرزوی داشتن یک توله سگ را دارد.

witch جادوگر
(witches)

A **witch** is a person thought to have magic power. In stories, **witches** might ride on brooms or cast spells.

جادوگر شخصی است که تصور می‌شود قدرت جادویی دارد. در داستان‌ها ممکن است جادوگرها سوار بر جارو شوند یا طلسم کنند.

with

1. The boy is playing **with** his friend. 2. You may use **with** to show that someone is using something. The lady is writing **with** a pen.

۱- با. آن پسر با دوستش بازی می‌کند.

۲- با، با کمک. با استفاده از کلمه با نشان می‌دهید که شخصی از چیزی استفاده می کند. آن خانم با خودکار می‌نویسد.

without بدون

The girl had to play the piano **without** her sheet music.

آن دختر باید بدون صفحه موسیقی‌اش پیانو می‌زد.

wolf گرگ
(wolves)

A **wolf** is a wild animal that looks like a dog with a pointed nose, pointed ears, and sharp teeth.

گرگ حیوانی وحشی شبیه سگ است که پوزه، گوش‌های نوک تیز و دندان‌های تیزی دارد.

woman زن
(women)

That **woman** is a nurse.

آن زن پرستار است.

wonderful عالی، فوق العاده

My new haircut is **wonderful**.

مدل جدید مویم فوق العاده شده است.

wood چوب

Wood is the hard part of the tree that comes from the trunk and branches. You can build houses and furniture with **wood**.

چوب قسمت سخت و محکم درخت است که از تنه و شاخه‌های درختان به دست می‌آید. شما می‌توانید با چوب، خانه و مبلمان درست کنید.

woodpecker دارکوب

A **woodpecker** is a bird that taps holes in trees with its long, sharp beak. A **woodpecker** finds insects to eat in the small holes and makes a nest in the large trees.

دارکوب پرنده‌ای است که با نوک تیز و بلندش در درخت سوراخ‌هایی را ایجاد می‌کند. دارکوب حشرات را در سوراخ‌های کوچک پیدا می‌کند و از آن‌ها تغذیه می‌نماید و در درخت‌های بزرگ لانه می‌سازد.

word کلمه

A **word** is a group of sounds and letters that means something when put together. When you speak or write, you use **words**.

کلمه گروهی از صداها و حرف‌ها است که وقتی آن‌ها را کنار هم بگذاریم معنی چیزی را می‌رساند. هنگام صحبت کردن یا نوشتن از کلمات استفاده می‌کنید.

A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

work

(works, worked, working)

1. My mommy **works** as a doctor. 2.My flashlight **works** with the new batteries.

۱ - کار کردن ، شغل . مادرم به عنوان یک پزشک کار می کند. ۲ - به کار افتادن ، کار کردن . چراغ قوه‌ام با باطری‌های جدید به کار می‌افتد.

world دنیا

The **world** is the planet we live on, with all of the people and the things in it.

دنیا سیاره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم با همه مردم و چیزهای درون آن است.

worm کرم

A **worm** is a long, thin animal without arms and legs that lives in dirt. **Worms** are soft and small.

کرم حیوان دراز وباریکی است که بازو و پا ندارد و در گِل زندگی می‌کند. کرم‌ها نرم و کوچک هستند.

worry نگران شدن

(worries, worried, worrying)

If you **worry**, you feel anxious that something bad might happen. I **worry** that my scary nightmares will come true.

اگر نگران باشید ، دلواپس هستید که ممکن است اتفاق بد و ناگواری رخ دهد. نگران هستم که کابوس‌های ترسناکم به حقیقت بپیوندد.

worse بدتر ، شدیدتر

(bad, worst)

My hurt finger is much **worse** today.

انگشت صدمه دیده‌ام امروز بدتر شده است.

would

خواستن ، آرزوی انجام کاری را داشتن (گذشته will)

I **would** like to have fifty cents to buy ice cream.

دلم می‌خواست برای خرید بستنی پنجاه سنت داشتم.

wreath حلقه گل

A **wreath** is a pretty wall hanging. **Wreaths** are often made from small branches or straw. You decorate a **wreath** with flowers, ribbons, and ornaments.

حلقه گل وسیله زینتی قشنگی برای آویختن به دیوار است. حلقه‌های گل از حصیر یا شاخه‌های کوچک درست می‌شوند. شما حلقه گل را با گل ، روبان و وسایل زینتی تزئین می‌نمایید.

write نوشتن

(writes, wrote, written, writing)

People most often **write** on paper.

مردم اکثراً روی کاغذ می‌نویسند.

writer نویسنده

A **writer** is a person who puts her thoughts down on paper or at the computer and writes for a job.A **writer** writes books and articles for magazines and newspaper.

نویسنده فردی است که افکار خود را بر روی کاغذ یا رایانه می‌آورد و نوشتن شغل او می‌باشد. نویسنده برای روزنامه و مجلات ، کتاب و مقاله می‌نویسد.

wrong اشتباه ، خطا

Wrong means something is not right. We took the **wrong** turn in the road, and now we are lost.

اشتباه یعنی چیزی درست نباشد.

در جاده اشتباه پیچیدیم و حالا گم شده‌ایم.

X

ray x دستگاه اشعه ایکس، عکس با اشعه ایکس

An **X ray** is a photograph of your insides. You can see your bones on an **X ray**.

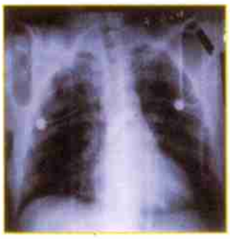

عکس اشعه ایکس، تصویری از درون بدن شما است. می‌توانید استخوان‌هایتان را در عکس اشعه ایکس ببینید.

xylophone زایلوفون، سنتئور چوبی

A **xylophone** is a musical instrument with rows of wooden or metal bars. You play a **xylophone** by hitting the bars with small hammers.

زایلوفون نوعی وسیله موسیقی دارای ردیفی از قطعه‌های چوبی یا فلزی است. برای نواختن زایلوفون با چکش‌های کوچک به قطعات زایلوفون ضربه می‌زنید.

Y

yard

A **yard** is a measurement.
The children like to play in the **yard**.
The children like to play in the yard.

۱- یارد. واحد اندازه‌گیری است. یک یارد ۹۱/۴۴ سانتی‌متر می‌باشد.

۲- حیاط. بچه‌ها دوست دارند در حیاط بازی کنند.

yawn خمیازه کشیدن

(yawns, yawned, yawning)

When you **yawn**, you open your mouth wide and breathe in and out because you are tired. Sometimes people stretch their arms out when they **yawn**.

هنگامی که خمیازه می‌کشید، دهان خود را باز می‌کنید و نفس خود را به داخل و به بیرون می‌دهید، زیرا خسته هستید. بعضی اوقات مردم هنگام خمیازه کشیدن بازوهای خود را می‌کشند.

year سال

A **year** is a measure of time. There are twelve months in one **year**.

سال مقیاس اندازه‌گیری زمان است. دوازده ماه در سال وجود دارد.

yell فریاد کشیدن

(yells, yelled, yelling)

She was angray so she **yelled** at her brother.

او عصبانی بود، بنابراین بر سر برادرش فریاد کشید.

yellow زرد

Yellow is a bright, sunny color. Lemons, bananas, and egg yolks are **yellow** foods.

زرد رنگی روشن به رنگ آفتاب است.
لیمو، موز و زرده تخم مرغ مواد غذایی زرد رنگی هستند.

yes بله

You use **yes** to show you agree. **Yes,** I will help you clean up the yard.

شما از بله استفاده می‌کنید تا موافقت خود را نشان دهید. به تو کمک می‌کنم تا حیاط را تمیز کنید.

yet هنوز

The baby cannot feed herself **yet**.

نوزاد هنوز خودش به تنهایی نمی‌تواند غذا بخورد.

you شما

You must meet me at the store.

شما باید من را در فروشگاه ملاقات کنید.

young جوان، کوچک

(younger, youngest)

A colt is a **young** horse that still needs its mother.

کره اسب. اسب کوچکی است که هنوز به مادر خود احتیاج دارد.

your مال تو

This is **your** big brass tuba.

این ساز بزرگ توبا متعلق به تو است.

yo–yo یو – یو

A **yo-yo** is a round toy that looks like a flat spool on a string. The string winds around the **yo-yo** so you can make it go up and down and spin.

یو-یو اسباب بازی گردی شبیه قرقره‌ای صاف است و بند دارد. بند به دور یو-یو پیچیده شده است، بنابراین می‌توانید با بند یو-یو را به طرف بالا و پایین حرکت بدهید و بچرخانید.

zebra گورخر

A **zebra** is an African animal that looks like a striped horse.

گورخر حیوانی شبیه به اسبی راه راه است که در آفریقا زندگی می‌کند.

zero صفر

A **zero** is a math symbol that means none.

صفر علامتی ریاضی به معنای هیچ است.

zip باز کردن و بستن چیزی با زیپ

(zips, zipped, zipping)

Zip up your sweater so you will stay warm.

زیپ ژاکت خود را ببند تا گرم بمانی.

zipper زیپ

A **zipper** is a clothes fastener with two rows of metal or plastic teeth. You can have a **zipper** on your jeans or jacket.

زیپ بند پارچه‌ای است که دو ردیف دندانه‌دار پلاستیکی یا فلزی دارد. شلوار جین یا ژاکت شما می‌تواند دارای زیپ باشد.

zoo باغ وحش

A **zoo** is a place where wild animals, such as tigers and elephants, are kept so that people can come and see them.

باغ وحش مکانی است که حیوانات وحشی مانند ببرها و فیل‌ها نگهداری می‌شوند تا مردم بتوانند بیایند و آن‌ها را ببینند.

zucchini کدوی سبز

Zucchini is a squash that is dark green on the outside and white on the inside. **Zucchini** grows on vines.

کدوی سبز، کدویی است که رنگ بیرون آن به رنگ سبز تیره و درون آن سفید است. کدوی سبز در بوته رشد می‌کند.

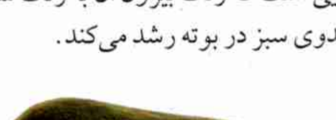

خواندن دنیایی را متحول می‌سازد.

فراگیری چگونه خواندن بسیار جالب و هیجان‌انگیز می‌باشد. با معرفی این کتاب، بچه‌ها را در راه آموزش کمک کنید. معانی ساده، تصاویر رنگی و مثال‌ها همگی باعث تقویت یادگیری لغات جدیدی می‌شوند که بچه‌ها روزانه می‌آموزند. به خاطر داشته باشید، وقتی که آنها بتوانند به آسانی مطلبی را بخوانند، عاشق خواندن خواهند شد.

Salad
سالاد

Firefighter
آتشنشان

ISBN 964-502-257-6
نشر سایه گستر